

فهرست مطالب

- باب شصت و دوم زیارت امام حسین علیه السلام گناهان را محو می کند 6
- باب شصت و سوم (زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره می باشد) 15
- باب شصت و چهارم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج می باشد 22
- باب شصت و پنجم در بیان اینکه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج و یک عمره می باشند 29
- باب شصت و ششم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل چند حج می باشد. 42
- باب شصت و هفتم زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می باشد 53
- باب شصت و هشتم زوار حضرت امام حسین علیه السلام شفاعت دیگران را می کنند. 56
- باب شصت و نهم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام غم و اندوه را بر طرف کرده و به واسطه اش حوائج بر آورده می شود 61
- باب هفتادم ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه 69
- باب هفتاد و یکم ثواب کسی که در روز عاشوراً امام حسین علیه السلام را زیارت کند 81
- باب هفتاد و دوم ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان 98
- باب هفتاد و سوم ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در رجب زیارت کند 106
- باب هفتاد و چهارم ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند 108
- باب هفتاد و پنجم ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود 112
- باب هفتاد و ششم جواز ترک غسل برای زیارت امام حسین علیه السلام 119

باب هفتاد و هفتم در بیان اینکه زائرین حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small> که به حق آن حضرت عارف هستند.....	125
باب هفتاد و هشتم درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small> را ترک می کنند.....	134
باب هفتاد و هشتم درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small> را ترک می کنند.....	135
باب هفتاد و نهم در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی <small>علیه السلام</small>	140
باب هشتادم کیفیت خواندن نماز نزد قبر حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small>	246
باب هشتاد و یکم قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی در حائر و تمام مشاهد مشرفه.....	251
باب هشتاد و یکم قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی در حائر و تمام مشاهد مشرفه.....	253
باب هشتاد و دوم تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین <small>علیه السلام</small> و تمام مشاهد مشرفه.....	259
باب هشتاد و سوم نماز فریضه در حرم امام حسین <small>علیه السلام</small> معادل حج و نماز نافله معادل عمره محسوب می شود.....	267
باب هشتاد و چهارم وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما....	272
باب هشتاد و پنجم زیارت قبر حضرت عباس بن علی <small>علیه السلام</small>	280
باب هشتاد و ششم وداع با قبر حضرت عباس بن علی <small>علیه السلام</small>	284
باب هشتاد و هفتم وداع با قبور شهدا <small>علیهم السلام</small>	286
باب هشتاد و هشتم فضیلت کربلا و زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>	288
باب هشتاد و نهم فضیلت زائر حسینی <small>علیه السلام</small> و حرمت آن.....	318
باب نود حائر حسینی <small>علیه السلام</small> از مواضعی است که دعاً در آن محبوب خدا می باشد.....	322

- باب نود و یکم شفاً بودن تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام و مقدار مستحب بودن آن 327
- باب نود و دوم تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاً و امان می باشند 340
- باب نود و سوم مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام 344
- باب نود و چهارم آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می گوید 357
- باب نود و پنجم حرمت خوردن تمام تربت ها مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام زیرا شفاً هر دردی می باشد 360
- باب نود و ششم کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از قبر حضرت سید الشهدا دور می باشد 363
- باب نود و هفتم مکروه بودن جفاً نسبت به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام 373
- باب نود و هشتم کمترین مدتی که در آن حضرت امام حسین علیه السلام را می باید زیارت کرد و حد اکثری که زیارت آن جناب را غنی و فقیر می توانند تاخیر بیاندازند 383
- باب نود و نهم ثواب زیارت قبر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد بن علی الجواد علیه السلام در بغداد 397
- باب صد در بیان زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام 405
- باب صد و یکم ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس 410
- باب صد و دوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام 422
- باب صد و سوم زیارت حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی و حضرت ابی محمد الحسن بن علی العسکری 433
- باب صد و چهارم زیارت نامه جمیع ائمه علیهم السلام زیارت جامعه 437

- باب صد و پنجم فضیلت زیارت مومنین و کیفیت آن 446
- باب صد و ششم فضیلت زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر صلوات الله
علیه در شهر قم 460
- باب صد و هفتم فضیلت زیارت قبر حضرت عبد العظیم بن عبد العظیم بن عبد الله
الحسنی در ری 461
- باب صد و هشتم زیارت نادره 463

ترجمه كامل الزيارات

نام مؤلف: ابى القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى بن قولويه القمى

نام مترجم: سيد محمد جواد ذهنى تهرانى

الباب الثانى و الستون ان زيارة الحسين عليه السلام تحط الذنوب

متن:

حدثنى محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد الحسن الصفار، عن الحسن بن

موسى الخشاب عن بعض رجاله عن ابى عبد الله عليه السلام قال: ان زائر الحسين جعل

ذنوبه جسرا باب داره ثم يعبرها، كما يخلف احدكم الجسر و راه اذا عبره.

باب شصت و دوم زیارت امام حسین علیه السلام گناهان را محو می کند

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از حسن بن موسی الخشاب، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: زائر حسین علیه السلام گناهانش را پلی بر درب خانه اش قرار داده که از آن عبور میکند همانطوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آنرا عقب سر می گذارید.

یعنی زیارت سید الشهدا سلام الله علیه سبب می شود که گناهان محو و زائل گردند.

متن:

حدثنی محمد بن جعفر الرزاز عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن بشیر الدهان، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الرجل یخرج الی قبر الحسین علیه السلام فله اذا خرج من اهله بكل خطوة مغفرة من ذنوبی، ثم لم یزل یقدس بكل خطوة حتی یتیه، فاذا اتاه ناجاه الله عزوجل فقال: عبدی سلنی اعطک، ادعنی اجبک، اطلب منی اعطک، سلنی حاجتک اقضیها لک، قال: و قال ابو عبد الله علیه السلام و حتی علی الله یعطى ما بذل.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسین بن الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، از ابی عبد الله علیه السلام، حضرت درباره کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رود فرمودند:

وی هنگامی که از اهلش جدا می شود به هر قدمی که بر می دارد گناهایش
آمرزیده می شود و سپس پیوسته به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر
مطهر می رسد وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می فرماید:
بنده من از من سوال کن تا به تو اعطاء کنم، من را بخوان تا اجابتت نمایم، از
من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا بر آورده نمایم.

راوی گفت:

امام علیه السلام فرمودند:

و حق است بر خدا که آنچه بذل نموده را اعطاء فرماید.

متن:

و عنه بهذا الاسناد، عن صالح بن عقبه، عن الحارث بن المغيرة، عن ابي عبد
الله عليه السلام قال: ان الله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام فاذا هم الرجل بزيارته
اعطاهم ذبوبة، فاذا خطا محوها، ثم اذا خطا ضاعفوا حسانتها، فما تزال حسناته
تضاعف حتى توجب له الجنة، ثم اکتفوه و قد سوه، و ینادون ملائكة السماء ان
قدسوا زوار حبيب الله، فاذا اغتسلوا ناداهم محمد صلى الله عليه وآله: يا وفد الله ابشروا
بمرافقتي في الجنة، ثم ناداهم اميرالمومنين عليه السلام: انا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع
البلاء عنكم في الدنيا و الآخرة، ثم اکتفوه عن ايمانهم و عن شمائلهم حتى
ینصرفوا الى اهاليهم.

ترجمه:

(حدیث سوم)

و از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صالح بن عقبه، از حارث بن مغیره،
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر مطهر حضرت حسین بن علی
علیه السلام می باشند، هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید خداوند

گناهان او را به این فرشتگان اعطاء نموده و در اختیار آنها می گذارد وقتی وی قدم گذارد فرشتگان گناهان را محو می کنند سپس وقتی قدم بعدی را برداشت حسنات او را مضاعف می نمایند و پیوسته حسنات او را مضاعف کرده تا جائی که بهشت را برای وی واجب می گردانند سپس اطرافش را گرفته و تقدیس و تنزیهش می نمایند و سپس فرشتگان آسمان را ندا می دهند که زوار حبیب حبیب خدا را تقدیس و تنزیه نمائید و وقتی زوار غسل زیارت نمودند حضرت محمد ﷺ ایشان را ندا داده و می فرماید: ای مسافرین خدا بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود.

سپس امیرالمومنین علیه السلام ایشان را ندا داده و می فرماید:

من ضامنم که حوائج شما را بر آورده و در دنیا و آخرت بلا و محنت را از شما دور نمایم.

پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را در بر گرفته تا به اهل و خویشاوندان خود بازگردند.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن ابي عبد الله الجاموراني الرازي، عن الحسن بن علي بن ابي حمزة، عن الحسن بن محمد بن عبد الكريم، عن المفضل بن عمر، عن جابر الجعفي قال: قال ابو عبد الله عليه السلام في حديث طويل فاذا انقلبت من عند قبر الحسين عليه السلام ناداك مناد لو سمعت مقالته لاقمت عمرك عند قبر الحسين عليه السلام و هو يقول: طوبى لك ايها العبد؛ قد غنمت و سلمت، قد غفر لك ما سلف فاستانف العمل و ذكر الحديث بطوله.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة اله عليه، از سعد بن عبد الله، از ابی عبد الله الجامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از حسن بن محمد بن عبد الکریم، از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:

هنگامی که از نزد قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام برگشتی منادی تو را می خواند که اگر صدا و گفتارش را می شنیدی تمام عمر خود را حاضر بودی نزد قبر مطهر صرف و طی نمائی.

منادی می گوید: ای بنده خوشا به حال تو، همانا غنیم بردی و سالم برگشتی، تمام گناهان گذشته ات پاک گردید پس از ابتدا عمل نما....

متن:

حدثني ابوالعباس الزاز قال: حدثنا محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسماعیل، عن الخیبری، عن الحسین بن محمد القمی قال: قال: ابوالحسن موسی علیه السلام: ادنی ما یتاب به زائر الحسین علیه السلام بشاطیء الفرات اذا عرف حقه و حرمته و ولایته ان یغفر ما تقدم من ذنبه ما تاخر.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

ابوالعباس رزاز می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین ابن محمد القمی، وی می گوید: حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام فرمودند: کمترین ثواب و اجر به کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت می کند مشروط به اینکه حق و حرمت و ولایت آن جناب را بشناسد می دهند این است که گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن محمد ابن اورمة، عن زكريا المومن ابي عبد الله، عن عبد الله بن يحيى الكاهلي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من اراد ان يكون في كرامة الله يوم القيامة و في شفاعة محمد صلوات الله عليه و على آله فليكن للحسين زائرا ينال من الله افضل الكرامة و حسن الثواب، و لا يساله عن ذنب عمله في حيا الدنيا و لو كانت ذنوبه عدد رمل عالج و جبال تهامة و زبد البحر، ان الحسين (بن علي) عليه السلام قتل مظلوما مضطهدا نفسه، عطشاناً هو و اهل بيته و اصحابه.

ترجمه:

(حديث ششم)

پدرم رحمة الله عليه، از حسين بن الحسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از زكريا المومن ابي عبد الله، از عبد الله بن يحيى الكاهلي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که می خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمد صلوات الله عليه و آله شاملش گردد پس باید حسين عليه السلام را زیارت کند چه آنکه بالاترین کرامت حقتعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می شود و از گناهانی که در زندگانی دنیا مرتکب شده وی را مورد سوال و باز خواست قرار نمی دهند اگر چه گناهانش به تعداد ریگ های بیابان و به بزرگی کوه های تهامه و به مقدار روی دریاها باشد، حسين بن علي سلام الله علیهما در حالی کشته شد که:

اولاً: مظلوم بود.

ثانیا: نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود.

ثالثاً: خود و اهل بیت و اصحابش تشنه بودند.

متن:

حدثنی ابی رحمہ اللہ عن سعد بن عبد اللہ عن احمد بن محمد بن عیسیٰ، عن محمد بن خالد البرقی، عن القاسم بن یحییٰ بن الحسن بن راشد، عن جدہ الحسن بن راشد، عن ابی ابراہیم علیہ السلام قال: من خرج من بیتہ یرید زیارة قبر ابی عبد اللہ الحسین بن علی علیہ السلام وکل اللہ بہ ملکا فوضع اصبعہ فی قفاه فلم یزل یکتب ما یرج من فیہ حتی یرد الحائر، فاذا خرج من باب الحائر وضع کفہ وسط ظہرہ، ثم قال لہ: اما ما مضی فقد غفر لک فاستانف العمل.

و بهذا الاسناد، عن الحسن بن راشد، عن ابراہیم بن ابی البلاد باسناده مثله.

ترجمہ:

(حدیث ہفتم)

پدرم رحمۃ اللہ علیہ، از سعد بن عبد اللہ، از احمد بن محمد بن عیسیٰ، از محمد ابن خالد برقی، از قاسم بن یحییٰ بن الحسن بن راشد، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابی ابراہیم علیہ السلام، ان حضرت فرمودند:

کسی کہ از خانہ اش خارج شدہ و قصدش زیارت قبر مطہر حضرت ابا عبد اللہ الحسین بن علی سلام اللہ علیہما باشد خداوند متعال فرشتہ ای را بر او می گمارد پس آن فرشتہ انگشتش را در پشت او قرار دادہ و پیوستہ آن چہ از دہان این شخص خارج شود می نویسد تا بہ حائر وارد گردد و وقتی از درب حائر خارج شد کف دستش را وسط پشتش نہادہ سپس بہ او می گوید:

آنچہ گذشت تمام مورد غفران و آمرزش واقع شد اینک از ابتدا بہ عمل بپرداز و با ہمین اسناد، از حسن بن راشد، از ابراہیم بن ابی البلاد بہ اسنادش حدیثی مثل ہمین حدیث را نقل نمودہ.

متن:

حدثنی محمد بن عبد اللہ بن جعفر الحمیری، عن ابيہ، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد اللہ بن حماد الانصاری، عن عبد اللہ بن عبد

الرحمن الاصم، عن عبد الله بن مسكان قال: شهدت ابا عبد الله عليه السلام و قد اتاه قوم من اهل الخراسان فسالوه عن اتيان قبر الحسين عليه السلام و ما فيه من الفضل، قال: حدثني ابي، عن جدى انه كان يقول: من زاره يريد به وجه الله اخرجه الله من ذنوبه كمولود ولدته امه، و شيعته الملائكة فى مسيره فر فرغت على راسه قد صفوا باجنحتهم عليه حتى يرجع الى اهله و سالت الملائكة فى مسيره فرفرفت على راسه قد صفوا باجنحتهم عليه حتى يرجع الى اهله و سالت الملائكة المغفرة له من ربه، و غشيته الرحمة من اعنان السماء، و نادته الملائكة: طبت مطاب من ندت و حفظ فى اهله.

ترجمه:

(حديث هشتم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حميري، از پدرش، از علي بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد انصاري، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از عبد الله بن مسكان، وى مى گويد:

حضور مبارك حضرت ابا عبد الله عليه السلام رسيدم در حالى كه گروهى از اهل خراسان خدمت آن جناب مشرف شده بودند، ايشان از آن جناب راجع به زيارت قبر حضرت حسين بن علي عليه السلام و ثوابى كه در آن است سوال نمودند؟ حضرت فرمودند:

پدرم از جدم نقل كردند كه مى فرمودند:

كسيكه آن حضرت را صرفا براى خدا و به قصد قربت زيارت كند خداوند متعال از گناهانش رهايش نموده و او را همچون نوزادى كه مادر زائيده قرار مى دهد و در طول سفرش فرشتگان مشايعتش كرده و بالاى سرش بال هاى خود را گشوده و با اين حال او را همراهى كرده تا به اهلهش باز گردد و نيز فرشتگان

از خداوند می خواهند که او را بیمارزد و از اطراف و اکناف آسمان رحمت
واسعه الهی او را فراگرفته و فرشتگان ندأ کرده و به وی می گویند:
پاک هستی و آن کس که زیارتش نمودی نیز پاک و مطهر است و پیوسته
وی را بین اهل و خویشانش حفظش می نمایند.

الباب الثالث و الستون ان زيارة الحسين عليه السلام تعدل عمرة

متن:

حدثني ابي و علي بن الحسين؛ و محمد بن يعقوب رحمهم الله جميعا، عن
علي بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن احمد بن محمد بن ابي نصر (قال: قال: قال:
بعض اصحابنا ابا الحسين الرضا عليه السلام اتى قبر الحسين عليه السلام قال: تعدل عمرة).

باب شصت و سوم (زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره می باشد)

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمة اله علیهم جملگی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل کرده اند که وی گفت:

برخی از اصحاب ما، از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام سوال کرد و پرسید: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود ثوابش چه مقدار است؟

حضرت فرمودند:

ثوابش معادل ثواب یک عمره می باشد.

متن:

و حدثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن الحسن بن علی ابن ابی عثمان، عن اسماعیل عباد، عن الحسن بن علی، عن ابی سعید المدائنی قال: دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فقلت جعلت فداک آتی قبر الحسین؟ قال: نعم با ابا سعید ائت قبر ابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اطیب الطیبین و اطهر الطاهرین و ابر الابرار، افذا زرته کتب لک اثنتان و عشرون عمرة.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر، از محمد الحسین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از اسماعیل ابن عباد، از حسن بن علی، از ابی سعید مدائنی وی گفت:
بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام داخل شدم و عرض کردم: فدایت شوم: آیا به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام بروم؟
حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعد به زیارت قبر پسر رسول خدا که پاکیزه ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو و بدان هر گاه او را زیارت کردی ثواب بیست و دو عمره برایت نوشته می شود.

متن:

و عنه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان قال: سمعت الرضا علیه السلام يقول: زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل عمرة مبرورة متقبلة.

ترجمه:

(حدیث سوم)

و از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره مقبول می باشد.

متن:

حدثنی ابی رحمه الله و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، عن احمد؛ و عبد الله ابنی محمد بن عیسی، عن موسی بن القاسم، عن الحسن ابن الجهم قال: قلت: لابی الحسن علیه السلام: ما تقول فی زیارة قبر الحسین علیه السلام؟ فقال لی: ما تقول انت فيه؟ فقلت: بعضنا يقول حجة، و بعضنا يقول: عمرة فقال: هو عمرة مقبولة.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبد الله، از احمد و عبد الله پسران محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم، از حسن بن الجهم، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: چه می فرمائید درباره زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟

حضرت فرمودند:

تو درباره آن چه می گوئی؟

عرض کردم: بعضی از ما معتقدم که ثواب آن به مقدار ثواب یک حج بوده و برخی دیگر می گویند ثوابش به اندازه ثواب یک عمره می باشد.

حضرت فرمودند:

ثوابش به مقدار عمره مقبول می باشد.

متن:

وحدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن علی قال: حدثنا ابراهيم بن يحيى القطان، عن ابيه ابی البلاد قال: سألت ابا الحسن الرضا علیه السلام عن زيارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: ما تقولون انتم؟ قلت: نقول: حجة و عمره، قال: تعدل عمره مبرورة.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن علی، وی می گوید: ابراهیم بن یحیی قطان از پدرش ابی البلاد برای حدیث گفت و اظهار نمود:

از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر حضرت حسین

بن علی علیه السلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

شما درباره ان چه می گوئید؟

عرض کردم: ما می گوییم: ثواب آن معادل ثواب حج و عمره است.

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل عمره مقبول می باشد.

متن:

حدثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى،
عن علي بن احمد بن اشيم، عن صفوان بن يحيى قال: سالت الرضا عليه السلام عن
زيارة قبر الحسين عليه السلام اى شىء فيه من الفضل؟ قال: تعدل عمرة.

ترجمه:

(حدیث ششم)

علی بن الحسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن
احمد بن اشیم، از صفوان بن یحیی، وی می گوید:

از حضرت رضا عليه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین عليه السلام پرسیده و عرضه

داشتم: چه ثوابی در آن می باشد؟

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل یک عمره می باشد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله و محمد بن عبد الله جميعا، عن عبد الله بن جعفر
الحميري، عن ابراهيم بن مهزيار، عن اخيه علي بن مهزيار، عن محمد بن سنان:
قال: سمعت ابا الحسن عليه السلام يقول: ان زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل عمرة مبرورة

متقبلة.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن عبد الله جميعا، از عبد الله بن جعفر حمیری،
از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان وی گفت:
از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که می فرمود:
زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل عمره قبول شده می باشد.
متن:

حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن ابي
الحسن عليه السلام: قال: سألته عن زيارة قبر الحسين عليه السلام اي شيء فيه من الفضل؟
قال: تعدل عمرة.
ترجمه:

(حدیث هشتم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از صفوان بن يحيى، از حضرت ابي
الحسن عليه السلام، وی گفت:
راجع به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام از آن جناب سوال کرده
و پرسیدم:

ثواب آن چه مقدار می باشد؟

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل یک عمره می باشد.

متن:

حدثني جماعة اصحابنا، عن احمد بن ادريس؛ و محمد بن يحيى العطار، عن
العمرکی بن علی عن بعض اصحابه عن بعضهم عليه السلام قال: ارع عمر تعدل حجة، و
زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل عمرة.
ترجمه:

(حدیث نهم)

جماعتی از اصحاب ما، از احمد بن ادريس و محمد بن يحيى عطار، از عمرکی ابن علی، از برخی اصحابش، از بعضی از ائمه علیهم السلام که فرمودند: چهار تا عمره معادل یک حج است و زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین معادل یک عمره می باشد.

متن:

و بهذا الاسناد، عن العمرکی البوفکی عن حدثه عن محمد بن الفضیض، عن ابن رثاب قل: سالت ابا عبد الله علیه السلام عن زیارة قبر الحسین علیه السلام، قال: عم تعدل عمرة، و لا ینبغی ان یتخلف عنه اکثر من اربع سنین.

ترجمه:

(حدیث دهم)

و با همین اسناد، از عمرکی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن فیض، از ابن رثاب، وی گفت از حضرت ابا عبد الله علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل یک عمره است و شایسته و سزاوار نیست که بیشتر از چهار سال از آن تخلف شود.

الباب الرابع و الستون ان زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل حجة

متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن دراج، عن فضيل بن يسار، عن ابي جعفر عليه السلام قال: زيارة قبر الحسين عليه السلام، و زيارة قبر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، و زيارة قبور الشهداء تعدل حجه مبرورة مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.

باب شصت و چهارم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج می

باشد

ترجمه:

(حدیث اول)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن دراج، از فضیل، بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبور شهدا معادل یک حج قبول شده است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شده باشد.

متن:

حدثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان قال: سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام یقول: من اتی قبر الحسین علیه السلام كتب الله له حجة مبرورة.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی می گوید: از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج قبول شده برایش می نویسد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة، عن عباس بن عامر قال: اخبرني عبد الله بن عبيد الانباري قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك انه ليس كل سنة يتهيا لى ما اخرج به الى الحج؟ فقال: اذا اردت الحج و لم يتهيا لك فات قبر الحسين عليه السلام فانها تكتب لك حجة، و اذا اردت العمرة و لم يتهيا لك فائت قبر الحسين عليه السلام فانها تكتب لك عمرة؟ ترجمه:

(حديث سوم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از حسن بن علي بن عبد الله مغيرة، از عباس بن عامر، وى مى گوید:

عبد الله بن عبيد انباري بن من خبر داد و گفت:

محضر مبارك حضرت ابي عبد الله عليه السلام عرضه داشتيم: فدایت شوم هر سال آمادگی ندارم برای رفتن به حج چه باید کرد؟ حضرت فرمودند:

هرگاه اراده حج نموده ولی آمادگی برای آن نداشتی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام برو زیرا برای تو یک حج منظور می شود و هر وقت اراده عمره نمودی و برای انجام آن مهیا نبودی به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام برو زیرا ثواب یک عمره برایت می نویسند.

متن:

و حدثني محمد بن الحسن رحمه الله عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن هشام بن الحكم، عن عبد الكريم بن حسان قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: ما يقال ان زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل حجة و عمرة، قال: فقال: انما الحج و العمرة ههنا و لو ان رجلا اراد

الحج و لم یتھیا له فاتاه كتب الله له حجة، و لو ان رجلا اراد العمرة و لم یتھیا له فاتاه كتبت له عمرة.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از هشام بن الحکم، از عبد الکریم بن حسان، وی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم:

این گفتار چیست که می گویند: زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است؟

حضرت فرمودند:

معادل بودن زیارت آن حضرت با حج و عمره تنها در وقتی است که شخص اراده حج کند ولی آمادگی برای آنرا نداشته ولی به زیارت آن جناب بشتابد در اینجا حق تعالی ثواب یک حج برای او می نویسد چنانچه اگر اراده عمره نمود ولی برایش میسر نبود ولی به زیارت امام علیه السلام رفت در اینجا نیز ثواب یک عمره برایش منظور می گردد.

متن:

و عنه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی بن فضال، عن حریر، عن فضیل بن یسار قال: قال علیه السلام: ان زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و زیادة قبور الشهداء و زیارة قبر الحسين علیه السلام تعدل حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

و از محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از حریر، از فضیل بن یسار، وی گفت:
امام علیه السلام فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبور شهدا و قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل حجی است که با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.
متن:

حدثني محمد بن جعفر بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن حريز، عن الفضيل بن يسار، عن ابي عبد الله عليه السلام مثله.
ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين از صفوان بن يحيى، از حريز، از فضيل بن يسار، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام حدیثی مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.
متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن، محبوب، عن جميل بن صالح، عن فضيل بن يسار، عن ابي جعفر عليه السلام قال: زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل حجة مبرورة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.
ترجمه:

(حدیث ششم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جميل ابن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابي جعفر عليه السلام، حضرت فرمودند:

زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام معادل حج مقبولی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.

متن:

حدثنی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن ابیه، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن صفوان بن یحیی، عن حریز؛ و الحسن بن محبوب، عن جمیل بن صالح، عن فضیل بن یسار، عنهما علیهما السلام: قالوا: زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و زیارة قبور الشهداء و زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

صلی الله علیه و آله و سلم.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی، از حریز و حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام این دو امام بزرگوار فرمودند: زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبور شهدا و قبر حسین بن علی علیهما السلام معادل حجی است که با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.

متن:

حدثنی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد ابن عیسی بن عبید، عن ابی سعید القماط، عن ابن ابی یعفور قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: لو ان رجلا اراد الحج و لم یتھیا له ذلك فاتی قبر الحسین علیه السلام فعرف عنده یجزئه ذلك عن الحج.

ترجمه:

(حدیث هشتم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی سعید قماط، از ابن ابی یعفور، وی گفت: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

اگر شخصی اراده حج کند ولی آماده نباشد و در این حال به زیارت قبر حسین امام حسین علیه السلام برود پس در روز عرفه نزد حضرت بوده و آن جناب را زیارت کند این عمل مجزی از حج می باشد یعنی ثواب حج را دریافت نموده بدون اینکه عمل حج انجام داده باشد.

متن:

حدثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن ابراهیم بن عقبه قال: کتب الی العبد الصالح علیه السلام ان رای سیدنا ان یخبرنی بافضل ما جا به فی زیارة الحسین علیه السلام و هل تعدل ثواب الحج لمن فاته، فکتب علیه السلام: تعدل الحج لمن فاته الحج.

ترجمه:

(حدیث نهم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابراهیم بن عقبه، وی گفت:

نامه ای محضر مبارک عبد صالح علیه السلام نوشته و در آن عرض کردم: اگر آقا و سرور ما مصلحت دیدند به ما خبر دهند از افضل و برترین ثوابی که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام وارد شده است و آیا ثواب آن معادل ثواب حج هست از کسی که نتوانسته عمل حج را بجا آورد؟

امام علیه السلام در جوابش مرقوم فرمودند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل ثواب حج است برای کسی که حج از دستش رفته است.

الباب الخامس و الستون فى ان زيارة الحسين عليه السلام تعدل حجة و عمرة

متن:

حدثنى جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبيد الله بن موسى بن جعفر، عن عبد
الله بن احمد بن نهيىك، عن محمد بن ابى عمير، عن الحسن الاحمسى، عن ام
سعيد الاحمسية قالت: سالت ابا عبد الله عليه السلام عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، فقال:
تعدّل حجة و عمرة، و من الخير هكذا و هكذا و او ما بيده.

باب شصت و پنجم در بیان اینکه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معائل
یک حج و یک عمره می باشند

ترجمه:

(حدیث اول)

جعفر بن محمد ابراهیم بن عبید الله بن موسی بن جعفر، از عبد الله بن احمد
بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از حسن احمسی، از ام سعید احمسیه، وی
گفت: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام سوال کرده و از زیارت قبر حضرت امام
حسین علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت معائل با یک حج و یک عمره می باشد و از اعمال خیر
و پسندیده معادل و مساوی با چنان و چنان است. سپس با دست اشاره به عدد
آن اعمال خیر فرمودند.

متن:

و عنه، عن عبد الله بن نهیک، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن الحکم، عن عبد
الکریم بن حسان قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: ما یقال: ان زیارة قبر ابی عبد الله
الحسین علیه السلام تعدل حجة و عمرة فقال: انما الحج و العمرد هیهنا و لو ان رجلا
اراد الحج و لم یتھیا له فاتاه کتب الله له الجنة، و لو ان رجلا اراد العمرة و لم یتھیا
له فاتاه کتب الله له عمرة.

ترجمه:

(حدیث دوم)

و از جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبید الله بن موسی بن جعفر، از عبد الله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از هشام بن حکم، از عبد الکریم بن حسان، وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: این کلام چیست که می گویند:
زیارت قبر حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام معادل یک حج و عمره می باشد؟
حضرت فرمودند:

معادل بودن با حج و عمره تنها در اینجا اینست که شخص اراده حج نموده و
برایش میسور نباشد پس بجای آن به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام
برود که در این فرض خداوند متعال ثواب یک حج برایش می نویسد و نیز اگر
شخص بخواهد عمره رود ولی برایش میسور نباشد پس بجای آن به زیارت قبر
حضرت امام حسین علیه السلام برود حق تعالی ثواب یک عمره برایش ضبط می کند.
متن:

حدثنی ابی رحمة الله و محمد بن الحسن، عن الحسین بن الحسن بن ابان، عن
الحسین بن سعید، عن القاسم بن محمد، عن اسحاق بن ابراهیم، عن هارون بن
خارجة قال: سال رجل ابا عبد الله علیه السلام و انا عنده فقال: زار قبر الحسین علیه السلام
فقال ان الحسین و کل الله به اربعة آلاف ملک شعنا غبرا یبکونه الی یوم القيامة
فقلت له: بابی انت و امی روی عن ابيک الحج و العمرة، قال: نعم؛ حجة و عمرة
حتى عد عشرة.

ترجمه:

(حدیث سوم)

پدرم رحمة الله علیه السلام و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از
حسین ابن سعید، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه،
وی گفت:

مردی از حضرت ابا عبد الله عليه السلام سوال کرد و من نیز آنجا حاضر بودم، سائل پرسید:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کند؟
حضرت فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را به آن حضرت موکل کرده که جملگی ژولیده و غبار آلود بوده و تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می کنند.
عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، از پدر بزرگوارتان نقل شده که فرموده اند:

ثواب زیارت امام حسین عليه السلام معادل حج و عمره است؟
حضرت فرمودند:

بلی، حج و عمره بعد تعداد حج و عمره را شمرده تا به ده حج و عمره رسید.
متن:

حدثني ابي رحمه الله و علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد عن الحسن بن علي الواشأ، عن احمد بن عائذ، عن ابي خديجة عن رجل سال ابا جعفر عليه السلام عن زيارة قبر الحسين عليه السلام فقال أنها تعدل حجة و عمرة، و قال بيده هكذا من الخير يقول بجميع يديه هكذا.
ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة الله عليه و علي بن الحسين، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از حسن بن علي وشأ، از احمد بن عائذ، از ابي خديجه، از شخصی که از حضرت ابا جعفر عليه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام سوال کرده بود:

امام عليه السلام فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است و با دست اشاره کردند که معادل این مقدار از اعمال خیر است (تمام انگشتان دو دست را نشان دادند).

متن:

حدثنی ابی رحمہ اللہ عن محمد بن یحیی، عن حمدان بن سلیمان النیسابوری ابی سعید قال: حدثنا عبد اللہ بن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن یونس، عن هشام بن سالم، عن ابی عبد اللہ علیه السلام (قال: زیارة قبر الحسین علیه السلام حجة، و من بعد الحجة حجة و عمرة) من بعد حجة الاسلام.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

پدرم رحمة الله عليه، از محمد بن یحیی، از حمدان بن سلیمان نیشابوری (ابو سعید) وی گفت:

عبد الله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از هشام بن سالم، از حضرت ابی عبد الله نقل کرد: حضرت فرمودند:

زیارت قبر امام حسین علیه السلام یک حج بوده و بعد از یک حج یعنی بعد از حجة الاسلام یک حج و یک عمره می باشد.

متن:

و باسناده عن یونس، عن الرضا علیه السلام: قال: من زار قبر الحسین علیه السلام فقد حج و اعتمر، قال: قلت: يطرح عنه حجة الاسلام؟ قال: لا هي حجة الضعيف حتى يقوى و يحج الى بيت الله الحرام، اما علمت ان البيت يطوف به كل يوم سبعون الف ملك حتى اذا ادركهم الليل سعدوا، و نزل غيرهم فطافوا بالبيت حتى الصباح، و ان الحسين علیه السلام لاكرم على الله من البيت و انه في وقت كل صلوة لينزل عليه سبعون الف ملك شعث غير لا تقع عليهم النوبة الى يوم القيامة.

ترجمه:

(حدیث ششم)

و باسناد ابو سعید از یونس، از حضرت رضا علیه السلام، حضرت فرمودند:
کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت بکند پس یک حج و یک
عمره به جا آورده.

راوی می گوید: عرض کردم یعنی حجة الاسلام از او دیگر ساقط است؟
حضرت فرمودند: خیر مقصود این است که این زیارت حج افراد ضعیف
محسوب شده تا قوی گردند و به بیت الله الحرام بروند، آیا نمی دانی که هر روز
هفتاد هزار فرشته بیت الله را طواف کرده تا شب فرا برسد و پس از آمدن شب
به آسمان رفته و فرشتگان دیگر نازل شده و تا صباح بیت را طواف میکنند و ام
حضرت امام حسین علیه السلام نزد خدا عزیزتر از بیت بوده و در هر وقت نماز هفتاد
هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند نازل شده و قبر مطهر
را طواف می کنند و تا روز قیامت به ایشان دیگر نوبت نمی رسد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن
عبد الحميد، عن يونس بن يعقوب، عن ام سعيد الاحمسية: قالت: قلت لابي عبد
الله عليه السلام: اي شيء تذكر في زيارة قبر الحسين عليه السلام من الفضل؟ قال: نذكر فيه يا
ام سعيد فضل حجة و عمرة، و خيرها كذا و بسط يديه و نكس اصابعه.

ترجمه کامل الزیارات

ترجمه:

(حدیث هفتم)

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد و محمد بن عبد الحميد، از يونس بن يعقوب، از ام سعيد احمسيه وى گفت: محضر مبارك امام صادق عليه السلام عرض كردم:

چه فضيلتى را در زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السلام ذكر مى فرماييد؟
حضرت فرمود: اى ام سعيد فضيلت يك حج و عمره را در آن ذكر مى كنيم و بهتر از آن چنين است و همزمان با گفتن اين عبارت اخير دو دستشان را باز کرده و انگشتانشان را برگرداندند به طوري كه كف دست به طرف روى مبارك و روى دست به طرف مخاطب واقع شد.

متن:

حدثني محمد بن احمد بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن حبيب، عن فضيل بن يسار قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول و كل الله بقبر الحسين عليه السلام اربعة آلاف ملك شعنا غيرا يبكونه الى يوم القيامة، و اتيانه يعدل حجة و عمرة و قبور الشهداء.

ترجمه:

(حديث هشتم)

محمد بن احمد بن وليد، از محمد بن الحسين صفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسين بن سعيد، از قاسم بن محمد، از حبيب، از فضيل بن يسار، وى مى گويد:

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام، شنيدم كه مى فرمود:

خداوند متعال چهار هزار فرشته كه جملگى ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند را بر قبر حضرت امام حسين عليه السلام موكل قرار داد و ايشان تا روز قيامت

بر آن حضرت گریه می کنند و زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره بوده و زیارت قبور شهدا (مقصود شهدا احد می باشد) نیز همین فضیلت را دارد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله و جماعة مشايخي عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الكوفي عن العباس بن عامر، عن ابان، عن الحسين بن عطية ابي الناب، عن بياع السابري قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام و هو يقول من اتى قبر الحسين عليه السلام كتب الله له حجة و عمرة، او عمرة و حجة و ذكر الحديث.

ترجمه:

(حدیث نهم)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از حسن ابن علی کوفی، از عباس بن عامر، از ابان، از حسین بن عطية (ابی الناب) بیاع السابری، وی گفت:

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رود خداوند یک حج و عمره یا عمره و یک حج برایش می نویسد.

متن:

و باسناده، عن العباس بن عامر، عن ابان بن عثمان قال: حدثني ابو خلان الكندي، عن ابي عبد الله عليه السلام: قال: من اتى قبر الحسين عليه السلام كتب الله له حجة و عمرة.

ترجمه:

(حدیث دهم)

و سعد بن عبد الله بن اسنادش، از عباس بن عامر، از ابان بن عثمان وی می گوید: ابو خلان کندی، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت حسین عليه السلام رود خداوند یک حج و عمره برایش می نویسد.

متن:

و حدثني محمد بن الحسن بن علي، عن ابيه، عن جده علي بن مهزيار، عن ابي القاسم، عن القاسم بن محمد، عن اسحاق بن ابراهيم، عن هارون بن خارجة قال: سال رجل ابا عبد الله عليه السلام في حديث له طويل يقول في آخره: بابي انت و امي رووا عن ابيك في الحج؟ قال: نعم حجة و عمرة حتى عد عشرة.

ترجمه:

(حدیث یازدهم)

محمد بن الحسن بن علی، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت: مردی در ضمن حدیث طولانی از حضرت ابا عبد الله عليه السلام سوال کرد و در آخر آن محضر مبارک آن جناب عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت شوند راویان از پدر بزرگوارتان روایت کرده اند که ثواب زیارت حضرت سید الشهدا عليه السلام معادل یک حج است آیا این مضمون صحیح می باشد؟

حضرت فرمودند:

بلی، بلکه یک حج و عمره و دو حج و دو عمره... و همین طور بالا رفتند تا ده حج را ذکر نمودند.

متن:

حدثني ابي و جماعة مشايخ رحمهم الله عن محمد بن يحيى العطار، عن
 العمركي عن حدثه عن محمد بن الحسن، عن محمد فضيل، عن محمد بن
 مصادف قال: حدثني مالك الجهني، عن ابي جعفر عليه السلام في زيارة قبر الحسين
عليه السلام: قال: من اتاه زائرا له عارفا بحقه كتب الله له حجة، و لم يزل محفوظا حتى
 يرجع، قال: فمات مالك في تلك السنة و حجت فدخلت على ابي عبد الله عليه السلام
 فقلت: ان مالك حدثني بحديث عن ابي جعفر عليه السلام، في زيارة قبر الحسين
عليه السلام، قال: هاته، فحدثته فما فرغت، قال: نعم يا محمد حجة و عمرة.

ترجمه:

(حدیث دوازدهم)

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله عليهم، از محمد بن يحيى
 عطار، از عمرکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن الحسن، از محمد
 بن فضیل، از محمد بن مصادف، وی می گوید:

مالک جهنی از حضرت ابي جعفر برایم نقل کرد که آن حضرت راجع به
 زیارت حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام رود در حالیکه عارف و آگاه به
 حق آن جناب باشد خداوند یک حج برای او می نویسد و پیوسته محفوظ و
 برقرار هست تا به اهلش مراجعت کند.

راوی می گوید: مالک در همان سال فوت کرد و من به حج رفته و بر
 حضرت ابي عبد الله عليه السلام وارد شدم و محضر مبارکش عرض کردم:

مالک حدیثی را از حضرت ابي جعفر عليه السلام راجع بن زیارت قبر حضرت امام
 حسین عليه السلام برایم نقل نمود.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

حدیث را بیان کن.

پس حدیث را نقل کرده و هنگامی که فارغ شدم، حضرت فرمودند:
بلی ثواب زیارت آن حضرت معادل یک حج و عمره می باشد.

متن:

و حدثنی ابی رحمہ اللہ و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار؛ و
احمد بن ادريس، عن العمرکی عن حدثه عن حماد بن عیسی، عن الحسن بن
المختار قال: سالت ابا عبد الله عليه السلام عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، فقال: فيها حجة
و عمرة.

ترجمه:

(حدیث سیزدهم)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی، از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی
العطار، و احمد بن ادريس، از عمرکی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حماد
بن عیسی، از حسین بن مختار، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام

سوال کردم؟

حضرت فرمودند:

اجر این زیارت به مقدار ثواب یک حج و عمره می باشد.

متن:

و حدثنی ابی رحمہ اللہ عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علی الزيتونی،
عن هارون بن مسلم، عن عیسی بن راشد قال: سالت ابا عبد الله عليه السلام فقلت:
جعلت فداک ما لمن زار قبر الحسين عليه السلام و صلی عنده رکعتین؟ قال: کتبت له
حجة و عمرة قال: قلت له: جعلت فداک و کذلک کل من اتی قبر امام قبر امام
مفترض طاعته؟ قال: و کذلک کل من اتی قبر امام مفترض طاعته.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

و پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از حسن بن علی زیتونی، از هارون بن مسلم، از عیسی بن راشد وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام سوال کرده و محضر مبارکش عرضه داشتم:

فدایت شوم: کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و دو رکعت نماز

آنجا بخواند ثواب آن چیست؟

حضرت در جواب فرمودند:

برای او یک حج و عمره نوشته می شود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم و همچنین است

ثواب هر کسی که به زیارت قبر امام مفترض الطاعة برود؟

حضرت فرمودند:

و همین طور است هر کسی که به زیارت قبر امامی که طاعتش فرض و

واجب است رود.

متن:

حدثني محمد بن جعفر القرشي الكوفي الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن يزيد ابن عبد الملك قال: كنت مع ابي عبد الله عليه السلام فمر قوم على حمر، فقال: اين يريدون هولاً؟ قلت: قبور الشهداء، قال: فما يمنعهم من زيارة الشهيد الغريب؟ قال: فقال له رجل من اهل العراق: زيارته واجبة؟ قال: زيارته خير من حجة و عمرة حتى عد عشرين حجة عمرة، ثم قال: مبرورات متقبالات، قال: فوالله ما قمت من عنده حتى اتاه رجل فقال له: اني قد حججت تسعة عشر حجة، فادع الله لي ان يرزقني تمام العشرين، قال: فهل زرت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: لا، قال: ان زيارته خير من عشرين حجة.

ترجمه:

(حدیث پانزدهم)

محمد بن جعفر قرشی کوفی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبد الملک وی می گوید:
در محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام بودم این هنگام گروهی که بر دراز گوش ها سوار بودند عبور کردند، حضرت فرمودند:

ایشان اراده کجا دارند؟

عرض کردم: زیارت قبور شهدا.

فرمودند:

چه چیز ایشان را بازداشت از زیارت شهید غریب؟!!

راوی می گوید: شخصی از اهل عراق به آن حضرت عرض کرد:

آیا زیارت او واجب است؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب بهتر از یک حج و یک عمره، از دو حج و دو عمره... و پیوسته بر آن می افزودند تا فرمودند: بهتر از بیست حج و بیست عمره می باشد و سپس افزودند:

از بیست حج و عمره مقبول و پذیرفته شده بهتر است.

روای می گوید: به خدا سوگند از محضر مبارکش برنخاستم تا اینکه شخصی خدمتش مشرف شد و به آن حضرت عرض کرد: من نوزده حج به جا آورده ام تقاضا دارم از خدا بخواهید که یک حج دیگر روزی من کرده تا بیست حج برایم کامل باشد.

حضرت به وی فرمودند:

آیا قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کرده ای؟

عرض كرد: خير.

حضرت فرمود:

زيارت آن حضرت از بيست حج بهتر است.

الباب السادس و الستون ان الزيارة الحسين عليه السلام تعدل حججا

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن الحسين بن مختار، عن زيد الشحام، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: زيارة الحسين عليه السلام تعدل عشرين حجة، و افضل من عشرين حجة).
و حدثني محمد بن يعقوب، عن عدة من اصحابه، عن احمد بن محمد باسناده
مثله.

باب شصت و ششم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل چند حج می

باشد

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن سنان، از حسین بن مختار، از زید شحام، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام:

معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می باشد.

و محمد بن یعقوب، از عده ای اصحاب، از احمد بن محمد به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن ابی سعید المدائنی (قال: دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فقلت: جعلت فداک آتی قبر الحسین علیه السلام؟ قل: نعم یا ابا سعید ائت قبر الحسین ابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اطیب الاطیبین، و اطهر الطاهرین، و ابر الابرار، فانک اذا ذرته کتب الله لک به خمسة و عشرين حجة).

حدثني محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن اسماعیل باسناده مثله.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی،
از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از سعید مدائنی، وی گفت:
بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام داخل شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت
قبر حسین علیه السلام بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام که فرزند رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پاکیزه ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو زیرا وقتی
آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال ثواب بیست و پنج حج برایت می
نویسد.

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از
محمد بن اسماعیل باسنادش مثل همین خبر را نقل نموده.

متن:

حدثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن احمد بن النضر، عن
شهاب بن عبد ربه او عن رجل عن شهاب، عن ابی عبد الله علیه السلام: قال سألنی
فقال: یا شهاب کم حججت من حجة؟ فقلت: تسعة عشر حجة، فقال لی: تمها
عشرین حجة، تحسب لک بزیارة الحسین علیه السلام.

ترجمه:

(حدیث سوم)

محمد بن جعفر از محمد بن الحسین، از احمد بن نضر، از شهاب بن عبد ربه
یا از مردی، از شهاب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، شهاب می گوید: امام علیه السلام
از من سوال نموده و فرمودند: ای شهاب چند بار به حج رفته ای؟
عرض کردم: نوزده مرتبه.

فرمودند:

آن را به بیست مرتبه تتمیم و تکمیل نما تا برایت آن ها را معادل یک زیارت حضرت امام حسین علیه السلام حساب کنند.

متن:

حدثني ابو العباس قال: حدثني محمد بن الحسين، عن ابن سنان، عن حذيفة بن منصور قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: كم حججت؟ قلت: تسعة عشر، قال: فقال: اما انك لو اتممت احدى و عشرين حجة لكنت كمن زار الحسين عليه السلام.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

ابوالعباس می گوید:

محمد بن الحسین، از ابن سنان، از حذیفه بن منصور نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

چند مرتبه به حج رفته ای؟

عرض کردم: نوزده بار.

فرمودند:

بدان اگر آنرا به بیست و یک بار برسانی مانند کسی هستی که زیارت

حضرت امام حسین عليه السلام را نموده است.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسين ابن ابي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقة، عن صالح النيلي قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: من اتى قبر الحسين عليه السلام عارفا بحقه كان كمن حج مائة حجة مع

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نیلی، وی گفت: حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین عليه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد مثل کسی است که صد مرتبه با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم حج بجا آورده باشد.

متن:

و عنه، عن سعد، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن صدقة، عن مالك بن عطية، عن ابى عبد الله عليه السلام: قال: من زار الحسين عليه السلام كتب الله له ثمانين حجة مبرورة.

ترجمه:

(حدیث ششم)

از پدرم، از سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسين، از محمد بن صدقه از مالک بن عطیه، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کند خداوند متعال برایش هشتاد حج مقبول منظور می دارد.

متن:

حدثني ابو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن الخيبري، عن موسى بن القاسم الحضرمي قال: قدم ابو عبد الله عليه السلام في اول ولاية ابى جعفر فنزل النجف، فقال: يا موسى اذهب الى الطريق الاعظم فقف على الطريق فانظر فانه سياتيک رجل من ناحية القادسية، فاذا دنا منك فقل له ههنا رجل من ولد رسول الله يدعوك، فسيجيء معك، قال: فذهبت حتى قمت على

الطريق على الطريق و الحر شديد، فلم ازل قائما حتى كدت اعصى و انصرف او ادعه، اذ نظرت الى شىء يقبل شبه رجل على بعير فلم ازل انظر اليه حتى دنا منى فقلت: يا هذا ههنا رجل من ولد رسول الله ﷺ يدعوك و قد وصفك لى، قال: اذهب بنا اليه، قال: فجئت به حتى اناخ بعيره ناحية قريبا من الخيمة، فدعا به فدخل الاعرابى اليه و دنوت انا فصرت الى باب الخيمة اسمع الكلام و لا اراهم، فقال ابو عبد الله عليه السلام: من اين قدمت؟ قال: من اقصى اليمن، قال: انت من موضع كذا و كذا؟ قال: نعم انا من موضع كذا و كذا، قال: فيما جئت ههنا؟ قال: جئت زائرا للحسين عليه السلام، فقال ابو عبد الله عليه السلام: فجئت من غير حاجة ليس الا للزيارة؟ قال: جئت من غير حاجة الا ان اصلى عنده و ازوره فاسلم عليه و ارجع الى اهلى، فقال ابو عبد الله عليه السلام: و ما ترون فى زيارته؟ قال: نرى فى زيارته البركة فى انفسنا و اهلينا و اولادنا و اموالنا و معاشنا و قضا حوائجنا، قال: فقال ابو عبد الله عليه السلام: افلا ازيدك من فضله فضلا يا اخا اليمنى؟ قال: زدنى يا ابن رسول الله، قال: ان زيارة الحسين عليه السلام تعدل حجة مقبولة زاكية مع رسول الله، فتعجب من ذلك، قال: اي والله و حجتي مبرور تين متقبلتين من زاكيتين مع رسول الله ﷺ، فتعجب! فلم يزل ابو عبد الله عليه السلام يزيد حتى قال ثلاثين حجة مبرورة متقبلة زاكية مع رسول الله ﷺ.

ترجمه:

(حديث هفتم)

ابوالعباس كوفى، از محمد بن الحسين، از محمد بن اسماعيل، از خيبرى، از موسى بن قاسم حصرمى وى مى گويد:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام در ابتدا حكومت ابو جعفر عباسى (منصور دوانيقى) وارد عراق شده و در نجف نزول اجلال فرمودند، به من فرمودند: اي موسى، برو کنار جاده بزرگ بايست و منتظر باش كه عنقریب مردى از طرف قادسيه خواهد

آمد، هر گاه نزدیک تو شد به وی بگو: یکی از فرزندان رسول خدا ﷺ تو را می خواند، او بزودی با تو خواهد آمد.

موسی می گوید:

پس من به طرف جاده مزبور رفته و به آن جا رسیدم و کنار آن ایستاده و هوا بسیار گرم بود، پیوسته در آنجا بودم بحدی که نزدیک بود مخالفت کرده و برگشته و ملاقات با او را ترک کنم، در این هنگام چشمم به چیزی خورد که به جلو می آید و شبیه مردی است که روی شتری نشسته، پس چشم به آن دوخته تا نزدیک به من شد به او گفتم: ای مرد در اینجا یکی از فرزندان رسول خدا ﷺ بود، و شما را می خواند ایشان شما را به من معرفی کرده و پیام برایست فرستاده اند.

مرد گفت: با هم به خدمتش برویم.

موسی می گوید: او را بردم تا به نزدیک خیمه رسیدیم، وی شترش را خواباند و درب خیمه ایستاد منتظر اذن دخول بود، پس حضرت از درون خیمه او را خواندند، اعرابی داخل خیمه شد و من نیز نزدیک شده تا درب خیمه رسیده و سخن ایشان را می شنیدم ولی آنها را نمی دیدم.

حضرت ابو عبد الله عليه السلام به وی فرمودند: از کجا آمدی؟

او گفت: از دورترین نواحی یمن.

حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی؟

او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می باشم.

حضرت فرمودند: برای چه به این صوب آمدی؟

عرض کرد: به قصد زیارت حضرت ابا عبد الله الحسین عليه السلام آمدم.

حضرت فرمودند:

تنها برای زیارت آمده و هیچ حاجت دیگری نداشتی؟
عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهر آن حضرت رفته
و نماز آنجا خوانده و جنابش را زیارت کرده و سپس به حضرتش خداحافظی
کرده و به اهل و خویشانم برگردم.

حضرت فرمودند: در زیارت آن حضرت چه می بینید؟
عرض کرد: در زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و
معایشمان بوده و حوائج و خواسته هایمان بر آورده شده و بر طرف می گردد.
موسی می گوید: امام عَلَيْهِ السَّلَام به وی فرمودند: ای برادر یمنی آیا از فضیلت
زیارت آن حضرت بیشتر از این برایت نگویم؟

آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا زیادتر بفرمائید:
حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام معادل یک حج مقبول و پاکیزه ای است که با رسول
خدا وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ انجام شود.

آن مرد از این گفتار تعجب کرد.

حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند معادل دو حج مقبول و پاکیزه ای
است که با رسول خدا وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ انجام شود.

آن مرد به تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام عَلَيْهِ السَّلَام بر تعداد حج های
مقبول می افزودند تا اینکه در آخر فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با سی حج مقبول و پاکیزه ای است که با
رسول خدا وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ انجام گیرد.

متن:

و حدثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد ابن
عيسى، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن يزيد بن عبد الملك قال:

كنت مع ابي عبد الله عليه السلام فمر قوم على حمر، فقال لي: اين يريد هولاء؟ قلت: قبور الشهداء قال: فما يمنعهم من زيارة الغريب الشهيد؟! فقال له رجل من اهل العراق: زيارته واجبته فقال زيارته خير من حجة و عمرة و عمرة و حجة حتى عد عشرين حجة و عشرين عمرة تمت قال: مبرورات متقبليات، قال: فوالله ما قمت حتى اتاه رجل فقال: اني حججت تسعة عشر حجة فادع الله ان يرزقني تمام العشرين، قال: فهل زرت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: لا، قال: لزيارته خير من عشرين حجة.

ترجمه:

(حدیث هشتم)

لی بن الحسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبد الملک وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابي عبد الله عليه السلام بودم پس گروهی که بر دراز گوش ها سوار بودند بر ما گذشتند.

حضرت به من فرمودند: اینها قصد کجا را دارند؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهدا می روند.

فرمودند: چه چیز ایشان را از زیارت غریب شهید بازداشت؟!

مردی از اهل عراق محضر مبارکش عرض کرد: آیا زیارت آن حضرت (امام

حسین عليه السلام) واجب است؟

حضرت فرمودند: زیارت آن جناب از یک حج و عمره و یک عمره و یک

حج بهتر است سپس حضرت تعداد حج و عمره ها را زیاد کرده تا بیست حج و

بیست عمره شمردند و بعد فرمودند:

البته تمام آنها مقبول و مبرور باشند.

راوی می گوید:

به خدا سوگند از محضرش مرخص نشده بودم که مردی آمد و حضورش رسید و عرض کرد:

من نوزده حج انجام داده ام، از خداوند بخواهید که یک حج دیگر نصیبم شده و بدین ترتیب تا عدد بیست کامل گردد.

حضرت فرمودند: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده ای؟ آن مرد عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر می باشد.

متن:

حدثنی ابی؛ و علی بن الحسین رحمهما الله عن سعد بن عبد الله، عن ابی القاسم هارون بن مسلم بن سعدان، عن مسعدة بن صدقة قال: قلت: لابی عبد الله علیه السلام: ما لمن زار قبر الحسین علیه السلام؟ قال: تکتب له حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، قال: قلت له: جعلت فداک حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال: نعم و حجتان، قال: قلت: جعلت فداک حجتان؟ قال: نعم و ثلاث، فما زال یعد حتی بلغ عسرا قلت: جعلت فداک عشر حجج مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال: نعم و عشرون حجة، قلت: جعلت فداک و عشرون؟ فما زال یعد حتی بلغ خمسين، فسکت.

ترجمه:

(حدیث نهم)

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله علیهما، از سعد بن عبد الله، از ابی القاسم هارون بن مسلم بن سعدان، از مسعدة بن صدقه، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: برای کسی که قبر

حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند چه اجر و ثوابی است؟

حضرت فرمودند:

ثواب یک حجی که با رسول خدا بجا آورند می باشد.
راوی می گوید: محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم، ثواب یک حج با
رسول خدا ﷺ؟!!

حضرت فرمودند: بلی بلکه ثواب دو حج.
راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ثواب دو حج؟
امام علیه السلام فرمودند: بلی بلکه ثواب سه حج و پیوسته تعداد حج ها را حضرت
اضافه می کردند تا به ده حج رسیدند.

عرض کردم: فدایت شوم ثواب ده حج با رسول خدا ﷺ!!
امام علیه السلام فرمودند: بلی بلکه ثواب بیست حج.
عرض کردم: فدایت شوم، ثواب بیست حج؟!
پس پیوسته عدد حج ها را بالا می بردند تا به پنجاه تا رسید و دیگر سکوت
اختیار فرمودند.

متن:

و حدثني محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد
بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن ميمون
القداح، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: ما لمن اتى قبر الحسين عليه السلام زائرا
عارفا بحقه غير مستكبر و لا مستنكف؟ قال: يكتب له الف حجة و الف عمرة
مبرورة، و ان كان شقيا كتب سعيدا، و لم يزل يخوض في رحمة الله عزوجل.

ترجمه:

(حدیث دهم)

و محمد بن الحسن بن الوليد، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد
بن عيسى، از پدرش، از عبد الله بن مغیره، از عبد الله بن ميمون قداح، از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام، وی می گوید: محضرش عرض کردم:

برای کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه بوده و هیچ استکبار و استنکافی از زیارتش نداشته باشد چه اجر و ثوابی می باشد؟

حضرت فرمودند:

برای او ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول می نویسند و اگر شقی بوده سعید محسوبش می کنند و پیوسته در رحمت خدا غوطه ور است.

الباب السابع و الستون ان زیارة الحسین علیه السلام تعدل عتق الرقاب

متن:

حدثنی محمد بن جعفر الرزاز الکوفی، عن محمد بن الحسین الزیاتی، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقة، عن صالح النیلی (قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: من اتی قبر الحسین علیه السلام عارفا بحقه كتب الله له اجر من اعتق الف نسمة، و کمن حمل علی الف فرس فی سبیل الله مسرجة ملجمة).

حدثنی ابی رحمه الله و محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب باسناده مثله.

باب شصت و هفتم زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان

می باشد

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن الحسین زیات، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نیلی، وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت حسین عليه السلام رفته در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد حق تعالی اجر و ثواب کسی که هزار بنده آزاد کرده است را به او داده و وی مانند کسی است که هزار اسب را زین نموده و لجام زده و در راه خدا با آنها جهاد کرده باشد.

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب باسنادش حدیثی نظیر حدیث گذشته را نقل نموده است.

متن:

حدثني ابو العباس القرشي، عن محمد بن الحسين عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن ابي سعيد المدائني (قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك اتى قبر ابن رسول الله؟ قال: نعم، يا ابا سعيد اتت قبر ابن رسول الله اطيب الطيبين و اطهر الاطهرين و ابر الابرار فاذا زرته كتب الله لك عتق خمسة و عشرين رقبة).

حدثني ابي رحمه الله عن عدة من اصحابنا، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبه، عن ابي سعيد المدائني قال: قلت: لابي عبد الله عليه السلام ... و ذكر مثله.

ترجمه:

(حدیث دوم)

ابوالعباس قرشی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابو سعید مدائنی، وی می گوید:

محضر حضرت ابو عبد الله عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم، آیا به زیارت قبر فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم که پاکیزه ترین پاکیزه گان و نیکوکارترین نیکوکاران هست برو و وقتی آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال برای تو ثواب آزاد کردن بیست و پنج بنده را می نویسد.

پدرم رحمة الله عليه از عده ای اصحاب، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل، از صالح بن عقبه، از ابو سعید مدائنی نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرض کردم... و نظیر همین حدیث را نقل کرده.

الباب الثامن و الستون ان زوار الحسين عليه السلام مشفعون

متن:

حدثني محمد بن الحسين بن مت الجوهري، عن محمد بن احمد بن يحيى بن عمران الاشعري، عن موسى بن عمر، عن علي بن النعمان، عن عبد الله بن مسكان قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: ان الله تبارك و تعالى يتجلى لزوار قبر الحسين

عَلَيْهِمْ قَبْلَ أَهْلِ عِرْفَاتٍ وَيَقْضَىٰ حَوَائِجَهُمْ، وَيَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ، وَيَشْفَعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ،
ثم يثني بأهل عرفات فيفعل بهم ذلك.

باب شصت و هشتم زوار حضرت امام حسین علیه السلام شفاعت دیگران را می

کند

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن الحسین بن مت جوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، از موسی بن عمر، از علی بن نعمان، از عبد الله بن مسکان وی می گوید: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برای زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام قبل از اهل عرفات تجلی کرده و حوائج آن ها را بر آورده و گناهانشان را آمرزیده و در مسائل و خواسته هایشان شفاعتشان را کرده و سپس توجه به اهل عرفات نموده و آنچه در حق زوار امام حسین علیه السلام منظور نمود برای ایشان نیز ملحوظ می دارد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله و محمد بن الحسن، و علي بن الحسين جميعا، عن سعد بن عبد الله، عن محمد عيسى بن عبید، عن صفوان بن يحيى عن رجل عن سيف التمار، عن ابي عبد الله علیه السلام قال: سمعته يقول: زائر الحسين علیه السلام مشفع يوم القيامة لمائة رجل كلهم قد وجبت لهم النار ممن كان في الدنيا من المسرفين.

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و على بن الحسين جملگی، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی، از مردی از سیف تمار، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می فرمودند:

زائر امام حسین علیه السلام در روز قیامت صد نفر که همگی اهل دوزخ بوده و در دنیا از مسرفین بودند را شفاعت می کند.

متن:

حدثني ابي رحمه الله و محمد بن الحسن؛ و على بن الحسين؛ و على بن محمد بن قولويه جميعا، عن احمد بن ادريس؛ و محمد بن يحيى، عن العمركي بن على البوفكي قال: حدثنا يحيى و كان في خدمته ابي جعفر الثاني عن على، عن صفوان الجمال، عن ابي عبد الله علیه السلام في حديث له طويل قلت فما لمن قتل عنده يعنى عند قبر الحسين علیه السلام جار عليه السلطان فقتله، قال: اول قطرة من دمه يغفر له بها كل خطيئة، و تغسل طينة التي خلق منها الملائكة حتى يخلص كما خصلت الانبياء المخلصين، و يذهب عنها ما كان خالطها، من ادناس طين اهل الكفر و الفساد، و يغسل قلبه و يشرح و يملا ايمانا، فيلقى الله و هو مخلص من كل ما تخالطه الابدان و القلوب، و يكتب له شفاعة في اهل بيته و الف من اخوانه، و تتولى الصلاة عليه الملائكة مع جبرئيل و ملك الموت، و يوتى بكفنه و حنوطه من الجنة، و يوسع قبره و يوضع له مصابيح في قبره، و يفتح له باب من الجنة، و تاتيه الملائكة بطرف من الجنة، و يرفع بعد ثمانية عشر يوما الى خطيرة القدس، فلا يزال فيها مع اولياء الله حتى تصيبه النفخة التي لا تبقى شيئا. فاذا كانت النفخة الثانية و خرج من قبره كان اول من يصافحه رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و امير المؤمنين و الاوصياء علیهم السلام و يبشرونه و يقولون له: الزمنا و يقيمونه على الحوض، فيشرب منه و يسقى من احب.

ترجمه:

(حدیث سوم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه جملگی، از احمد بن ادريس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابو جعفر ثانی (از خلفا عباسی) بود، از علی، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی نقل کرده....
مترجم گوید:

این حدیث بطور تمام و مشروح در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره دو نقل و ترجمه شده لذا از ترجمه مکرر خودداری می نمائیم.
متن:

حدثني ابي رحمه الله عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن محمد ابن اورمة، عن ابي عبد الله المومن، عن ابن مسكان، عن سليمان بن خالد، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: ان الله في كل يوم و ليلة مائة الف لحظة الى الارض يغفر لمن شأ منه و يعذب من يشأ منه و يغفر لزارئى قبر الحسين عليه السلام خاصة و لاهل بيتهم و لمن يشفع له يوم القيامة كائنا من كان و (ان كان رجلا قد استوجبه النار، قال:) قلت: و ان كان رجلا قد استوجبه النار؟ قال: و ان كان ما لم يكن ناصيبا.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة الله عليه از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از ابی عبد الله مومن از ابن مسکان، از سلیمان بن خالد، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

خداوند عزوجل در هر روز و هر شب صد هزار بار نظر به سکنه زمین می فرماید و در هر نظر هر کس را که بخواند آمرزیده و هر کس را که بخواند عذاب نموده و زائرین قبر حضرت امام حسین علیه السلام را بالخصوص و نیز اهل بیت ایشان و کسانی را که زائرین در روز قیامت شفاعت آن ها را می کنند خواهد آمرزید. ناگفته نماند اشخاص شفاعت شده هر کس و هر شخصی که باشد مشمول آمرزش حق تعالی قرار خواهد گرفت اگر چه کسی بوده که مستوجب آتش دوزخ باشد.

راوی می گوید: عرض کردم: اگر چه کسی بوده که مستحق آتش دوزخ باشد؟

حضرت فرمودند:

اگر چه این طور باشد مشروط به اینکه ناصبی محسوب نگردد.

متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه عبد الله بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن عبد الله بن وضاح، عن عبد الله بن شعيب التيمي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ينادى مناد يوم القيامة اين شيعة آل محمد؟! فيقوم عنق من الناس لا يحصيه الا الله تعالى فيقومون ناحية من الناس، ثم ينادى مناد: اين زوار قبر الحسين عليه السلام؟ فيقوم اناس كثير، فقال لهم: خذوا بيد من احببتهم؛ انطلقوا بهم الى الجنة، فياخذ الرجل من احب حتى ان الرجل من الناس يقول لرجل: يا فلان اما تعرفنى انا الذى قمت لك يوم كذا و كذا، فيدخله الجنة، لا يدفع و لا يمنع.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش از عبد الله بن محمد بن عیسی، از حسن بن محبوب، از عبد الله بن وضاح، از عبد الله بن شعیب تیمی، از حضرت ابا عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

روز قیامت منادی ندا می کند: شیعیان آل محمد در کجا هستند؟!

پس از میان مردم گردنهایی کشیده شده و افرادی بپا می خیزند که عدد آنها را غیر از حق تعالی کس دیگر نمی داند. ایشان در قسمتی از مردم بپا می خیزند که سپس منادی ندا می کند: زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام در کجا هستند؟! خلق بسیاری به پا می خیزند.

ترجمه کامل الزیارات

پس به ایشان گفته می شود: دست هر کسی را که دوست دارید بگیرد و آنها را به بهشت ببرد، پس شخصی که جزء زائرین است هر کسی را که بخواهد گرفته و به بهشت می برد حتی بعضی از مردم به برخی دیگر می گویند: ای فلانی من را می شناسی؟ من کسی هستم که در فلان روز در فلان مجلس برای تو ایستاده و احترام از تو نمودم پس من را نیز در یاب، زائر او را نیز گرفته و به بهشت دخل نموده بدون اینکه دافع و مانعی در بین باشد.

الباب التاسع و الستون ان الزيارة الحسين علیه السلام ینفس بها الكرب و تقضى بها

الحوائج

متن:

حدثني ابوالقاسم جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبد الله الموسوي العلوي، عن عبید الله بن نهیک، عن ابن ابی عمیر، عن هشام بن الحکم، عن فضیل بن یسار قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: ان الی جانبکم قبرا ما اتاه مکروب الا نفس الله کرته، و قضی حاجته.

باب شصت و نهم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام غم و اندوه را بر طرف کرده و به واسطه اش حوائج بر آورده می شود

ترجمه:

(حدیث اول)

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله موسوی علوی از عبید الله بن نهیک، از ابن ابی عمیر از هشام بن حکم، از فضیل بن یسار، وی می گوید: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

در طرف شما قبری است که هیچ حزین و اندوهگینی آن را زیارت نمی کند، مگر آنکه حق تعالی حزن و اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می سازد.

متن:

و عنه، عن عبد الله بن نهیک، عن محمد بن ابی عمیر، عن سلمة صاحب السابری، عن ابی الصباح الكنانی قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: ان الی جانبکم قبرا ما اتاه مکروب الا نفس الله کرته، و قضی حاجته، و ان عنده اربعة آلاف ملک منذ یوم قبض شعنا غبرا یبکونه الی یوم القیامة، فمن زاره شیعوه الی مامنه، و من مرض عادوه، و من مات اتبعوا جنازته.

ترجمه:

(حدیث دوم)

و از ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله موسوی علوی از عبد الله بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از سلمة صاحب سابری، از ابی الصباح کنانی، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می سازد و از روزی که آن حضرت شهید شدند چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند اطراف قبر مطهرش بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند و کسی که او را زیارت کند فرشتگان تا وطن و ماوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد جنازه اش را تشییع نمایند.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن علي بن اسماعيل بن عيسى، عن محمد بن عمرو الزيات، عن كرام، عن اسماعيل بن جابر، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: ان الحسين عليه السلام قتل مكروبا، و حقيق على الله ان لا ياتيه مكروب الا رده الله مسرورا.

ترجمه:

(حدیث سوم)

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبد الله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد ابن عمرو زیات، از کرام، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حضرت امام حسین عليه السلام با حالی حزین و اندوه کشته شدند و سزاوار است بر خدا که هیچ حزین و اندوهگینی به زیارت آن جناب نرود مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و شادمان به اهلش برگرداند.

متن:

وحدثني محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن مفضل بن صالح، عن محمد بن علي الحلبي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان الله عرض ولايتنا على اهل الامصار، فلم يقبلها الا اهل الكوفة؛ و ان الى جانبها قبرا لا ياتيه مكروب فيصلى عنده اربع ركعات الا رجعه الله مسرورا بقضاً حاجته.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از مفضل بن صالح، از محمد بن علی حلّبی، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

خداوند متعال ولايت ما اهل بيت را بر شهرها عرضه كرد پس تنها اهل كوفه آنرا پذيرفتند و بر جانب اين شهر قبری است كه هيچ اندوهگینی به زیارت آن نرود و چهار ركعت نماز نزد آن نخواند مگر آنكه حق تعالی وی را مسرور و با حاجت روا به اهلش برگرداند.

متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزين، عن محمد بن مسلم، عن ابي جعفر عليه السلام قال: ان الحسين صاحب كربلا قتل مظلوما مكروبا عطشاناً لهفاناً، و حق على الله عزوجل ان لا ياتيه لهفان، و لا مكروب و لا مذنب و لا مغموم و لا عطشان و لا ذو عاهة ثم دعا عنده و تقرب بالحسين عليه السلام الى الله عزوجل الا نفس الله كربته، و اعطاه مسألته، و غفر ذنوبه و مد في عمره، و بسط في رزقه، فاعتبروا يا اولي الابصار.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علأ بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین علیه السلام که صاحب کربلاً است در حالی که مظلوم و انده‌گین و تشنه و غصه دار بود شهید شد و غصه دار و اندوه‌گین و گناه کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت نیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرب جوید مگر آنکه بر خداست که حزن و اندوهش را بر طرف کرده و خواسته اش را اعطأ نموده و گناهانش را آمرزیده و عمرش را طولانی نموده و روزی و رزقش را فراخ نماید پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید.

متن:

حدثنی ابی رحمہ الله و جماعة مشایخی، و محمد بن الحسن، عن محمد بن یحیی؛ و احمد بن ادریس، عن العمرکی، عن یحیی و کان فی خدمة ابی جعفر عن بعض اصحابنا، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان بظهر الکوفه لقبرا ما اتاه مکروب قط الا فرج الله کربته یعنی قبر الحسین علیه السلام.

ترجمه:

(حدیث ششم)

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم و محمد بن الحسن، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس، از عمرکی، از یحیی (وی در خدمت ابی جعفر عباسی بود) از برخی اصحاب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

در پشت کوفه قبری است که هیچ حزین و غمگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزنش را بر طرف می فرماید، مقصود از آن قبر، قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می باشد.

متن:

حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن ناجية، عن عامر بن كثير، عن ابي النمير قال: قال ابو جعفر عليه السلام: ان ولايتنا عرضت على اهل الامصار فلم يقبلها قبول اهل الكوفة، و ذلك لان قبر علي عليه السلام فيها، و ان الى لزه لقبرا آخر يعنى قبر الحسين عليه السلام فما من آت ياتيه فيصلى عنده ركعتين او اربعة ثم يسال الله حاجته الا قضاها، و انه ليحف به كل يوم الف ملك.

ترجمه:

(حديث هفتم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، از محمد بن ناجيه، از عامر بن كثير، از ابي النمير، وى گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السلام فرمودند:

ولايت ما اهل بيت بر اهل شهرها عرضه شد هيچ كس آنرا مانند اهل كوفه نپذيرفت زيرا در آن قبر علي بن ابي طالب عليه السلام مى باشد و معلوم باشد كه در جانب آن، قبر ديگرى است (مقصود قبر حضرت امام حسين عليه السلام مى باشد) و هيچ زائرى آنرا زيارت نكرده و دو يا چهار ركعت نزد آن نماز نخوانده و سپس حاجتش را از خداوند بخواهد مگر آنكه حق تعالى حاجت او را بر آورده نموده و بايد توجه داشت كه در هر روز هزار فرشته بر آن قبر مطهر احاطه داشته و طوافش مى كنند.

متن:

حدثني ابو العباس الكوفى، عن محمد بن الحسين، عن صفوان، عن الوليد بن حسان، عن ابن ابي يعفور قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: دعانى الشوق اليك ان تجشمت اليك على مشقة، فقال لى: لا تشك ربك؛ فهلا اتيت من كان اعظم حقا عليك منى؟! فكان من قوله: (فهلا اتيت من كان اعظم حقا عليك منى) اشد

علی من قوله: (لا تشک ربک). قلت: و من اعظم علی حقا منک؟ قال: الحسین بن علی علیه السلام الا اتیت الحسین علیه السلام فدعوت الله عنده و شکوت الیه حوائجک؟! ترجمه:

(حدیث هشتم)

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از صفوان، از ولید بن حسان، از ابن ابی یعفر، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: شوق ملاقات شما من را بر آن داشت که مشقت ها و مشکلات را تحمل کرده تا محضر شما برسم.

حضرت به من فرمودند:

به پروردگارت شک مکن، آیا به زیارت کسی که حقش بر تو از من بر تو بیشتر است رفته ای؟!

ابن ابی یعفر می گوید:

عبارت (آیا به زیارت کسی که حقش بر تو از من...) بر من گران تر آمد از فرموده دیگر امام علیه السلام که فرمودند (به پروردگارت شک مکن)، لذا محضرش عرضه داشتم:

چه کسی حقش بر من از شما بیشتر است؟

حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام، آیا به زیارت آن حضرت رفته ای؟ و خدا را در آنجا خوانده ای؟

و حوائج و نیازمندی های خود را در آنجا بر خدای متعال عرضه کرده ای یا

نه؟

متن:

حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن ابراهيم بن محمد، عن علي بن المعلى، عن اسحاق بن زياد، قال: اتى رجل ابا عبد الله عليه السلام فقال: انى قد ضربت على كل شىء لى ذهبا و فضة؛ و بعث ضياعى، فقلت: انزل مكة، فقال: لا تفعل، فان اهل مكة يكفرون بالله جهرة، قال: ففى حرم رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم؟ قال: هم شر منهم، قال فاين انزل؟ قال: عليك بالعراق الكوفة، فان البركة منها على اثنى عشر ميلا هكذا هكذا و الى جانبها قبر ما اتاه مكروب قط و لا ملهوف الا فرج الله عنه.

ترجمه:

(حدیث نهم)

حكيم بن داود بن حكيم، از سلمة بن الخطاب، از ابراهيم بن محمد، از على ابن معلى، از اسحاق بن زياد (اسحاق بن يزداد بدل) وى مى گويد: شخصى نزد حضرت ابا عبد الله عليه السلام مشرف شد عرض كرد: آنچه طلا و نقره داشتم معامله کرده و املاك خود را نيز فروخته ام و همه را به صورت پول نقد در آورده ام كه از شهر خود به جاي ديگر بروم آيا كجا ساكن گردم؟ اسحاق مى گويد من به وى گفتم: به مكه وارد شو و در آنجا منزل كن. حضرت به ان مرد فرمودند:

اين كار را مكن زيرا اهل مكه كافر به خدا بوده و علنا به وى كفر مى ورزند. آن مرد عرضه داشت: پس به حرم رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم (يعنى مدينه) بروم؟ حضرت فرمودند:

اهل اين شهر از اهل مكه شرتر و بدتر مى باشند.

آن مرد عرض كرد: پس كجا منزل كنم؟

حضرت فرمودند:

بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر قبری است (قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام) که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزن و غم او را بر طرف می فرماید.

الباب السبعون ثواب زیارة الحسین علیه السلام يوم عرفة

متن:

حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز الكوفي، عن خاله محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدهان قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: ربما فاتني الحج فاعرف عند قبر الحسين عليه السلام، فقال: احسنت يا بشير، ايما مومن اتى قبر الحسين عليه السلام عارفا بحقه في غير يوم عيد كتب الله له عشرين حجة، و عشرين عمرة مبرورات متقبلات، و عشرين غزوة مع نبي مرسل او امام عدل، و من اتاه في يوم عيد كتب الله له مائة حجة و مائة عمرة، و مائة غزوة مع نبي مرسل او امام عدل، و من اتاه يوم عرفة عارفا بحقه كتب الله له الف حجة و الف عمرة متقبلات، و الف غزوة مع نبي مرسل او امام عدل، قال: فقلت له: و كيف لي بمثل الموقف، قال: فنظر الي شبه المغضب، ثم قال: يا بشير ان المومن اذا اتى قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة و اغتسل في الفرات، ثم توجه اليه كتب الله له بكل خطوة حجة بمناسكها و لا اعلمه الا قال: و غزوة.

باب هفتماد ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن جعفر قرشی رزاز کوفی، از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بسا زیارت حج از من فوت شده پس در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می روم از نظر شما چه طور است؟

حضرت فرمودند: ای بشیر عمل نیک و پسندیده ای انجام داده ای، هر مومن که در غیر روز عید به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و بیست عمره قبول شده و اجر بیست بار جنگ با دشمنان خدا در معیت نبی مرسل یا امام عادل برایش می نویسد.

و کسی که در روز عید به زیارت قبر مطهرش برود حق تعالی ثواب صد حج و صد عمره و صد بار جنگ با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

و کسی که در روز عرفه با عرفان به حق آن حضرت به زیارت قبر مطهرش برود خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار بار جنگ نمودن با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل به او می دهد.

بشیر می گوید: محضرش عرض کردم: چگونه این اجر و ثواب ها برای من باشد در حالی که موقف را ترک کرده ام؟

بشیر می گوید: پس از ایراد این کلام حضرت نگاهی شبیه شخص غضبناک به من نموده سپس فرمودند: ای بشیر هنگامی که مومن به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام در روز عرفه می رود و در فرات غسل کرده و سپس به طرف آن حضرت متوجه می شود خداوند متعال به هر قدمی که وی بر می دارد ثواب یک حج با تمام مناسک و اعمال آن را برایش منظور می کند.

بشیر می گوید: بعد از این کلام، سخن دیگری نمی دانم امام علیه السلام فرمودند مگر کلمه (و ثواب غزوة) را.

متن:

و حدثنی ابي؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن رحمهم الله جميعا، عن سعد بن عبد الله، عن علی بن اسماعیل بن عیسی، عن محمد ابن عمرو بن سعید الزیات، عن داود الرقی قال: سمعت ابا عبد الله؛ و ابا الحسن موسی بن جعفر و ابا الحسن علی بن موسی علیه السلام و هم یقولون: من اتی قبر الحسین علیه السلام بعرفة قلبه الله تلج الفواد.

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد ابن عبد الله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد بن عمرو بن سعید زیات، از داود رقی، وی گفت:

از حضرت ابو عبد الله و ابوالحسن موسی بن جعفر و ابوالحسن علی بن موسی علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال او را مطمئن القلب می گرداند.

متن:

و عنهم، عن سعد، عن الهيثم بن ابي مسروق النهدي، عن علي بن اسباط عن بعض اصحابنا عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان الله تبارك و تعالى يبدء بالنظر الى زوار قبر الحسين عليه السلام عشية عرفة، قال: قلت: قبل نظره لاهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: كيف ذلك؟ قال: لان في اولئك اولاد زنا؛ و ليس في هؤلاء اولاد زنا.

ترجمه:

(حديث سوم)

و از پدرم و علي بن الحسين و محمد بن الحسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد، از هيثم بن ابي مسروق نهدي، از علي بن اسباط، از برخی اصحاب ما از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: خداوند تبارك و تعالى عصر روز عرفة ابتداً به زوار قبر مطهر حضرت امام حسين عليه السلام نظر می کند.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: چرا این طور است؟

حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی ها زنزاده وجود داشته ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابداً زنزاده نمی باشد.

متن:

حدثني ابي، عن سعد بن عبد الله، عن موسى بن عمر، عن علي بن النعمان، عن عبد الله بن مسكان قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: ان الله تبارك و تعالى يتجلى لزوار قبر الحسين عليه السلام قبل اهل عرفات، و يقضى حوائجهم، و يغفر ذنوبهم، و يشفعهم في مسائلهم، ثم يثني اهل عرفة فيفعل ذلك بهم.

ترجمه:

(حديث چهارم)

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش قبلاً در باب شصت و هشت ذیل رقم یک با سند دیگر نقل شد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري ابي سعيد قال: حدثنا عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس بن يعقوب ابن عمار، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من فاتته عرفة بعرفات فادركها بقبر الحسين عليه السلام لم يفته، و ان الله تبارك و تعالى ليبدء باهل قبر الحسين عليه السلام قبل اهل عرفات، ثم يخالطهم في نفسه.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری ابی سعید، وی گفت: عبد الله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن یعقوب بن عمار، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که در عرفات روز عرفة را درک نکرد ولی آن را کنار قبر مطهر حضرت امام حسین عليه السلام درک نماید، عرفة از او فوت نشده است و خداوند متعال ابتدا کسانی را که در کنار قبر آن جناب هستند مورد نظر و التفات قرار بده بعد به اهل عرفات نظر نموده و با ایشان انس می گیرد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله و علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن القاسم بن يحيى ابن الحسن بن الراشد، عن جده الحسن، عن يونس بن ظبيان قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: من زار

الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان و ليلة الفطر و ليلة عرفة في سنة واحدة كتب الله له الف حجة مبرورة، و الف عمرة متقبلة، و قضيت له الف حاجة من حوائج الدنيا و الاخرة.

ترجمه:

(حدیث ششم)

پدرم رحمة الله عليه و على بن الحسين، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن خالد برقي، از قاسم بن يحيى بن الحسن بن راشد، از جدش حسن، از يونس بن ظبيان، وى مى گويد:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

كسى كه حضرت امام حسين عليه السلام را در نيمه شعبان و شب عيد فطر و شب عرفة در يكسال زيارت كند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول به وى داده و هزار حاجت از حوائج دنيا و آخرتش را روا مى سازد.

متن:

حدثني محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عند محمد بن خالد البرقي، عن حنان بن سدير، عن ابيه، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا كان يوم عرفة اطلع الله تعالى على زوار قبر ابي عبد الله الحسين عليه السلام فقال لهم: استأنفوا فقد غفرت لكم، ثم يجعل اقامته على اهل عرفات.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

محمد بن الحسن بن الوليد، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن خالد برقي، از حنان بن سدير، از پدرش، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

زمانی که روز عرفه فرا برسد خداوند متعال به زوار قبر حضرت ابی عبد الله
الحسین علیه السلام توجه نموده پس به ایشان می فرماید:
از ابتدا شروع به عمل نمائید زیرا شما را آمرزیدم سپس با اهل عرفات انس
می گیرد.

متن:

حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين عن ذكره عن عمر بن الحسن
العرزمي، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سمعته يقول: اذا كان يوم عرفة نظر الله الى
زوار قبر الحسين علیه السلام فيقول: ارجعوا مغفورا لكم ما مضى؛ و لا يكتب على احد
منهم ذنب سبعين يوما من يوم ينصرف.

ترجمه:

(حدیث هشتم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از کسی که نامش را برده، از عمر بن
الحسن العزرمی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام وی می گوید: از آن حضرت
شنیدم که می فرمودند:

هنگامی که روز عرفه می رسد خداوند متعال به زوار قبر حضرت امام حسین
علیه السلام نظر فرموده و می فرماید: برگردید آنچه از افعال و گناهان گذشته شما
است آمرزیدم و از روزی که مراجعت می کنند تا هفتاد روز هیچ گناهی از
ایشان ثبت و ضبط نمی شود.

متن:

حدثني ابی؛ و جماعة اصحابی رحمهم الله عن محمد بن يحيى؛ و احمد بن
ادريس جميعا، عن العمركي بن علي، عن يحيى الخادم لابي جعفر الثاني عن
محمد بن سنان، عن بشير الدهان قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول و هو نازل
بالحيرة و عنده جماعة من الشيعة فاقبل الي بوجهه فقال: يا بشير احججت العام؟

قلت: جعلت فداك لا؛ و لكن عرفت بالقبر الحسين عليه السلام فقال: يا بشير و الله ما فاتك شىء مما كان لاصحاب مكة بمكة، قلت: جعلت فداك فيه عرفات؟ فسرره لى، فقال: يا بشير ان الرجل منكم ليغتسل على شاطىء الفرات، ثم ياتى قبر الحسين عليه السلام عارفا بحقه فيعطيه الله بكل قدم يرفعها و يضعها مائة حجة مقبولة و مائة عمرة مبرورة، و مائة غزوة مع نبي مرسل ابى اعدا الله و اعدا رسوله، يا بشير اسمع و ابلغ من احتمال قلبه: من زار الحسين عليه السلام يوم عرفة كان كمن زار الله فى عرشه.

ترجمه:

(حديث نهم)

پدرم و جماعتى، از اصحاب و يارانم رحمة الله عليهم از محمد بن يحيى و احمد بن ادریس جملگی از عمرکی بن علی، از يحيى (يعنى خادم حضرت ابو جعفر ثانی عليه السلام) از محمد بن سنان، از بشير دهان، وی می گوید:
از حضرت ابو عبد الله عليه السلام (هنگامی که در حیره نزول اجلال فرموده و جماعتی از شیعه محضر مبارکش بودند) گفتاری شنیدم که شرحش چنین است:
حضرت روى مبارکشان را به من نموده و فرمودند:

ای بشير امسال به حج رفتی؟

عرض کردم: فدایت شوم، خیر، ولی در روز عرفة به زیارت قبر حسین بن علی عليه السلام رفتم.

حضرت فرمودند:

ای بشير به خدا قسم آنچه از اجر و ثواب برای اصحاب مکه (حاجی ها) در مکه می باشد از تو فوت نشده.

عرض کردم: یعنی در این زیارت من اجر و ثواب و وقوف به عرفات بوده؟
برایم فرموده خود را تفسیر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

ای بشیر وقتی یک نفر از شما کنار فرات غسل نمود و سپس به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفت در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد البته خداوند متعال به هر قدمی که وی از زمین بلند می کند و سپس آنرا بر زمین می نهد اجر صد حج و صد عمره قبول شده می دهد و اجر صد جنگ که وی در معیت نبی مرسل با دشمنان خدا و رسول او نموده را برایش منظور می فرماید. ای بشیر: بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفیت پذیرش آن را دارد برسان و بگو:

کسی که امام حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

متن:

حدثني محمد بن عبد المومن رحمه الله عن محمد بن يحيى، عن محمد ابن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد الكوفي، عن محمد ابن جعفر بن اسماعيل العبدى، عن محمد بن عبد الله بن مهران، عن محمد بن سنان، عن يونس بن ظبيان، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من زار قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة كتب الله له الف الف حجة مع القائم، و الف الف عمرة مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و عتق الف الف نسمة، و حملان الف فرس في سبيل الله، و سماه الله عبدى الصديق آمن بوعدى، و قالت الملائكة: فلان صديق؛ زكاه الله من فوق عرشه، و سمي في الارض كروبا.

ترجمه:

(حدیث دهم)

محمد بن عبد المومن رحمه الله عليه، از محمد بن يحيى، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد الكوفي، از محمد بن جعفر بن اسماعيل العبدى، از

محمد بن عبد الله بن مهران، از محمد بن سنان، از یونس بن ظبیان، از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که در روز عرفه قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند
خداوند متعال ثواب هزار هزار (یک میلیون) حج که با حضرت قائم علیه السلام بجای
آوردند را برای وی منظور می فرماید و اجر هزار هزار عمره که با حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام گیرد را به وی داده و همچنین ثواب آزاد نمودن هزار
هزار عبد را به او اعطاء کرده و اجر کسی که هزار هزار دو بار اسب را در راه
خدا انفاق کرده است را به وی عنایت می فرماید و حق تعالی از وی به این
عبارت نام می برد: عبدی الصدیق آمن بوعدی و فرشتگان درباره اش چنین
تعبیر می کنند: فلان صدیق، زکاه الله من فوق عرشه.

و در زمین کروپ نامیده می شود.

متن:

حدثنی ابی رحمہ اللہ عن سعد بن عبد اللہ، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن
محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبہ، عن بشیر الدہان قال: قال جعفر
بن محمد علیه السلام: من زار قبر الحسین علیه السلام یوم عرفة عارفا بحقه کتب الله له ثواب
الف حجة، و الف عمرة، و الف غزوة مع نبی مرسل، و من زار اول یوم من رجب
غفر الله له البتة.

ترجمه:

(حدیث یازدهم)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله از احمد بن محمد بن عیسی، از
محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی می گوید:
حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمودند:

کسی که در روز عرفه قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جنگی که در معیت نبی مرسلی انجام داده را برایش می نویسد. و کسی که روز اول ماه رجب آن جناب را زیارت کند خداوند منان البته او را می آمرزد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى ابن عبيد، عن محمد بن سنان، عن ابي سعيد القمط، عن بشار، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من كان معسرا فلم يتهيأ له حجة الاسلام فليات قبر الحسين عليه السلام، و ليعرف عنده، فذلك يجزئه عن حجة الاسلام، اما اني لا اقول يجزى ذلك عن حجة الاسلام للمعسر، فاما الموسر اذا كان قد حج حجة الاسلام، فاراد ان يتنفل بالحج و العمرة و منعه من ذلك شغل دنيا او عائق فاتي قبر الحسين عليه السلام في يوم عرفة اجزاه ذلك عن ادا الحج او العمرة و ضاعف الله له ذلك اضعافا مضاعفة، قال: قلت: كم تعدل حجة و كم تعدل عمرة؟ قال: لا يحصى ذلك، قال: قلت: مائة؟ قال: و يحصى ذلك؟ قلت: الف؟ قال: و اكثر، ثم قال: و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها، ان الله واسع كريم.

ترجمه:

(حدیث دوازدهم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عيسى بن عبيد، از محمد بن سنان، از ابي سعيد قمط، از بشار، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که متمکن و توانا نبوده لذا برای رفتن به حج و انجام حجة الاسلام مهیا نباشد باید به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام برود و روز عرفه را در آنجا باشد، چنین زیارتی از حجة الاسلامش مجزی است. ناگفته نماند و باید توجه داشت من نمی گویم این زیارت مطلقاً از حجة الاسلام مجزی است بلکه تنها برای شخص غیر متمکن و معسر اجزاً می باشد اما کسی که موسر و متمکن می باشد:

وی وقتی حجة الاسلام را بجا آورد اگر اراده نمود که حج یا عمره مستحبی انجام دهد و شغل دنیائی یا مانعی دیگر او را از آن بازداشت در صورتی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه برود البته خداوند با این زیارت جزای وی را ادا حج یا عمره داده بلکه ثواب آن را چندین برابر می نماید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

ثواب آن معادل چند حج و چند عمره می باشد؟

حضرت فرمودند:

قابل شمارش و احصاً نیست.

راوی عرض کرد: آیا ثواب صد حج و صد عمره را به او می دهند؟

حضرت فرمودند: کیست بتواند ثوابش را احصاً نموده باشد.

راوی می گوید: عرضه داشتم: آیا ثواب هزار حج و هزار عمره را دارد؟

حضرت فرمودند: بیش از این است، سپس فرمودند:

اگر نعمتهای باری تعالی را بشمارید نمی توانید از عهده احصاً آنها بر آئید

خداوند متعال واسع بوده و بدون عوض می بخشاید.

الباب الحادی و السبعون ثواب من زار الحسين علیه السلام یوم عاشوراً

متن:

حدثني ابي؛ و اخي؛ و جماعة مشايخي رحمهم الله عن محمد بن يحيى، عن محمد بن علي المدائني قال: اخبرني محمد بن سعيد الجبلي، عن قبيصة، عن جابر الجعفي قال: دخلت على جعفر بن محمد عليه السلام في يوم عاشوراً فقال لي: هولاء زوار الله و حق على المزور ان يكرم الزائر، من بات عند قبر الحسين عليه السلام ليلة عاشوراً لقي الله ملطخاً بدمه يوم القيامة كانما قتل معه في عرصته، و قال: من زار قبر الحسين عليه السلام ليوم عاشوراً و بات عنده كان كمن استشهد بين يديه.

باب هفتاد و یکم ثواب کسی که در روز عاشوراً امام حسین علیه السلام را زیارت

کند

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و برادرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیه، از محمد بن یحیی، از محمد بن علی مدائنی نقل کرده اند که وی گفت:

محمد بن سعید بجلی، از قبیصه از جابر جعفی برایم نقل کرد که جابر گفت: در روز عاشورا محضر مبارک حضرت جعفر بن محمد علیه السلام رسیدم، حضرت به من فرمودند:

این گروه (زائرین ابا عبد الله الحسین علیه السلام) زوار خدا بوده و بر مزور واجب است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در شب عاشوراً بیتوته کند روز قیامت خدا را ملاقات می کند در حالی که به خود خودش آلوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبد الله علیه السلام در عرصه کربلا شهید گشته است.

و نیز فرمودند:

و کسی که قبر امام حسین علیه السلام را روز عاشوراً زیارت کرده و بالای قبر بیتوته نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.

متن:

حدثنی ابو علی محمد بن همام قال: حدثنی جعفر بن محمد بن مالک الفزاری قال: حدثنی احمد بن علی بن عبدی الجعفی قال: حدثنی حسین بن سلیمان، عن

الحسين بن راشد، عن حماد بن عيسى، عن حريز، عن ابي عبد الله عليه السلام من زار الحسين يوم عاشوراً و جبت له الجنة.

ترجمه:

(حدیث دوم)

ابو علی محمد بن همام می گوید:

جعفر بن محمد بن مالک فزاری می گوید: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت:

حسین بن سلیمان، از حسین بن راشد، از حماد بن عیسی، از حریز، از حضرت ابو عبد الله عليه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را روز عاشوراً زیارت کند بهشت بر او واجب می گردد.

متن:

و حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن يعقوب بن يزيد الانباري، عن محمد بن ابي عمير، عن زيد الشحام، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من زار قبر الحسين بن علي عليه السلام يوم عاشوراً عارفاً بحقه كان كمن زار الله في عرشه.

ترجمه:

(حدیث سوم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از یعقوب بن یزید انباری، از محمد بن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در روز عاشوراً زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.

متن:

حدثني الحسين بن محمد بن عامر، عن المعلى بن محمد، عن محمد ابن جمهور العمى عن ذكره عنهم عليه السلام قال: من زار (قبر) الحسين عليه السلام يوم عاشوراً كان كمن تشحط بدمه بين يديه عليه السلام.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد، از محمد بن جمهور عمی، از کسی که ذکرش نموده، از ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشوراً زیارت کند، مانند کسی است که در مقابل آن حضرت به خون خودش آلوده شده باشد.

متن:

و روی محمد بن ابی سیار المدائنی باسناده قال: من سقى يوم عاشوراً عند قبر الحسين عليه السلام كان كمن سقى عسكر الحسين عليه السلام و شهد معه.

ترجمه:

(حدیثی پنجم)

و محمد بن ابی سیار مدائنی به اسنادش روایت کرده که گوینده فرمود: کسی که روز عاشوراً نزد قبر مطهر امام حسین علیه السلام کسی را آب دهد مانند کسی است که لشکریان امام حسین علیه السلام را آب داده و در رکاب حضرت شهید شده باشد.

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن ابي عمير، عن زيد الشحام، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام (قال: من زار الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنوبه و ما تاخر، و من زاره يوم عرفة كتب الله له ثواب الف حجة متقبلة و الف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراً فكانما زار الله فوق عرشه).

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن ابيه عبد الله ابن جعفر الحميري، عن محمد بن الحسين، عن حمدان بن المعافا، عن ابن ابي عمير، عن زيد الشحام، عن ابي عبد الله عليه السلام و ذكره مثله.

ترجمه:

(حديث ششم)

جعفر بن محمد بن ابراهيم موسوي، از عبيد الله بن نهيك، از ابن ابي عمير، از زيد شحام، از جعفر بن محمد الصادق عليه السلام حضرت فرمودند:

كسى كه حضرت امام حسين عليه السلام را شب نيمه شعبان زيارت كند خداوند متعال گناهان گذشته و آينده اش را مى آمرزد، و كسى كه آن حضرت را روز عرفة زيارت نمايد خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده را برايش مى نويسد، و كسى كه آن حضرت را روز عاشوراً زيارت نمايد مانند كسى است كه حق تعالى را بالاي عرشش زيارت کرده باشد.

محمد بن عبد الله بن جعفر، از پدرش، از عبد الله بن جعفر حميري، از محمد بن الحسين، از حمدان بن معافا، از ابن ابي عمير، از زيد شحام، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام نقل کرده، و حديثى مثل حديث مذکور را ذکر نموده است.

متن:

حدثني حكيم بن داود بن حكيم؛ و غيره، عن محمد بن موسى الهمداني، عن محمد بن خالد الطيالسي، عن سيف بن عميرة، و صالح بن عقبه جميعاً، عن

علقمة بن محمد الحضرمی؛ و محمد بن اسماعیل، عن صالح ابن عقبه، عن مالک الجهنی، عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال من زار الحسین علیه السلام یوم عاشوراً من المحرم حتی یظل عنده باکیا لقی الله تعالی یوم القیامة بثواب الفی الف حجة و الفی الف عمرة، و الفی الف غزوة و ثواب کل حجد و عمرة و غزوة کثواب من حج و اعتمر و غزا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مع الائمة الراشدين صلوات الله علیهم اجمعین.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از یوسف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمة بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی در روز عاشوراً یعنی روز دهم محرم الحرام حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد.

شایان توجه است که ثواب هر حج و عمره و جهادی همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه راشدین صلوات الله علیهم اجمعین بجا آورده باشد.

متن:

قال: قلت: جعلت فداک فما لمن کان فی بعد البلاد و اقصیها و لم یکنه المسیر الیه فی ذلک الیوم؟ قال: اذا کان ذلک الیوم برز الی الصحراً او سعد سطحاً مرتفعاً فی داره، و اوما الیه بالسلام، و اجتهد علی قاتله بالدعاء و صلی بعده رکعتین یفعل ذلک فی صدر النهار قبل الزوال، ثم لیندب الحسین علیه السلام و ینبکیه و

يامر من في داره بالبكاً عليه، يقيم في داره مصيبتته باظهار الجزع عليه، و يتلاقون بالبكاً بعضهم بعضاً في البيوت، ليعز بعضهم بعضاً بمصاب الحسين عليه السلام، فانا ضامن لهم اذا فعلوا ذلك على الله عزوجل جميع هذا الثواب، فقلت: جعلت فداك و انت الضامن لهم اذا فعلوا ذلك و الزعيم به؟ قال: انا الضامن لهم ذلك و الزعيم لمن فعل ذلك.

ترجمه:

(دنباله حديث هفتم)

علقمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم عليه السلام عرضه داشتم:

فدايت شوم، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشوراً) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام عليه السلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراً رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش بر آید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین عليه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هر گاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می شوم که حقتعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاً فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستوره‌های داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشد.
متن:

قال: قلت: فكيف يعزى بعضهم بعضا؟ قال: يقولون: عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، و جعلنا و اياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد؛ فان استطعت ان لا تنتشر يومك في حاجة فافعال، فانه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، و ان قضيت لم يبارك له فيها و لم ير رشدًا، و لا تدخرن لمنزلك شيئًا، فانه من ادخر لمنزله شيئًا في ذلك اليوم لم يبارك له فيما يدخره و لا يبارك له في اهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب الف الف حجة و الف الف عمرة، و الف الف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و كان له ثواب مصيبة كل نبي و رسول و صديق و شهيد مات او قتل منذ خلق الله الدنيا الى ان تقوم الساعة.

ترجمه:

(دنبال حدیث هفتم)

علقمه می گوید: محضر مبارک امام عليه السلام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند:

عظم الله اجورنا بمصابنا با الحسين عليه السلام، و جعلنا و اياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم
(خداوند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین عليه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین ولی آن حضرت، حضرت امام

مهدی قائم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشوراً) را بدنبال نیازمندی هایت نیروی البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت بر آورده شود برای شخص حاجت من مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشد در آن روز در منزلت آذوقه ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا ﷺ انجام داده باشد برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می فرماید.

متن:

قال صالح بن عقبة الجهني و سيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد الحضرمي: فقلت لابي جعفر عليه السلام: علمني دعاً ادعو به في ذلك اليوم اذا انا زرته من قريب، و دعاً ادعو به اذا لم ازره من قريب، و او مات اليه من بعد البلاد و من سطح داری بالسلام، قال: فقال: يا علقمة اذا انت صليت ركعتين بعد ان تومي اليه بالسلام و قلت عند الايماء اليه و من بعد الركعتين هذا القول فانك اذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعو به من زاره من الملائكة، و كتب له لك بها الف الف حسنة و محى عنك الف الف سيئة، و رفع لك مائة الف الف درجة، و كنت ممن استشهد مع الحسين بن علي عليه السلام حتى تشاركهم في درجاتهم، و لا تعرف الا في

الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب كل نبي ورسول وزيارة من زار الحسين بن علي عليه السلام منذ يوم قتل،

ترجمه:

(دنباله حدیث هفتم)

صالح بن عقبه جهنی و سیف بن عمیره می گویند:

علقمة بن محمد حضرمی می گوید:

محضر مبارک ابی جعفر عليه السلام عرض کردم:

دعائی به من تعلیم فرمائید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعائی یادم دهید که هر گاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت اشاره سلام دادم آن را بخوانم.

حضرت فرمودند: ای علقمه: بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعا و زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعا کرده اند تو نیز دعا نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می دهد که با حضرت حسین بن علی عليه السلام شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار می دهد و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که زیارت امام حسین عليه السلام را از زمان شهادتش تا به الان نموده اند را برایت می نویسد.

متن:

(تقول): (السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا بن رسول الله، (السلام عليك يا خيرة الله و ابن خيرته) السلام عليك يا بن اميرالمومنين و ابن سيد الوصيين، السلام عليك يا بن فاطمة سيده نساء العالمين، السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور، السلام عليك و على الارواح التي حلت بفنائك و اناخت برحلك، عليكم منى جميعا سلام الله ابدما ما بقيت و بقى الليل و النهار، يا ابا عبد الله لقد عظمت (الرزية و جلت) المصيبة بك علينا و على جميع اهل السماوات (و الارض)، فلعن الله امة اسست اساس الظلم و الجور عليكم اهل البيت و لعن الله امة دفعتكم عن مقامكم؛ و ازالتمكم، و لعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم (برئت الى الله و اليكم منهم) و من اشياعهم و اتباعهم، يا ابا عبد الله انى سلم لمن سالمكم و حرب لمن حاربكم الى يوم القيامة، فلعن الله آل زياد و آل مروان، و لعن الله بنى امية قاطبة، و لعن الله ابن مرجانة، و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمرا، و لعن الله امة اسرجت و الجمت و تهيات لقتالك.

ترجمه:

دنباله حديث هفتم و كيفيت خواندن زيارت عاشورا

حضرت سلام الله عليه به علقمه فرمودند:

در زيارت ابا عبد الله الحسين روز عاشورا بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امير مومنان و فرزند سرور جانشينان، سلام بر تو ای پسر فاطمه که سرور بانوان عالم می باشد، سلام بر تو ای خون خدا (يعنى خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهري که در اطراف تو بوده و در ماوی و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند، بر شما باد جملگی از طرف من سلام و رحمت خدا برای همیشه و تا

مادامی که من باقی بوده و شب و روز باقی هستند، ای ابا عبد الله محققا عزای شما بزرگ بوده و مصیبت وارده بر شما بر ما و تمام اهل آسمانها و زمین گران می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اساس و پایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بنا نهاده لعنت کند و از رحمتش به دورشان دارد، و گروهی را که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند لعنت فرماید، و همچنین خدا لعنت کند کسانی را که شما را از مرتبه ای که حق شما است و خداوند متعال برای شما ترتیب داده بر کنار نمودند، و لعنت نماید جماعتی را که شما را کشتند و لعنت نماید آنان را که برای قاتلین شما تمهید اسباب کرده و بدینوسیله ایشان را بر کشتن شما متمکن ساختند، بسوی خدا و شما از این گروه و از پیروان و تابعین ایشان بی زاری می جویم، ای ابا عبد الله من با کسی که با شما در صلح بوده در صلح هستم و با آنکس که با شما در جنگ می باشد تا روز قیامت در جنگ و حرب خواهم بود، پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت نماید فرزند مرجانه را و لعنت کند عمر بن سعد را و لعنت نماید شمر را و لعنت کند جماعتی را که اسبها را زین کرده و لجام زده و خود را آماده برای کشتند نمودند.

متن:

یا ابا عبد الله بایی انت و امی لقد عظم مصابی بک، فاسأل الله الذی اکرم مقامک ان یکرمنی بک و یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من آل محمد صل الله علیه و آله، اللهم اجعلنی وجیها عندک بالحسین فی الدنیا و الاخرة، یا سیدی یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله تعالی و الی رسوله و الی امیر المومنین و الی فاطمة و الی الحسن و الیک، صلی الله علیک و سلم، و علیهم بموالاتک یا ابا عبد الله و بالبرأة من اعدائک و ممن قاتلک و نصب لک الحرب، و من جمیع اعدائکم، و بالبرأة ممن اسس الجور و بنی علیه بنیانه و اجرى ظلمه و جوره

عليكم و على اشياعكم، برئت الى الله و اليكم منهم، و اتقرب الى الله ثم اليكم بموالاةكم و موالاته وليكم و البراة من اعدائكم، و من الناصبين لكم الحرب و البراة من اشياعهم و اتباعهم، انى سلم لمن سالمكم، و حرب لمن حاربكم، و ولى لمن والاكم، و عدو لمن عاداكم فاسال الله الذى اكرمنى بمعرفتكم و معرفة اوليائكم و رزقنى البراة من اعدائكم ان يجعلنى معكم فى الدنيا و الاخرة، و ان يثبت لى عندكم قدم صدق فى الدنيا و الاخرة، و اساله ان يبلغنى المقام المحمود لكم عند الله، و ان يرزقنى طلب تاركم مع امام مهدي ناطق لكم، و اسال الله بحقكم و بالشان الذى لكم عنده ان يعطينى بمصابى بكم افضل ما اعطى مصابا بمصيبة اقول: (انا لله و انا اليه راجعون)، يا لها من مصيبة، ما اعظمها و اعظم رزيتها فى الاسلام! و فى جميع اهل السماوات و الارض.

ترجمه:

دنباله حديث هفتم و بقيه زيارت عاشوراً

ای ابا عبد الله پدر و مادرم فدایت شوند به خدا قسم مصیبت شما بر من گران و بزرگ است، پس از خدائی که مقام کرامت به تو داده درخواست می کنم به واسطه شما من را نیز مورد کرامتش قرار دهد و روزی من نماید که همراه امام کمک شده از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خون تو را طلب نمایم، بار خدایا به واسطه حسین عَلَيْهِ السَّلَام در دنیا و آخرت من را نزد خودت آبرومند قرار بده، ای آقای من، ای ابا عبد الله من به خدای تعالی و به رسولش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام و به فاطمه سلام الله علیها و به حسن عَلَيْهِ السَّلَام به سوی تو بواسطه دوست داشتن و محبتم به شما و بی زاری جستن از دشمنانت و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و به واسطه تبری و بی زاری از کسانی که جور و ستم را پایه نهاده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و بدنالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند تقرب می جویم، از ایشان بسوی خدا و تو

تبری می جویم و بواسطه دوست داشتنم شما و دوستان شما را به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب می جویم و به واسطه بی زاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز به واسطه بی زاری از شیعیان و تابعین اعداً به خدا تقرب می جویم، من با کسانی که با شما در صلح هستند در صلح بوده و با آنانکه با شما حرب و جنگ می کنند حرب می نمایم، کسی که شما را دوست دارد و بیزاری از دشمنانتان را روزی من قرار داد درخواست می کنم که در دنیا و آخرت من را همراه شما قرار داده و در هر دو نشئه برای من قدم و گامی صدق نزد شما ثابت نماید، و از او می خواهم که من را به مقام محمود و پسندیده ای که شما نزد حضرتش دارید برساند و نیز روزی من کند که در رکاب ظفر حضرت امام مهدی علیه السلام که ناطق شما است خون شما را مطالبه کنم، و از ذات اقدسش می خواهم که به حقانیت شما و به شان و مرتبه ای که نزد او دارید به واسطه عزاداری من برای شما برترین اجری را که به مصیبت دیدگان می دهد به من عطاء بفرماید.

در مقام اظهار مصیبت می گویم: انا لله و انا الیه راجعون، وای از این مصیبت، چقدر بزرگ است و چه قدر عزای آن در اسلام و بین جمیع اهل آسمانها و زمین گران و سنگین می باشد.

متن:

اللهم اجعلنی فی مقامی هذا ممن تناله منک صلوات و رحمة و مغفرة، اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد، و مماتی ممات محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اللهم ان هذا یوم تنزلت فیہ اللعنة علی آل زیاد و آل امیة و ابن آكلة الاکباد، اللعین بن اللعین، علی لسان نبیک، فی کل موطن و موقف وقف فیہ نبیک صلی الله علیه و آله و سلم، اللهم العن ابا سفیان و معاویة، و علی یزید بن معاویة اللعنة ابد الابدین، اللهم فضاعف علیهم اللعنة ابدًا لقتلهم الحسین (علیه السلام) اللهم انی اتقرب الیک فی

هذا اليوم في موقفى هذا و ايام حياتى بالبرأة منهم و اللعنة عليهم، و بالموالاة
لنبيك محمد و اهل بيت نبيك صلى الله عليه و عليهم اجمعين.

ترجمه:

(دنباله حديث هفتم)

(وبقيه زيارت عاشوراً)

بار خدایا قرار بده من را در این مقام و مرتبه ای که دارم از کسانی که می
رسد به آنان درودها و رحمت و آمرزشی از توبه ایشان، خداوندا زیستن من را
همچون زیستن محمد و آل محمد و مردنم را مانند مردن محمد و آل محمد
ﷺ قرار بده، بار خدایا بدرستی که امروز، روزی است که لعنت بر دودمان
زیاد و امیه و پسر خورنده جگرها یعنی ملعون بن ملعون بوسیله زبان پیامبرت
فرود آمده و درهر سرزمین و مکانی که پیامبرت ﷺ در آن وقوف و درنگ
داشته باشد، خداوندا ابوسفیان و معاویه و یزید پسر معاویه را برای همیشه مورد
لعنتت قرار بده، خداوندا لعنت خود را بر ایشان برای ابد چند برابر نما زیرا
ایشان حسین عليه السلام را کشتند، بار خدایا بدرستی که من در این روز و در این
مکان و در طول مدت زندگانیم بواسطه بی زاری از ایشان و درخواست لعنت بر
ایشان و به واسطه دوست داشتن پیامبرت یعنی حضرت محمد و دوست داشتن
اهل بیت پیامبرت ﷺ به تو تقرب می جویم.

متن:

ثم تقول مائة مرة:

(اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد، و آخر تابع له على ذلك،
اللهم العن العصاة التي جاهدت الحسين و شايعة و بايعة (اعداه) على قتله و
قتل انصاره، اللهم عنهم جميعاً).

ثم قل مائة مرة:

السلام عليك يا ابا عبد الله و على الارواح التي حلت بفنائك، و اناخت
برحلك، عليكم منى سلام الله ابدا مابقيت و بقى الليل و النهار، و لا جعله الله
آخر العهد من زيارتكم، السلام على الحسين و على على بن الحسين و على
اصحاب الحسين صلوات الله عليهم اجمعين.

ترجمه:

دنباله حديث هفتم و بقيه زيارت عاشوراً

سپس صد مرتبه بگو:

بار خدایا لعنت نما اولین ستمگری را که با گرفتن حق محمد و آل محمد به
ایشان ستم و ظلم نمود و آخرین کسی که از این ستمگران در گرفتن حق ایشان
تبعیت کرد، خداوندا لعنت نما گروهی را که حسین علیه السلام را انکار کرده و آن
جناب را نپذیرفته و دشمنان حضرت را تبعیت کرده و با آنان بیعت نموده و بر
قتل آن حضرت و کشتن یارانش با ایشان هم قسم شدند،

خداوندا همگی آنان را لعنت نما و از رحمتت دورشان بگردان.

پس از آن صد مرتبه بگو:

سلام بر توای ابا عبد الله و بر ارواح طیبیه ای که اطرافت را گرفته و در ماوای
و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند، از جانب من سلام و تحیت و رحمت
خدا همیشه بر شما باد تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز مستمر می
باشند، و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، سلام بر حسین و بر علی
بن الحسين و بر یاران حسین صلوات و رحمت خدا بر ایشان همگی باد.

متن:

ثم تقول مره واحدة:

(اللهم خص انت اول ظالم ظلم آل نبيك باللعن، ثم العن اعداء آل محمد من الاولين و الاخرين، اللهم العن يزيد و اباه، و العن عبيد الله بن زياد، و آل مروان و بنى امية قاطبة الى يوم القيامة).

ثم تسجد سجدة تقول فيها:

اللهم لك الحمد حمد الشاكرين على مصابهم، الحمد لله على عظيم مصابي و رزيتي فيهم، اللهم ارزقني شفاعته الحسين يوم الورود و ثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين و اصحاب الحسين، الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام صلوات الله عليهم اجمعين.

قال علقمة: قال ابو جعفر الباقر عليه السلام: يا علقمة ان استطعت ان تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دهرک فافعل، فلک ثواب جميع ذلك ان شا الله تعالى.

ترجمه:

دنباله حديث هفتم و بقيه زيارت عاشوراً

سپس يك مرتبه بگو:

بار خدایا تو اختصاص بده به لعن نمودن اولين کسی را که به اهل بیت پیغمبرت ستم کرده سپس لعن نما دشمنان آل محمد را از اولين و آخرين، خدایا يزيد و پدرش را لعن فرما و عبيد الله بن زياد و دودمان مروان و همه بنی امیه را تا روز قیامت لعن بکن.

سپس به سجده برو و در آن بگو:

بار خدایا تو را ستایش می کنیم ستایش سپاس گزاران بر مصیبتی که بر آنان وارد می شود، حمد و ستایش خدا برگرانی مصیبت و عزاداری من، خدایا شفاعت امام حسین عليه السلام را در روز ورود به جهان آخرت نصیب نما و قدم راستی را در نزد خودت همراه امام حسین عليه السلام و اصحاب حضرتش برای من

ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین علیه السلام ایثار نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنها باد.

علقمه می گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: ای علقمه اگر بتوانی هر روز با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کنی البته این کار را انجام بده که انشاء الله تمام ثواب هائی که ذکر شده برایت منظور گردد.

الباب الثانی و السبعون ثواب زیارة الحسین علیه السلام فی النصف من شعبان

متن:

حدثنی ابی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن یعقوب رحمة الله علیه جميعا، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه عن بعض اصحابه عن هارون بن خارجة، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: اذا كان النصف من شعبان نادى مناد من الافق الاعلى: زائری الحسین ارجعوا مغفورا لکم، ثوابکم علی الله ربکم و محمد نبیکم.

باب هفتاد و دوم ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمة الله علیهم جملگی از علی ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از برخی اصحابش، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان می شود از افق اعلی منادی ندا می کند: ای زائرین حسین علیه السلام به اهل خود برگردید در حالی که آمرزیده شده اید، ثواب و اجر شما بر خدا است که پروردگار شما بوده و بر محمد است که پیغمبر شما می باشد.

متن:

حدثني ابي رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الزيتوني؛ و غيره، عن احمد بن هلال، عن محمد بن ابي عمير - رحمة الله عليه - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله عن ابي بصير، عن ابي عبد الله عليه السلام. و الحسن بن محبوب، عن ابي حمزة، عن علي بن الحسين عليه السلام قالوا: من احب ان يضافحه مائة الف نبی و اربعة و عشرون الف نبی فليزر قبر ابي عبد الله الحسين بن علي عليه السلام في النصف من شعبان، فان اراح النبيين عليه السلام يستاذنون الله في زيارته فيؤذن لهم منهم خمسة اولوالعزم من الرسل، قلنا: من هم؟ قال: نوح و ابراهيم و موسى و عيسى؛ و محمد صلى الله عليهم اجمعين، قلنا له: ما معنى اولی العزم، قال: بعثوا الى شرق الارض و غربها: جنها و انسها.

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از حسن بن علی زیتونی و غیرش، از احمد بن هلال، از محمد بن ابی عمیر رحمة الله عليه، از حماد بن عثمان، از ابی بصیر، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام.
این دو امام بزرگوار فرمودند:

کسی که دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند باید قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در نیمه ماه شعبان زیارت کند چه آن که ارواح انبیاء علیهم السلام از خدا اذن گرفته تا آن جناب را زیارت کنند پس به ایشان اذن داده می شود، پنج تن از ایشان اولو العزم هستند.

عرض کردیم: ایشان چه کسی هستند؟

امام علیه السلام فرمودند: حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

محضر مبارکش عرضه داشتیم: معنای اولو العزم چیست؟

حضرت فرمودند:

یعنی مبعوث شده اند به شرق و غرب زمین، به جن و انس.

مترجم گوید:

از ذیل این حدیث این طور استفاده می شود که پیامبر اولو العزم یعنی پیامبری که رسالتش محدود و منحصر به گروهی دون گروهی دیگر و سرزمینی دون سرزمین دیگر نبوده بلکه عمومی و گسترده می باشد.

متن:

حدثنی ابی - رحمة الله عليه - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن الحسن، عن ابراهیم بن هاشم، عن صندل، عن هارون ابن خارجة، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: اذا كان النصف من شعبان نادى مناد من الافق

الاعلیٰ: زائری الحسین ارجعوا مغفورا لکم، ثوابکم علی (الله) ربکم و محمد نبیکم.

ترجمه:

(حدیث سوم)

یدرم رحمة الله علیه جماعتی از مشایخ و اساتید من، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسن، از ابراهیم بن هاشم، از صندل، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان شود از افق اعلیٰ منادی ندا می کند... تا آخر حدیث بشرحی که در حدیث اول گذشت.

متن:

و رواه صافی البرقی، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من زار ابا عبد الله علیه السلام ثلاث سنین متوالیات لا فصل فیها فی النصف من شعبان غفر له ذنوبه.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

صافی برقی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت ابا عبد الله علیه السلام را سه سال پشت سرهم که بینشان فاصله نباشد در نیمه شعبان زیارت کند گناهایش آمرزیده می شود.

متن:

و با سنده عن داود بن کثیر الرقی قال: قال الباقر علیه السلام: زائر الحسین علیه السلام فی النصف من شعبان یغفر له ذنوبه، و لن یکتب علیه سیئة فی سنته حتی یحول علیه الحول، فان زار فی السنة المقبلة غفر الله له ذنوبه.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

و پدرم به اسنادش، از داود بن کثیر رقی، وی گفت: حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

گناهان کسی که در نیمه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند آمرزیده می شود و در آن سال گناه و لغزشی برایش نوشته نمی شود تا سال تمام گردد و اگر در سال آینده حضرت را زیارت کرد گناهانش آمرزیده می گردد.

متن:

حدثني جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن الحسين ابن ابي سارة المدائني، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن ابي عمير، عن عبد الرحمن ابن الحجاج - او غيره اسمه الحسين - قال: قال: ابو عبد الله عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام ليلة من ثلاث ليال غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر، قال: قلت: اي الليالي جعلت فداك؟ قال: ليلة الفطر، و ليلة الاضحى، و ليلة النصف من شعبان.

ترجمه:

(حدیث ششم)

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن ابی سارة المدائنی، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از عبد الرحمن بن حجاج یا غیر او که اسمش حسین می باشد، وی گفت حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند خداوند منان گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

راوی گفت: عرض کردم: فدایت شوم آن سه شب کدام می باشد:

حضرت فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه ماه شعبان.

متن:

و حدثني ابي - رحمه الله - و علي بن الحسين؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن يونس بن ظبيان قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: من زار الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان، و ليلة الفطر، و ليلة عرفة فى سنة واحدة كتب الله له الف حجة مبرورة و الف عمرة متقبلة، و قضيت له الف حاجة من حوائج الدنيا و الاخرة.

ترجمه:

(حديث هفتم)

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن خالد، از قاسم بن يحيى، از جدش حسن بن راشد، از يونس بن ظبيان، وى مى گوید:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

کسى که حضرت امام حسين عليه السلام را شب نيمه شعبان و شب عيد فطر و شب عرفه در يكسال زيارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده برايش مى نويسد، و هزار حاجت از حوائج دنيا و آخرش روا مى گردد.

فصل ما يجب العمل به ليلة النصف من شعبان

متن:

سالم بن عبد الرحمن، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من بات ليلة النصف من شعبان بارض كربلاً فقرأ الف مرة (قل هو الله احد) و استغفر الله الف مرة و بحمد الله الف مرة، ثم يقوم فيصلى اربع ركعات يقرأ فى كل ركعة الف مرة آية الكرسي، و كل الله تعالى به ملكين يحفظانه من كل سوء، و من شر كل شيطان و سلطان، و يكتبان له حسناته و لا تكتب عليه سيئة و يستفران له ما دام معه.

فصل در بيان اعمال نيمه ماه شعبان

ترجمه:

(حدیث هشتم)

سالم بن عبد الرحمن، از حضرت ابا عبد الله علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که شب نیمه شعبان به زمین کربلاً رفته و در آن جا هزار مرتبه قل هو الله احد خوانده و هزار مرتبه استغفار نموده و هزار مرتبه الحمد الله بگوید سپس ایستاده و چهار رکعت نماز خوانده و در هر رکعت هزار مرتبه آیه الکرسی قرائت نماید خداوند متعال دو فرشته را بر او موکل کند که وی را از هر سوء و بدی و از شر هر شیطان و سلطانی حفظ کنند و حسنات او را نوشته ولی گناهانش را نمی نویسند و تا زمانی که با وی می باشند برای او طلب آموزش می نمایند.

متن:

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن يعقوب ابن يزيد، عن محمد بن ابي عمير، عن زيد الشحام، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: من زار قبر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر).

ترجمه:

(حدیث نهم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش، از یعقوب بن زید از محمد بن ابا عمیر، از زید شحام، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر مطهر حضرت امام حسین عليه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند حقتعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

حدثني ابو عبد الله محمد بن احمد بن يعقوب بن اسحق بن عمار، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب قال:

قال ابو عبد الله عليه السلام: يا يونس ليلة النصف من شعبان يغفر الله لكل من زار الحسين عليه السلام من المومنين ما تقدم من ذنوبهم و ما تاخر، و قيل لهم: استقبلو العمل، قال: قلت: هذا كله لمن زار الحسين عليه السلام في النصف من شعبان؟ فقال: يا يونس لو اخبرت الناس بما فيها لمن زار الحسين عليه السلام لقامت ذكور الرجال على الخشب.

فصل در بيان اعمال نيمه ماه شعبان

ترجمه:

(حدیث دهم)

ابو عبد الله محمد بن احمد بن يعقوب بن اسحاق بن عمار، از علی بن الحسن ابن علی بن فضال، از محمد بن ولید، از یونس بن یعقوب، وی گفت: حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

ای یونس، در شب نیمه شعبان خداوند متعال گناهان گذشته و آینده هر مومنی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را در آن شب زیارت کند می آمرزد و به ایشان گفته می شود:

شروع به انجام عمل کنید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: این هم عنایت و لطف برای

کسی است که امام حسین عليه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

ای یونس اگر مردم را خبر دهم به فضیلتی که در زیارت این شب است قطعاً

مردان بر چوب سوار شده و خود را به سر قبر مطهرش می رسانند.

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن عبد الله بن موسى، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن

ابي عمير، عن زيد الشحام، عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: من زار (قبر) الحسين

عاشوراء ليلة لنصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنوبه و ما تاخر، و من زاره يوم عرفة كتب الله له ثواب الف حجة متقلبة و الف عمره مبرورة، و من زار يوم عاشوراء فکانما زار الله فوق عرشه.

ترجمه:

(حدیث یازدهم)

جعفر بن محمد بن عبد الله بن موسی، از عبید الله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت جعفر بن محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن حضرت فرمودند: کسی که در شب نیمه شعبان قبر حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و کسی که قبر مطهرش را روز عرفة زیارت کند خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش می نویسد و کسی که در روز عاشوراء آن حضرت را زیارت کند مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده است.

الباب الثالث و السبعون ثواب من زار الحسين عَلَيْهِ السَّلَام في رجب

متن:

حدثني ابو علي محمد بن همام بن سهيل، عن ابی عبد الله جعفر ابن محمد بن مالك، عن الحسن بن محمد الابراري، عن الحسن بن محبوب، عن احمد بن محمد بن ابی نصر البنظلي (قال: سالت ابا الحسن الرضا عَلَيْهِ السَّلَام في اى شهر نزور الحسين عَلَيْهِ السَّلَام؟ قال، في النصف من رجب و النصف من شعبان). و رواه احمد بن هلال، عن احمد بن محمد بن ابی نصر، عن ابی الحسن الرضا عَلَيْهِ السَّلَام مثله، غير انه قال: اى الاوقات افضل ان نزور فيه الحسين عَلَيْهِ السَّلَام.

باب هفتاد و سوم ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در رجب
زیارت کند

ترجمه:

(حدیث اول)

ابو علی محمد بن همام بن سهیل، از ابی عبد الله جعفر بن محمد بن مالک، از
حسن بن محمد ابزاری، از حسن بن محبوب، از احمد بن محمد بن ابی نصر
بزنطی، وی می گوید: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدم:
در چه ماهی حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟
حضرت فرمودند:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و احمد بن هلال، از احمد بن ابی نصر، از ابی الحسن الرضا علیه السلام مثل همین
روایت را نقل کرده است با این تفاوت که سائل در سوال پرسیده است:
کدام یک از اوقات افضل است به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برویم؟
متن:

حدثنی ابی، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد
بن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبه، عن بشیر الدهان، عن جعفر بن محمد
علیه السلام قال: من زار الحسین علیه السلام یوم عرفة عارفا بحقه كتب الله له ثواب الف حجة
و الف عمرة و الف غزوة مع نبی مرسل، و من زاره اول یوم من رجب غفر الله له
البتة.

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل
ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام،
حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز عرفه زیارت کرده در حالی که به
حش عارف باشد خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهادی که
در رکاب نبی مرسل نموده را برایش می نویسد و کسی که آن حضرت را روز
اول رجب زیارت کند البته حق تعالی او را می آمرزد.

الباب الرابع و السبعون ثواب من زار الحسين علیه السلام فی غیر یوم عید و

لاعرفة

متن:

حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن
اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدهان قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: ايما
مومن زار الحسين عليه السلام عارفا بحقه في غير عيد و لا عرفة كتب الله له عشرين
حجة، و عشرين عمرة مبرورات متقبلا، و عشرين غزوة مع نبی مرسل او امام
عدل.

باب هفتاد و چهارم ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در غیر روز
عید و عرفه زیارت کند

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل،
از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

هر مومنی که امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند در
حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و
بیست عمره مقبول و بیست جهاد در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برایش می
نویسد.

متن:

و عنه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن صالح، عن عبد الله ابن هلال، عن
ابی عبد الله علیه السلام (قال: قلت: جعلت فداک ما ادنی مالزائر الحسین علیه السلام؟ فقال لی:
یا عبد الله ان ادنی ما یکون له ان الله یحفظه فی نفسه و ماله حتی یرده الی اهله،
فاذا کان یوم القیامة کان الله الحافظ له).

حدثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن
عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیر، عن صالح - مثل حدیثه الاول فی الباب
.-

ترجمه:

(حدیث دوم)

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش با سند دیگر در باب چهل و نهم ذیل حدیث شماره پنجم قبلا ذکر شد.

متن:

حدثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد ابن عیسی؛ و عن احمد بن ادريس، عن العمرکی بن علی البوفکی، عن صندل، عن داود بن یزید عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من زار قبر الحسين علیه السلام فی کل جمعة غفر الله له البتة، و لم یخرج من الدنيا و فی نفسه حسرة منها، و كان فی الجنة جار الحسين علیه السلام؟ قلت: من لا افلح.

ترجمه:

(حدیث سوم)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله بن محمد عیسی و از احمد بن ادريس، از عمرکی بن علی البوفکی، از صندل، از داود بن یزید، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت کند البتة حقتعالی او را می آمرزد و از دنیا خارج نمی شود در حالی که از دنیا حسرتی در خاطر داشته باشد و مکانش در بهشت با حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می باشد، سپس فرمودند:

ای داود چه کسی است که دوست نداشته باشد در بهشت همسایه حسین

علیه السلام باشد؟

داود می گوید: عرض کردم: کسی که رستگار نباشد.

متن:

و عنه، عن احمد بن ادريس، عن العمرکی، عن سندل، عن داود ابن فرقد قال:
قلت لابی عبد الله عليه السلام: ما لمن زار الحسين عليه السلام في كل شهر من الثواب؟ قال له:
(من الثواب) ثواب مائة الف شهيد مثل شهيداً بدر.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

و از پدرم، از احمد بن ادريس، از عمرکی، از سندل، از داود بن فرقد، وی
می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله عليه السلام عرض کردم: ثواب کسی که در هر
ماه حسین عليه السلام را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

برای او ثواب صد هزار شهید مانند شهیداً بدر می باشد.

متن:

و باسناده عن سندل، عن ابی الصباح الكنانی، عن ابی عبد الله عليه السلام قال: اذا
كان ليلة القدر فيها يفرق كل امر حكيم نادی مناد تلك الليلة من بطنان العرش:
ان الله قد غفر لمن زار قبر الحسين عليه السلام في هذه الليلة.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

پدرم به اسنادش از سندل، از ابی الصباح کنانی، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام
حضرت فرمودند:

هنگامی که شب قدر فرا برسد یعنی شبی که در آن کارهای مصلحت آمیز
عباد توزیع و تفریق می گردد از طرف عرش منادی ندا می کند:
خداوند متعال در این شب گناهان کسی را که به زیارت قبر حضرت امام
حسین عليه السلام رفته می آمرزد.

متن:

حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد ابن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدهان قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: ربما فاتني الحج فاعرف عند قبر الحسين عليه السلام، قال: احسنت يا بشير، ايما مومن اتى قبر الحسين عليه السلام عارفا بحقه في غير يوم و لا عرفة كتب الله له عشرين حجة، و عشرين عمرة مبرورات متقبلات، و عشرين غزوة مع نبي مرسل او امام عدل، و من اتاه في يوم عيد - و ذكر الحدى بطوله.

ترجمه:

(حديث ششم)

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش با سند دیگر در باب هفتادم ذیل حدیث شماره یک قبلا ذکر شد.

الباب الخامس و السبعون من اغتسل في الفرات و زار الحسين عليه السلام

متن:

حدثني ابي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري، عن عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس، عن صفوان الجمال، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من اغتسل بما الفرات و زار قبر الحسين عليه السلام كان كيوم ولدته امه صفرا من الذنوب و لو اقترفها كبائر (و كانوا) يحبون اذا زار الرجل قبر الحسين عليه السلام اغتسل و اذا ودع لم يغتسل و مسح يده على وجهه اذا ودع.

باب هفتاد و پنجم ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام برود

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد الله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که در آب فرات غسل کند و قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید مانند روزی است که مادر او را خالی از گناهان زائیده اگر چه مرتکب گناهان کبیره هم شده باشد و ما دوست داریم که شخص وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رود غسل کرده و هنگام وداع غسل نکند بلکه دستش را بر صورتش بکشد.

متن:

حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل بن بزيق، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدهان: قال قلت لابي عبد الله عليه السلام في حديث طويل - قال: ويحك! يا بشير ان المومن اذا اتى قبر الحسين عليه السلام عارفا بحقه فاغتسل في الفرات ثم خرج كتب له بكل خطوة حجة و عمرة ميرورات متقبلات، و غزوة مع نبي مرسل، او امام عدل.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم (در ضمن حدیث طولانی)....

حضرت فرمودند:

وای بر تو، ای بشیر هر گاه مومن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود و به حق آن جناب آگاه باشد پس در فرات غسل کند و از آن خارج گردد حق تعالی در مقابل هر قدمی که بر می دارد یک حج و یک عمره مقبول برایش می نویسد و نیز ثواب یک جهاد در رکاب نبی مرسل، یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

متن:

حدیثی ابی: رحمه الله - عن محمد بن یحیی؛ و احمد بن ادريس، عن العمرکی بن علی، عن یحیی - و کان فی خدمة الامام ابی جعفر الثانی علیه السلام - عن محمد بن سنان، عن بشیر الدهان قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام و هو نازل بالبحيرة و عنده جماعة من الشيعة فاقبل الی بوجهه فقال: یا بشیر حججت العام؟ قلت: جعلت فداک لا، ولكن عرفت بالقبر - قبر الحسين علیه السلام - فقال: یا بشیر و الله ما فاتک شیء مما کان لاصحاب مكة بمكة، قلت: جعلت فداک فیہ عرفات فسرلی؟ فقال: یا بشیر ان الرجل منکم لیغتسل علی شاطیء الفرات ثم یتى قبر الحسين علیه السلام عارفا بحقه فیعطیه الله بكل قدم یرفعها او یضعها مائة حجة مقبولة و معها مائة عمرة مبرورة، و مائة غزوة مع نبی مرسل الی اعداء الله و اعداء الرسول -

و ذکر الحدیث -.

ترجمه:

(حدیث سوم)

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب هفتادم ذیل حدیث شماره نه
قبلا ذکر شد.

متن:

و حدثنی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن علی بن محمد
ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصری، عن عبد الله بن عبد
الرحمن الاصبم قال: حدثنا هشام بن سالم، عن ابی عبد الله عليه السلام: فی حدیث له
طویل - قال: اتاه رجل فقال له: هل یزار والدک؟ فقال: نعم، فقال: ما لمن اغتسل
بالفرات ثم؟ اتاه؟ قال: اذا اغتسل من ماء الفرات و هو یریده تساقطت عنه خطایاه
کیوم ولدته امة - و ذکر الحدیث بطوله -.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

مترجم می گوید:

این حدیث با ترجمه اش در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره دو قبلا
ذکر شده.

متن:

حدثنی ابو محمد هارون بن موسی، عن ابی علی محمد بن همام بن سهیل،
عن احمد بن، عن احمد بن المعافا التغلبی، من اهل راس العین، عن علی بن
جعفر الهمانی قال: سمعت علی بن محمد العسکری عليه السلام یقول: من خرج من بیته
یرید زیارة الحسین عليه السلام فصار الی الفرات فاغتسل منه کتبه الله من المفلحین، فاذا
سلم علی ابی عبد الله کتب من الفائزین، فاذا فرغ من صلاته اتاه ملک فقال (له)
(ان رسول الله صلى الله عليه وسلم یقروک السلام و یقول لک لک: اما ذنوبک فقد غفر لک
استأنف العمل.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری، از ابی علی محمد بن همام بن سهیل، از احمد ابن مابنداد، از احمد بن معافا تغلبی که از اهل شهر راس العین بود، از علی بن جعفر همانی، وی می گوید:

از حضرت علی بن محمد العسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که از خانه اش بیرون بیاید و قصدش زیارت حضرت امام حسین علیه السلام باشد پس به فرات برسد و از آن غسل کند خداوند متعال او را از رستگاران می نویسد و وقتی بر ابی عبد الله الحسین علیه السلام سلام دهد او را از فائزین قلمداد می کند و وقتی از نمازش فارغ شود فرشته ای نزد او آمده و به او می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به تو سلام می رساند و می فرماید: اما گناهانت تمام آمرزیده شد پس عمل را از ابتدا شروع کن.
متن:

حدثنی حسین بن محمد بن عامر، عن احمد بن علویة الاصفهانی، عن ابراهیم بن محمد محمد الثقفی - رفعه الی ابی عبد الله علیه السلام - انه کان یقول عند غسل الزیارة اذا فرغ:

اللهم اجعله لی نورا و طهورا و حرزا، و کافیا من کل دأ و سقم، و من کل آفة و عاهة و طهر به قلبی و جوارحی و لحمی، و دمی و شعری، و بشری و مخی و عظامی و عصبی، و ما اقلت الارض منی فاجعله لی شاهدا یوم القیامة، و یوم حاجتی و فقری و فاقتی.

ترجمه:

(حدیث ششم)

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن علویة الاصفهانی، از ابراهیم بن محمد
 تقفی بطور مرفوعه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:
 حضرت امام صادق علیه السلام هنگام فراغت از غسل زیارت می فرمودند:
 بار خدایا این آبا را برابیم نور و طهور و حرز و تعویذ و پناه گاهم قرار بده، و
 ان را کفایت کننده از هر دردی و عیبی گردان، و آن را شفا دهنده از هر آفت و
 آسیبی تقدیر نما، و به واسطه آن قلب و اعضا و گوشت و خون و موی و پوست
 و مغز و استخوان و رگ من را پاکیزه گردان و آن چه را که زمین از من می
 کاهد و در خود پنهان می نماید را در روز قیامت یعنی روز حاجت و نیاز و تهی
 دستی من شاهد قرار بده.

متن:

حدثنی محمد بن همام بن سهیل الاسکافی، عن جعفر بن محمد ابن - مالک
 الفزاری، عن الحسن بن عبد الرحمن الرواسی - عن حدثه - عن بشیر الدهان،
 عن ابی عبد الله علیه السلام قال نم من اتی الحسین بن علی علیه السلام فتوضا و اغتسل فی
 الفرات لم یرفع قدما و لم یضع قدما الا کتب الله له حجة و عمرة.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

محمد بن همام بن سهیل اسکافی، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، از
 حسن بن عبد الرحمن رواسی، از کسی که برایش حدیث گفته، از بشیر دهان، از
 حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت حسین بن علی علیه السلام برود و وضوء گرفته و در فرات
 غسل نماید قدمی از زمین برنداشته و روی آن قدمی نمی گذارد مگر آنکه حق
 تعالی ثواب یک حج و یک عمره برایش منظور می فرماید.

متن:

حدثني ابي - رحمه الله - و محمد بن الحسن جميعا، عن الحسين ابن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن ايوب، عن يوسف الكناسي، عن ابي - عبد الله عليه السلام قال: اذا اتيت قبر الحسين عليه السلام فائت الفرات و اغتسل بحيال قبره.

ترجمه:

(حديث هشتم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن جميعا، از حسين بن الحسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از فضالة بن ايوب، از يوسف كناسي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمود:

هنگامي كه به زيارت قبر حسين بن علي عليه السلام رفتي پس ابتداً به فرات برو در مقابل قبر آن حضرت غسل نما.

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن محمد الفراهي، عن ابراهيم بن محمد الطحان، عن بشير الدهان، عن رفاعة بن موسى النخاس، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان من خرج الى قبر الحسين عليه السلام عارفا بحقه و بلغ الفرات و اغتسل فيه و خرج من الماء كان كمثل الذي خرج من الذنوب، فاذا مشى الى الحائر لم يرفع قدما و لم يضع اخرى الا كتب الله له عشر حسنات و محى عنه عشر سيئات.

ترجمه:

(حديث نهم)

جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبد الله موسوي، از عبد الله بن نهيك، از محمد الفراهي، از ابراهيم بن محمد طحان، از بشير دهان، از رفاعة بن موسى نخاس، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته و به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد در صورتی که به فرات رسید و در آن غسل کرد و از آب خارج شد مثل کسی است که از گناهان خارج و پاک شود، و وقتی به طرف حائر قدم بردارد قدمی از زمین برداشته و قدمی بر روی زمین نمی گذارد مگر آنکه حق تعالی ده حسنه برایش نوشته شود و ده گناه از او محو می فرماید.

الباب السادس السبعون الرخصة في ترك الغسل لزيارة الحسين عليه السلام

متن:

حدثني ابي؛ و اخي، عن الحسن بن متويه بن السندی، عن ابيه قال: حدثني محمد بن الحسين بن ابي الخطاب بالكوفة، عن صفوان بن يحيى عن العيص بن القاسم البجلي قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: من زار الحسين بن علي عليه السلام عليه غسل؟ قال: فقال: لا.

باب هفتاد و ششم جواز ترک غسل برای زیارت امام حسین علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

پدر و برادرم، از حسن بن متویه بن السندی، از پدرش، وی گفت:
محمد بن الحسین بن ابی الخطاب در کوفه برایم حدیث گفت، از صفوان بن
یحیی، از عیص بن القاسم البجلی، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بر کسی که زیارت
حسین بن علی علیه السلام می رود غسل واجب است؟
راوی گفت: حضرت فرمودند: خیر.

متن:

و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله بن ابی خلف، عن محمد بن
الحسین بن ابی الخطاب، عن صفوان، عن العیص بن القاسم، عن ابی عبد الله علیه السلام
مثله.

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله بن ابی خلف، از محمد بن الحسین
ابی ابی الخطاب، از صفوان، از عیص بن القاسم، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد ابن عبد
الجبار، عن صفوان، عن العیص، عن ابی عبد الله علیه السلام مثله.

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عبد الجبار، از صفوان، از عیص، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

حدیثی علی بن الحسین بن موسی، عن سعد بن عبد الله، عن احمد ابن محمد بن عیسی، عن العباس بن معروف، عن عبد الله بن المغیره، عن ابی الیسع (قال: سال رجل ابا عبد الله علیه السلام - و انا اسمع - عن الغسل اذ اتی قبر الحسین علیه السلام، فقال: لا).

حدیثی جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسین عن ایوب بن نوح؛ و غیره، عن عبد الله بن المغیره قال: حدثنا ابو الیسع - و ذکر الحدیث بنفسه -

ترجمه:

(حدیث دوم)

علی بن الحسین بن موسی از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن معروف، از عبد الله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت: شخصی از حضرت ابو عبد الله علیه السلام سوال کرد و من نیز می شنیدم، وی پرسید: زائر وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رود باید غسل کند؟ حضرت فرمودند: خیر.

جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح و غیرش از عبد الله بن مغیره نقل کرده، وی گفت: ابو الیسع برای ما حدیثی گفت و همین حدیث را عینا برای ما نقل کرد.
متن:

و حدثني محمد بن احمد بن الحسين، عن الحسن بن علي بن مهزيار عن ابيه،
عن ايوب بن نوح؛ و غيره، عن عبد الله بن المغيرة، عن ابي اليسع قال: سال رجل
ابا عبد الله عليه السلام - و ذكره مثله.

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسين، از حسن بن علي بن مهزيار، از پدرش علي، از
ايوب بن نوح و غيرش، از عبد الله بن مغيره از ابي السيع، وي گفت:
شخصي از حضرت ابا عبد الله سوال كرد... و مثل همان سوال و جواب در
حديث قبل را ذكر نمود.

متن:

حدثني جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن احمد بن ابي زاهر،
عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن صفوان بن يحيى، عن سيف بن
عميرة، عن العيص بن القاسم البجلي قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام من زار الحسين
عليه السلام عليه غسل؟ قال: لا.

ترجمه:

(حديث سوم)

جماعتي از مشايخ و اساتيدم، از محمد بن يحيى عطار، از احمد بن ابي زاهر،
از محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، از صفوان بن يحيى، از سيف بن عميره از
عيص بن قاسم البجلي، وي گفت:

محضر مبارك حضرت ابو عبد الله عليه السلام عرض كردم: آيا بر كسي كه به
زيارت حضرت امام حسين عليه السلام مي رود غسل واجب است؟
حضرت فرمودند: خير.

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبید الله بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق عليه السلام، عن عبید الله بن نهيك، عن محمد بن زياد، عن ابي حنيفة السابق، عن يونس بن عمار، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا كنت منه قريبا - يعنى الحسين عليه السلام - فان اصبت غسلا فاغتسل، و الا فتوضا ثم ائته.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبید الله بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق عليه السلام، از عبید الله بن نهيك، از محمد بن زياد، از ابو حنيفة سابق (يعنى سعيد بن بيان) از يونس بن عمار، از حضرت ابو عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: وقتی نزدیک آن حضرت (يعنى حضرت امام حسين عليه السلام) شدی اگر به آب دست یافتی و خواستی غسل کن و الا وضوء بگیر و سپس به زیارت حضرتش برو.

متن:

حدثني محمد بن احمد بن يعقوب، عن على بن الحسن بن فضال، عن العباس بن عامر، عن الحسن بن عطية ابي ناب قال: سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الغسل اذ ل اتيت قبر الحسين عليه السلام، قال: ليس عليك غسل.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

محمد بن احمد بن يعقوب، از على بن الحسن بن فضال، از عباس بن عامر، از حسن بن عطية ابي ناب، وی می گوید: از حضرت ابا عبد الله عليه السلام پرسیدم: هنگامی که به زیارت قبر حضرت امام حسين عليه السلام می روم آیا بر من غسل لازم است؟

حضرت فرمودند: بر تو غسل نمی باشد.

متن:

حدثني الحسن بن الزبير بن الطبري باسناد له - يرفعه الى الصادق عليه السلام - قال: قلت: ربما اتينا قبر الحسين عليه السلام فيصعب علينا الغسل للزيارة من البرد او غيره؟ فقال عليه السلام: من اغتسل في الفرات و زار الحسين عليه السلام كتب له من الفضل ما لا يحصى، فمتى ما رجع الى الموضع الذي اغتسل فيه (و)توضا و زار الحسين عليه السلام كتب له ذلك الثواب.

ترجمه:

(حدیث ششم)

حسن بن زبير بن الطبري باسنادش به طور مرفوعة امام صادق عليه السلام، وی می گوید:

محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرض کردم: بسا به زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام می رویم و به جهت سرما یا غیر آن غسل زیارت بر ما مشکل می باشد چه کنیم؟

حضرت فرمودند:

کسی که در فرات غسل کرده و حسین عليه السلام را زیارت نماید برایش به اندازه ای فضیلت منظور می شود که قابل احصا و شمارش نیست و زمانی که برگردد به آنجائی که غسل کرده و این بار وضوء گرفته و حضرت را زیارت کند همان ثواب و فضیلت برای او نوشته می شود.

الباب السابع و السبعون ان زائري الحسين عليه السلام العارفين بحقه تشيعهم الملائكة و تستقبلهم و تعودهم اذا مرضوا، و يشهدونهم اذا ماتوا و يستغفرون لهم الى يوم القيامة

متن:

حدثني ابي؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهرى، عن اسحاق بن ابراهيم، عن هارون بن خارجة، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول و كل الله بقر الحسين عليه السلام اربعة آلاف ملك شعنا غربا يبيكونه الى يوم القيامة، فمن زاره عارفا بحقه شيعوه حتى يبلغوه مامنه، و ان مرض عادوه غدوة و عشية، و ان مات شهدوا جنازته و استغفروا له الى يوم القيامة.

باب هفتاد و هفتم در بیان اینکه زائرین حضرت امام حسین علیه السلام که به حق
آن حضرت عارف هستند

فرشتگان به مشایعت و استقبالشان رفته و هنگام مرض عیادتشان نموده و در
هنگام مرگ بر بالین آنها حاضر شده و برای ایشان تا روز قیامت طلب مغفرت
می کنند

ترجمه:

(حدیث اول)

یدرم و محمد بن الحسن از حسین بن حسین بن ابان، از حسین بن سعید، از
قاسم بن محمد جوهری، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم که حضرت می فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام
فرموده که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن
جناب گریه می کنند، پس کسی که حضرت را زیارت کند و به حق آن حضرت
عارف باشد این فرشتگان او را مشایعت کرده تا وی را به منزلش برسانند و اگر
بیمار شود صبح و شام عیادتش کرده و اگر فوت کند بر جنازه اش حاضر شده
و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

حدثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل بن
بزیع، عن ابی اسماعیل السراج، عن یحیی بن معمر العطار، عن ابی بصیر، عن ابی
جعفر علیه السلام قال: اربعة آلاف ملک شعث غیر یبکون الحسین علیه السلام الی یوم القیامة

فلا ياتيه احد الا استقبلوه، و لا يرجع احد من عنده الا شيعوه و لا يمرض احد الا عاده، و لا يموت احد الا شهده.

و حدثني ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع باسناده مثله.

حدثني ابي - رحمه الله - عن سعد بن محمد بن الحسين، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، عن عمر بن ابان، عن ابي عبد الله عليه السلام مثله.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از محمد بن اسماعيل بن بزيع، از ابي اسماعيل السراج، از يحيى بن معمر عطار، از ابي بصير، از مولانا ابي جعفر عليه السلام حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و غبار آلود و گرفته بر حضرت امام حسين عليه السلام تا روز قیامت می گریند پس احدی به زیارت حضرت نمی آید مگر آنکه ایشان استقبالش می کنند و احدی از نزد آن جناب بر نمی گردد مگر آنکه این فرشتگان مشایعتش می نمایند، و احدی از زوار آن حضرت بیمار نمی شود مگر آنکه این فرشتگان عیادتش می کنند و احدی از زائرین آن مظلوم فوت نمی کنند مگر آنکه این فرشته ها بر جنازه اش حاضر می گردند.

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع مثل همین حدیث را نقل کرده است.

پدرم رحمة الله عليه، از سعد، از محمد بن الحسين، از موسى بن سعدان، از عبد الله بن القاسم، از عمر بن ابان از حضرت ابي عبدالله عليه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن ابي عمير، عن سلمة صاحب السابري، عن ابي الصباح الكناني قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان الى جنابكم قبرا ما اتاه مكروب الا نفس الله كربته و قضى حاجته، و ان عنده اربعة آلاف ملك منذ يوم قبض، شعنا غيرا يبكونه الى يوم القيامة، فمن زاره شيعوه (الى مامنه)، و من مرض عادوه، و من مات اتبعوا جنازته.

ترجمه:

(حديث سوم)

جعفر بن محمد بن ابراهيم از عبد الله بن نهيك، از ابن ابي عمير، از سلمة صاحب سايري، از ابي الصباح الكناني وي مي گويد: شنيدم امام صادق عليه السلام مي فرمودند:

در طرف و حوالی شما قبری است که هیچ غمگینی به زیارتش نرفته مگر خداوند متعال غم او را بر طرف کرده و حاجتش را بر آورده می کند و در نزد آن قبر چهار هزار فرشته بوده که از زمان شهادت صاحب قبر این فرشتگان به هیئتی ژولیده و حالی گرفته و غبار آلود تا روز قیامت بر او می گریند، پس هر کس او را زیارت کند فرشتگان او را مشایعت کرده و اگر مریض شود عیادتش نموده و اگر از دنیا برود جنازه اش را تشییع می کنند.

متن:

حدثني ابي - رحمة الله عليه - و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري، عن عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس بن عبد الرحمن، عن صفوان الجمال، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان الرجل اذا خرج من منزله يريد زيارة الحسين عليه السلام شيعته سبعمائنه ملك من فوق راسته و من تحته، و عن يمينه و عن شماله، و من بين يديه و من خلفه حتى يبلغوه مامنه، فاذا زار الحسين عليه السلام ناداه مناد: قد غفر لك فاستأنف

العمل، ثم يرجعون معه مشيعين له الى منزله، فاذا صاروا الى منزله قالوا:
(نستودعك الله)، فلا يزالون يزورونه الى يوم مماته، ثم يزورونه قبر الحسين
عليه السلام في كل يوم، و ثواب ذلك للرجل.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی
الطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد الله بن محمد یمانی، از منیع بن
حجاج، از یونس عبد الرحمن، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبد الله
عليه السلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شخص به قصد زیارت حضرت امام حسین عليه السلام از منزلش بیرون
می رود هفتصد فرشته از بالای سر و زیر پا و دست راست و طرف چپ و از
مقابل و از پشت سر او را مشایعت کرده تا وی را بمقصدش برسانند و وقتی وی
آن حضرت را زیارت کرد منادی ندا می دهد: گناهانت آمرزیده شد اعمال را از
ابتداء شروع کن، سپس فرشتگان با او مراجعت کرده و وی را همچنان مشایعت
نموده تا او را به منزلش برسانند و وقتی به منزلش رسیدند می گویند:
ما تو را به خدا می سپاریم.

پس پیوسته او را زیارت کرده تا روز فوتش فرا برسد، و پس از فوت در هر
روز قبر حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کرده و ثواب آن برای آن شخص
منظور می گردد.

متن:

و عنه، عن محمد بن یحیی باسناده الى منیع، عن زیاد، عن عبد الله بن
مسکان، عن محمد الحلبي قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان الله و كل بقبر

الحسين عليه السلام اربعة آلاف ملك شعنا غربا الى ان تقوم الساعة، يشيعون من زارة،
يعودونه اذا مرض، و يشهدون جنازته اذا مات.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

از پدرم، از محمد بن یحیی باسنادش تا منیع، از زیاد، از عبد الله بن مسکان،
از محمد حلبی، وی گفت: شنیدم حضرت ابا عبد الله عليه السلام می فرمودند:
خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر مطهر حضرت سید الشهداء قرار
داده که همگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند و تا قیامت اطراف آن قبر می
باشند، وقتی کسی حضرت را زیارت کند این فرشتگان مشایعتش کرده و
هنگامی که زائر بیمار شود او را عیادت نموده و زمانی که از دنیا برود بر سر
جنازه اش حاضر می گردند.

متن:

حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن وليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن
الحسن بن علي عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن ابان، عن باي
حمزة، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان الله و كل بقبر الحسين عليه السلام اربعة آلاف ملك
شعنا غربا، فلم يزل يبكونه من طلوع الفجر الى زوال الشمس، فاذا زالت الشمس
هبط اربعة آلاف ملك و سعد الاربعة آلاف ملك، فلم يزل يبكونه حتى يطلع
الفجر، و يشهدون لمن زاره بالوفاء و يشيعونه الى اهله، و يعودونه اذا مرض، و
يصلون عليه اذا مات.

ترجمه:

(حدیث ششم)

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب بیست و هفتم ذیل شماره
یازده قبلا نقل گردید.

متن:

حدثني ابي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن ابي ابراهيم عليه السلام قال: من خرج من بيته يريد زيارة قبر ابي عبد الله الحسين عليه السلام وكل الله به ملكا فوضع اصبعه في قفاه، فلم يزل يكتب ما يخرج من فيه حتى يرد الحائر، فاذا دخل من باب الحائر وضع كفه وسط ظهره، ثم قال له: اما مضى فقد غفر الله لك، فاستأنف العمل.

ترجمه:

(حديث هفتم)

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش در باب شصت و دوم ذیل شماره هفتم قبلا نقل گردید.

متن:

حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن ابي ابراهيم عليه السلام قال من خرج من بيته يريد زيارة قبر الحسين عليه السلام - مثله.

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد عيسى، از قاسم بن يحيى، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابي ابراهيم عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که از خانه اش بیرون بیاید و قصدش قبر حضرت امام حسین عليه السلام باشد... سپس بقیه حدیث را مثل حدیث گذشته ذکر فرموده.

متن:

حدثنی ابی؛ و محمد بن عبد الله - رحمهما الله - جميعا، عن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابراهیم بن مهزیار، عن اخیه علی بن مهزیار، عن ابی القاسم، عن القاسم بن محمد، عن اسحاق بن ابراهیم، عن هارون بن خارجه قال: سال رجل ابا عبد الله عليه السلام - و انا عند - فقال ما لمن قبر الحسين عليه السلام؟ قال: ان الحسين عليه السلام لما اصيب بكنه حتى البلاد، فوكل الله به اربعة آلاف ملك شعنا غبرا يبيكونه الى يوم القيامة، فمن زاره عارفا بحقه شيعوه حتى يبلغوه مامنه، و ان مرض عادوه غدوة و عشية، و ان مات شهدوا جنازته و استغفروا له الى يوم القيامة.

ترجمه:

(حدیث هشتم)

پدرم و محمد بن عبد الله رحمة الله عليه عليهما جملگی از عبد الله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی می گوید: شخصی از حضرت ابو عبد الله عليه السلام سوال کرد و من نیز در آنجا حاضر بودم، سائل پرسید؟ ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسین عليه السلام به مصیبت گرفتار شدند موجودات جملگی بر او گریستند حتی شهرها پس حتی تعالی چهار هزار فرشته را بر قبر مطهرش موکل ساخت که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تار روز قیامت بر آن جناب می گریند، پس کسی که آن حضرت را زیارت کند و به حقش آگاه و عارف باشد این فرشتگان مشایعتش کرده تا وی را به مقصدش برسانند و اگر بیمار گردد صبح و شام عیادتش کنند و اگر از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، عن عمر بن ابان الكلبي، عن ابان بن تغلب قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: هبط اربعة آلاف ملك يريدون القتال مع الحسين، لم يوذن لهم في القتال فرجعوا في الاستيذان، فهبطوا وقد قتل الحسين عليه السلام فهم عند قبره شعث غبر يبيكونه الى يوم القيامة، رئيسهم ملك يقال له: المنصور، فلا يزوره زائر الا استقبلوه، و لا يودعه مودع الا شيعوه، و لا يمرض مريض الا عادوه، و لا يموت الا على جنازته و استغفروا له بعد موته، و كل هولاً في الارض ينتظرون قيام القائم عليه السلام.

ترجمه:

(حديث نهم)

مترجم گوید:

این حدیث در ضمن حدیث طولانی با ترجمه اش قبلاً در باب چهل و یکم ذیل شماره پنجم نقل شد.

متن:

حدثني أبو العباس الرزاز، عن ابن أبي الحظاب قال: حدثني محمد بن الفضيل، عن محمد بن مضارب، عن مالك الجهني، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال: يا مالك أن الله تبارك و تعالی لا قبض الحسين عليه السلام بعث إليه أربعة آلاف ملك شعثاً غبراً يبيكونه إلى يوم القيامة، فمن زاره عارفاً بحقه غفر الله ما تقدم من ذنبه و ما تأخبر، و كتب له حجة، و لم يزل محفوظاً حتى يرجع إلى أهله؛ قال فلها مات مالك و قبض أبو جعفر عليه السلام دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فأخبرته بالحديث، فلها انتهيت إلى (حجة) قال: و عمرة يا محمد.

ترجمه:

(حدیث دهم)

ابوالعباس رزاز، از ابن ابی الخطاب وی می گوید: محمد بن فضیل، از محمد ابن مضارب، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای مالک هنگامی که حق تعالی حضرت امام حسین علیه السلام را قبض روح کرد چهار هزار فرشته بر سر قبرش گسیل داشت که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر او می گریند، پس کسی که را زیارت کند و به حقش معرفت داشته باشد خداوند منان گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و برای او یک حج می نویسد و پیوسته محفوظش داشته تا به اهلش مراجعت کند.

محمد بن مضارب می گوید:

وقتی مالک از دنیا رفت و حضرت ابو جعفر علیه السلام نیز قبض روح شدند بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده و حدیث مذکور را محضر مبارکش بازگو کردم و وقتی به کلمه (کتب له حجة) منتهی شدم، حضرت فرمودند: ای محمد حجة و عمرة.

باب الثامن و السبعون فیمن ترک زیارة الحسین علیه السلام

متن:

حدثنی الحسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن ابن محبوب، عن عاصم بن حمید الحنط، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال: من لم یات قبر الحسین علیه السلام من شیعتنا کان منتقص الایمان، منتقص الدین، و ان دخل کان دون المومنین فی الجنة.

باب هفتاد و هشتم درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک می کنند

ترجمه:

(حدیث اول)

حسن بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عاصم بن حمید حنط، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، محمد بن مسلم می گوید:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پائین تر از مومنین باشد.
متن:

حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن ابن محبوب، عن عاصم بن حميد الحنط، عن محمد بن مسلم، عن ابى جعفر عليه السلام قال: قال: من لم يات قبر الحسين عليه السلام من شيعتنا كان منتقضا الايمان، منتقضا الدين، و ان دخل الجنة كان دون المومنين في الجنة.

باب هفتاد و هشتم درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک می کنند

ترجمه:

(حدیث اول)

حسن بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عاصم بن حمید حناط، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، محمد بن مسلم می گوید:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پایین تر از مومنین باشد.
متن:

حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن ابي المغراء، عن عنبسة بن مصعب، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من لم يات قبر الحسين عليه السلام حتى يموت كان منتقص الدين، منتقص الايمان، و ان ادخل الجنة كان دون المومنين في الجنة.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از ابی المغراء، از عنبسة بن مصعب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود تا از دنیا برود دین و ایمانش ناقص بوده و اگر به بهشت داخل شود در مرتبه پائین تر از مومنین می باشد.

متن:

حدیثی ابی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابيه، عن سيف بن عميرة - عن رجل - عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من لم یات قبر الحسین علیه السلام و هو یزعم انه لنا شیعة حتی یموت فلیس هو لنا بشیعة، و ان کان من اهل الجنة فهو من ضیفان اهل الجنة.

ترجمه:

(حدیث سوم)

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد ابن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از شخصی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود و گمانش این باشد که از شیعیان ما است و با این حال فوت کند او شیعه ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد میهمان بهشتیان محسوب می شود.

متن:

و باسناده، عن سيف بن عميرة، عن ابی بكر الحضرمی، عن ابی جعفر علیه السلام قال: سمعته یقول: من اراد ان یعلم انه من اهل الجنة فلیعرض حینا علی قلبه، فان قبله فهو مومن، و من کان لنا محبا فلیرغب فی زیارة قبر الحسین علیه السلام، فمن کان للحسین علیه السلام زوارا عرفناه بالحب لنا اهل البيت، و کان من اهل الجنة، و من لم یکن للحسین علیه السلام زوار کان ناقص الایمان.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم به اسنادش از سیف بن عمیره، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، ابی بکر حضرمی گوید:

شنیدم که حضرت ابو جعفر علیه السلام می فرمودند:

کسی که می خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس حب و دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او مومن است و کسی که محب و دوست دار ما است باید در زیارت امام حسین علیه السلام راغب باشد، بنابراین شخصی که زائر امام حسین علیه السلام باشد ما او را محب خود می دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زوار حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام نباشد ناقص الایمان است.

متن:

حدثنی ابی - رحمة الله علیه - و جماعة مشایخی، عن احمد بن ادريس، عن العمرکی بن علی البوفکی - عن حدثه - عن صندل، عن هارون بن خارجه، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن ترک الزيارة زیارة قبر الحسین بن علی علیه السلام من غیر علة؟ قال: هذا رجل من اهل النار.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

از پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از احمد بن ادريس از عمرکی بن علی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از صندل، از هارون، ابن خارجه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، هارون گوید:

از امام علیه السلام راجع به کسی که بدون علت زیارت حضرت ابا عبد الله علیه السلام را ترک می کند سوال کردم؟ حضرت فرمودند:

چنین کسی از اهل جهنم می باشد.

متن:

حدثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي القرشي، عن خاله محمد بن الحسين بن
ابي الخطاب - عن حدثه - عن علي بن ميمون قال: سمعت ابا عبد الله
عليه السلام يقول: لو ان احدكم حج الف حجة ثم لم يات قبر الحسين بن علي عليه السلام
لكان قد ترك حقا من حقوق الله تعالى، و سئل عن ذلك فقال: حق الحسين عليه السلام
مفروض على كل مسلم

ترجمه:

(حدیث ششم)

محمد بن جعفر رزاز کوفی قرشی، از دائی خود محمد بن الحسين بن ابی
الخطاب، از کسی که برایش حدیث گفته، از علی بن ميمون وی گفت: از
حضرت ابو عبد الله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

اگر یکی از شما هزار مرتبه به حج رود ولی به زیارت قبر حضرت حسین بن
علی عليه السلام نرود مسلما حقی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و قیامت از آن
مورد سوال و باز خواست واقع می شود، سپس حضرت فرمودند: حق امام
حسین عليه السلام بر هر مسلمانی واجب و لازم است.

متن:

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن علي بن محمد بن
سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد
الرحمن الاصبم قال: حدثنا هشام بن سالم، عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال - في
حدیث طويل - انه اتاه رجل فقال له: هل يزار والدك؟ فقال: نعم، قال: فما لمن
زاره؟ قال الجنة ان كان ياتم به، قال: فما لمن تركه رغبة عنه؟ قال: الحشرة يوم
الحسرة - و ذكر الحديث بطوله - .

ترجمه:

(حدیث هفتم)

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب چهل و چهارم ذیل شماره
دوم نقل شد.

الباب التاسع و السبعون زیارات الحسین بن علی علیه السلام

متن:

حدثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب،
عن عبد الرحمن بن ابي نجران، عن يزيد بن اسحاق شعر، عن الحسن بن عطية،
عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا دخلت الحائر فقل:

اللهم ان هذا مقام كرمتمني به و شرفتمني به، الله فاعطني فيه رغبتى على حقيقة
ايماني بك و برسلك، سلام الله عليك يا ابن رسول الله، و سلام ملائكته فيما
تروح و تغتدى به الرائحات الطاهرات (الطيبات) لك و عليك، و سلام على
ملائكة الله المقربين، و سلام على المسلمين لك بقلوبهم، الناطقين لك بفضلك
بالسنتهم، اشهد انك صادق صديق، صدقت فيما دعوت اليه، و صدقت فيما اتيت
به، الا باوليائك، اللهم حبب الى مشاهدتهم و شهادتهم حتى تلحقني بهم و
تجعلني لهم فرطا و تابعا فى الدنيا و الاخرة.

باب هفتاد ونهم در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی

علیه السلام

ترجمه:

(زیارت اول)

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از یزید بن اسحاق شعر، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

وقتی داخل حائر شدی، بگو:

بار خدایا این مقام و موقعیتی است که به واسطه اش من را مورد کرامت و شرافت قرار دادی، خداوندا بیخشیای به من و ایجاد کن در من رغبت و میل به این مقام را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و به فرستادگانت ثابت می باشم، سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، و سلام و درود فرشتگان خوشبو و پاکیزه اش در شامگاه و بامداد برای تو و بر تو باد، و سلام و درود بر فرشتگان مقرب خدا، و درود بر کسانی که با دل تو را پذیرفته و تسلیم شدند، کسانی که با زبانشان فضل تو را بیان کردند، شهادت می دهم که تو راستگو و درست می باشی، در آنچه به آن دعوت نمودی راست گفتی، و در آنچه انجام دادی و عمل کردی راست می گفتی، تو خون خدا در زمین هستی (یعنی طالب خون تو خدا می باشد) خونی که خون خواهی و طلب نمی شود مگر بوسیله اولیاً و دوستانت، خدایا مشاهد و شهادت ایشان را محبوب من نما (یعنی من را نیز شهید گردان همان طوری که ایشان را شهید قرار دادی) تا من را به آنها ملحق کرده و در دنیا و آخرت تابعشان قرار دهی.

متن:

ثم تمشى قليلا و تكبر سبع تكبيرات، و ثم تقوم بحيال القبر و تقول:
سبحان الذى سبح له الملك و الملكوت، و قدست باسمائه جميع خلقه، و
سبحان الله الملك القدوس رب الملائكة و الروح، اللهم اكتبنى فى وفدك الى خير
بقاعك و خير خلقك، اللهم العن الجبت و الطاغوت، و العن اشياعهم و ابتاعهم،
اللهم اشهدنى مشاهد الخير كلها مع اهل بيت نبيك، اللهم توفنى مسلما، واجعل
لى قدم صدق مع الباقيين الوارثين الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون من
عبادك الصالحين.

ترجمه:

(دنباله زيارت اول)

سپس اندکی راه برو و هفت تکبیر گفته پس از آن در مقابل قبر مطهر بایست
و بگو:

منزه است آن کسی که عالم ماده و عقل او را تسبیح می گویند و پاکیزه اند
تمام آفریده ها بواسطه اسمائش (مقصود از اسماً عالم خلق و ایجاد است)، منزه
است خداوند که فرمان روای عالم هستی است و از کل نقائص و شئون ماده مبرا
بوده و پروردگار فرشتگان و روح می باشد، بار خدایا نام من را در زمره کسانی
بنویس که به سوی بهترین اماکن زمین و والاترین مخلوقات سفر می کنند،
خداوندا هر که به سوی بهترین اماکن زمین و والاترین مخلوقات سفر می کنند،
خداوندا هر جبت (کسی که خیری در او نیست) و طاغوتی (هر معبودی که غیر
خدا است) را از رحمتت به دور دار، و نیز دنباله رو و تابعین آنها را مورد لعن
خود قرار بده، خداوندا من را در تمام مشاهد خیر با اهل بیت پیغمبرت حاضر و
شاهد بگردان، بار خدایا من را مسلمان از این دنیا ببر، و قدم راست (شاید مراد

اعمال خیر باشد) برایم با آنان که زنده اند قرار بده، زنده هائی که بنده گان صالح تو بوده و وارث بهشت بوده و در آن جاودانه خواهند ماند.

متن:

ثم کبر خمس تکبیرات، ثم تمشی قليلا و تقول:

اللهم انی بک مومن و بوعدک موقن، اللهم اکتب لی ایمانا و ثبته فی قلبی، اللهم اجعل ما القول بلسانی حقیقته فی قلبی و شریعته فی عملی، اللهم اجعلنی ممن له مع الحسین ع قدم ثبات، اثبني فیمن استشهد معه.

ترجمه:

(دنباله زیارت اول)

سپس پنج تکبیر گفته و پس از آن اندکی راه برو و بگو:

بار خدایا من به تو ایمان داشته و به آنچه وعده داده ای یقین دارم، خدایا برای من ایمان را بنویس و نصیبم گردان و در قلبم ثابتش نما، بار خدایا آنچه را که با زبانم می گویم حقیقتش را در قلبم قرار بده و ظاهرش را در عملم جلوه گر نما، خداوندا من را از کسانی قرار بده که با حضرت امام حسین ع ثابت قدم بودند، و من را در عداد آنانکه با آن حضرت شهید شدند ثبت و ضبط بفرما.

متن:

ثم کبر ثلاث تکبیرات و ترفع یدیک حتی تضعها علی القبر جمیعا، ثم تقول:

(اشهد انک طهر طاهر من طهر طاهر، طهت و طهت بک البلاد، و طهت ارض انت بها، و طهر حرمک، اشهد انک امرت بالقسط و العدل، و دعوت الیهما، و انک ثار الله فی ارضه حتی یستشیر لک من جمیع خلقه).

ثم ضع خدیک جمیعا علی القبر، ثم تجلس و ت ذکر الله بما شئت و توجه الی

الله فیما شئت ان تتوجه، ثم تعود و تضع یدیک عند رجليه، ثم تقول:

(صلوات الله على روحك و على بدنك، صدقت و انت الصادق المصدق، و قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن).

ثم تقبل الی علی ابنه فتقول ما احببت،
ترجمه:

(دنباله زیارت اول)

سپس سه تکبیر بگو و دو دستت را بلند کن به طوری که تمام دو دست را روی قبر بگذاری، پس از آن بگو:

شهادت می دهم که تو نفس پاکیزگی پاک بوده و از نفس پاکیزگی پاک ناشی شده ای، پاک هستی و بواسطه تو بلاد و شهرها پاک گشته اند، و پاک است سرزمینی که تو در آن می باشی، و پاک هستی و بواسطه تو بلاد و شهرها پاک گشته اند، و پاک است سرزمینی که تو در آن می باشی، و پاک است حرم تو، شهادت می دهم که به میانه روی و عدالت امر فرمودی، و به سوی ایندو دیگران را خواندی، و شهادت می دهم که تو خون خدا در روی زمین می باشی حتی حضرت باری تعالی از جمیع خلقش (یعنی کسانی که در خون تو دست داشته و یا به آن راضی بوده اند) خون خواهی می کند.

سپس دو طرف صورت را بر قبر بگذار و پس از آن بنشین و هر ذکر که خواستی بگو و متوجه به خدا بشو پس از آن بگرد و دو دست را پائین پا بگذار و بگو:

صلوات و رحمت خدا بر جان و جسمت باد، راست گفتمی و تو راست گو و مورد تصدیق می باشی، و خدا بکشد آنان را که با دست و زبان تو را کشتند.

سپس برو به علی اکبر فرزند آن حضرت کن و آن چه خواستی بگو:

(یعنی طالب خون تو خدا می باشد)خونی که خونخواهی و طلب نمی شود مگر به وسیله اولیاً و دوستانت، خدایا محبوب من گردان مشاهد و شهادت

ایشان را (یعنی شهادت را محبوب من گردان) تا من را به ایشان ملحق گردانی و نیز من را در دنیا و آخرت تابع ایشان نمائی.

متن:

ثم تقوم قائماً فتستقبل قبور الشهداء فتقول:

(السلام عليكم ايها الشهداء انتم لنا فرط و نحن لكم تبع، ابشروا بموعد الله الذي لا خلف له، الله مدرک لكم و ترکم و مدرک بکم فی الارض عدوه، انتم سادة الشهداء فی الدنيا و الاخره).

ثم تجعل القبر بين يديک، ثم تصلى ما بدا لك ثم تقول:

(جئت و افدا اليک، و اتوسل الى الله بک فی جميع حوائجی من امر دنياى و آخرتى، بک يتوسل المتوسلون الى الله فى حوائجهم، و بک یدرک عند الله اهل التراث طلبتهم).

ثم تكبر احدى عشر تكبيرة متتابعة و لا تجعل فيها، ثم تمشى قليلاً فتقوم مستقبلاً القلبة فتقول:

ترجمه:

(دنباله زیارت اول)

سپس راست بایست و قبور شهدا را قبله خود قرار بده و بگو:

سلام بر شما ای شهدا، شما جلو ما به دنبال شما می باشیم، بشارت باد بر شما به وعده خدا که در آن تخلف نیست، خدا خون خواه شما خواهد بود، و بواسطه شما از دشمنانش انتقام خواهد گرفت، شما در دنیا و آخرت سروران شهدا می باشید.

سپس قبر را جلو خود قرار بده سپس هر نمازی که خواستی بخوان پس از

آن بگو:

آمدم در حالی که به سوی تو کوچ کردم، در تمام حوائج و خواسته هایم از امور دنیائی و اخروی به واسطه تو به خدا متوسل می شوم، بواسطه تو تمام متوسلین به خدا در حوائج و نیازمندیهای توسل می جویند، و اهل میراث بواسطه تو نزد خدا حقشان را مطالبه می کنند.

سپس یازده تکبیر پشت سر هم بگو بدون اینکه در گفتن آنها عجله و شتاب کنی و پس از آن اندکی راه برو پس رو به قبله بایست و و بگو:

متن:

الحمد لله الواحد المتوحد في الامور كلها، خلق الخلق فلم يعب شيء من امورهم عن علمه، فعلمه بقدرته، ضمننت الارض و من عليها دمك و ثارك، يا ابن رسول الله صلى الله عليك، اشهد ان لك من الله ما وعدك من النصر و الفتح و ان لك من الله الوعد الصادق في هلاك و تمام موعده الله اياك، اشهد ان من تبعك الصادقون، الذين قال الله تبارك و تعالى فيهم: اولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم.

ترجمه:

(دنباله زیارت اول)

سپاس مختص ذات واحدی است که در تمام امور متفرد و یکتا است، مخلوقات را آفرید پس هیچ امری از امور آنها مخفی از علم او نیست. پس با قدرت کامله اش آنرا می داند، زمین و کسانی که بر روی آن هستند خون تو را به عهده گرفته اند، ای فرزند رسول خدا صلوات و رحمت خدا بر تو باد، شهادت می دهم نصرت و فیروزی را که حقتعالی به تو وعده داده بود برایت منجز و ثابت است، و برای تو است وعده راستی را که خداوند متعال به تو داده و ملتزم شده و دشمنانت را هلاک بکند، شهادت می دهم که تابعین تو صادقان و راستگویان هستند، آنان که حق تبارک و تعالی درباره ایشان فرمودند:

اولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم.
متن:

ثم كبر سبع تكبيرات ثم تمشى قليلا، ثم تستقبل القبر و تقول:
(الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك فى الملك، و خلق كل شىء
فقدرة تقديره، اشهد انك دعوت الى الله و الى رسوله، و وفيت الله بعهده، و قمت
الله بكلماته، و جاهدت فى سبيل الله حتى اتاك اليقين، لعن الله امة قتلتك (ولعن
الله امة ضلمت) ت و لعن الله امة خذلتك، و لعن الله امة خدعتك، اللهم انى
اشهدك بالولاية لمن واليت، و والته رسلك، و اشهد بالبرأة ممن برئت منه و
برئت منه رسلك، اللهم العن الذين كذبوا رسلك، و هدموا كعبتك، حرفوا كتابك،
و سفكوا دماً اهل بيت نبيك، و افسدوا فى بلادك و استذلوا عبادك، اللهم ضاعف
عليهم العذاب فيما جرى من سبلك و برک و بحرک، الله العنهم فى مستسر
السرائر و ظاهر العلانية فى ارضك و سمائك).

و كلما دخلت الحائر فسلم وضع يدك على القبر.

ترجمه:

(دنباله زیارت اول)

سپس هفت تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و بعد رو به قبر کن و
بگو:

سپاس مختص ذاتی است که فرزند نگرفت و برایش شریکی در سلطنت نمی
باشد، و آفرید هر چیزی را پس مقدر و معین نمود آنرا، شهادت می دهم که تو
مردم را به سوی خدا و رسولش دعوت نمودی و به عهدی که با خدا نموده
بودی وفا کردی، و همراه با کلمات و مخلوقاتش برای خدا قیام نمودی، و در
راه او جهاد کرده تا مرگ تو را دریافت، خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند
و لعنت کند جماعتی را که به تو ستم نمودند، و خدا لعنت کند آنانکه تو را خوار

کردند، و خدا لعنت کند امتی را که با تو حيله نمودند، خدایا تو را شاهد قرار می دهیم که ولی کسی است که تو او را ولی قرار دادی، و رسولانت او را ولی دانسته اند و شهادت می دهیم که از هر کس که تو و رسولانت بی زار هستید من نیز بی زارم، بار خدایا کسانی که رسولانت را تکذیب کردند لعن نما، و لعنت کن آنانکه کعبه تو را منهدم و خراب کردند، و کتابت را سوزاندند، و خونهای اهل پیغمبرت را ریختند، و در شهرهای تو فساد کرده و بندگان را ذلیل نمودند، خداوندا عذابت را بر ایشان در خشکی و دریا چند برابر نما، بار خدایا ایشان را در خفایا و علن و در زمین و آسمان مورد لعن قرار بده.

و هر گاه در حائر داخل شدی سلام کن و دست را روی قبر قرار بده.

زیارة اخري بسم الله الرحمن الرحيم

متن:

حدثني ابي؛ و علي بن الحسين؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعا، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن الحسن بن راشد، عن الحسين بن ثوير بن ابي فاخته (قال كنت انا و يونس بن ظبيان و المفضل بن عمر و ابو سلمة السراج جلوسا عند ابي عبد الله عليه السلام و كان المتكلم يونس - و كان اكبرنا سنا - فقال له: جعلت فداك انى احضر مجلس هولاء القوم - يعنى ولد العباس - فما اقول؟ فقال: اذا حضرتهم فذكرتنا فقل: (اللهم ارنا الرجاء و السرور، فانك تاتى على ما تريد) فقلت: جعلت فداك انى كثيرا ما اذكر الحسين عليه السلام، فابى شىء اقول؟ فقال: قل: (السلام عليك يا ابا عبد الله) تعيد ذلك ثلاثا - فان السلام يصل اليه من قريب و من بعيد، ثم قال: ان ابا عبد الله عليه السلام لما قضى بكت عليه السماوات السبع و الارضون السبع و ما فيهن و ما بينهن و من يتقلب فى الجنة و النار من خلق ربنا، و ما يرى و ما لا يرى بكى على ابي عبد الله الحسين عليه السلام الا ثلاثة اشياء لم تبك عليه، قلت: جعلت فداك و

ماهذه الثلاثة الاشياء؟ قال: لم تبتك عليه البصرة و لا دمشق و لا آل عثمان فقلت له: جعلت فداك انى اريد ان ازوره فكيف اقول و كيف اصنع؟ قال: اذا اتيت ابا عبد الله عليه السلام فاغتسل على شاطى الفرات ثم البس ثيابك الطاهرة، ثم امش حافيا، فانك فى حرم من حرم الله و حرم رسوله و عليك بالتكبير و التهليل و التمجيد و التعظيم لله كثيرا، و الصلاة على محمد و اهل بيته، حتى تصير الى باب الحائر.

ترجمه:

(زيارت دوم)

(بنام خداوند بخشنده مهربان)

پدرم على بن الحسين رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از قاسم بن يحيى، از حسن بن راشد، از حسين بن ثوير بن ابى فاخته، وى گفت:

من و يونس بن ظبيان و مفضل بن عمر و ابوسلمة سراج محضر حضرت ابو عبدالله عليه السلام نشسته بوديم و متكلم و سخنگو يونس که از همه ما عمر بيشترى داشت بود، يونس محضر مبارک امام عليه السلام عرض کرد: فدایت شوم من در مجلس اين جماعت يعنى بنى عباس حاضر مى شوم چه بگويم؟
حضرت فرمودند:

وقتی در مجلس ايشان حاضر شدى و آنها ما را ياد کردند تو بگو:
بارخدایا فراخى و سرور و شادى را به ما بنمايان، چه آنکه تو آنچه اراده بکنى را مى دهى.

عرض کردم: فدایت شوم: بسيار مى شود که من نام حضرت امام حسين

عليه السلام را مى برم، در ارتباط به آن حضرت چه بگويم؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله (این درود را سه بار بگو) چه آنکه درود به آن حضرت خواهد رسید چه از نزدیک بوده و چه از راه دور باشد.

سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت ابا عبدالله عليه السلام از این عالم ارتحال نمودند آسمانهای هفت گانه و هفت طبقه زمین و آنچه در آنها و بینشان بود بر آن حضرت گریستند چنانکه کل موجودات در بهشت و جهنم مرئی ها و نامرئی ها بر آن جناب گریه کردند مگر سه چیز که گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدامند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم: قصد دارم آن حضرت را زیارت کنم، در

زیارتش چه بگویم و چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند: وقتی به زیارت ابا عبدالله الحسین عليه السلام رفتی، اول کنار

فرات غسل کن، سپس سالهای پاک خود را بیوش بعد پای برهنه بطرف قبر

مطهرش حرکت کن زیرا در آن مسافت داخل در حرمی از حرم های خدا و

حرم رسولش می باشی و بر تو است که تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله)

و تمجید و تعظیم خدا را زیاد بنمائی و نیز صلوات بر محمد و اهل بیتش

بفرستی تا به درب حائر برسی.

متن:

ثم تقول:

السلام عليك يا حجة الله و ابن حجته، السلام عليكم يا ملائكة الله و زوار قبر

ابن نبی الله؛

ثم اخط عشر خطى ثم قف فكبر ثلاثين تكبيرة، ثم امش اليه حتى تأتية من قبل وجهه، و استقبل بوجهك وجهه، و تجعل القبلة بين كتفك، ثم تقول:

السلام عليك يا حجة الله و ابن حجة، السلام عليك يا قتيل الله و ابن قتيله، السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره، السلام عليك يا وتر الله الموتور، فى السماوات و الارض، أشهد أن دمك سكن فى الخلد، واقشعرت له أظلة العرش و بكى له جميع الخلائق، و بكت له السماوات السبع و الارضون السبع و ما فيهن و ما بينهن، و من فى الجنة و النار خلق ربنا، ما يرى و ما لا يرى، أشهد أنك ثار الله و ابن ثاره، و أشهد أنك وتر الله الموتور فى السماوات و الارض، و أشهد أنك قد بلغت و نصحت، و وفيت و رافيت، و جاهدت فى سبيل ربك، و مضيت للذى كنت عليه شهيدا و مستشهدا و شاهدا و مشهودا، و أنا عبدالله و مولاك و فى طاعتك، و الوافد اليك، التمس كمال المنزلة عند الله، و ثبات القدم فى الهجرة اليك، و السبيل الذى لا يختلج دونك من الدخول فى كفالتك التى امرت بها

زيارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسين عليه السلام

ترجمه:

سپس بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان خدا و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا، سپس ده قدم بردار و پس از آن بایست و سی تکبیر بگو و بعد از آن بطرف قبر حرکت کن تا به آن برسی و آنگاه رو به قبر بایست و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند خدا، سلام و درود بر تو ای کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای کسی که در آسمانها و زمین خدا طلب می کند، شهادت می دهم که خون تو در بهشت ساکن و آرام گشت و موجودات فوق عرش را لرزاند

و تمام خلایق بر آن گریستند، و آسمانهای هفت گانه و طبقات هفت گانه زمین و آنچه از موجودات در آنها و بین آنها هستند بر آن گریستند، و تمام مخلوقات پروردگار که در بهشت و جهنم قرار دارند بر آن گریه کردند، آنچه از موجودات دیده شده و آنچه دیده نمی شود بر آن اشک ریختند، شهادت می دهم که تو حجت خدا و فرزند حجتش می باشی، شهادت می دهم که تو خون خدا و فرزند خون خدا هستی، و شهادت می دهم که تو در آسمانها و زمین کسی هستی که خدا طلب خون تو را می کند و شهادت می دهم که رسالت خود را ابلاغ کرده و مصلحت بندگان را بیان نموده و به عهد خود وفا کرده و برای اعلای کلمه حق در مقابل گروه مخالف و منکر از خود ایستادگی نشان دادی و در راه پروردگارت جهاد نمودی، و شهادت می دهم که تو گذشتی و عبور نمودی در طریق حق در حالی که عاقبت امر تو به شهادت منجر شد و خود به آن آگاه و عالم بودی و نیز شاهد آنچه از این امت صادر شد بوده و خدا و رسولش و فرشتگان و اهل ایمان شهادت می دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی، و من بنده خدا و عبد تو و در اطاعتت بوده و به سوی تو کوچ و سفر نموده ام، و بواسطه این هجرت بسوی تو از خدا التماس دارم که نزد خودش به من کمال منزلت و ثبات قدم را عنایت فرماید و نیز بواسطه هجرت مزبور از خدا درخواست دارم که طریقی را که نزد تو اضطراب و لغزش نداشته باشد را به من عنایت کند زیرا من در کفالت تو داخل شده ام آن کفالتی که به آن امر شده ای قبولش نمائی.

متن:

من أراد الله بدء بكم، (من أراد الله بدء بكم، من أراد الله بدء بكم)، بكم یبین الله الکذب، و بكم یباعد الزمان الکلب، بكم فتح الله و بكم یختم، بكم یمحو ما یشأ و بكم یثبت، و بكم یفک الذل من رقابنا، و بكم یدرک الله ترة کل مؤمن

یطلب، و بکم تنبت الارض أشجارها، و بکم تخرج الاشجار أثمارها، و بکم تنزل السماء قطرها و رزقها، و بکم يكشف الله الكرب، و بکم ينزل الله الغيث، و بکم تسيخ الارض التي تحمل أبدانكم، و تستقر جبالها على مراسيها، ارادة الرب في مقادير اموره تهبط اليكم، و تصدر من بيوتكم، و الصادر عما فصل من أحكام العباد، لعنت امة قتلتمكم، و امة خالفتمكم، و امة جحدت و لا يتكم، و امة ظاهرت عليكم، و امة شهدت و لم تستشهد، الحمد لله الذي جعل النار مأواهم و بس ورد الواردين و بس الورد المورود، الحدالله رب العالمين

دنباله زيارت نامه حضرت (ابا عبدالله الحسين عليه السلام)

ترجمه:

کسی که اراده کند خدا را، به شما آغاز می کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می کند، بواسطه شما خداوند غير واقع ها را برطرف می کند، و به توسط شما شدائد و سختی ها را خدا دور می نماید، بواسطه شما خداوند می گشاید و افتتاح می کند، و ختم و تمام می نماید، و بواسطه شما آنچه را که بخواهد محو کرده و ثابت می نماید، بواسطه شما ذلت و خواری را از ما بر می دارد، بواسطه شما خداوند متعال خون خواهی هر خون مؤ منی را می کند که استحقاق خون خواهی را داشته باشد، بواسطه شما زمین درختانش را می رویاند، بواسطه شما درختان میوه می دهند، بواسطه شما آسمان باران می بارد، بواسطه شما غم و اندوه را خداوند برطرف می کند، بواسطه شما خداوند باران رحمتش را می بارد، بواسطه شما زمینی که ابدان شما را در خود دارد مستقر می باشد، و بواسطه شما کوهها بر پایه های خود مستقر و مستحکم هستند، اراده حق تعالی در تقدیر امور بر شما فرود می آید، و از بیوت شما صادر می گردد، تفصیل احکام عباد از بیوت شما صادر می گردد، امت و گروهی که شما را کشتند ملعون هستند، و امتی که با شما

مخالفت نمودند از رحمت واسعه الهی به دور هستند، و امتی که ولایت شما را انکار کردند مورد لعن قرار گرفتند، و امتی که علیه شما تظاهر نمودند به لعن الهی گرفتار شدند و امتی که در معرکه قتال شما حاضر شده ولی شما را کمک نکرده و حاضر به شهادت در راه شما نشدند ملعون شدند، حمد سزاوار خداوندی است که آتش را (دوزخ) مأوی و مسکن این امتهای قرار داد، و آن بد جایگاهی است برای ایشان، حمد و سپاس مر خداوندی را است که پروردگار عالمیان می باشد.

متن:

و تقول ثلاثا: صلی الله علیک یا ابا عبدالله و أنا الی الله ممن خالفک بری ء - ثلاثا -، ثم تقوم فتأتی ابنه علیا عَلِيًّا و هو عند رجلیه و تقول: السلام علیک یا ابن رسول الله، السلام علیک یا ابن أميرالمؤمنین، السلام علیک یا ابن الحسن و الحسین، السلام علیک یا ابن خدیجة الكبرى و فاطمة الزهراء، صلی الله علیک - ثلاثا - لعن الله من قتلک - ثلاثا - أنا الی الله منهم بری - ثلاثا - .
ثم تقوم فتؤمی بیدک الی الشهدأ و تقول: السلام علیکم - ثلاثا - فزتم والله - ثلاثا - فلیت أنى معکم فأفوز فوزا عظیما، ثم تدور فتجعل قبر أبی عبدالله - ثلاثا - بین یدیک و أمامک، فتصلی ست رکعات، و قد تمت زیارتک فان شئت أقم و ان شئت فانصرف

دنباله زیارت نامه حضرت (ابا عبدالله الحسین عَلِيًّا)

ترجمه:

و سه مرتبه بگو: صلی الله علیک یا ابا عبدالله و أنا الی الله ممن خالفک بری

ء

یعنی درود و رحمت خدا بر تو ای ابا عبدالله و من به سوی خدا بی زاری می جویم از کسانی که با تو مخالفت کردند.

سپس بایست و نزد فرزند حضرت یعنی علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای حضرت دفن است برو و بگو:

سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان، سلام بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری و فاطمه زهراً، رحمت خدا بر تو باد (سه مرتبه).
خدا لعنت کند کسی را که کشت (سه مرتبه) من بسوی خداوند از ایشان بی زاری می جویم (سه مرتبه).

سپس بایست پس با دستت به شهداً اشاره اشاره کن و بگو:
سلام علیکم (سه مرتبه) رستگار شدید بخدا سوگند (سه مرتبه) کاش من نیز با شما می بودم پس می رسیدم به این رستگاری عظیم و سپس دور بزن و قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را مقابل و جلو خود قرار بده و شش رکعت نماز بخوان و زیارت در اینجا به اتمام می رسد حال اگر می خواستی بایست و اگر خواستی برگرد.

زیارت اخری بسم الله الرحمن الرحيم

متن:

حدثني أبي؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن نعيم بن الوليد، عن يوسف (بن) الكناسي، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إذا أتيت قبر الحسين فائت الفرات و اغتسل بحيال قبره و توجه اليه، و عليك السكينة و الوقار حتى تدخل الحائر من جانبه الشرقي، و قل حين تدخله:

السلام على ملائكة الله المقربين، السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المردفين، السلام على ملائكة الله المسمومين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحائر باذن الله مقيمون.

فاذا استقبلت قبر الحسين فقل:

السلام على رسول الله، صلى الله محمد أمين الله على رسله، و عزائم أمره، الخائم لما سبق، و الفاتح لما استقبل، و المهيمن على ذلك كله، و السلام عليه و رحمة الله و بركاته

زيارت سوم

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن، از حسين بن الحسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از فضالة بن ايوب، از نعيم بن الوليد از يوسف بن كناسي، از حضرت ابى عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر مطهر امام حسين عليه السلام می روی، ابتدا به فرات برو و در مقابل آن حضرت غسل کن و سپس متوجه قبر بشو و بر تو لازم است که آرام و باوقار حرکت کنی تا از جانب شرقی داخل حائر گردی و وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین نازل می گردند، درود بر فرشتگان خدا که در ردیف هم به زمین نزول می کنند، درود بر فرشتگان زیبا منظر خدا، درود بر فرشتگان خدا که به اذن حق تعالی در این حائر اقامه کرده اند.

و هنگامی که مقابل قبر حضرت ابا عبدالله الحسين عليه السلام قرار گرفتی بگو:

درود بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، رحمت خدا بر محمد که امین خدای رسولان و امور لازمه او از قبیل احکام و محرمة می باشد خاتمه دهنده انبیاء گذشته و بازکننده

و گشاینده اوصیاً بعد از خود می باشند و شاهد و گواه است بر تمام اینها و درود بر او و رحمت و برکات خدا بر آن جناب باد.

متن:

ثم تقول: السلام على أمير المؤمنين عبدك و أخي رسولك، الذي انتجبتة بعلمك، و جعلته هاديا لمن شئت من خلقك، و الدليل على من بعثته برسالاتك، ديان الدين بعدلك و فضل قضائك بين خلقك، و المهيمن على ذلك كله، و السلام عليه و رحمة الله و بركاته، اللهم صل على الحسن بن علي عبدك و ابن رسولك، الذي انتجبتة بعلمك..... - الى آخر ما صليت على أمير المؤمنين - .
ثم تسلم على الحسين و سائر الائمة كما صليت و سلمت على الحسن بن علي،
ثم تأتي قبر الحسين عليه السلام فتقول:

السلام عليك يا ابا عبدالله، السلام عليك يا بن رسول الله، صلى الله عليك يا ابا عبدالله، رحمك الله يا ابا عبدالله، أشهد انك قد بلغت عن الله ما أمرك به، و لم تخش أحدا غيره، و جاهدت في سبيله، و عبدته صادقا مخلصا حتى أتاك اليقين، أشهد أنكم كلمة التقوى، و باب الهدى، و العروة الوثقى، و الحجة على من يبقي، و من تحت الثرى، أشهد أن ذلك لكم سابق فيما مضى، و ذلك لكم فاتح فيما بقى، أشهد أن أرواحكم و طينتكم طينة طيبة، طابت و طهرت هي بعضها من بعض منا من الله و من رحمته، فاشهد الله و أشهدكم أنى بكم مؤمن و بايا بكم موقن و لكم تابع في ذات نفسى و شرائع دينى و خاتمة عملى و منقلبى و مثو اى، فأسأل الله البر الرحيم أن يتم لى ذلك، و أشهد أنكم قد بلغت عن الله ما أمركم به حتى لم تخشوا أحدا غيره، و جاهدتم في سبيله و عبدتموه حتى أتاكم اليقين، فلعن الله من قتلكم، و لعن الله من أمر به، و لعن الله من بلغه ذلك فرضى به، أشهد أن الذين انتهكوا حرمتك و سفكوا دمك ملعونون على لسان النبى

الامى

دنباله زارت نامه حضرت (ابا عبدالله الحسین علیه السلام)

ترجمه:

سپس بگو:

درود بر امیرمؤمنان بنده تو و برادر رسالت، کسی که تو به علم خودت او را برگزیدی و برای هر کس از مخلوقات که خواستی هادی و راهنما قرار دادی، و نیز او را دلیل بر کسی که تو را به رسالات خودت برانگیختی قرارش داده ای، سلام بر کسی که در دین با عدالت تو حکم می کند، و سلام بر کسی که از حکم تو بین خلائق به عنوان فیصله دهنده منازعات و جدا کردن حق از باطل استفاده می کند، و سلام بر کسی که گواه و شاد بر تمام اینها است، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد، بارخدا یا رحمتت را بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند رسول تو بوده و کسی است که تو با علم خودت را برگزیدی... تا آخر مضامینی که در سلام و تحیت بر امیرالمؤمنین علیه السلام عنقریب گذشت.

سپس بر حضرت امام حسین و سائر ائمه علیهم السلام سلام داده و درود بفرست همان طوری که بر حسن بن علی علیه السلام سلام داده و درود فرستادی سپس به نزد قبر مطهر امام حسین علیه السلام برو و بگو:

ترجمه کامل الزیارات

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، ای ابا عبدالله خدا رحمتش را به تو بفرستد، ای ابا عبدالله خدا تو را رحمت کند، شهادت می دهم که تو آنچه را که از جانب حق تعالی مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و از احدی غیر خود وحشت و ترس نداشتی و در راهش مجاهدت نمودی، و او را صادقانه و مخلصانه عبادت کردی تا هنگامی که اجل تو را دریافت، شهادت می دهم که کلمه تقوی تو هستی، و باب هدایت مردم تو می باشی و دستگیره محکم توئی، و حجت بر تمام موجودات هستی و حجت بر تمام موجودات تحت زمین

می باشی، شهادت می دهم که این صفات و خصوصیات و فضائل مابین ائمه باقی، شهادت می دهم که ارواح و حقیقت شما حقیقتی پاک می باشد، حقیقت و خمیره شما پاک و پاکیزه بوده بعضی از برخی ایجاد شده و این منتهی است از جانب حق تعالی و ناشی از رحمت واسعه اش می باشد، خدا و شما را شاهد می گیرم که به شما ایمان داشته و به رجعت شما یقین دارم و پیرو شما می باشم در اموری که متعلق به نفسم و شرایع دینم و پایان کارم و بازگشتم به خدا و اقامتم در قبر می باشد، پس از خدای نیک رفتار و مهربان می خواهم که این امور را برایم حاصل کند، و شهادت می دهم که شما آنچه را خدا امرتان نمود و دیگران رساندید و از احدی غیر او خوف و هراس نداشتید، و در راهش مجاهدت کرده و او را پرستیدید تا هنگامی که اجل شما را دریافت، پس خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر کشتن شما را شنیدند راضی به آن شدند، شهادت می دهم آنهایی که هتک حرمت شما نموده و خون شما را ریختند در زبان پیامبر امی ﷺ مورد لعن قرار گرفته اند.

متن:

ثم تقول: اللهم العن الذين بدلوا نعمتك، و خالفوا ملتك و رغبوا عن أمرک، و اتهموا رسولک، و صدوا عن سبيلک، اللهم احش قبورهم ناراً، و أجوافهم ناراً، و حشرهم و أتباعهم الى جهنم زرقاً، اللهم العنهم لعنا يلعنهم به كل ملك مقرب، و كل نبی مرسل، و كل عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان، اللهم العنهم في مستسر السر و ظاهر العلانية، اللهم العن جوايب هذه الامة و طواغيتها و العن فراعتها، و العن قتلة أمير المؤمنين، و العن قتلة الحسن و الحسين، و عذبهم عذاباً أليماً لا تعذب به أحداً من العالمين، اللهم اجعلنا ممن تنصره و تنصر به، و تمن عليه بنصرک لدينک في الدنيا و الآخرة

(دنباله زیارت نامه حضرت) (ابا عبدالله ﷺ)

ترجمه:

سپس بگو:

خدایا لعنت کن کسانی را که نعمت تو را تبدیل نمودند، و با ملت و گروه طرف دار تو مخالفت کردند، و از امر و دستور تو روی بتافتند، و رسول تو را مورد اتهام قرار دادند و راه به سوی تو را بستند، خدایا قبور ایشان را پراز آتش کن، و در بطون و دل هایشان آتش بریز، و ایشان و تابعین آنها را محشور کن و به جهنم ببر در حالی که کور و نابینا هستند، خدایا ایشان را لعنت کن آنچنان لعنتی که همه فرشته مقرب تو آنان را لعنت می کند، و هر نبی فرستاده زبان به لعنتشان می گشاید و هر بنده با ایمانی که تو دلش را برای قبول ایمان آزموده ای، خداوند ایشان را در پنهان ترین پنهانها و ظاهرترین ظاهرها لعنت نما، خداوندا ستمگران این امت و باطلهای آنرا لعنت کن و فرعونها را از رحمت به دور دار، خدایا کشندگان امیرالمؤمنین و کشندگان حسن و حسین را لعنت نما و آنها را به عذاب دردناکی که احدی از عالمیان را تا به حال به آن عذاب نکردی معذب گردان، خدایا ما را از کسانی قرار بده که تو ایشان را یاری کرده و از آنها طلب یاری کرده ای و بر آنها منت گذارده و برای دینت در دنیا و آخرت آنان را کمک کرده ای.

متن:

ثم اجلس عند رأسه صلوات الله عليه فقل:

صلى الله عليك، أشهد أنك عبدالله و أمينه، بلغت ناصحا، و أدیت أمينا، و قتلت صديقا، و مضيت على يقين، لم تؤثر عمى على هدى، و لم تمل من حق الى باطل، أشهد أنك قد أقتت الصلاة و آتيت الزكاة، و أمرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و اتبعت الرسول، و تلوت الكتاب حق تلاوته، و دعوت الى سبيل ربك بالحكمة و الموعدة الحسنة، صلى الله عليك و سلم تسليما كثيرا، أشهد

أنك كنت على بينة من ربك، قد بلغت ما امرت به، و قمت بحقه و صدقت من قبلك، غير واهن و لا موهن، صلى الله عليك و سلم و تسليما، فجزاك الله من صديق خیر من رعيتك، أشهد أن الجهاد معك جهاد، و أن الحق معك و اليك، و أنت أهله و معدنه، و ميراث النبوة عندك و عند أهل بيتك عليهم السلام، أشهد أنك صديق عند الله، و حجته على خلقه، أشهد أن دعوتك حق، و كل داع منصوب غيرك فهو باطل مدحوض، و أشهد أن الله هو الحق المبين

(دنباله زیارت نامه حضرت) (ابا عبدالله عليه السلام)

ترجمه:

سپس نزد سر مبارک آن حضرت صلوات الله عليه بنشین و بگو:

درود و رحمت خدا بر تو، شهادت می دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، مأموریت خود را ابلاغ کرده در حالی که ناصح و مصلحت اندیش بودی، و امانتی را که نزد تو بود ادا نمودی، کشته شدی در حالی که بسیار بسیار راستگو بودی و از این دنیا گذشتی در حالی که بر یقین بودی، انتخاب نکردی کوری را بر هدایت، از حق به باطل میل نمودی، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا نمودی، و به معروف امر کرده و از منکر و زشتی نهی کردی، و از رسول پیروی نمودی، و آن طور که باید و شاید قرآن را تلاوت کردی، و به راه پروردگارت دیگران را از طریق مصلحت و موعظه حسنه دعوت نمودی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، شهادت می دهم که تو حجت آشکار پروردگارت هستی، آنچه را مأمور به ابلاغ نمودی، و به حق پروردگارت قیام نمودی، و تمام حج و بینات پیش از خود را تصدیق کردی، در این مضمار نه سستی از خود نشان داده و نه ایجاد سستی کردی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، پس خداوند پاداش نیک از طرف رعیتش به تو عطا فرماید، و شهادت می دهم که جهاد در همراه و در رکاب تو

جهادی است و عظیم و حق با تو و به سوی تو می باشد، و تو اهل حق و مرکز آن هستی، میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو علیهم السلام می باشد، شهادت می دهم که تو نزد خدا بسیار راستگو بوده، و حجتش بر مخلوقات می باشی، شهادت می دهم که دعوت مردم را حق و صواب بوده، و هر دعوت کننده نصب شده ای که غیر از تو باشد باطل و فاسد می باشد، و شهادت می دهم که خدا حق و آشکار می باشد.

متن:

ثم تحول عند رجليه و تخير من الدعأ و تدعو لنفسك، ثم تحول عند راس
على بن الحسين (ع) و تقول:

سلام الله و سلام ملائكته المقربين و انبيائه المرسلين، عليك يا مولاي و ابن
مولاي و رحمة الله و بركاته، صلى الله عليك و على اهل بيتك و على عترة
آبائك الاخير الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت) (ابا عبد الله عليه السلام)

سپس به پائین پا برو و هر دعائی را که خواستی بخوان و برای خود نیز دعأ
کن، سپس به بالاسر حضرت علی بن الحسین عليه السلام برو و بگو:

درود خدا و درود فرشتگان مقربین خدا و درود انبیأ فرستاده شده خدا بر تو
ای سرور من و فرزند من و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، تحیت خدا بر تو و
بر اهل بیت تو و بر دودمان نیک و خوب پدرت آن کسانی که خداوند متعال
پلیدی را از آنها به دور داشت و پاک و منزه داشت ایشان را.

متن:

ثم تاتي قبور الشهداء و تسلم عليهم و تقول:

السلام عليكم ايها الربانيون، انتم لنا فرط و سلف، و نحن اتباع و انصار، اشهد انكم انصار الله كما قال الله تبارك و تعالى في كتابه:

(و كايين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما و هنوا لما اصابهم في سبيل الله و ما ضعفوا و ما استكانوا)، فما وهنتم و ما ضعفتم و ما استكنتم حتى لقيتم الله على سبيل الحق، نصره كلمة الله التامة، صلى الله على ارواحكم ابوانكم و سلم تسليمًا، ابشروا بمواعد الله الذي لا خلف له انه لا يخلف الميعاد الله مدرک لكم ثار ما وعدكم، انتم سادة الشهداء في الدنيا و الآخرة، انتم السابقون و المهاجرون و الانصار، اشهد انكم قد جاهدتم في سبيل الله، و قاتلتم على منهج رسول الله و ابن رسول الله، الحمد لله الذي صدقكم وعده، و اراكم ماتحبون

ثم تقول: اتيتك يا حبيب رسول الله و ابن رسوله، و اني لك عارف، و بحقك مقر، و بفضلک مستبصر، و بضلالة من خالفك موقن، عارف بالهدى الذي انت عليه، بابي انت و امي و نفسي، اللهم اني اصلى عليه كما صليت انت عليه و رسلک و امير المومنين، صلاة متتابعة متواصلة مترادفة، يتبع بعضها بعضًا، لا انقطاع لها ولا امد ولا ابد ولا اجل في محضرنا هذا و اذا غبنا و شهدنا، السلام عليه و رحمة الله و بركاته.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت) (با عبد الله الحسين عليه السلام)

سپس به نزد قبور شهدا برو و سلام بر ايشان بده و بگو:

درود بر شما ای راسخين در علم و دين، شما مقدم و سابق بر ما هستيد و ما پيرو و ياور شما می باشيم، شهادت می دهيم که شما ياوران خدا هستيد همان طوری که حق تبارک و تعالى در کتابش فرموده:

(وَكَايِنَ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيبِيُونَ كَثِيرًا).

یعنی بسا اتفاق افتاده که گروهی از پیروان و یاران پیامبری که از راسخین در علم و دین هستند در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان سستی از خود نشان نداده و با سختی هائی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کرده و هرگز وضعی در آنها دیده نشده و در مقابل دشمن سر عجز فرود نیاورده اند.

پس شما نیز سست نشده و ضعف و ناتوانی در شما راه نیافت و هرگز در مقابل دشمن زبون و خوار سر تسلیم فرود نیاوردید تا خدا را در راه و هدف حقی که داشتید ملاقات کردید و در طریق نصرت کلمه تامه خدا یعنی حجت کامله باری تعالی (وجود مقدس حضرت سید الشهدا سلام الله تعالی علیه) جان سپردید، درود خدا بر ارواح طاهره و اجسام مطهر شما و تحیت خدا بر شما باد، بشارت باد شما را به وعده های پسندیده حق تعالی که خلافتی در آنها نیست چه آنکه خدا وعده هائی که داده مخالفت نخواهد نمود، خداوند متعال طلب می کند برای شما خونی را که وعده اش را داده است، شما سرور شهدا هستید در دنیا و آخرت، شما سابقون و مهاجرون و انصار می باشید، شهادت می دهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید، و بر طریق رسول خدا و فرزندان آن حضرت مقاتله و منازعه نمودید، حمد و سپاس برای خدائی است که وعده اش را در حق شما صادق قرار داد و آن چه شما دوست دارید را به شما نشان داد.

سپس بگو:

به زیارتت آمدم ای دوست و محبوب رسول خدا و ای فرزند رسول خدا، من عارف هستم به شما، و به حق شما مقرر می باشم، و به فضل شما بینا و مستبصر هستم، و به گمراهی کسی که با شما مخالفت نموده یقین دارم، به هدایت کسی که بر طریق شما است آگاهم، پدر و مادر و خودم فدای تو شویم، بار خدایا من بر او درود می فرستم همان طوری که تو رسولانت و امیرالمومنین علیه السلام بر او

درود می فرستید، درودهایی پشت سر هم و متصل و ردیف هم، برخی تابع و به دنبال بعضی دیگر می باشند، این درودها انقطاع و ابتداء و انتها و زمان نداشته، در مجلس و محضر ما بوده و زمانی که غائب شویم نیز بوده چنانچه بعد از غیبت ما و حاضر شد نماز هم می باشند، سلام و درود بر او و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

متن:

زیارة اخری

حدثنی ابی؛ و محمد بن عبد الله، عن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن عبد الله بن محمد بن خالد الطیالسی، عن الحسن بن علی، عن ابیه، عن فضل ابن عثمان الصائغ، عن معاویة بن عمار قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: ما اقول اذا اتیت قبر الحسین علیه السلام؟ قال: قل: السلام علیک یا ابا عبد الله، صلی الله علیک یا ابا عبد الله، رحمک الله یا ابا عبد الله، لعنت الله من قتلک، و لعنت الله من شرک فی دمک، و لعن الله من بلغه ذلك فرضی به، انا الی الله من ذلك بری ء.

ترجمه:

زیارت چهارم زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام

پدرم و محمد بن عبد الله، از عبد الله بن جعفر حمیری، از عبد الله بن محمد ابن خالد صیالسی، از حسن بن علی، از پدرش، از فضل بن عثمان صائغ، از معاویة بن عمار، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: هر گاه به زیارت قبر

مطهر حضرت امام حسین علیه السلام رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد الله، خدا درود بر تو فرستد ای ابا عبد الله، خدا

رحمت فرستد بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و

لعنت کند آنان را که در خون تو شریک شدند و لعنت کند آنهایی را که خبر قتل تو را شنیدند و به آن راضی شدند، من به سوی خدا از این امر بی زاری می جویم.

متن:

(زیارة اخرى)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

حدثني ابي، عن سعد بن عبد الله، عن ابي عبد الله الرزاي، عن الحسن بن علي بن ابي حمزة، عن الحسن بن محمد بن عبد الكريم ابي علي، عن المفضل بن عمر، عن جابر الجعفي (قال: ابو عبد الله عليه السلام للمفضل: كم بينك وبين قبر الحسين عليه السلام؟ قال: قلت: بابي انت و امي يوم و بعض يوم آخر، قال: فتزوره؟ قلت: نعم، قال: فقال: الا ابشرك؟ الا افرحك ببعض ثوابه؟ قلت: بلى جعلت فداك، قال: فقال لي: ان الرجل منكم لياخذ في جهازه و يتهيأ لزيارته فيتباشر به اهل السماء فاذا خرج من باب منزله راكبا او ماشيا و كل الله به اربعة آلاف ملك من الملائكة يصلون عليه حتى يوافي قبر الحسين عليه السلام، يا مفضل اذا اتيت قبر الحسين ابن علي عليه السلام فقف بالباب و قل هذه الكلمات، فان لك بكل كلمة كفلا من رحمة الله، فقلت: ما هي جعلت فداك؟ قال: تقول:

(السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح نبي الله، السلام عليك يا وراث ابراهيم خليل الله، السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله، السلام عليك يا وراث عيسى روح الله، السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله، السلام عليك يا وارث علي وصی رسول الله، السلام عليك يا وراث الحسن الرضی، السلام عليك يا وارث فاطمة بنت رسول الله، السلام عليك ايها الشهيد الصديق، السلام عليك ايها الوصي البار التقى، (السلام عليك يا حجة الله و ابن حجته)، السلام على الارواح التي حلت بفنائك و اناخت برحلك، السلام على

ملائكة الله المحققين بك، اشهد انك قد اقامت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و عبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين، السلام عليك و رحمة الله و بركاته).

ثم تسعى فلك بكل قدم رفعتها و وضعتها كثراب المتشحط بدمه في سبيل الله، فاذا سلمت على القبر فالمسه بيدك و قل: السلام عليك يا حجة الله في سمائه و ارضه.

ترجمه:

(زيارت پنجم)

(بنام خداوند بخشنده مهربان)

پدرم از سعد بن عبد الله، از ابي عبد الله رازی، از حسن بن علی بن ابي حمزه از حسن بن محمد بن عبد الکریم ابن علی از مفصل بن عمر، از جابر جعفی، وی گفت:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام، به مفضل فرمودند:

فاصله بين شما تا قبر مطهر امام حسين عليه السلام چه مقدار است؟

وی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت شوند یک روز و مقداری از یک روز.

حضرت فرمودند:

آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

آیا بشارت بدهم تو را؟ آیا شاد و مسرور بنمایم تو را به واسطه پاره ای از

ثواب های آن؟

عرض کردم بلی فدایت شوم.

مفضل گفت: حضرت به من فرمودند:

هر گاه یک نفر از شما اثاثیه سفرش را بر می دارد و آماده می شود برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام اهل آسمان به او بشارت می دهند و وقتی از درب خانه اش بیرون رفت چه سواره و چه پیاده خداوند منان چهار هزار فرشته را بر او موکل می فرماید که بر وی تحیت و درود فرستند تا به قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برسد.

ای مفضل: هنگامی که به قبر امام حسین علیه السلام رسیدی، درب حرمش بایست و این کلمات را بگو، زیرا در مقابل هر یک کلمه ای که می گوئی نصیب و بهره ای از رحمت عادت می شود.

عرض کردم: آن کلمات چیست؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای وارث آدم که برگزیده خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث نوح که پیامبر خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث علی علیه السلام که محمد صلی الله علیه و آله و سلم که حبیب خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی و جانشین رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی و پسندیده است، سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه علیه السلام که دختر رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای شهیدی که بسیار بسیار راستگو بودی، سلام بر تو ای وصی و جانشین پیغمبر که نیکوکار و پرهیزکار می باشی، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر ارواحی که گرداگرد تو فرود آمده و در مسکن و مکان تو قرار و آرام گرفته اند، سلام بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته اند، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و به

معروف و اعمال پسندیده امر کردی و از افعال زشت و ناپسند نهی نمودی، و خدا را مخلصا پرستیدی تا اجل تو را دریافت، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس از درب حرم حرکت کن و به طرف قبر برو که برای هر قدمی که از زمین برداشته و بر روی آن می گذاری ثوابی همچون ثواب کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته شده می باشد و وقتی بر قبر سلام دادی دست خود را به آن بکش و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمین.

متن:

ثم تمضى الى صلاتك، ولك بكل ركعة ركعتها عنده كثواب من حج و اعتمر الف مرة و اعتق الف رقبة، و كانما وقف في سبيل الله الف مرة مع نبي مرسل، فاذا انقلبت من عند قبر الحسين عليه السلام ناداك مناد - لو سمعت مقالته لاقمت عمرك عند قبر الحسين عليه السلام - و هو يقول: (طوبى لك ايها العبد! قد غنمت و سلمت، قد غفر لك ما سلف، فاستانف العمل) ت فان هو مات من عامه او في ليلته او يومه لم يل قبض روحه الا الله، و تقبل الملائكة معه (و) يستغفرون له، و يصلون عليه حتى يوافي منزله، و تقول الملائكة: يا رب هذا عبدك و قد وافى قبر ابن نبيك صلى الله عليه و آله و سلم و قد وافى منزله، فاین نذهب؟ فياتيهم النداء من السماء: يا ملائكتي قفوا بباب عبدی؛ فسبحوا و قدسوا و اکتبوا ذلك في حسناته الى يوم يتوفى، قال: فلا يزالون ببابه الى يوم يتوفى يسبحون الله و يدقسونه، و يکتبون ذلك في حسناته، فاذا توفى شهدوا جنازته و كفنه و غسله و الصلاة عليه، و يقولون: ربنا و کلتنا بباب عبدک و قد توفى فاین نذهب؟ فيناديهم: يا ملائكتي قفوا بقبر عبدی فسبحوا و قدسوا و اکتبوا ذلك في حسناته الى يوم القيامة).

حدیثی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب، عن ابی عبد الله
الرازی الجامورانی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزة باسناده مثله.

(دنباله زیارت نامه حضرت) (ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

ترجمه:

سپس به نماز بایست چه آنکه هر رکعتی از نماز نزد قبر آن حضرت ثواب
هزار حج و عمره و هزار بنده ای که آزاد نموده باشند را داشته و گویا نمازگزار
هزار مرتبه با پیغمبر فرستاده شده در راه خدا جهاد کرده است، به هر صورت
وقتی از زیارت قبر برگشتی منادی تو را ندا می کند به طوری که اگر مقاله و
سخن او را می شنیدی تمام عمرت را نزد قبر آن حضرت می ماندی، منادی می
گوید:

ای بنده خوشا به حال تو! غنیمت بردی و سلام دادی، تمام گناهان گذشته
ات آمرزیده شد، پس عمل را از ابتدا شروع کن، پس اگر وی در همان سال یا
همان شب یا همان روز زیارت فوت کند احد قبض روحش را به عهده نگرفته
مگر خداوند متعال، و فرشتگان با او پیش آمده و طلب آمرزش برایش می کنند
و رحمت بر او می کنند تا وی به منزلش برسد، و فرشتگان می گویند:

ای پروردگار این بنده تو است و به زیارت فرزند پیغمبرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده و
اکنون برگشته و به منزلش رسیده حال ما به کجا برویم؟
پس از آسمان ندا آید:

ای فرشتگان من درب منزل بنده من بایستید و تسبیح و تقدیس نموده و آن
را در نامه حسنات وی بنویسید تا زمانی که فوت کند.

امام عليه السلام فرمودند:

پیوسته فرشتگان درب منزل او بوده تا روزی که وی فوت کند، طول این
مدت ایشان به تسبیح خداوند و تقدیسش مشغول بوده و تمام این تسبیحات و

تقدیسات را در زمره حسنات وی قرار می دهند و وقتی وی فوت کند بر جنازه و مراسم تکفین و تغسیل و خواندن نماز بر او حاضر شده و می گویند:
پروردگارا ما را موکل نمودی که بر درب منزل بنده ات بایستیم، اکنون او فوت کرده حال کجا برویم؟

حق تعالی ندأ داده و می فرماید:

ای فرشتگان من بایستید بر سر قبر بنده ام، پس تسبیح و تقدیس نمائید من را و آن را در زمره حسنات او تا روز قیامت ثبت و ضبط کنید.
حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن الخطاب، از ابی عبد الله رازی جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه به اسنادش مثل حدیث مزبور را نقل کرده اند.

(زیارة اخری)

متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن جده محمد بن عيسى بن عبد الله، عن ابراهيم بن ابى البلاد قال: قلت لابي الحسن عليه السلام: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال لي: ما تقولون انتم فيه؟ فقلت: بعضنا يقول حجة و بعضنا يقول عمرة، قال: فاي شيء تقول اذا اتيت؟ فقلت: بعضنا يقول حجة و بعضنا يقول عمرة، قال: فاي شيء تقول اذا اتيت؟ فقلت: اقول: السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا ابن رسول الله، اشهد انك قد اقمت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر، و دعوت الى سبيل ربك بالحكمة و الموعدة الحسنة، و اشهد ان الذين سفكوا دمك و استحلوا حرمتك ملعونون معذبون على لسان داود و عيسى بن مريم، ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون.

ترجمه:

(زیارت ششم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از جدش محمد بن عیسی ابن عبد الله، از ابراهیم بن ابی البلاد، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) عرض کردم: در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه می فرمائید؟

حضرت به من فرمودند:

شما درباره زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرضه داشتم: برخی از ما معتقدیم که زیارت آن جناب به منزله حج بوده و بعضی دیگر می گوئیم ثواب عمره را دارد.

حضرت فرمودند:

در وقت زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرض کردم: می گوئیم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد الله، سلام و درود بر تو ای پسر رسول خدا، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا نمودی، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرمودی، و با بیانی مشتمل بر حکمت و با موعظه ای پسندیده مردم را به راه پروردگارت دعوت نمودی، و شهادت می دهم کسانی که خون تو را ریختند و هتک حرمت تو را حلال دانستند با زبان حضرت داود و عیسی بن مریم علیه السلام مورد لعن و عذاب الهی واقع شده اند، و این به خاطر عصیان و تجاوز آن ها می باشد.

متن:

حدثنی ابی، عن موسی بن جعفر البغدادی - عن حدثه - عن ابراهیم ابن ابی البلاد قال: قال لی ابو الحسن علیه السلام: کیف السلام علی ابی عبد الله علیه السلام? قال: قلت: اقول: (السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علیک یا ابن رسول الله، اشهد

انک قد اقامت الصلاة، و آتیت الزکاة، و امرت بالمعروف، و نهیت عن المنکر، و دعوت الی سبیل ربک با لحکمة و الموعدة الحسنة، اشهد ان الذین سفکوا دمک و استحلوا حرمتک ملعونون معذبون علی لسان داود و عیسی بن مریم، ذلک بما عضوا و کانوا یعتدون)، قال: نعم هو هكذا.

ترجمه:

(زیارت هفتم)

پدرم از موسی بن جعفر بغدادی از کسی که برایش حدیث گفته، از ابراهیم ابن ابی البلاد، وی گفت:

حضرت ابوالحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) به من فرمودند:

چگونه بر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سلام می دهی؟

وی می گوید: عرضه داشتم: می گویم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا....

مترجم گوید:

فقرات این زیارت عینا همان زیارت ششم است با این فرق که پس از عرضه

داشتن راوی امام علیه السلام در این زیارت نامه فرموده اند:

بلی سلام بر آن حضرت چنین می باشد.

متن:

(زیارة اخرى)

حدثنی حکیم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن علی بن محمد - عن بعض اصحابه - عن سلیمان بن حفص المروزی - عن الرجل - (قال: تقول عند قبر الحسین علیه السلام: السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علیک یا حجة الله فی ارضه، و شاهده علی خلقه، السلام علیک یا ابن رسول الله، السلام علیک یا ابن علی المرتضی، السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء، اشهد انک قد اقامت الصلاة، و آتیت

الزكاة، و امرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و جاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين، و صلى الله عليك حيا و ميتا).

ثم ضع خدك الايمن على القبر و قل: (اشهد انك على بينة من ربك، جئتكم مقرا بالذنوب، اشفع لي عند ربك يا ابن رسول الله). ثم اذكر الائمة واحدا واحدا و قل: (اشهد انهم حجج الله).

ثم قل: (اكتب لي عندك عهدا و ميثاقا باني اتيتك مجددا الميثاق فاشهد لي عند ربك، انك انت الشاهد).

ترجمه:

(زيارت هشتم)

حكيم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از علي بن محمد، از برخی اصحابش، از سليمان بن حفص مروزي، از آن مرد بزرگ، آن جناب فرمودند:

در نزد قبر حضرت امام حسين عليه السلام بگو:

سلام درود بر تو ای ابا عبد الله، سلام و درود بر تو ای حجت خدا در زمین، و سلام بر تو ای شاهد خدا بر خلق و، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام و درود بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، شهادت می دهم که نماز را به پا داشته و زکات را ادا کرده ای، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرموده ای، و در راه خدا جهاد کردی تا مرگ تو را دریافت، و درود و رحمت خدا بر تو باد چه در حال حیات و چه در حال ممات.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و بگو:

شهادت می دهم که تو حجت آشکار پروردگارت می باشی، به نزد تو آمده ام در حالی که به گناهانم اقرار دارم، نزد پروردگارت شفاعت من را بنما ای فرزند رسول خدا.

سپس ائمه عليهم السلام را یکی یکی یاد کن و بگو:

شهادت می دهم که شما حجت های خدا هستید.

سپس بگو:

بنویس برای من که نزد شما میثاق و عهدی داشته و آمدم به محضرت در حالی که آن میثاق را تجدید می کنم پس شاهد من باش نزد پروردگارت که تو شاهد می باشی.

متن:

حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسين بن زكريا، عن سليمان بن حفص المروزي، عن المبارك (قال: تقول عند قبر الحسين

عليه السلام:

السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا حجة الله في ارضه، و شاهده على خلقه، السلام عليك يا ابن رسول الله، السلام عليك يا ابن علي المرتضى، السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء، اشهد انك قد اقامت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت بالمعروف، و هيت عن المنكر، و جاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين، فصل الله عليك حيا و ميتا).

ثم ضع خدك الايمن على القبر و قل: (اشهد انك على بينة من ربك، جئتكم مقرا بالذنوب لتشفع لي عند ربك يا ابن رسول الله).

ثم اذكر الائمة باسمائهم واحدا بعد واحا، و قل: اشهد انهم حجج الله ثم قل: (كتب لي عندك ميثاقا و عهدا اني اتيتك مجددا الميثاق، فاشهدلي عند ربك انك انت الشاهد.

ترجمه:

(زيارت نهم)

حکمی بن داود بن حکیم، از سلمة بن الخطاب، از حسین بن زکریا، از سلیمان ابن حفص مروزی، از مبارک، وی گفت:

در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می گوئی:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش، و شاهد او
بر خلقش، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی
سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی، و
زکات را ادا نمودی، و به کارهای نیک امر و از اعمال و افعال زشت نهی
نمودی، و در راه خدا سخت کوشیدی تا اجل تو را دریافت، پس رحمت خدا
بر تو باد در زنده و مرده بودن.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و مضامین در زیارت قبل (زیارت
هشتم) را که با ترجمه اش گذشت بگو.

متن:

(زیارة اخری)

حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار،
عن محمد بن عبد الجبار، عن عبد الرحمن بن ابي نجران، عن عامر بن جذاعة،
عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا اتيت الحسين عليه السلام فقل:
الحمد لله و صلى الله على محمد النبي و آله، و السلام عليه و عليهم و رحمة
الله و بركاته، صلى الله عليك يا ابا عبد الله، لعن الله من قتلک، و من شارك في
دمک، و من بلغه ذلك فرضى به، انا الى الله منهم برى ثلاثا.

ترجمه:

(زیارت دهم)

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن بن الصفار، از محمد
ابن عبد الجبار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عامر بن جذاعه، از حضرت ابی
عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفتی بگو:

سپاس و حمد برای خدا است و درود و تحیت خدا بر محمد که نبی او است و بر آل و دودمانش، و سلام بر او و بر آتش و رحمت و برکات الهی بر این ذوات باد، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و کسانی را که در خون تو شرکت نمودند، و کسانی را که وقتی خبر کشته شدن تو به ایشان رسید راضی به آن شدند، من از ایشان به سوی خدا بی زاری می جویم، این عبارت را سه بار بگوید:

حدثنی ابی - رحمة الله علیه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد، عن عبد الرحمن بن ابی نجران، عن محمد بن ابی عمیر، عن عامر ابن جذاغة، عن ابی عبد الله عليه السلام (قال: اذا اتيت الحائر فقل:

(الحمد لله، وصلى الله على محمد و اهل بيته، و السلام عليه و عليه السلام و رحمة الله و برکاته، عليك السلام يا ابا عبد الله، لعن الله من قتلک، و من شارك فی دمک، و من بلغه ذلك فرضی به، انا الى الله منهم بری).

ترجمه:

(زیارت یازدهم)

یدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از عبد الرحمن ابن ابی نجران، از محمد بن ابی عمیر، از عامر بن جذاعه از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به حائر رفتی پس بگو:

حمد و سپاس برای خداست و درود و تحیت خدا بر محمد و اهل بیت او... تا آخر مضامین زیارت قبل که با ترجمه ذکر شد.

متن:

(زیارة اخری)

حدثني ابي - رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله؛ و عبد الله بن جعفر الحميري، عن احمد بن الحسن بن علي بن فضال، عن عمرو بن سعيد المدائني، عن مصدق بن صدقة، عن عمار بن موسى الساباطي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: تقول اذا اتيت الى قبره:

السلام عليك يا ابن رسول الله، السلام عليك يا ابن امير المؤمنين، السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا سيد شباب اهل الجنة و رحمة اله و بركاته، السلام عليك يا من رضاه من رضا الرحمن، و سخطه من سخط الرحمن، السلام عليك يا امين الله و حجته و باب الله، والدليل على الله، والداعي الى الله، اشهد انك قد خللت حلال الله، و حرمت حرام الله، و اقامت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت با لمعروف، و نهيت عن المنكر، و دعوت الى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة، و اشهد انك و من قتل معك شهداً احياً عند ربكم، ترزقون، و اشهد ان قاتليك في النار، ادين الله بالبرأة و ممن قاتلك و ممن قتلک و شايح عليك، و ممن جمع عليك، و ممن سمع صوتك و لم يجيبك، يا ليتني كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً.

(زيارت دوازدهم)

(زيارت نامه حضرت)

(ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

ترجمه:

يدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر حميري، از احمد ابن الحسن بن علي بن فضال، از عمرو بن سعيد مدائني، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسى ساباطي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: هر گاه به زيارت قبر امام حسين عليه السلام رفتي بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر المومنین، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت و رحمت خدا برکاتش بر تو باد، سلام بر تو ای کسی که رضایت رضایت خدا است، و غضب و نارضایت غضب و نارضایتی خدا می باشد، سلام بر تو ای امین و حجت و باب خدا و راهنما و نشان دهنده خدا و دعوت کننده بسوی خدا، شهادت می دهم که تو حلال خدا را بیان کرده و حرامش را روشن نموده و نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به کارهای نیک امر و از اعمال زشت و قبیح نهی فرمودی، و با بیان مصلحت و پند و اندرز نیک دیگران را به راه خدا دعوت نمودی، و شهادت می دهم که تو و آنانکه در رکاب ظفر قرینت شهید شده اید شهیدانی بوده که نزد خدا زنده بوده و روزی می خورید، و شهادت می دهم که کشنده تو در آتش جهنم است، به واسطه بی زاری از کسانی که با تو محاربه نموده و آنانکه تو را کشته و علیه تو با یکدیگر هم داستان شدند، و بی زاری می جویم از آنانکه صدای تو را شنیده ولی اجابت نکردند، کاش با تو بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می شدم.

متن:

حدثنی علی بن الحسین، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن ابن ابی نجران، عن یزید بن اسحاق، عن الحسن بن عطیه، عن ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال: تقول عند قبر الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ ما احببت.

(زیارت سیزدهم)

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ، حضرت فرمودند:

نزد قبر امام حسين عليه السلام هر چه را كه دوست داشتي مى توانى به عنوان
زيارت بخوانى.

(زيارة اخرى)

متن:

14 - حدثنى محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل،
عن صالح بن عقبه، عن ابى سعيد المدائنى قال: دخلت على ابى عبد الله عليه السلام
فقلت: جعلت فداك آتى قبر الحسين عليه السلام، قال: نعم يا ابا سعيد ائت قبر الحسين
عليه السلام اطيب الطيبين و اطهر الطاهرين و ابر الابرار، و اذا زرته يا ابا سعيد فسبح
عند راسه تسبيح اميرالمومنين عليه السلام الف مرة، و سبح عند رجليه تسبيح فاطمة
الزهراء عليها السلام الف مرة، ثم صل عنده ركعتين تقرأ فيهما: (يس) و الرحمن، فاذا
فعلت ذلك كتب الله لك ثواب ذلك ان شاء الله تعالى، قال: قلت: جعلت فداك
علمنى تسبيح على و فاطمة عليهما السلام، قال: نعم يا ابا سعيد:

تسبيح على عليها السلام: (سبحان الذى لا تنفذ خزائنه، سبحان الذى لا تبديد معالمه،
سبحان الذى لا يفنى ما عنده، سبحان الذى لا يشرك احدا فى حكمه، سبحان
الذى لا اضمحلال لفخره، سبحان الذى لا تقطع لمدته، سبحان الذى لا اله غيره)
و تسبيح فاطمة عليها السلام: سبحان ذى الجلال الباذخ العظيم، سبحان ذى العز
الشامخ المنيف، سبحان ذى الملك الفاخر القديم، سبحان ذى البهجة و الجمال،
سبحان من تردى بالنور و الوقار، سبحان من يرى اثر النمل فى الصفا، و وقع
الطير فى الهوا.

زيارت چهاردهم زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی سعید مدائنی، وی می گوید محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام مشرف شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حضرت امام حسین بروم؟ حضرت فرمودند:

بلی: ای ابا سعید به زیارت قبر حسین علیه السلام برو و به زیارت پاکیزه ترین پاکیزه ها و پاک ترین پاکان و نیک ترین نیکان.

ای ابا سعید هنگامی که آن حضرت را زیارت کردی بالای سر آن جناب تسبیح امیرالمومنین علیه السلام را هزار مرتبه بگو و پائین پای آن حضرت تسبیح حضرت زهرا علیه السلام را هزار مرتبه بگو، سپس نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت سوره یس و الرحمن را قرائت کن.

و وقتی چنین نمودی خداوند متعال ثواب زیارت حضرت را برای تو خواهد نوشت.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم تسبیح امیرالمومنین علی علیه السلام و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها را آیا به من تعلیم می فرمائید؟ حضرت فرمودند:

بلی یا ابا سعید، تسبیح امیرالمومنین علیه السلام عبارت است از ذکر این به زیارت پاکیزه ترین پاکیزه ها و پاک ترین پاکان و نیک ترین نیکان.

ترجمه کامل الزیارات

ای ابا سعید هنگامی که آن حضرت را زیارت کردی بالای سر آن جناب تسبیح امیرالمومنین علیه السلام را هزار مرتبه بگو و پائین پای آن حضرت تسبیح حضرت زهرا علیه السلام را هزار مرتبه بگو.

بلی یا ابا سعید، تسبیح امیر المومنین علیه السلام عبارت است از ذکر این اذکار:
 منزّه است کسی که خزائش تمام شدنی نیست، منزّه است کسی که نشانه
 هایش کهنه و فرسوده نمی شوند،
 منزّه است کسی که آنچه نزد او است فانی نمی گردد، منزّه است کسی که
 نشانه هایش کهنه و فرسوده نمی شوند،
 منزّه است کسی که آنچه نزد او است فانی نمی گردد، منزّه است کسی که
 احدی در حکم با او شریک نیست،
 منزّه است کسی که زوالی برای فخر و بزرگی او نمی باشد، منزّه است کسی
 که بر انقطاع و فنائی برای زمان سلطنتش نمی باشد، منزّه است کسی که معبودی
 غیر از او وجود ندارد.

و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها عبارتست از:

منزه است صاحب جلالی که متکبر و بزرگ می باشد، منزّه است صاحب
 عزتی که بلند مرتبه و مرتفع الشان می باشد، منزّه است صاحب سلطنتی که
 دارای فخر و قدمت می باشد، منزّه است صاحب حسن و جمال، منزّه است
 کسی که به نور و سنگینی و وقار آراسته است، منزّه است کسی که اثر و نشانه
 های پای مورچه را روی سنگ صاف و شفاف دیده و افتادن طیور و پرندگان
 را روی درختان و لانه ها می نگرد.

(زیارة اخری)

متن:

حدثنی ابی؛ و غیر واحد، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی،
 عن العباس بن موسی الوراق، عن یونس، عن عامر بن جذاعة قال: سمعت ابا
 عبد الله علیه السلام یقول: اذا اتیت قبر الحسین علیه السلام فقل:

السلام عليك يا ابن رسول الله، السلام عليك يا ابا عبد الله، لعن الله من قتلک،
و لعن الله من بلغه ذلك فرضی به، انا الى الله منهم بری ء.

زیارت پانزدهم زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام
ترجمه:

پدرم و گروهی دیگر، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
عباس بن موسی وراق، از یونس، از عامر بن جذاعة، وی می گوید: شنیدم
حضرت ابو عبد الله عليه السلام می فرمودند:

وقتی به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتی بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام و درود بر تو ای ابا عبد الله،
خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر
شهادت تو را شنیدند خشنود و راضی شدند، من به سوی خدا از ایشان بی
زاری می جویم.

زیارة اخرى

حدثني الحسين بن محمد بن عامر، عن احمد بن اسحاق بن سعد قال: حدثنا
سعدان بن مسلم، (عن) قائد ابي بصير قال: حدثنا بعض اصحابنا، عن ابي عبد الله
عليه السلام قال اذ آتيت القبر بدات فاثبتت على الله عزوجل، وصليت على النبي
صلى الله عليه وآله وسلم واجتهدت في ذلك (ان شأ الله) ثم تقول:

(سلام الله عليه السلام و سلام ملائكته فيما تروح و تغدو، الزكيات الطاهرات لك و
عليك، و سلام الله على و سلام ملائكته المقربين و المسلمين لك بقلوبهم، و
الناطقين بفضلک و الشهداً على انك صادق صديق، صدقت و نصحت فيما اتيت
به، و انك ثار الله في الارض، و الدم الذي لا يدرك ثاره احد من اهل الارض، و
لا يدركه الا الله وحده، جئتک يا ابن رسول الله و افدا اليك، (و) اتوسل الى الله بك

فی جمیع حوائجی من امر دنیای و آخرتی، و بک یتوسل المتوسلون الی الله فی حوائجهم، و بک یدرک اهل الترات من عباد الله طلبتهم.

(زیارت شانزدهم)

(زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام)

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، وی می گوید: سعدان بن مسلم، از قائد ابی بصیر نقل نموده که وی گفت: برخی از اصحاب ما از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفتی ابتدا برخداوند عزوجل ثنا بگو و سپس بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات و درود بفرست و در فرستادن صلوات بر آن حضرت کوشش و مبالغه نما و پس از آن بگو:

درود خدا و درود فرشتگان در هر شام و بامداد برای تو و بر تو باد آن درودهایی که پاک و پاکیزه می باشند، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و ملائکه ای که قلبا تسلیم تو هستند بر تو باد، درود فرشتگانی که فضل تو را بازگو می کنند بر تو باد، درود آنانکه شهادت می دهند بر اینکه تو راستگو و راست هستی بر تو باد، در آنچه خبر دادی و بازگو نمودی راست گفتی و مردم را نصیحت کردی، تو خون خدا در زمین هستی، تو خونی هستی که احدی از اهل زمین نمی تواند آنرا تقاص کند و کسی غیر از خداوند متعال قادر بر خونخواهی آن نیست، ای پسر رسول خدا به نزد تو آمده ام در حالی که از سرزمین خو به سوی تو کوچ کرده ام، و به واسطه تو در تمام نیازمندی هایم چه امور دنیائی و چه امور اخروی به خدا متوسل می شوم، و به واسطه تو تمام نیازمندی هایم چه امور دنیائی و چه امور اخروی به خدا متوسل می شوم، و به

واسطه تو تمام نیازمندان در نیازهایشان به خداوند منان متوسل می شوند، و به
توسط تو اولیاً دماً از بندگان خدا طلب خود را می گیرند.

متن:

ثم امش قليلا ثم تستقبل القبر - و القبلة بين كتفيك - فقل:
الحمد لله الواحد (الاحد) المتوحد بالامور كلها، خالق الخلق فلم يعزب عنه
شيء من امرهم، و عالم كل شيء بلا تعليم؛ ضمن الارض و من عليها دمك و
تارك يا ابن رسول الله، اشهد ان لك من الله ما وعدك من النصر و الفتح، و ان
لك من الله الوعد الحق في هلاك عدوك و تمام موعده اياك، اشهد انه قاتل
معك ربون كثير كما قال الله تعالى: و كاین من نبی قاتل معه ربون كثير فما و
هنوا لما اصابهم.

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین عليه السلام

ترجمه:

سپس اندکی قدم بردار و پس از آن قبر را مقابل خود و قبله را بین دو کتف
قرار داده و بگو:

حمد و سپاس برای خداوند است که در تمام امور مستقل می باشد، آفریننده
مخلوقات بوده پس هیچ امری از امور خلائق از او مخفی و پنهان نمی باشد،
بدون اینکه تعلیم گرفته باشد به تمام اشیا عالم و دانا است، ای فرزند رسول الله
خداوند منان زمین و تمام موجودات روی آن را تاوان خون تو قرار داده است،
شهادت می دهم نصرت و فتوحی را که خدا به تو وعده داده برایت منجز و فراهم
فرموده، و نیز شهادت می دهم وعده راست و حقی را که خدا در ارتباط با
هلاک نمودن دشمن تو داده و نیز تمام وعده هایش به تو به وقوع پیوسته است،
شهادت می دهم که همراه تو جماعت بسیاری مقاتله و کارزار کردند چنانچه
حق تعالی در قرآن فرموده:

و چه بسا پیامبر که گروه زیادی از پیروانش همراه او کارزار کرده و کشته شدند ولی هیچ سستی و رخنه ای از این رهگذر در آنها پیدا نشد.

متن:

ثم كبر سبع تكبيرات، ثم امش قليلا واستقبل القبر، ثم قل:
الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة و لا ولدا ولم يكن له شريك في الملك خلف
كل شيء فقدرة تقديرا، اشهد انك قد بلغت عن الله ما امرت به و وفيت بعهد الله،
و تمت بك كلماته، و جاهدت في سبيله حتى اتاك اليقين، لعن الله امة قتلتك، و
امة خذلتك، و لعن الله امة خذلت عنك، اللهم اني اشهد بالولاية لمن واليت و
والت رسلك، و اشهد بالبرأة ممن برئت منه و برئت منه رسلك، اللهم العن الذين
كذبوا رسولك، و هدموا كعبتك، و حرفوا كتابك، و سفكوا دماً اهل بيت نبيك، و
افسدوا عبادك و استذلوهم، اللهم ضاعف لهم اللعنة فيما جرت به سنتك في برک
و بحرک، اللهم العنهم في سمائك و ارضك، اللهم واجعل لي لسان صدق في
اوليائك، و حبب الي مشاهدتهم، حتى تلحقني بهم، و تجعلهم لي فرطاً و تجعلني
لهم تبعاً في الدنيا و الآخرة.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت)

(ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

سپس هفت تا تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و قبر را روبروی خود
قرار داده و بگو:

حمد و سپاس مرخدائی را سزد که همراه و فرزند برای خود نگرفت و در
سلطنت و پادشاهی برایش شریکی نمی باشد، تمام اشیا را آفرید پس آنها را
متناسب و معین نمود، شهادت می دهم که تو آنچه را مامور به ابلاغش بودی
ابلاغ نمودی و بعهدی که با خدا نموده بودی وفا کردی، و به واسطه تو کلمات

خدا و نعمت هایش تمامیت و کمال پیدا می کنند، و شهادت می دهم که در راه او مجاهدت و کوشش نموده تا اجل تو را دریافت، خدا لعنت کند جماعتی را که تو را کشتند و گروهی را که یاری تو را نمودند، و خدا لعنت کند آن دسته از مردمی را که دیگران را به ترک یاری تو واداشتند، خدایا من شهادت می دهم آنان را که تو و رسولانت را دوست دارند من دوست دارم، و شهادت می دهم که بی زارم از کسانی را که تو و رسولانت از آنها بی زار می باشید، بار خدایا لعنت کن کسانی را که پیغمبرت را تکذیب کرده، و کعبه تو را منهدم و خراب نموده، و کتابت را سوزانده، و خونهای اهل بیت پیغمبرت را ریخته، و بنده گانت را فاسد کرده و خوار نمودند، خداوندا لعنت ایشان را مضاعف و دو چندان نما در آن چه سنت تو بر آن جاری شده در خشکی و دریا، خداوندا ایشان را در آسمان و زمینت لعنت نما، بار خدایا قرار بده برای من زبانی راست در دوستانت و محبوب من نما مشاهد ایشان را، تا به آنها ملحقم نمائی، و قرار بده ایشان را رهبران من و من را در دنیا و آخرت تابع ایشان.

متن:

ثم امش قليلا فكبر سبعا، و هلل سبعا، و الحمد لله سبعا، و سبح الله تعالى

سبعا، واجبه سبعا و تقول:

لبیک داعی الله (لبیک داعدی الله) ان کان لم یجیبک بدنی فقد اجابک قلبی و شعری و بشری و رایبی و هوای علی التسلیم لخلف النبی المرسل، والسبب المنتجب، و الدلیل العالم، والامین المستخزن، و المرضی البلیغ و المظلوم المهتم، جئت انقطاعا الیک والی ولدک و ولد ولدک، الخلف من بعدک علی برکة الحق، فقلبی لکم مسلم، و امری لکم متبع، و نصرتی لکم معدة، حتی یحکم الله و هو خیر الحاکمین لدینی و یبعثکم، فمعکم معکم لا مع عدوکم، انی من

المومنین بر جعتکم لا اکر لله قدرة و لا اکذب له مشیة، ولا ازعم ان ماشاً لا
یکون.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه)

(حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام)

سپس اندکی جلو برو و هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه لا اله الا الله گفته و
هفت مرتبه حمد خدا را نموده و هفت حق تعالی را تسبیح کرده و هفت مرتبه
حق تعالی را اجابت نموده (یعنی بگو: لیبیک) و بعداً بگو: اجابت می کنم تو را
ای خواننده خدا، اجابت می کنم تو را ای خواننده خدا، اگر بدنم تو را اجابت
نکند پس قطعاً قلب و موی و پوست و فکر و خواست نفسم بر تسلیم شدن و
اطاعت نمودن از فرزند نبی مرسل اجابت میکنند، و نیز اجابت دختر زاده پیامبر
که برگزیده و راهنما و آگاه می باشد را می نمایند، و همچنین اجابت می کنند
امین خزینه دار و پسندیده و بلیغ و مظلوم و ستم کشیده را، آدمم به سوی تو و
فرزند تو و فرزند فرزندت که بعد از تو جانشین تو می باشد، پس دلم تسلیم
شما است و امر و کارم تابع شما بوده، و نصرت و یاری من آماده برای شما
است، یا خدا حکم کند در حالی که او بهترین حکم کنندگان برای دین من بوده
و شما را بر می انگیزد، پس کسی که با شما باشد با شما است نه با دشمن شما،
من از کسانی هستم که به رجعت شما ایمان و اعتقاد دارم، نه قدرت خدا و نه
مشیت او را انکار می کنم، و گمان ندارم که آنچه را خدا بخواهد وجود پیدا
نکند.

متن:

ثم امش حتی تنتهی الی القبر و قل - و انت قائم -:

(سبحان الله، يسبح لله ذى الملك و الملكوت و يقدر باسمائه جميع خلقه،
سبحان الله الملك القدوس، ربنا رب الملائكة و الروح، اللهم الجعلى فى وفدك
الى خير بقاعك و خير خلقك، اللهم العن الجبت و الطاغوت).
ثم ارفع يديك حتى تضعهما ممدوتين على القبر، ثم تقول:
(اشهد انك طهر طاهر من طهر طاهر، قد طهرت بك البلاد و طهرت ارض
انت فيها، انك ثار الله فى الارض حتى تستثرك من جميع خلقه).
ثم ضع خديك و يديك جميعا على القبر، ثم اجلس عند راسه و اذكر الله بما
احببت و توجه اليه و اسال حوائجك، ثم ضع يديك و خديك عند رجليه و قل:
(صلى الله عليك و على روحك و بدنك، فلقد صدقت و صبرت، و انت الصادق
المصدق، قتل الله من قتلك بالايدي و اللسن).
ثم تقوم الى قبر ولده و تشنى عليهم بما احببت و تسال ربك حوائجك و ما
بدالك، ثم تستقبل قبور الشهداء قائما فتقول:
(السلام عليكم ايها الربانيون، انتم لنا فرط و نحن لكم تبع و انصار، ابشروا
بموعد الله الذى لا خلف له، و ان الله مدرک بكم تارككم، و انتم سادة الشهداء فى
الدنيا و الاخرة).
ثم اجعل القبر بين يديك و صل ما بدا لك، وكلما دخلت الحائر فسلم ثم امش
حتى تضع يديك و خديك جميعا على القبر، فاذا اردت ان تخرج فاصنع مثل
ذلك، و لا تقصر عنده من الصلاة ما اقامت، و اذا انصرفت من عنده فودعه و قل:
سلام الله و سلام ملائكة المقربين و انبيائه المرسلين و عباده الصالحين عليك يا
ابن رسول الله، و على روحك و بدنك، و ذريتك و من حضرک من اوليائك.
ترجمه:

دنباله زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام

سپس به جلو برو تا به قبر منتهی شوی و پس از آن در حالی که ایستاده ای بگو:

منزه است خدا، تمام مخلوقات و آفریده گان تسبیح خدا را می گویند آن خدائی که دارای ملک (عالم ماده) ملکوت (عالم معنا) می باشد و نیز تمام مخلوقات او را با اسمائش تقدیس می نمایند، منزه است خدائی که فرمان فرما و بسیار منزه است، او پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح الامین می باشد، خداوندا من را در میان مسافران قرار بده بطرف بهترین سرزمین هایت و به سوی بهترین مخلوقات، خداوندا جبت (باطل) و طاغوت ستم کار را لعنت نما. سپس دو دستت را بلند کن تا به حالت کشیده آنها را روی قبر بگذاری و سپس بگو:

شهادت می دهم که تو عین پاکی و پاک بوده و از عین پاکی و پاک متولد شده ای، شهرها و سرزمینها بواسطه تو پاکیزه شده اند و شهادت می دهم زمینی که تو در آن هستی پاکیزه می باشد، شهادت می دهم که تو خون خدا در زمین می باشی تا حق تعالی برای تو از تمام مخلوقاتش خونخواهی نماید، سپس صورت و دست هایت را روی قبر بگذار و پس از آن بالای سر نشسته و هر ذکری که خواستی بگو و به آن حضرت توجه نما و حوائج خود را سوال نما.

سپس دو دست و صورت را پائین پای قبر بگذار و بگو:

خدا بر تو و بر جان و بدنت درود بفرستد، پس همانا راست گفته و صبر نمودی، و تو راست گو و تصدیق شده می باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند. سپس بالای قبر فرزندان آن حضرت بایست و بر ایشان ثنا گفته و هر چه خواستی بگو و بعد از خداوند حوائج خود و آنچه می خواهی را طلب نما سپس در حالی که ایستاده ای رو به قبور شهدا کن و بگو:

سلام بر شما ای اهل الله، شما رهبران ما و ما تابعین و یاران شما هستیم، بشارت باد شما را به وعده هائی که حق تعالی راجع به شما داده و تخلفی در آنها نمی باشد، و خداوند متعال خون خواهی شما را خواهد نمود، شما سروران شهداً هستید در دنیا و آخرت.

سپس قبر آن حضرت را در مقابل قرار داده و هر دعائی که خواستی بخوان. و هر گاه داخل حائر شدی ابتدا سلام کن و سپس بطرف قبر به قدری حرکت کن که دو دست و دو گونه های خود را جمیعا بر روی قبر بتوانی گذارد و وقتی خواستی خارج شوی باز همین عمل را انجام بده (یعنی دو دست و دو طرف صورت خود را روی قبر بگذار) و از خواندن نماز نزد قبر تا زمانی که آنجا هستی کوتاهی مکن، و وقتی از محضر امام علیه السلام مرخص شدی پس آن جناب را وداع کرده و بگو:

درود خدا و درود فرشتگان مقربش و درود انبیاء مرسلش و درود بندگان صالحش بر تو ای فرزند رسول خدا و بر جان و جسمت و بر اولاد تو و بر تو و دوستدارانت که با تو حاضر گردیدند.

متن:

حدثنی بهذه الزيارة احمد بن محمد بن الحسن بن سهل، عن ابيه، عن جده، عن موسى بن الحسن بن عامر، عن احمد بن هلال قال: حدثنا امية بن علي القيسي الشامي، عن سعدان بن مسلم - عن رجل - عن ابي عبد الله عليه السلام مثله، و زاد في آخره من بعد (من حضرک من اوليائك: فاذا بلغت الرواح فقل هذا الكلام من اوله الى آخره، كما قلت حين دخلت الحائر، فاذا دخلت منزلک فقل: (الحمد لله الذي سلمني و سلم مني، الحمد لله في الامور كلها و على كل حال، الحمد لله رب العالمين) ثم کبر احدى و عشرين تکبيرة متتابعة، و سهل و لا تعجل فيها ان شاء الله تعالی - و الباقي مثل -.

ترجمه:

زیارت هفدهم زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام

احمد بن محمد بن الحسن بن سهل همین زیارت را برای من از پدرش و او از جد وی و او از موسی بن الحسن بن عامر و او از احمد بن هلال نقل نمود، وی گفت:

امیه بن علی قیسی شامی، از سعدان بن مسلم و او از شخصی و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مثل همین زیارت نامه را نقل نمود منتهی در آخر آن بعد از (بعد حضرک من اولائک) این عبارت را اضافه کرده:

پس هنگامی که شب فرا رسید این کلام را از ابتدا تا آخر همان طوری که در وقت دخول حائر خواندی بخوان و وقتی به منزلت رسیده و وارد آن شدی بگو: حمد و سپاس خدائی را که من را از آزار دیگران بر حذر داشت و دیگران را نیز از شر من محفوظ نمود، حمد در تمام امور و در هر حالی برای خدا است، حمد برای پروردگار عالمیان است، پس بیست و یکبار پشت سر هم تکبیر بگو و با تانی و آهسته آنها را گفته و ان شاء الله در آن عجله نمی کنی، و باقی الفاظ این زیارت مثل همان زیارت مذکور می باشد.

متن:

(زیارة اخری)

حدثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علی بن عبد الله بن المغیره، عن العباس بن عامر، عن ابان، عن الحسن ابن عطیة ابی ناب، عن بیاع السابری، قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام و هو یقول: من اتی قبر الحسین علیه السلام کتب الله له حجة و عمرة - او عمرة و حجة - قال: قلت: جعلت فداک فما اقول اذا اتیته؟ قال: تقول:

السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا ابن رسول الله، السلام عليك يوم ولدت و يوم تموت و يم تبعث حيا، اشهد انك حى شهيد، ترزق عند ربك، واتوالى وليك، و ابرء من عدوك، و اشهدا ان الذين قاتلوك و انتهكوا حرمتك ملعونون على لسان النبى الامى، و اشهد انك قد اقامت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت با لمعروف، و نهيت عن المنكر، و جاهدت فى سبيل ربك بالحكمة و الموعدة الحسنة، اسال الله وليك و ولينا ان يجعل تحفتنا من زيارتك الصلاة على نبينا، و المغفرة لذنوبنا، اشفع لى يا ابن رسول اله عند ربك.

ترجمه:

(زيارت هيجدهم)

(زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از حسن بن على بن عبد الله بن مغيرة، از عباس بن عامر، از ابان، از حسن بن عطيه ابى ناب، از بياع سابرى (عمر ابن يزید)، وى گفت:

از حضرت ابى عبد الله عليه السلام شنيدم كه مى فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر مطهر حضرت امام حسين عليه السلام برود خداوند برايش ثواب يك حج و يك عمره (يا ثواب يك عمره و يك حج) منظور مى كند.

راوى مى گويد: محضر مبارکش عرضه داشتيم: فدایت شوم وقتی به زیارتش رفتيم در زيارت آن حضرت چه بگويم؟

حضرت فرمودند: بگو:

درود بر تو اى ابا عبد الله عليه السلام، درود بر تو اى فرزند رسول خدا، درود بر تو در روزى كه متولد شدى و روزى كه از اين دنيا رحلت نمودى و روزى كه زنده بر انگيخته مى شوى شهادت مى دهم كه تو زنده و شهيد مى باشى، نزد پروردگارت روزى مى خورى، من دوستدار شما را دوست دارم، و از دشمنت

بی زاری می جویم، و شهادت می دهم آنان که با تو کارزار کرده و حرمت تو را هتک نمودند به زبان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ملعون می باشند، و شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی، و به کار خیر امر و از عمل زشت و قبیح نهی فرمودی، و در راه خدا با بیان حکمت و دادن پند و موعظه پسندیده مجاهدت نمودی، از خدا که ولی تو و ولی ما است می خواهم که حظ ما را از زیارت تو درود بر پیامبر و آمرزش گناهان ما قرار دهد، ای پسر رسول خدا شفاعت من را نزد پروردگارت بنما.

متن:

حدثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي ابن عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن جابر المكفوف، عن ابي الصامت، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: من اتى الحسين عليه السلام ماشيا كتب الله له بكل خطوة الف حسنة، و محى عنه الف سيئة، و رفع له الف درجة فاذا اتيت الفرات فاغتسل و علق نعليك و امش حافيا، و امش بمشى العبد الذليل، فاذا اتيت باب الحائر فكبر الله اربعا وصل عنده و اسل حاجتك.

(زیارت نوزدهم)

(زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

علی بن الحسین، از حسن بن علی بن عبد اله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکفوف، از ابی الصامت، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، راوی گفت: شنیدم امام عليه السلام می فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام برود در مقابل هر قدمی که بر می دارد خدا اجر هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناه از نامه عملش محو کرده و هزار درجه مقامش را بالا می برد.

و هر گاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش هایت را بدست گیر و پای برهنه همچون بنده ذلیل و خوار حرکت کن و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو و صلوات بفرست و سپس حاجتت را از خدا بخواه.

متن:

(زیارة خفيفة)

حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن صفوان بن يحيى، عن ابي الصباح، عن ابي عبد الله عليه السلام - او عن ابي بصير عنه - قال: قلت: كيف السلام على الحسين بن علي عليه السلام? قال: تقول: (السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا بن رسول الله، لعن الله من قتلک، و لعن الله من اعان عليك، و من بلغه ذلك فرضى به، انا الى الله منهم برى).

(زیارة خفيفة)

و با سنده، عن احمد بن محمد، عن محمد بن اسماعيل، عن ابان بن عثمان؛ و عن ابي همام، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا اتيت قبر الحسين عليه السلام فقل: السلام عليك يا ابا عبد الله، لعن الله من قتلک، و لعن الله من شرک في دمک، و من بلغه ذلك فرضى به، و انا الى الله منهم برى.

زیارت مختصر دیگر زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسن بن علي بن فضال، از صفوان بن يحيى، از ابي الصباح، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، از ابو بصير از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، راوی گفت: محضر امام عليه السلام عرض کردم: سلام بر حسين بن علي عليه السلام چگونه است؟

حضرت فرمودند:

بگو:

درود بر تو ای ابا عبد الله، درود بر تو ای پسر رسول خدا، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که دشمنانت را بر علیه تو کمک کرد، و کسی را که وقتی خبر قتل تو به او رسید راضی گشت، من به سوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

(زیارت مختصر دیگر)

(زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام)

ترجمه:

محمد بن الحسین بن اسنادش، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از ابان بن عثمان و از ابی همام، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتی بگو:

درود بر تو ای ابا عبد الله، خدا کسی را که تو را کشت لعنت کند، و کسی که در خون تو شریک گردید را لعنت نماید، و کسی که خبر قتل تو به او رسید و راضی گشت را لعنت کند و من بسوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

زیارة اخرى

متن:

حدثني ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسين العسكري؛ و محمد بن الحسن جميعا، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن ابيه علي بن مهزيار، عن محمد بن ابي عمير، عن محمد بن مروان، عن ابي حمزة الثمالي.

قال: قال الصادق عليه السلام: اذا اردت المسير الى قبر الحسين عليه السلام فاصم يوم الاربعاء والخميس و الجمعة، فاذا اردت الخروج فاجمع اهلك و لدك، و ادع بدعاً السفر و اغتسل قبل خروجك و قل حين تغتسل:

(اللهم طهرني و طهر قلبي، و اشرح لي صدري، و اجر علي لساني ذكرک و محتک، و التنا عليك، فانه لا قوة الا بك، و قد علمت ان قوام ديني التسليم لامرک، و الاتباع لسنة نبيک، و الشهادة على انبيائك و رسلک الى جميع خلقک، اللهم اجعله نورا و طهورا، و شفأ من كل دأ و سقم و افة عاهة، و حرزا من شر ما اخاف و احذر).

فاذا خرجت فقل: اللهم اني اليک وجهت وجهي، و اليک فوضت امري، و اليک السلمت نفسي، و اليک الجات ظهري، و عليك توكلت، لا ملجأ و لا منجأ الا اليک، تبارکت و تعاليت، عز جارك و جل ثناوک.

زيارت ديگر زيارت نامه بيست و يکم حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام
ترجمه:

ابو عبد الرحمن بن احمد بن الحسين العسكري، و محمد بن الحسن جميعا، از حسن بن علي بن مهزيار، از پدرش علي بن مهزيار، از محمد بن ابي عمير، از محمد بن مروان، از ابي حمزه ثمالی، وی گفت:
امام صادق عليه السلام فرمودند:

هنگامي که خواستی به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السلام بروی روز چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگير سپس هنگام خروج همسر و فرزندان را جمع کن و دعأ سفر را بخوان و پيش از خارج شدن غسل کن و در وقت غسل بگو:

خدا يا من را پاکيزه گردان، قلب و دلم را طاهر نما، سينه ام را بگشا، ذکر خود و ثنائت را بر زبانم جاری کن، ثنا و دعأ بر تو باد، زیرا هيچ قوه و نيروئی وجود ندارد مگر بواسطه تو است، همانا دانستم که استحکام دينم به اين است که تسليم امر تو بوده، و از سنت پیامبرت پیروی نموده، و شهادت دهم بر پیامبران و رسولانت بسوی تمام خلایق خداوندا قرار بده آن را غسل را نور و طهور

پاک و پاک کننده و شفأ دهنده هر درد و مرض و بلا و عیبی و نگهدارنده از شر آنچه از آن خوف داشته و بر حذر می باشم.

و هر گاه از منزلت خارج شدی بگو:

بار خدایا من روی خود را بطرف تو متوجه ساخته ام، و کارهایم را به تو واگذار نموده ام، و خود را به تو تسلیم کرده ام، و پشت و پناهم را تو قرار داده ام، و بر تو توکل کرده ام، هیچ پناهگاه و امید نجاتی نیست مگر توجه به تو، منزله و بلند مرتبه ای، تضرع و زاری برای تو کم و ثناً و ستودنت بسیار می باشد.

متن:

ثم قل: بسم الله و بالله، و من الله و الی الله، و فی سبیل الله، و علی ملة رسول الله ﷺ، علی الله توكلت و الیه انیب، فاطر السماوات السبع و الارضین السبع، و رب العرش العظیم، اللهم صلی علی محمد و آل محمد، و احفظنی فی سفری، و اخلفنی، فی اهلی باحسن الخلف، اللهم الیک توجهت، و الیک خرجت، و الیک وفدت، و لخیرک تعرضت، و بزیارة حبیب حبیبک تقربت، اللهم لا تمنعنی خیر ما عندک بشر ما عندی، اللهم اغفر لی ذنوبی، و کفر عنی سیئاتی، و حط عنی خطایای، و اقبل منی حسناتی.

و تقول: (اللهم اجعلنی فی درعک الحصینة، التي تجعل فیها من ترید، اللهم انی ابرء الیک من الحول و القوة - ثلاث مرات -)، و اقرأ (فاتحة الكتاب) و (المعوذتین) و (قل هو الله احد) و (انا انزلناه) و (آیة الكرسی) و (یس) و آخر الحشر:

(لو انزلنا هذا القرآن علی جبل (لرایته خاشعاً متصدعاً من خشية الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفكرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام

المومن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحانه الله عما يشركون هو الله الخالق
البارى المصور له الاسماء الحسنی يسبح له، ما فى السماوات و الارض و هو
العزيز الحكيم).

و لا تدهن و لا تكتحل حتى تاتى الفرات، و اقل الكلام و المزاح، و اكثر من
ذكر الله تعالى، و اياك و المراح و الخصومة، فاذا كنت راكبا و ماشيا فقل: اللهم
انى اعوذبك من سطوات النكال و عواقب الوبال، و فتنة الضلال، و من ان تلقانى
بمكروه، و اعوذبك من الحبس و اللبس، و من وسوسة الشيطان، و طوارق
السوء، و من شر كل ذى شر، و من شر شياطين الجن و الانس، و من شر من
ينصب لاوليا الله العداوة، و من ان يفرطوا على و ان يطغوا، و اعوذبك من شر
عيون الظلمة و من شر كل ذى شر و من شر ابليس و من يرد عن الخير باللسان
و اليد.

ترجمه:

دنباله زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام

سپس بگو:

ابتداً مى كنم به اسم خدا و ذات او، و از او كمك خواسته و به سوى او توجه
نموده و در راه او گام بر مى دارم، و بر شريعت رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم مى باشم، بر
خدا توكل داشته و بسويش باز مى گردم، خدائى كه آفريننده آسمانهاى هفت
گانه و طبقات هفت گانه زمين و پروردگار عرش عظيم مى باشد، خداوندا درود
بر محمد و آل محمد بفرست، و من را در اين سفر حفظ نما، و در بين اهل و
فرزندانم بهترين جانشين من باش، خداوندا به سوى تو توجه داشته، و بسوى تو
از خانه ام خارج گشته، و به سوى تو كوچ کرده ام و متعرض خير تو شده ام، و
به واسطه زيارت حبيب حبيبت به تو تقرب مى جويم، بار خدايا خيبرى كه نزد
تو هست را به واسطه بدى آنچه نزد من است از من منع مكن، خداوندا گناهانم

را بیامرز و لغزش ها و بدی هایم را ببخش و جبران نما، و خطاهایم را محو
بفرما، و خوبی ها و نیکی هایم را از من قبول نما.

و بگو:

خداوندا من را در آن پوششی که از هر بلا و آفتی حفظ می کند و هر کسی
را که بخواهی در آن قرار می دهی قرار بده، خداوندا بسوی تو بی زاری می
جویم از هر حول و قوه ای مگر حول و قوه (این فقره را سه مرتبه بخوان)، بعد
سوره فاتحة الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الفلق) و
سوره قل هو الله احد و سوره انا انزلناه و آية الكرسي و سوره یس و این چند
آیه آخر سوره حشر یعنی:

(لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلك
الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و
الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام
المومن المهمين العزيز الجبار المتكبر سبحان اله عما يشركون هو الله الخالق
البارى المصور له الاسماء الحسنی يسبح له، ما فى السماوات و الارض و هو
العزيز الحكيم را قرائت كن و روغن به خود نمال و سرمه مكش تا به فرات وارد
شوى و سخن اندك بگو و مزاح و شوخی کمتر كن و ذكر خداى تعالى زياد بگو
الحدز از جدال و خصومت.

و هنگامی که سواره یا پیاده بودی بگو:

خدایا به تو پناه می برم از قهر و صولت عقوبت هایت، و از عواقب اعمالی
که منتهی به وبال و عذاب می شوند، و از فتنه گمراهی، و از اینکه من را ملاقات
کنی در حالی ناپسند و زشت، و به تو پناه می برم از حبس و اشتباه، و از
وسوسه شیطان، و از اتفاقات سوء و بد، و از شر هر صاحب شری، و از شر

شیاطین جنی و انسی و از شر کسی که عداوت و دشمنی با دوستان می ورزند و از شر آنانکه در بدی و بر من اسراف کرده و طغیان و تجاوز می نمایند، و به تو پناه می برم از شر ستمکاران و از شر هر صاحب شری و از وسوه ابلیس و شر کسی که با زبان و دست دیگران را از کار خیر باز می دارد.

متن:

فاذا خفت شیئاً فقل: (لا حول و لا قوة الا بالله، به احتجبت و به اعتصمت، اللهم اعصمني من شر خلقك فانما انا بك و انا عبدك).

فاذا اتيت الفرات فقل قبل ان تعبره: (اللهم انت خير من وفد اليه الرجال، و انت يا سيدى اكرم ماتى و اكرم مزور، و قد جعلت لكل زائر كرامة ولكل وافدا تحفة، و قد اتيتك زائرا قبر ابن نبىك صلواتك عليه، فاجعل تحفتك اياى فكاك رقبتى من النار، و تقبل منى عملى، واشكر سعيى، وارحم مسيرى اليك بغير من منى، بل لك المن على اذا جعلت لى السبيل الى زيارته، و عرفتنى فضله، و حفظتنى حتى بلغتنى قبر ابن وليك، و قد رجوتك فصل على محمد، و آل محمد و لا تقطع رجائى، و قد اتيتك فلا تخيب املى، و اجعل هذا كفارة لما قبله من ذنوبى، و اجعلنى من انصاره، يا ارحم الراحمين).

ثم اعبر الفرات و قل: (اللهم صل على محمد، و آل محمد و اجعل سعيى مشكورا و ذنبى مغفورا، و عملى مقبولا و اغسلنى من الخطايا و الذنوب، و طهر قلبى من كل آفة تمحق دينى، او تبطل عملى يا ارحم الراحمين).

ثم تاتى النينوى فتضع رحلك بها، و لا تدهن و لا تكتحل و لا تاكل اللحم مادمت مقيما بها، ثم تاتى الشط بحداً نخل القبر فاغتسل و عليك المئزر و قل - و انت تغتسل -: (اللهم طهرنى و طهر (لى) قلبى و اشرح لى صدرى، و اجر على لسانى محبتك و مدحتك و الثناء عليك، فانه لا حول و لا قوة الا بك، و قد علمت ان قوام دينى التسليم لامرك، و الشهادة على جميع انبيائك و رسلك

بالالفة بينهم اشهد انهم انبياوك و رسلک الى جميع خلقک، اللهم اجعله نورا و
طهورا و حرزا و شفأ من كل سقم ودا، و من كل آفة و عاهة، و من شر ما اخاف
و احذر، اللهم طهر به قلبی و جوارحی، و عظامی و لحمی و دمی، و شعری و
بشری، و مخی و عصبی، و ما اقلت الارض منی، و اجعله له شاهدا يوم فقری و
فاقتی).

ثم البس اطهر ثيابک، فاذا لبستها فقل (الله اکبر) - ثلاثين مرة - و تقول:
الحمد لله الذى اليه قصدت فبلغنى، و اياه اردت فقبلنى، و لم يقطع بى و رحمته
ابتغيت فسلمنى، اللهم انت حصنى و كهفى، و حرزى و رجائى و املى، لا اله الا
انت يا رب العالمين.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

پس هر گاه از چیزی خوف و هراس داشتی بگو: لا حول و لا قوة الا بالله، به
واسطه این ذکر خود را مستور و پوشیده نموده و به توسط آن از گناه خود را
کناره می گیرم، خداوندا من را از شر مخلوقات حفظ نما، من به تو متوسل شده
و بنده تو می باشم.

و وقتی به فرات وارد شدی پیش از آنکه از آن عبور کنی بگو:

خدایا تو بهترین کسی هستی که مردان بسویش کوچ می کنند، و ای سرور
من تو کریم ترین افرادی هستی که دیگران بر او وارد شده و زیارتش می
نمایند، تو خود را برای هر زیارت کننده ای کرامتی و برای هر کوچ کننده ای
تحفه ای قرار داده ای، من به نزد تو آمده ام در حالی که قبر مطهر فرزند
پیغمبرت که رحمت تو بر او باد را زیارت می کنم، خدایا تحفه ای که به من می
دهی این را قرار بده که من را از آتش دوزخ برهان، و عمل من را از من قبول
فرما، و سعی و کوشش من را قبول کن و بپذیر، و این سیر و سفرم به سوی

خودت را مورد ترحم و تلافی قرار بده بدون اینکه از ناحیه من منتی باشد، بلکه تو بر من منت داری زیرا این راه را طریق برای زیارت آن حضرت قرار دادی، و فضیلت آن را به من شناساندی، و من را محفوظ نگاه داشتی تا به قبر فرزند ولی خودت رساندی من را، و من امیدوار به تو هستم پس درود بفرست بر محمد و آل، و امید من را قطع مکن، همانا نزد تو آمده ام پس آرزوی من را به ناامیدی مبدل کن، و این زیارت را کفاره و جبران گناهان که قبلاً مرتکب شده ام قرار بده، و من را از یاران آن حضرت قرار بده ای ارحم الراحمین.

سپس از فرات عبور کن و بگو:

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، و سعی و کوشش من را مقبول و گناه من را آمرزیده و عمل من را پذیرفته قرار بده، و پاک کن من را از لغزشها و گناهان، و دل من را از هر آفت و بلائی که دینم را زائل کرده یا عمل من را باطل نموده پاک گردان ای ارحم الراحمین.

سپس به نینوی برو و اثاثیه و اسباب را در آنجا بگذار، روغن به خود نمال و سرمه نکش و تا زمانی که در آنجا مقیم هستی گوشت نخور، سپس به شط که در مقابل محل قبر است برو در حالی که لنگی به کمر بسته ای در آن غسل کن و در حال غسل بگو:

خدایا من را پاک گردان و دل و قلبم را پاکیزه نما و سینه ام را بگشا، و بر زبانم محبت و مدح و ثناء خود را جاری گردان، هیچ جنبش و نیروئی نمی باشد مگر بواسطه تو، همانا می دانم که قوام و یا برجائی دینم در سایه تسلیم امر تو و شهادت دادن بر جمیع انبیاء و فرستادگانت به وجود الفت بینشان می باشد، شهادت می دهم که ایشان انبیاء و فرستادگان تو به سوی تمام مخلوقات می باشند. خدایا این غسل را نور و مطهر و حفظ کننده و شفای از هر مرض و درد و

آفت و بلا قرار بده، بار خدایا به واسطه آن قلب و اعضا و استخوان و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و رگ و آنچه که زمین از من حمل می کند را پاک و طاهر قرار بده و آنرا شاهد برای من در روز فقر و تهی دستیم قرار بده، سپس پاکیزه ترین لباسها را بیوش و وقتی آنرا پوشیدی بگو:

الله اکبر (سی مرتبه) و بعد بگو:

حمد سزاوار خداوندی است که بسویش قصد نمودم، پس من را رساند، و او را اراده کردم پس من را پذیرفت و در مانده ام نگذاشت، در رحمتش را طلب کردم پس بن من تسلیم نمود، خداوندا تو قلعه و پناهگاه و حافظ و امید و آرزوی من هستی، نیست معبودی غیر از تو ای پروردگار عالمیان.

متن:

فاذا اردت المشى فقل: (اللهم انى اردتك فاردنى، و انى اقبلت بوجهى اليك فلا تعرض بوجهك عنى، فان كنت على ساخطا فتب على، و ارحم مسيرى الى ابن حبيبك، ابتغى بذلك رضاك عنى فارض عنى، و لا تخيبنى يا ارحم الراحمين).

ثم امش حافيا و عليك السكينة و الوقار بالتكبير و التهليل و التمجيد و التحميد و التعظيم لله و لرسوله ﷺ، و قل ايضا:

(الحمد لله الواحد المتوحد بالامور كلها، خالق الخلق و لم يعزب عنه شىء من امورهم، و عالم كل شىء بغير تعليم، صلوات الله سلام ملائكة المقربين، و انبيائه المرسلين و رسله اجمعين على محمد و اهل بيته الاوصياء، الحمد لله الذى انعم على و عرفنى فضل محمد و اهل بيته ﷺ).

ثم امش قليلا و قصر خطاك، فاذا وقفت على التل فاستقبلت القبر فقف و قل:

(الله اكبر) ثلاثين مرة - و تقول:

(لا اله الا الله فى علمه و لا اله الا الله بعد علمه منتهى علمه، و لا اله الا الله مع علمه منتهى علمه، و الحمد لله فى علمه منتهى علمه، و الحمد لله بعد علمه منتهى علمه و الحمد لله مع علمه منتهى علمه، و سبحان الله فى علمه منتهى علمه، و الحمد لله سبحان الله به علمه منتهى علمه و سبحان الله مع علمه منتهى علمه، و الحمد لله بجميع محامده على جميع نعمه، و لا اله الا الله و الله اكبر، و حق له ذلك، لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلى العظيم، لا اله الا الله نور السماوات السبع، و نور الارضين السبع، و نور العرش العظيم، و الحمد لله رب العالمين، السلام عليك يا حجة الله و ابن حجته، السلام عليكم يا ملائكة الله و زوار قبر ابن نبى الله.

دنباله زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام

ترجمه:

و وقتى خواستى حرکت کنى بگو:

خدایا من تو را اراده کرده ام پس تو نیز من را اراده نما، و من به تو روى آورده ام پس رو از من مگردان، پس اگر بر من غضبناكى توبه ام را بپذير، و اين سير و سفرم به سوى فرزند حبيبت را مورد ترحم و تطفق قرار بده، با اين زيارت مى خواهم كه از من خشنود شوى پس راضى شو از من و نا اميدم مكن اى كسى كه ارحم الراحمين هستى.

سپس پاى برهنه حرکت كن در حالى كه با وقار و آرامش مى باشى و در اينحال تكبير (الله اكبر) و تهليل (لا اله الا الله) و تمجيد (خدا را با مجد و بزرگى ياد كردن نظير گفتن لا حول و لا قوة الا بالله گفتن) و تحميد (الحمد لله) گفته و نیز عباراتى كه بر تعظيم حق تعالى و رسول گراميش صلى الله عليه و آله و رساله دلالت دارند را بكار ببر و نیز بگو:

حمد سزاوار خداوند واحدی است که تمام امور مختص به او بوده و او در
جمع آنها مستقل است، آفریننده مخلوقات بوده و هیچ چیزی از او پنهان نیست،
به تمام اشیا آگاه و عالم بوده بدن اینکه تعلیم گرفته باشد، درود و رحمت خدا
و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و تحیت تمام فرستادگانش بر محمد و
اهل بیت آن حضرت که جانشینش می باشند، حمد و سپاس خدائی را که بر
من نعمت داد و برتری و فضیلت محمد و اهل بیتش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به من شناساند.
سپس اندکی حرکت کن و قدم هایت را کوتاه بردار و وقتی به تل و تپه
رسیدی و قبر در مقابلت قرار گرفت بایست و بگو:

الله اکبر (سی مرتبه) و سپس بگو:

نیست معبودی مگر خداوند متعال آن طوری که خودش می داند، و نیست
معبودی مگر خداوند متعال و این تهلیل در حالی است که حق تعالی می داند از
من صادر شده و نهایت و انتهای ندارد، و نیست معبودی مگر حق تعالی و این
تهلیل مقرون با علم او است ازلا و ابد و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس
مختص به خداوند است آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهای ندارد
و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تحمید در حالی است که حق
تعالی می داند از من صادر شده و نهایت و انتهای ندارد، و حمد و سپاس
مختص به خداوند است و این تحمید مقرون با علم او است ازلا و ابد و نهایت
و انتهای ندارد.

و منزه است خداوند متعال آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهای
ندارد، و منزه است خداوند متعال و این تنزیه در حالی است که حق تعالی می
داند از من صادر شده و انتهای ندارد، و حمد و سپاس مختص به حق تعالی است
با تمام ستایشها در مقابل جمع نعمتهایش، و نیست معبودی غیر از حق تعالی و

او بزرگتر از هر چیزی است، و این مقام حق او است، نیست معبودی غیر از حق تعالی و او بزرگتر از هر چیزی است، و این مقام حق او است نیست معبودی غیر از حق تعالی که صاحب حلم و کرم می باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که بلند مرتبه و بزرگ می باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که نور آسمانهای هفت گانه و نور طبقات هفتگانه زمین و نور عرش بزرگ می باشد، و حمد و سپاس مختص به پروردگار عالمیان است، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و زائران قبر مطهر فرزند نبی و پیغمبر خدا.

متن:

ثم امش عشر خطوات، و کبر ثلاثین تکبيرة و قل - و انت تمشي -: (لا اله الا الله تهليلا لا يحصيه غيره قبل كل واحد، و بعد كل واحد و مع كل واحد و عدد كل واحد، و سبحان الله تسبيحا لا يحصيه غيره قبل كل واحد و بعد كل واحد، و مع كل واحد، و عدد كل واحد، و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر، قبل كل واحد، و بعد كل واحد و مع كل واحد، و عدد كل واحد ابدا ابدا، اللهم (انى اشهدك و كفى بك شهيد فاشهدلى) انى اشهد انك حق و ان رسولك حق، و ان قولك حق، و ان قضاءك حق، و ان قدرك حق، و ان فعلك حق، و ان جنتك حق، و انك مميت الاحياء، و انك و محيي الموتى، و انك باعث من فى القبور، و انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه، و انك لا تخلف الميعاد، السلام عليك يا حجة الله و ابن حجته، السلام عليكم يا ملائكة الله و يا زوار قبر ابى عبد الله (عليه السلام)).

ثم امش قليلا و عليك السكينة و الوقار بالتكبير و التهليل و التمجيد و التحميد و التعظيم لله و لرسوله صلى الله عليه و آله و سلم، و قصر خطاك فاذا، اتيت الباب الذى يلى المشرق فقف على الباب و قل: الشهدا ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و

اشهدا ان محمد ﷺ عبده و رسوله، و امين الله على خلقه، و انه سيد الاولين و
 الاخرين، و انه سيد الانبياء و المرسلين، سلام على رسول الله، الحمد لله الذى
 هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله، لقد جاءت رسل ربنا بالحق، اللهم انى
 اشهد ان هذا قبر ابن حبيبك صفوتك من خلقك، و انه الفائز بكرامتك، اكرمه
 بكتابك، و خصصته و ائتمنته على وحيك، و اعطيته مواريث الانبياء، و جعلته
 حجة على خلقك، فاعذر فى الدعوة، و بذل مهجته فيك، ليستقذ عبادك من
 الضلالة، و الجهالة، و العمى، و الشك و الاتيات الى باب الهدى من الردى، و انت
 ترى و لاترى، و انت بالمنظر الاعلى، حتى تار عليه من خلقك من غرته الدنيا و
 باع الاخرة بالثمن الاوكس (الادنى) و اسخطك و اسخط رسولك، و اطاع من
 عبيدك من اهل (الشقاق و) النفاق، و حملة الاوزار من استوجب النار، لعن الله
 قاتلى الله قاتلى ولد رسولك و ضاعف عليهم العذاب الاليم.

ترجمه:

دنباله زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام سپس ده قدم بردار و سى
 مرتبه تكبير گفته و در حالى كه راه مى روى بگو:

نيست معبودى مگر حق تعالى تهليل مى گويم تهليلى كه غير از او احدى
 نمى تواند آن را بشمارد، و منزه است خدا و حمد براى خدا است و نيست
 معبودى مگر خدا و خدا بزرگتر از هر چيز بوده، پيش از هر كسى و بعد از هر
 كسى و با هر كسى و عدد تمام كسان است براى هميشه، براى هميشه، براى
 هميشه، خداوندا من تو را شاهد مى گيرم و تو براى شاهد بودن كافى هستى
 پس شهادت بده براى من كه شهادت مى دهم تو حق بودى و رسالت حق بوده
 گفتارت حق و حكمى كه مى كنى حق بوده و تقديرت حق و فعلت حق و
 بهشتت حق مى باشد، و شهادت مى دهم كه تو زنده ها را مى ميرانى و مردگان
 را زنده مى كنى و مرده هاى در قبور را مبعوث مى فرمائى، و شهادت مى دهم

که تو مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع می نمائی، و شهادت می دهی که وعده ای را که داده ای مخالفت می کنی، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر ابی عبد الله علیهم السلام.

سپس اندکی حرکت کن، در حالی که با آرامش و سنگینی راه می روی تکبیر و تهلیل گفته و حق تعالی را به مجد و بزرگی یاد نما و به تحمید و تعظیم حق تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداز و قدم هایت را کوچک بردار و وقتی به درب شرقی حرم رسیدی بایست و بگو:

شهادت می دهی که معبودی غیر از خداوند متعال نبوده در حالی که تنها است و شریکی برای او نمی باشد، و شهادت می دهی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده او و امین خدا بر مخلوقاتش می باشد، و شهادت می دهی که او سرور اولین و آخرین (گذشتگان و آیندگان) است، و شهادت می دهی که آن حضرت آقای انبیا و فرستادگان حق تعالی است، درود بر رسول خدا، حمد و سپاس خدائی را که ما را به این امر هدایت نمود و اگر او ما را هدایت نمی کرد هرگز به آن راه نمی یافتیم، همانا فرستادگان پروردگار ما حق را آورده اند، خداوندان من شهادت می دهی که این قبر فرزند حبیب و فرزند اختیار شده از مخلوقات می باشد، و او است که این قبر فرزند حبیب و فرزند اختیار شده از مخلوقات می باشد، و او است که به کرامت تو رسیده، تو او را بواسطه کتابت (قران) مورد اکرام خود قرار داده ای، و اختصاصش داده و بر وحی خود امینش نموده ای، و مواریت انبیا را به او اعطاً فرموده ای و بر خلائق حجت کرده ای، پس در دعوت خلائق به تو مبالغه نمود و جانش را در راه تو بذل ایثار کرد تا بندگانت را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات داده و به طرف هدایت و

رهائی از هلاکت بکشاند در حالی که تو می بینی در عین اینکه دیده نمی شوی و در حالی که در دیدگاهی بلند و مرتفع بوده و بر تمام اعمال و حرکات خلائق مشرف هستی بهر صورت آن حضرت برای نجات بشر قیام نمود ولی کسانی که مغرور دنیا واقع شده و آخرت را به بها اندکی فروختند بر آن جناب هجوم آورده و بدین ترتیب تو و رسالت را به غضب آورده و بندگانی را که اهل شفاق و نفاق و حاملین وزر و بال و مستوجب و مستحق دوزخ هستند را اطاعت و پیروی کردند، خدا لعنت کند کشندگان فرزندان رسالت را و عذاب دردناک را بر ایشان مضاعف و دو چندان کند.

متن:

ثم تدنو قليلا و قل: (السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا وارث نوح نبى الله، السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله، السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله، السلام عليك يا وارث عيسى روح الله، السلام عليك يا وراث محمد حبيب الله ﷺ و سلم، السلام عليك يا وارث امير المؤمنين على بن ابى طالب وصى رسول الله، السلام عليك يا وارث الحسن بن على الزكى، السلام عليك يا وراث فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمن الصديقة، السلام عليك يا ايها الصديق الشهيد، السلام عليك ايها الوصى الرضى البار التقى، السلام عليك ايها الوفى النقى، اشهد انك قد اقامت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر، و عبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين، السلام عليك يا ابا عبد الله، ورحمة الله و بركاته، السلام عليك و على الارواح التى حلت بفنائك و اناخت برحلك، السلام على ملائكة الله المحققين بك السلام على ملائكة الله زوار قبر ابن نبى الله).

ثم ادخل الحائر و قل حين تدخل: السلام على ملائكة الله المقربين، السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المسومين، السلام على ملائكة

الله الذين هم مقيمون في هذا الحائر باذن ربهم، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحائر يعلمون و لامر الله مسلمون، السلام عليك يا بن رسول الله، و ابن امين الله، و ابن خالصة الله، السلام عليك يا ابا عبد الله انا لله و انا اليه راجعون، ما اعظم مصيبتك عند جدك، رسول الله (ﷺ) و ما اعظم مصيبتك عند من عرف الله عزوجل، و اجل مصيبتك عند الملا الاعلى، و عند انبياء الله، و عند رسل الله، السلام مني اليك و التحية مع عظيم الرزية عليك، كنت نورا في الاصلاب الشامخة، و نورا في ظلمات الارض و نورا في السماوات العلى، كنت فيها نورا ساطعا لا يطفى، و انت الناطق بالهدى.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام سپس اندکی نزدیک شو

و بگو:

درود بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیغمبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت موسی، کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمد ﷺ حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب عليه السلام وصی و جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت حسن بن علی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای وارث حضرت فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان و صدیقه طاهره، سلام بر تو ای راستگو و ای شهید، سلام بر تو ای جانشین پیامبر که پسندیده و نیکوکار و پرهیزکار می باشی، درود بر تو ای وفأ کننده به عهد و پاکیزه، شهادت می دهم که تو نماز را به یاد داشته و زکات را پرداخته و به کار نیک امر، از عمل زشت نهی فرمودی و عبادت خدا را مخلصا انجام داده تا وقتی که مرگ تو را دریافت، سلام بر تو ای ابا عبد الله و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو و

ارواحی که در اطراف فرود آمده، و رحل اقامت افکنده اند، درود بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته اند، درود بر فرشتگان خدا و زائرین قبر مطهر فرزند پیغمبر خدا.

سپس داخل حائر بشو و در وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین نازل می شوند، درود بر فرشتگان معلوم و معین خدا، درود بر فرشتگان خدا، آنانکه به اذن پروردگارشان در این حائر مقیم شده اند، درود بر فرشتگان خدا آنانکه در این حائر به عمل مشغول بوده و تسلیم امر خدا می باشند، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند امین خدا و فرزند اختیار و برگزیده خدا، درود بر تو ای ابا عبد الله ما از آن خدا بوده و به سویش بر می گردیم، چه قدر مصیبت شما نزد جدتان رسول خدا ﷺ بزرگ است، و چه قدر مصیبت شما نزد کسی که خدا را می شناسند عظیم می باشد، و چه قدر مصیبت شما در ملاء اعلی با عظمت است، و چه قدر مصیبت شما نزد انبیاء خدا و فرستادگان او بزرگ می باشد، درود من به تو و تحیت و تهنیت من در حالی که مصیبت شما عظیم است بر شما، شما نوری بودی در صلب های عالی مقام، و نور بودی در تاریکی های زمین و هوا، و نور بودی در آسمانهای مرتفع، شما در آسمانها نور درخشانی بودی که خاموش شدنی نبود و شما به هدایت و رشد مردم سخن می گوئید.

متن:

ثم امش قليلا و قل: (الله اكبر) - سبع مرات - و هلله سبعا، و احمده سبعا و سبحة سبعا و قل: (لبیک داعی الله) سبعا، و قل:

(ان كان لم يجيبك بدني عند استغاثتك، و لسانی عند استنصارك، فقدا اجابك قلبی، و سمعی و بصری، و رایبی و هوای علی التسليم لخلف النبی المرسل، و

السبط المنتجب، والدليل العالم، و الامين المستخزن، و المودى المبلغ، و المظلوم المصطهد، جئتك يا مولاي انقطاعا اليك، و الى جدك و ابيك، و ولدك الخلف من بعدك، فقلبي لك مسلم، و راىي لك متبع، و نصرتى لك معده، حتى يحكم اله بدينه و يبعثكم، و اشهد الله انكم الحجة، و بكم ترجى الرحمة، فمعكم معكم لا مع عدوكم، انى بكم من المومنين، لا انكر الله آانكر الله قدرة و لا اكذب منه مشيئة).

ثم امش و قصر خطاك حتى تستقبل القبر، و اجعل القبلة بين كتفيك و استقبل بوجهك و جهة وقل:

السلام عليك من الله، و السلام على محمد امين الله على رسله و عزائم امره، الخاتم لما سبق، و الفاتح لما استقبل، و المهيمن على ذلك كله و السلام عليك و رحمة الله و بركاته، اللهم صل على محمد صاحب ميثاقك، و خاتم رسلك، و سيد عبادك، و امينك فى بلادك، و خير بريتك كما تلا كتابك، و جاهد عدوك حتى اتاه اليقين، اللهم صلى على امير المومنين عبدك، و اخى رسولك الذى انتجبتة بعلمك، و جعلته هاديا لمن شئت من خلقك، و الدليل على من بعثته برسالتك، و ديان الدين بعدلك و فصل قضائك بين خلقك، و المهيمن على ذلك كله، و السلام عليه و رحمة الله و بركاته، اللهم اتمم به كلماتك، و انجزيه وعدك و اهلك به عدوك، و اكتبنا فى اوليائه و احبائه، اللهم اجعلنا له شيعة و انصارا و اعوانا على طاعتك و طاعة رسولك و ما وكلته به، و استخلفته عليه يا رب العالمين، اللهم صلى على فاطمة بنت نبيك، و زوجة وليك، و ام السبطين الحسن و الحسين، الطاهرة المطهرة، الصديقة الزكية، سيدة نساء اهل الجنة اجمعين، صلوة لا يقوى على احصائها غيرك، اللهم صل على الحسن بن على عبدك، و ابن اخى رسولك، الذى انتجبتة بعلمك، و جعلته هاديا لمن شئت من خلقك، و الدليل

علی من بعثته برسالاتک، و دیان الدین بعدلک، و فصل قضائک بین خلقک و المهیمن علی ذلک کله، و رحمة الله و برکاته.

اللهم صل علی الحسین بن علی عبدک، و ابن اخی رسولک، الذی انتجبتہ بعلمک، و جعلته هادیا لمن شئت من خلقک، و الدلیل علی من بعثته برسالاتک، و دیان الدین بعدلک و فصل قضائک بین خلقک، و المهیمن علی ذلک کله، (و السلام علیه) و رحمة الله و برکاته.

سپس اندکی حرکت کن و بعد هر کدام از:

تکبیر و تهلیل و تسبیح و ذکر (لبیک داعی الله)، را هفت مرتبه گفته و بعد بگو: اگر در هنگام استغاثه و طلب پناه، بدن و جسم تو را اجابت و زبانم هنگام طلب نصرت تو را یاری نکرده است پس همانا قلب و گوش و چشم تو را اجابت می نمایند، و فکر و هوای من فرمان بردار و تسلیم فرزند نبی مرسل و سبط پیامبر برگزیده و مطیع راهنمای آگاه و امین نگاهدار و ادا کننده رساننده و مظلوم مقهور می باشد، ای آقای من به نزد تو آمدم در حالی که از همه قطع و به تو جد و پدر و فرزندان که جانشینان بعد از تو هستند خود را وصل نموده ام، پس قلبم تسلیم تو و رای و فکرم تابع تو، و کمکم برای تو آماده بوده تا زمانی که خدا حکم برای دینش نموده و شما را بر انگیزد، و خدا را شاهد می گیرم که شما حجت او هستید، و به سبب شما امید رحمت می باشد، پس کسی که با شما است با شما بوده نه با دشمنان، همانا من از کسانی هستم که به شما ایمان دارم، قدرت خدا را انکار نداشته و مشیتش را تکذیب نمی کنم، سپس حرکت کن و قدم هایت را کوچک بردار، مقابل قبر برسی و قبله را بین دو شانه ات قرار بده و صورتت را مقابل و روبروی قبر نما و بگو:

درود از طرف خدا بر تو، درود خدا بر حضرت محمد که امین او بر فرستادگان و بر احکام شریعتش بوده و پایان بخش انبیاء و گشاینده آیندگان (اوصیاً) می باشد، فرمان روا است بر تمام، و درود و رحمت خدا و برکاتش بر تو، خدایا درود فرست بر محمد که صاحب پیمان تو بوده و خاتمه بخش فرستادگان و سرور بندگان می باشد، امین تو است در شهرها، و بهترین مردمان بوده زیرا از کتاب تو پیروی نمود، و با دشمنانت مبارزه نمود تا هنگامی که مرگ او را دریافت، بار خدایا درود بفرست بر امیر مومنان که بنده تو و بردار رسولت بوده و تو او را به علم خودت برگزیدی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرارش دادی وی را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوندا وعده هائی را که در یاری نمودن دینت داده ای بواسطه آن حضرت عملی نما و به دست پرتوانش آنها را منجز فرما، و دشمنانت را به وسیله آن حضرت هلاک نما و ما را در زمره دوست داران او محسوب نما، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکارش قرار بده تا در راه طاعت تو و رسولت و آنچه به او واگذارده ای و کسانی را که جانشینانش نموده ای گام برداریم ای پروردگار عالمیان، خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولایت، و مادر دو سبط رسول گرامی حضرت امام حسن و امام حسین، او که پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته، سرور تمام زنان اهل بهشت است، درودی که غیر از تو کسی قادر بر احصاء و شمارش آن نباشد، خدایا درود فرست بر حسن بن علی بنده ات و فرزندت بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولایت، و مادر دو سبط رسول گرامی حضرت امام حسن و

امام حسین، او که پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته، سرور تمام زنان اهل بهشت است، درودی که غیر از تو کسی قادر بر احصا و شمارش آن نباشد، خدایا درود فرست بر حسن بن علی بنده ات و فرزند برادر رسالت، که به علم خویش انتخابش نمودی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خو او را برانگیختی قرار دادی، و او را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاست مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوندا درود بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند برادر رسالت که با علم خودت او را انتخاب نموده بوده و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که بر رسالت خود او را برانگیختی قرار دادی و او را حاکمی نصب کردی که به عدالت حکم می نمود و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، و سیاست مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد.

متن:

و تصلى على الائمة كلهم كما صليت على الحسن و الحسين عليهما السلام و تقول:
 (اللهم اتمم بهم كلماتك، و انجزهم و عدك، و اهلك بهم عدوك و عدوهم من الجن و الانس اجمعين، اللهم اجزهم عنا خير ما جازيت نذيرا عن قومه، اللهم اجعلنا لهم شيعة و انصارا و اعوانا، على طاعتك و طاعة رسولك، اللهم اجعلنا ممن يتبع النور الذى انزل معهم، و احينا محياهم، و امتنا مماتهم، و اشهدنا مشاهدهم فى الدنيا و الآخرة، اللهم ان هذا مقام اكرمتنى به، و شرفتنى به، و اعطيتنى فيه رغبتى على حقيقة ايمانى بك و برسولك).

ثم تدنو قليلا و تقول

(السلام عليك يا ابن رسول الله، و سلام الله و سلام ملائكته المقربين، و انبيائه المرسلين، كلما تروح الرائحات الطاهرات لك، و عليك سلام المومنين لك بقلوبهم، الناطقين لك بفضلك، بالسنتهم، اشهد انك صادق صديق، صدقت فيما دعوت اليه، و صدقت فيما اتيت به، و انك ثار الله فى الارض، اللهم ادخلنى فى اوليائك، و حيب الى شهادتهم و مشاهدتهم فى الدنيا و الاخرة، انك على كل شىء قدير).

و تقول: السلام عليك يا ابا عبد الله، رحمك الله يا ابا عبد الله، صلى الله عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا امام الهدى، السلام عليك يا علم التقى، السلام عليك يا حجة الله (على اهل الدنيا، السلام عليك يا حجة الله) و ابن حجته، السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره، السلام عليك يا وتر الله الله و ابن وتره، اشهد انك قتلت مظلوما، و ان قاتلك فى النار، و اشهد انك جاهدت فى سبيل الله حق جهاده، لم تاخذك فى الله لومة لائم، و انك عبدته حتى اتاك اليقين، اشهد انكم كلمة التقوى، و باب الهدى، و الحجة على خلقه، اشهد ان ذلك لكم سابق فيما مضى، و فاتح فيما بقى، و اشهد ان ارواحكم و طينتكم طينة طابت و طهرت بعضها من بعض من الله و من رحمته فاشهد الله تبارك و تعالى و كفى به شهيدا، و اشهدكم انى بكم مومن و لكم تابع فى ذات نفسى و شرائع دينى و خاتمة عملى و منقلبى و مثواى، فاسئل الله البر الرحيم ان يتمم ذلك لى، اشهد انكم قد بلغتكم و نصحتكم، و صبرتم و قتلتم، و غصبتكم و اسى اليكم فصبرتم، لعن الله امة خالفتكم، و امة جحد و لايتكم، و امة تظاهرت عليكم، و امة شهدت و لم تستشهد، الحمد لله الذى جعل النار مثواهم، و بسس الورد المورود، و بسس الورد المرفود.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و سپس بر تمام ائمه علیهم السلام درود بفرست به همان طوری که بر حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام درود فرستادی و بعد از آن بگو:

بار خدایا وعده هائی را که در یاری نمودن دینت داده ای به واسطه این حضرات (ع) عملی نما و به دست پرتویشان آنها را منجز فرما، و دشمنان جنی و انسی خود و ایشان را جملگی به واسطه این حضرات هلاک فرمات بار خدایا ایشان را از طرف ما جزأ بده، جزأ و پاداش نیکوئی که به ترساننده از طرف قومش می دهی، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکار ایشان قرار بده که از نوری که با ایشان قرار داده ای تبعیت کنیم، و حیاتی به ما ببخش همچون حیات ایشان، و مماتی نصیبمان گردان مانند ممات ایشان و در دنیا و آخرت ما را در مشاهده ایشان حاضر گردان، خدایا این مقام و مرتبه ای است که من را با آن مورد کرامت قرار داده، و شرافتم به آن داده ای و بواسطه اش در من به حقیقت ایمان به تو و به رسالت میل و رغبت ایجاد نموده ای.

سپس اندکی نزدیک به قبر شو و بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، و درود خدا و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش بر تو باد هر زمانی که نسیم های پاک و خوش می وزند، و درود قلبی مومنان بر تو، آنانکه زبانشان به فضل تو گویا است، شهادت می دهم که تو راستگو و بسیار درستکار بوده و در آنچه مردم را به آن دعوت نمودی راست می گفتی، و در آنچه انجام داده ای درستکار بوده ای، و شهادت می دهم که تو خون در زمین هستی، بار خدایا من را در زمره دوستانت قرار بده، و در دنیا و آخرت شهادت و مشاهدهشان را محبوب من گردان، همانا تو بر هر چیز قادر هستی.

و بگو:

درود بر تو ای ابا عبد الله، خدا رحمت کند تو را ای ابا عبد الله، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، درود بر تو ای پیشوای هدایت، درود بر تو ای نشانه تقوی و پرهیزکاری، درود بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر تو ای پیغمبر خدا، درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، درود بر تو ای خون تنها مانده خدا و پسر خون تنها مانده خدا، شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی، و قاتل تو در دوزخ خواهد بود، و شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی، و قاتل تو در دوزخ خواهد بود، و شهادت می دهم که تو در راه خدا آن طوری که شایسته است جهاد نمودی، و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده ای متوجه تو نگردیده، و محققا خدا را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت، شهادت می دهم که شما اهل بیت مظهر پرهیزکاری و باب هدایت مردم، و حجت بر مخلوقات می باشید، شهادت می دهم که این مقام برای شما در گذشته سابقه داشت است، و در آینده گشاینده خواهد بود، و شهادت می دهم که ارواح و حقیقت شما پاک می باشد، پاک بوده و پاک می باشد در حالی که بعضی از برخی دیگر بوده ناشی از ذات اقدس الهی و از رحمت واسعه اش می باشد، شاهد می گیرم حق تبارک و تعالی را بر این گفتارم و او برای شاهد بودن کافی است، و شما را شاهد می گیرم که ایمان به شما داشته و در حقیقت نفسم و احکام دینم و پایان کارها و حرکات و منزل آخرم تابع و پیرو شما می باشم، پس از خداوند نیک رفتار و مهربان درخواست می کنم که این معنا را برایم فراهم و میسور فرماید، شهادت می دهم که شما تبلیغ رسالتهای خود را نموده و زبان به خیرخواهی مردم گشوده و در مشکلات صبر نموده و در پایان امر در راه کشته شده اید، حقوق شما غصب شد، اذیت ها

و بدی ها متوجه شما گردید ولی تحمل نمودید، خدا لعنت کند گروهی را که با شما مخالفت نمودند و جمعی را که ولایت شما را انکار کردند، و دسته ای را که بر علیه شما تظاهر نمودند، و قومی را که در جنگ با شما حاضر شده و نخواستند که در راه شما شهید شوند، حمد و ستایش خدائی را که جهنم را جایگاهایشان قرار داد و آن بد جایگاه و بد عطائی است که به ایشان اعطاء می گردد.

متن:

و تقول: صلی الله علیک صلی الله علیک صلی الله علیک، یا ابا عبد الله، و علی روحک و بدنک، لعن الله قاتلیک، و لعن الله سالیبک، و لعن الله خاذلیک، و لعن الله من شایع علی قتلک، و من امر بقتلک، و شارک فی دمک، و لعن الله من بلغه ذلک فرضی به او سلم الیه، انا ابرا الی الله من ولایتهم، و اتولی الله و رسوله و آل رسوله، و اشهد ان الذین انتهکوا حرمتک و سفکوا دمک ملعونون، علی لسان النبی الامی، اللهم العن الذین کذبوا رسلک، و سفکوا دمأ اهل بیت نبیک صلواتک علیهم، اللهم العن قتلة امیرالمومنین، و ضاعف علیهم العذاب الالیم، اللهم العن قتلة الحسین بن علی، و قتلة انصار الحسین بن علی، و اصلهم حر نارک، و ذقهم باسک، و ضاعف علیهم العذاب الالیم، و العنهم لعنا و بیلا، اللهم احلل بهم نقمتک، و آتهم من حیث لا یحتسبون، و خذهم من حیث لا یشعرون، و عذبهم عذابا نکرا، و العن اعدأ نبیک و (اعدا) آل نبیک لعنا و بیلا، اللهم العن الجبت و الطاغوت و الفراعنة انک علی کل شیء قدير).

و تقول: بابی انت و امی یا ابا عبد الله، الیک کانت رحلتی مع بعد شقتی، و لک فاضت عبرتی، و علیک کان اسفی و نحیبی، و صراخی و زفرتی و شهیقی، و الیک کان مجیبی و بک استتر من عظیم جرمی، اتیتک (زائرا) و افدا قد اوقرت ظهری، بابی انت و امی، یا سیدی بکیتک یا خیرة الله و ابن خیرته، و حق لی ان

ابکیک، و قد کبتک السماوات والارضون و الجبال و البحار، فما عذری ان لم
ابکک، و قد بکاک حبیب ربی، و بکتک الائمة صلوات الله علیهم، و بکاک من
دون سدرۃ المنتهی الی الثری جزعا علیک.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و سه مرتبه بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبد الله.

بعد بگو:

و بر جان و بدنت، خدا کشندگان تو را لعنت کند، خدا لعنت کند آنانکه جامه
از بدنت بیرون آوردند، خدا لعنت کند کوبندگان تو را، خدا لعنت کند کسانی را
که پی گیر کشتن تو بودند، و کسی که فرمان به کشتن تو داد، و در خونت
شرکت کرد، و خدا لعنت کند کسی را که وقتی خبر کشتن تو را شنید راضی به
آن شد یا در مقابلش تسلیم گشت و گردن نهاد، ما به سوی خدا پناه می بریم از
دوست داشت این جماعات و دوست داریم خدا و رسول و آل رسولش را، و
شهادت می دهیم آنانکه حرمت تو را هتک کرده و خونت را ریختند ملعون و از
رحمت واسعه حق به دور می باشند، و این لعنت بر زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله در
حق ایشان جاری شده است، خدایا کشندگان امیر المومنین علیه السلام را لعنت کن،
و عذاب دردناک را بر ایشان چندان نما، خدایا کشندگان حسین بن علی
علیه السلام را لعنت کن، و نیز کشندگان یاران حسین بن علی علیه السلام را مورد لعن خود
قرار بده، و حرارت آتش جهنم خود را به ایشان برسان، و عذابت را به آنها
بچشان، و عذاب دردناک را بر آنها چندان نما، و لعنت کن ایشان را لعنت سخت
و شدید، خدایا نعمت و عبوت را بر ایشان فرود آور، و از جائی که گمان
ندارند عقابت را نصیبشان گردان، و از جائی که شعور و درک آن را نمی کنند
مورد ماخذه قرارشان بده، و ایشانرا عذابی سخت بنما، و لعنت کن دشمنان

پیغمبرت را، و دشمنان آل پیغمبرت را لعنتی سخت و شدید، خدایا جبت (باطل)
(و طاغوت (یاغی و سرکش) و متکبران را لعنت نما، و تو بر هر چیزی قدرت
داری.

و بگو:

ای ابا عبد الله پدر و مادرم فدایت شوند، با اینکه طی طریق بطرف شما بسیار
دور است معذک مرگ من به سوی تو در حرکت است، و اشکهایم برای تو
ریزان می باشند، و تاسف و گریه شدید من بر تو است، فریاد و جیق و بغض
نمودم بخاطر تو می باشد، آمدنم به سوی تو است، به واسطه تو خواهان
پوشیده شدن گناهان بزرگم می باشم، آمدم نزد تو در حالی که زیارت کننده تو
بوده و مسافری هستم که از بار گران سفر پشتم خمیده گشته، پدر و مادرم فدای
تو، ای آقای من گریستم بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده حق، و بر من
است که بر تو بگریم، همانا آسمانها و زمینها و کوه ها و دریاها بر تو گریسته اند
پس اگر بر تو گریه نکنم هیچ عذری ندارم، و حبیب پروردگارم بر تو گریه کرده
و ائمه هدی که درود خداوند بر ایشان باد نیز بر تو گریسته اند، و تمام
موجوداتی که در طبقه بین سدرة المنتهی و کره خاک می باشند بر تو گریسته و
جزع و ناله نموده اند.

متن:

ثم استلم القبر و قل:

السلام علیک یا ابا عبد الله، یا حسین بن علی یا ابن رسول الله، السلام علیک
یا حجة الله و ابن حجته، اشهد انک عبد الله و امینه بلغت ناصحا و ادیت امینا، و
قلت صادقا، و قتلت صدیقا، فمضیت شهیدا علی یقین، لم توتر عمی علی هدی،
و لم تمل من حق الی باطل، و لم تجب الا الله وحده، و اشهد انک کنت علی بینة
من ربک، بلغت ما امرت به، و قمت بحقه، و صدقت من کان قبلک غیر واهن و

لا موهن فصلی الله علیک و سلم تسلیمًا، جزاک الله من صدیق خیرا، و اشهدا ان
الجهاد معک جهاده و ان الحق معک والیک و انت اهله و معنه و میراث النبوة
عندک و عند اهل بیتک، و اشهد انک قد بلغت و نصحت، و وفیت و جاهدت فی
سبیل الله بالحکمة و الموعظة الحسنة و مضیت للذی کنت علیه شهیدا و مستشهدا
و مشهودا، فصلی الله علیک و سلم تسلیمًا، اشهد انک طهر طاهر مطهر، من طهر
طاهر مطهر، طهرت طهرت ارض انت بها، و طهر حرمک، اشهد انک امرت
بالقسط و العدل، و دعوت الیهما، و اشهد ان امة قتلتک اشرار خلق الله و کفرته، و
انی استشفع بک الی الله ربک و ربی من جمیع ذنوبی، و اتوجه بک الی الله فی
جمیع حوائجی و رغبتی، فی امر آخرتی و دنیای.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سپس دست به قبر بکش

و بگو:

درود بر تو ای ابا عبد الله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، درود بر
تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا، شهادت می دهم که تو بنده خدا و امین او
هستی، تبلیغ کردی در حالی که به دیگران اندرز دادی و ادا کردی در حالی که
امین بودی، مطالب را گفتی در حالی که راست گو بودی، و کشته شدی در
حالی که بسیار راست گو بودی، پس از این جهان عبور کردی و شهید گشتی،
در حالی که صاحب یقین بودی، نابینائی را بر هدایت اختیار نکردی، از حق به
باطل میل نکردی، اجابت نکردی مگر خداوند را به تنهائی، و شهادت می دهم
که تو بر حجتی از پروردگارت بودی، آن چه که مامور به رساندنش شدی را
تبلیغ فرمودی، و به حق آن قیام نمودی، و حجت های پیش از خود را تصدیق
نمودی در حالی که هیچ سستی از خود نشان نداده و ادا آنها را توهین نمودی،
پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، پاداش خیر دهد خدا به

تو، شهادت می دهی که جهاد همراه تو جهاد می باشد، و حق با تو و به سوی تو می باشد، و تو اهل و مرکز آن می باشی، و میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو می باشد، و شهادت می دهی که تو تبلیغ نموده و نصیحت کردی، و به عهدت وفأ نمودی و در راه خدا با بیان حکمت و موعظه حسنه ای که نمودی جهاد کردی، و شهادت می دهی که تو گذشتی و عبور نمودی بر آن طریق حقی که داشتی در حالی که شاهد آنچه از این امت صادر شده بوده و خدا و رسول و فرشتگان شهادت می دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی.

پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، شهادت می دهی که تو نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده ای، از نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده می باشی، پاک می باشی و زمینی که تو در آن هستی نیز پاک می باشد، و حرم تو نیز پاک است، شهادت می دهی که تو به عدل و میانه روی امر نموده و مردم را به این دو دعوت کردی، و شهادت می دهی گروهی که تو را کشتند بدترین مخلوقات خدا و از کافرین می باشد، و من جهت آمرزش تمام گناهانم تو را نزد خدایت و خدای خودم شفیع قرار می دهی، و به واسطه تو در تمام نیازمندی ها و خواسته هایم در ارتباط به امر دنیا و آخرت به طرف خدا روی می نمایم.

متن:

ثم ضع خدک الایمن علی القبر وقل: (اللهم انی اسئلك بحق هذا القبر و من فیه و بحق هذه القبور و من اسکنتها، ان تکتب اسمی عندک فی اسمائهم حتی توردنی مواردهم، و تصدرنی مصادرهم، انک علی کل شیء قدير).

و تقول: رب افحمتنی ذنوبی و قطعت مقالتی، فلا حجة لی و لا عذرلی، فانا المقر بذنبی، الاسیر ببلیتی، المرتهن بعملی، المتجلد فی خطیبتی، المتحیر عن قصدی، المنقطع بی، قد اوقفت نفسی یا رب موقف الاشقیاء الاذلاء المذنبین، المجترئین، علیک المستخفین بوعدک، یا سبحانک! ای جراته اجترت علیک، و

ای تغیر غررت بنفسی، و ای سكرة او بقتنی، و ای غفلة اعطبتنی، ما کان اقبیح
سوة نظری، و او حش فعلی، یا سیدی فارحم کبوتی لحروجهی، و زلة قدمی، و
تعفیری فی التراب خدی، و ندامتی علی ما فرط منی، و اقلنی عثرتی، و ارحم
صرختی و عبرتی، و اقبل معذرتی، و عد بحلمک علی جهلی، و باحسانک علی
خطیئاتی، و بعفوک علی، رب اشکو الیک قساوة قلبی، و ضعف عملی، فامنح
بمسئلتی، فانا المقر بذنبی، المعترف بخطیئتی، و هذه یدی و ناصیتی، استکین لک
بالقود من نفسی، فاقبل توبتی، و نفس کربتی، و ارحم خشوعی و خضوعی و
انقطاعی الیک سیدی! و اسفی علی ما کان منی و تمرغی و تعفیری فی تراب قبر
ابن نبیک بین یدیک، فانت رجائی و ظهری و عدتی و معتمدی، لا اله الا انت.
ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سپس گونه راست خود را
روی قبر گذار و بگو:

خدایا از تو درخواست می کنم به حق این قبر و کسی که در آن است و بحق
این حق این قبور و کسانی که در آنها ساکنشان کردی، اینکه نام من را نزد
خودت در اسماً ایشان ثبت و ضبط کرده تا واردم کنی به محل ورودشان و
خارجم نمائی از محل خروجشان، همانا تو بر هر چیز قادر و توانائی.
و بگو:

بار خدایا من را در مقابل گناهانم مفحم و بلا جواب قرار داده و گفتارم را
قطع کرده در نتیجه هیچ حجتی و عذری برای من نبوده و به گناهانم اقرار دارم،
به واسطه بلیه ای که خود فراهم کرده ام اسیر بوده و در گرو عمل و کردار
خویش می باشم، نهایت سعی و کوشش خود را گناهان و لغزش های خود
نموده ام، از مقصود و طریق مستقیم وامانده و متحیر می باشم، درمانده و راه به
رویم بسته شده، پروردگارا خود را در جای اشقیاً گمراه و خطاکار قرار داده ام،

آنانکه بر تو جرئت کرده و عصیان را کرده، و به وعیدهای تو اعتناً نکرده و آنها را سبک تلقی کرده اند، سبحان الله! چه جرئتی بر تو از خود نشان داده، و چه ضرری به نفس خویش وارد کرده، و چه مستی من را هلاک نمود و چه غفلت و بی خبری من را نابود نمود، چقدر کریه و زشت است بد نظری من و چقدر وحشتناک است و کردار من، ای آقای من به خاطر رخسارم بر به روی افتادم، و بر لغزش قدمم، و بر مالیدن صورتم را بر خاک و بر پیشانیم بر آنچه از من صادر شده، رحم فرما، و از گناهم درگذر، و بر فریاد و اشکهای گردان در چشمم ترحم نما، و عذر من را بپذیر، و در مقابل جهل و نادانی من به حلم و بردباری خود برگرد، و در قبال خطاً و اشتباهاتم به احسانت عمل نما، و به عفو و بخشش با من رفتار کن، پروردگارا از سنگ دلی و ضعف کردارم به تو شکایت می کنم پس در مقابل سوال و درخواستم عطا نما، من به گناهم اقرار دارم، به خطاً خویش معترفم، این دست من و پیشانی من است که در اختیار تو گذارده تا از من قصاص نمائی، پس توبه من را بپذیر و حزن و اندوهم را بر طرف کن، ای آقای من به خشوع و خضوع و جدا شدنم از غیر و وصل شدنم به تو ترحم نما، ای آسف و افسوس بر آنچه از من صادر شده و در تربت قبر پسر پیغمبرت در مقابل تو خود را غلطانده و به خاک آلوده نموده ام، تو امید و پشت و پناه و تکیه گاه من می باشی، نیست خدائی غیر از تو.

متن:

ثم کبر خمسة و ثلاثین تکبیرة، ثم ترفع یدیک و تقول:

الیک یا رب صمدت من ارضی، و الی ابن نبیک قطعت البلاد رجاً للمغفرة، فکن لی یا ولی الله سکنا و شفیعاً، و کن بی رحیماً، و کن لی منجا یوم لا تنفع الشفاعة (عنده) الا لمن ارتضی، یوم لا تنفع شفاعة الشافعیین، و یوم یقول اهل الصلاة: (ما لنا من شافعیین و لا صدیق حمیم)، فکن یومئذ فی مقامی بین یدی

ربی له منقذا، فقد عظم جرمی اذا ارتعدت فرائصی، و اخذ بسمعی، و انا منکس
راسی بما قدمت من سوء عملی، و انا عارکما ولدتتی امی، و ربی یسئلنی فکن
لی یومئذ شافعا و منقذا، فقد اعدد تک لیوم حاجتی و یم فقری و فاقتی.
ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سپس سی و پنج مرتبه
تکبیر گفته و پس از آن دو دست را بلند کرده و بگو:

ای پروردگرم، از سرزمین خود بسوی تو قصد نمودم، و به سوی پسر
پیغمبرت شهرها را پیمودم به امید اینکه گناهانم را بیامری، پس ای ولی خدا
تکیه گاه و شفیع من بوده، و نسبت به من مهربان و در روزی که نزد حق تعالی
شفاعت کسی غیر از پسندیدگان در دربارش پذیرفته نمی شود همان روزی که
خود در قرآن به آن اشاره کرده و فرمود: یوم لا تنفع شفاعة الشافعیین، و همان
روز که اهل ضلال و گمراهی می گویند: ما لنا من شافعیین و لا صدیق حمیم،
نجات گاه و شفاعت کننده من باش، پس در این روز در مقابل پروردگرم برای
من نجات دهنده باش چه آنکه وقتی گوشت های بدنم بلرزند و گوشم گرفته
شود و بواسطه اعمال زشت که از من صادر شده سر افکنده باشم و جرم و گناه
خود را بسیار بزرگ ببینم و در آن حال همچون روزی که مادر مرا زائیده لخت
و برهنه باشم و پروردگرم من را طرف سوال و عتاب قرار دهد تو در آن وقت
شافع و نجات دهنده من باش، من تو را برای روز احتیاج و هنگام تهی دستی و
نیازم برای خود ذخیره کرده ام.

متن:

ثم ضع خدک الا یسر علی القبر و تقول:

(اللهم ارحم تضرعی فی تراب قبر ابن نبیک، فانی فی موضع رحمة یا رب).

و تقول: (بابی انت و امی یا ابن رسول الله، انی ابرء الی الله من قاتلک و من سالبک، یا لیتنی کنت معک، فافوز عظیما، و ابذل مهجتی فیک، و اقیک بنفسی، و کنت فیمن اقام بین یدیک حتی یسفک دمی معک فاظفر معک، بالسعادة و الفوز بالجنة).

و تقول: لعن الله من رماک، لعن الله من طعنک، لعن الله من اجتز راسک، لعن الله من حمل راسک، لعن الله من نکت بقضیبه بین ثنایاک، لعن الله من حمل راسک، لعن الله من نکت بقضیبه بین ثنایاک، لعن الله من ابکی نسائک، لعن الله من ابکی نسائک، لعن الله من ایتم اولادک، لعن الله من اعان علیک، لعن الله من ابکی نسائک، علن الله من ایتم اولادک، لعن الله من اعان علیک، علن الله من سار الیک، لعن الله من سمع صوتک فلم یجیبک لعن الله ابن آکلة الاکباد، و لعن الله ابنه و اعوانه و اتباعه و انصاره ابن سمیة، و لعن الله جمیع قاتلیک و قاتلی ابیک و من اعان علی قتلکم، و حسا الله اجوافهم و بطونهم و قبورهم نارا، و عذبهم عذابا الیما.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله علیه السلام سپس گونه چپ را روی قبر گزارده و بگو:

خدایا به تضرع من در خاک قبر پسر پیغمبرت رحم فرما چه آنکه من در جای رحمت تو قرار گرفته ام ای پروردگار من.
و بعد بگو:

پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا، من از کشنده تو و کسی که جامه از بدنت بدر آورده به سوی خدا بی زاری می جویم، کاش با تو می بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می شدم و خون قلبم را در راه تو ایثار می کردم و با بذل نفس تو را نگه می داشتم و کاش در میان کسانی بودم که در مقابل تو به

جهاد برخاسته و از تو حمایت نمودند تا خونم با تو به زمین می ریخت و بدین ترتیب با تو به سعادت و رسیدن به بهشت دست می یافتم.

و بگو:

خدا لعنت کند کسی که به تو تیر انداخت، خدا لعنت کند کسی را که بتو نیزه زده، خدا لعنت کند کسی را که سر تو را برید، خدا لعنت کند کسی که سر تو را با خود حمل نمود، خدا لعنت کند کسی را که با چوب به وسط دندان های تنایای تو زد، خدا لعنت کند کسی را که زنان تو را گریاند، خدا لعنت کند کسی را که فرزندان را یتیم نمود، خدا لعنت کند کسی را که دشمنان تو را کمک کند کسی را که تو را از آب فرات منع کرد، خدا لعنت کند کسر را که به تو خیانت نمود و تنهایت گذارد، خدا لعنت کند کسی را که صدای تو را شنید و جوابت را نداد، خدا لعنت کند پسر خورنده جگرها را، و خدا لعنت کند فرزند و یاران و تابعین و مددکارانش و فرزند سمیه را، و خدا لعنت کند تمام کشتندگان تو و آنان که بر کشتنت کمک کردند، و خدا درون و دلها و قرهای ایشان را پر از آتش کند، و ایشان را عذابی دردناک نماید.

متن:

ثم تسبح عند راسه الف تسبيحة من تسبيح اميرالمؤمنين عليه السلام فان احببت تحولت الي عند رجليه و تدعو بما قد فسرت لك ثم تدور من عند رجليه الي عند راسه فاذا فرغت من الصلوة سبحت و التسبيح تقول:

(سبحان من لا تبید معالمه، سبحان من لا تنقص خزائنه، سبحان من لا انقطاع لمدته، سبحان من لا ینفد ما عنده، سبحان من لا اضمحلال لفخره، سبحان من لا یشاور احدا فی امره، سبحان من لا اله غیره).

ثم تحول عند رجليه وضع یدک علی القبر و قل:

(صلى الله عليك يا ابا عبد الله، - ثلاثا - صبرت وانت الصادق المصدق قتل
الله من قتلکم بالايدي و اللسن).

و تقول: اللهم رب الارباب، صريخ الاخيرا انى عذت معاذاً، فك رقتى من
النار، جئتک يا ابن رسول الله وافدا اليک، اتوسل الى الله فى جميع حوائجى من
امر آخرتى و دنياى، و بک يتوسل المتوسلون الى الله فى جميع حوائجهم، و بک
يدرك اهل الثواب من عباد الله طلبتهم، اسئل وليک و ولينا ان يجعل حظى من
زيارتک الصلوة على محمد و آله، و المغفرة لذنوبى، اللهم اجعلنا ممن تنصره و
تنتصر به لدينک فى الدنيا و الآخرة).

ثم تضع خدک عليه و تقول:

(اللهم رب الحسين! اشف صدر الحسين، اللهم رب الحسين! اطلب بدم
الحسين، اللهم رب الحسين! انتقم ممن رضى بتقل الحسين! اللهم رب الحسين!
انتقم ممن خالف الحسين، اللهم رب الحسين! انتقم ممن فرح بتقل الحسين)
تبتهل الى الله فى اللعنة على قاتل تسييح فاطمة الزهراء صلى الله عليها فان لم
تقدر فمائة تسييحة و تقول:

سبحان ذى العز الشامخ المنيف، سبحان ذى الجلال الفاخر العظيم، سبحان ذى
الملك الفاخر القديم، سبحان ذى الملك الفاخر العظيم، سبحان من لبس العز و
الجمال، سبحان من تردى بالنور والوقار، سبحان من يرى اثر النمل فى الصفا، و
خفقان الطير فى الهواً سبحان من هو هكذا و لا هكذا غيره.

ترجمه:

(دنباله زيارت نما حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام)

سپس نزدیک سر مبارک آن جناب هزار مرتبه تسييح حضرت اميرالمومنين
عليه السلام را بگو، و اگر خواستى تسييح حضرت را نگو تا پائين پاهای مبارک برسى
و دعأ کن به آنچه بعدا برايت شرح خواهم داد (و محتمل است مراد دعاهاى

باشد که قبلا حضرت برای ابو حمزه ثمالی بیان فرمودند)بهر صورت پس از رسیدن به پائین پا و خواند دعا دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک برسان و پس از فراغت از نماز تسبیح بگو و مراد از تسبیح، تسبیح امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است که به آن اشاره شد و آن اینست که بگوئی: منزّه است کسی که معالَم و نشانه های داله بر او کهنه شدنی نیست، منزّه است کسی که خزائنش کم شدنی نیست، منزّه است کسی که دوران سلطنتش منقرض شدنی نیست، منزّه است کسی که آنچه نزدش هست تمام شدنی نیست، منزّه است کسی که فخر و بزرگی او زائل شدنی نیست، منزّه است کسی که در کارهایش با کسی مشورت نمی کند، منزّه است کسی که معبودی غیر از او نمی باشد.

سپس به پائین پاهای مبارک منتقل شو و دست بر قبر بگذار و بگو:
درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبدالله (سه مرتبه) صبر کردی و تو راستگو و تصدیق شده ای، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست ها و زبانهایشان کشتند.

و بعد بگو:

خداوندا ای صاحب صاحب ها، و ای پناه دهنده خوب ها، من پناه می آورم پناه آوردنی، پس من را از آتش دوزخ برهان، آمدم نزد ای فرزند رسول خدا در حالی که به سویت سفر نمودم، در تمام نیازمندی هایم چه امور اخروی بوده و چه دنیوی به خدا متوسل می شوم، و تمام متوسلین به خدا در جمیع نیازمندی هایشان تو را واسطه و وسیله قرار می دهند، و به واسطه تو بندگان که اهل پاداش و اجر هستند مطلوب خود را درک می کنند، از ولی تو و ولی خود درخواست می کنم که بهره من از زیارت تو را صلوات بر محمد و آل محمد و آمرزش گناهان و بواسطه ایشان دینت را در دنیا و آخرت مدد نمائی.

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خداوندا، ای پروردگار حسیت، شفا بده سینه حسین را، خدایا، ای پروردگار حسین! خون خواهی خون حسین نما، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که به قتل حسین راضی شد انتقام بکش، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که مخالفت حسین را نمود انتقام بگیر، خداوندا، ای پروردگار حسین از کسی که کشته شدن حسین او را شاد و مسرور نمود انتقام بگیر، و در لعن نمودن بر قاتلین امام حسین و امیرالمومنین علیهما السلام به خدا التماس و تضرع نما و در پایین پا هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگو و اگر نتوانستی آن را صد مرتبه بگو و آن تسبیح عبارتست از اینکه بگوئی:

منزه است خدائی که صاحب عزت بوده و مقامش رفیع و عالی است، و منزه است خداوندی که صاحب جلال و بزرگی عظیم می باشد، منزه است خداوندی که صاحب سلطنت عظیم و قدیم می باشد، منزه است خداوندی که صاحب پادشاهی و بزرگ می باشد، منزه است کسی که لباس عزت و زیبائی پوشیده، منزه است کسی که با نور و وقار و بردباری آراسته و مزین گردیده، منزه است کسی که اثر پای مور روی سنگ صاف را می بیند، منزه است کسی که بال زدن پرندگان را در هوا می بیند، منزه است کسی که او اینچنین بوده ولی غیرش چنین نمی باشد.

متن:

ثم صراطی الی قبر علی بن الحسین - فهو عند رجل الحسین علیه السلام فاذا وقفت علیه فقل: (السلام علیک یا ابن رسول الله و رحمة الله علیه و برکاته، و ابن خلیفة رسول الله، و ابن بنت رسول الله، و رحمة الله علیه و برکاته مضاعفة، کما طلعت شمس او غربت، السلام علیک و علی روحک و بدنک، بابی انت و امی من مذبوح و مقتول من غیر جرم، بابی انت و امی دمک المرتقی به الی حبیب

الله، بابی انت و امی من مقدم بین یدی ایبک یحتسبک و یبکی علیک، محترقا
علیک قلبه، یرفع دمک بکفه الی اعنان السماء لا ترجع منه قطرة، و لا تسکن
علیک من ایبک زفرة، و دعک للفراق، فمکانکما عند الله مع آبائک الماضین و
مع امهاتک فی الجنان منعمین، ابرء الی الله ممن قتلک و ذبحک).

ثم انکب علی القبر وضع یدیک علیه و قل:

سلام الله و سلام ملائکة المقربین، و انبیائه المرسلین و عباده الصالحین،
علیک یا مولای و ابن مولاسی، و رحمة الله و برکاته، صلی الله علیک و علی
عترتک و اهل بیتک و آبائک و ابنائک و امهاتک الاخیار الابرار، الذین اذهب
الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا، السلام علیک یا ابن رسول الله، و ابن امیر
المومنین، و ابن الحسین ابن علی، و رحمة الله و برکاته، لعن الله قاتلک، و لعن الله
من استخف بحقکم و قتلکم، لعن الله من بقی منهم و من مضی نفسی فداوکم و
لمضجعکم، صلی الله علیکم و سلم تسلیما کثیرا.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله علیه السلام سپس به طرف قبر علی بن
الحسین بگرد، آن جناب پائین امام حسین علیه السلام می باشد پس وقتی مقابل قبرش
ایستادی بگو:

درود بر تو ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا چند برابر بر تو باد،
مادامی که خورشید طلوع کرده یا غروب می نماید درود بر تو و بر روان و بدن
تو باد، پدر و مادرم فدای سر بریده و کشته ای باد که بدون گناهی او را کشتند،
پدر و مادرم فدایت، خون تو بالا رفت و به نظر حبیب خدا رسید، پدر و مادرم
فدای تو که در مقابل پدر شهید شده و پدرت تسلیم رضای خدا گشت و بر تو
گریست، در حالی که قلب او بر تو آتش گرفت، خونت را به کف گرفت و به
آسمان پاشید و قطره ای از آن به زمین برنگشت، وناله و افغان در سوک تو از

پدرت قطع نشد و آن حضرت آنی آرام نگشت، به منظور جدائی با تو وداع نمود، پس جایگاه شما دو نفر نزد خدا با پدران و گذشتگانان می باشد، و نیز همراه مادرانتان در بهشت به خوشگذرانی مشغولید، به سوی خدا بی زاری می جویم از کسی که تو را کشت و سر برید.

سپس تکیه بر قبر داده و دو دست را بر آن بگذار و بگو:

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء فرستاده و بندگان صالح بر تو ای سرور من و فرزند من، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، رحمت فرستد خدا بر تو و بردودمان و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو، آنان که خداوند رجس و آلودگی را از ایشان بر کنار داشت و پاکشان نمود پاک نمودنی، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امیرالمومنین و فرزند حسین بن علی، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، خدا لعنت کند کشنده تو را، و خدا لعنت کند کسی که حق شما و کشتن شما را سبک شمرد، خدا لعنت کند باقی مانده و گذشتگان ایشان را، جانم فدای شما و قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد.

متن:

ثم ضع خدک علی القبر و قل: (صلی الله علیک یا ابا الحسن - ثلاثا - بایی انت و امی اتیتک زائراً و افدا عائذا مما جنیت علی نفسی و احتطبت علی ظهری، اسئل الله ولیک و ولیی ان یجعل حظی من زیارتک عتق رقبتی من النار - و تدعوا بما احببت -).

ثم تدور من خلف الحسین عليه السلام الى عند راسه و صل عند راسه رکعتین تقرأ فی الاولی (الحمد) و (یس) و فی الثانية (الحمد) و (الرحمن)، و ان شئت صلیت خلف القبر، و عند راسه افضل، فاذا فرغت فصل ما احببت الا ان رکعتی الزیارة لا بد منهما عند کل قبر فاذا فرغت من الصلوة فارفع یدیک و قل: اللهم انا اتیناه

مومنین به، مسلمین له، معتصمین بحبله عارفین بحقه، مقرین بفضله، مستبصرین بضلالة من خالفة، عارفین بالهدی الذی هو علیه، اللهم انی اشهدک و اشهد من حضر من ملائکتک، انی بهم مومن، و انی بمن قتلهم کافر، اللهم اجعل لما اقول بلسانی حقیقة فی قلبی، و شریعة فی عملی، اللهم اجعلنی ممن له مع الحسین بن علی ع قدم ثابت، و اثبتنی فیمن استشهد معه، اللهم العن الذین بدلوا نعمتک کفراً، سبحانک یا حلیم عما یعمل الظالمون فی الارض، تبارکت و تعالیت یا عظیم، تری عظیم الجرم من عبادک فلا تجعل علیهم تعالیت یا کریم، انت شاهد غیر غائب و عالم بما اوتی الی اهل صفوتک و احبائک من الامر الذی لا تحمله سماً و لا ارض و لو شئت لا نتقمت منهم، و لا کنک ذو اناة، و قد املت الذین اجتروا علیک و علی رسولک و حبیبک، فاسکنتهم ارضک و غدوتهم بنعمتک، الی اجل هم بالغوة، و وقت هم صائرون الیه، لیستکملوا العمل الذی قدرت، و الاجل الذی اجلت، لتخلدهم فی محط و وثاق و نار (جهنم) و حمیم و غساق، و الضریع و الاحراق، و الاغلال و الاوثاق، و غسلین و زقوم و صدید، مع طول المقام فی ایام لظى و فی سقر التی لا تبقى و لا تذر، و فی الحمیم و الجحیم.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین ع)

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خدا تو را رحمت کند ای ابا الحسن (سه مرتبه) پدر و مادرم فدایت، نزد تو آمدم در حالی که زائر و مسافر بوده و از جنایات و ستم هائی که بر خود کرده ام و پشتم را سنگین نموده ام به تو پناهنده شده ام، از خدا که ولی تو و ولی من است درخواست دارم که بهره من از زیارتت را آزادی من از آتش دوزخ قرار دهد.

بعد هر دعائی که خواستی بکن و سپس از پشت قبر حضرت امام حسین علیه السلام دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک آن حضرت برسان و دو رکعت نماز بالای سر خوانده، در رکعت اول حمد و یس و در رکعت دوم حمد و الرحمن قرائت کن و اگر خواستی نماز را پشت قبر بجا بیاور منتهی بالای سر افضل و بهتر است و پس از تمام شدن نماز هر نماز دیگری خواستی بخوان منتهی دو رکعت نماز زیارت را باید نزد هر قبری بخوانی و وقتی از خواندن نماز فارغ شدی دست را بلند کن و بگو:

خداوندا ما به نزد آن حضرت رسیدیم در حالی که به آن جناب ایمان داشته و تسلیمش هستیم، به ریسمان او چنگ زده ایم، و به حقش آگاهیم، به فضلش قرار داریم، به گماره بودن آنانکه مخالفتش را کردند اطلاع داریم، به طریق هدایتی که بر او بر آن است علم داریم، خداوندا تو و فرشتگان حضرت را شاهد می گیرم که من به ایشان ایمان دارم، و به قاتلین ایشان کفر ورزیده و انکارشان می کنم، خداوندا برای آنچه به زبان می رانم در دلم حقیقت و واقعیتی، و در عملم شریعتی قرار بده و ضبط کن من را در زمره آنانکه با آن حضرت شهید شدند، خداوندا کسانی را که نعمت ایمان را به کفر تبدیل کردند لعنت کن، منزهی تو ای حلیم و بردبار آز آنچه ستمکاران در زمین مرتکب می شوند، با برکت و بلند مرتبه ای ای بزرگ، بزرگ گناه را از بندگانت می بینی ولی در تادیبشان شتاب نمی کنی، بلند مرتبه ای ای با کرامت، تو شاهدی غیر غائب، و آگاهی به آنچه نسبت به برگزیدگان و دوستان انجام شده اعمال و افعالی که لطمات و صدمات ناشی از آنها را نه آسمان و نه زمین نمی توانند تحمل کنند، و اگر بخواهی از ایشان (فاعلین و عاملین ظلم) انتقام خواهی گرفت، ولی تو مهلت دهنده ای، به کسانی که بر تو و بر رسول و حبیبیت جرئت نموده و ستم

کرده اند مهلت داده ای، ایشان را در زمین خود ساکن گردانیده ای و بواسطه نعمت هایت پرورششان داده ای، و این مهلت هست تا زمانی که ایشان به آن رسیده، و تا هنگامی که به آن منتقل شده، تا بدین وسیله عملی را که تقدیر نموده ای کاملاً انجام داده و زمانی را که معین کرده ای فرا برسد، آن گاه ایشان را در طبقات پائین و در زیر زنجیرهای آتشی دوزخ مخلد نمائی، و نیز آنها را در آب داغ و مایعی متعفن که از چرک و عرق اهل دوزخ جاری است غرقشان کنی، و نیز آنها در مکانی که ضریح (گیاهی است که دارای تیغ هائی بسیار بلند است) در آن روئیده و همراه آن دائم زبانه آتش شعله ور است گرفتار نمائی، و در زیر زنجیرها و ریسمانهای آتش محبوس کرده، و از عرق و زرد آبی که از گوشت بدن اهل دوزخ جریان دارد و نیز از زقوم جهنم به آنها بخورانی، در حالی که اقامتشان در دوزخ طولانی و همراه با شعله ور بودن آتش سخت جهنم می باشد، در جهنمی که شراره های آن از دوزخیان هیچ باقی نگذاشته و تمام را سوزانده و محو نماید، و در آبی داغ و جهنمی سوزان جایشان دهی.

متن:

ثم تنكب على القبر و تقول: (يا سیدی اتیتک زائراً موقراً من الذنوب، اتقرب الی ربی بوفودی الیک، و بکائی علیک، و عویلی و حسرتی و اسفی و بکائی و ما اخاف علی نفسی رجاً ان تکون لی حجاباً و سندا و كهفاً و حرزاً و شافعاً و وقایة من النار غدا، و انان من موالیکم الذین اعادی عدوکم و اوالی ولیکم، علی ذلک احیا و علیه اموت، و علیه ابعث انشأ الله، و قد اشخصت بدنی و ودعت اهلی و بعدت شقتی و اومل فی قربکم النجاة، و ارجو فی اتیانکم الکرة، و اطمع فی النظر الیکم و الی مکانکم غدا فی جنان ربی مع آبائکم الماضین).

و تقول: (یا ابا عبد الله یا حسین، ابن رسول الله، جئتک مستشفعاً بک الی الله، اللهم انی استشفع الیک بولد حبیبک، و بالملائکة الذین یضجون علیه و یتکون و

یصرخون، لا یفترون و لا یسامون و هم من خشیتک مشفقون، و من عذابک حذرون، لا تغیرهم الا یام، و لا ینهزمون من نواحی الحیز یشهقون، و سیدهم یری ما یصنعون، و ما فیه یتقلبون، قد انهملت منهم العیون فلا ترقا، و اشتد منهم الحزن بحرقة لا تطفا).

ثم ترفع یدیک و تقول:

(اللهم انی اسئلك مسئلة المسکین، المستکین العلیل الذلیل الذی لم یرد بمسئلة غیرک، فان لم تدركه رحمتک عطب، اسئلك ان تدارکنی بلطف منک و انت الذی لا تخیب سائلک، و تعطی المغفرة و تغفر الذنوب، فلا اکو اهون خلقک، و لا اکون اهون من وفد الیک بابن حبیبک، فانی املت و رجوت، و طمعت و زرت و اغتربت، رجاً لک ان تکافینی اذا اخرجتنی من رحلی، فاذنت لی بالمسیر الی هذا المكان رحمة منک و تفضلاً منک، یا رحمان یا رحیم.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سپس تکیه بر قبر داده و بگو:

ای سرور من به نزد تو آمدم در حالی که زائر تو هستم و پشته باری از گناه را می کشم، سفر خود به سوی تو را وسیله قرار دادم که به پرودگارم نزدیک شوم، و نیز به واسطه گریستن بر تو و با صدای بلند زاری نمودن و حسرت و تاسف خوردن و گریه کردن بر حال خویش به خدا تقرب می جویم، بر خود خوف و هراسی نداشته زیرا امیدوارم که تو برای من حجاب و تکیه گاه و پناهگاه، و جایگاه امن و نگاه دارنده از آتش دوزخ بوده و در فردای قیامت حافظ من از جهنم باشی، و من از دوستان شما هستم آنان که با دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوست هستند، بر این طریق زنده بوده و بر آن خواهیم مرد، و انشاء الله بر آن مبعوث شده و پس از مردن زنده خواهیم شد، همانا بدن و

جسم خویش را به تعب انداخته و با اهل خود وداع نموده و سفرم به درازا کشیده، و در قرب و جوار شما آرزوی نجات دارم، و در آمدن به محضر شما امیدوارم که در فرمان رجعت بازگردم و در نظر کردن بر شما و به مکانتان طمع دارم که در فردای قیامت با پدران و سلف گذشته شما در بهشت باشم.

و سپس بگو:

ای ابا عبد الله، ای حسین فرزند رسول خدا، نزد تو آمدم در حالی که شما را شفیع بین خود و خدا قرار دادم با خدایا من فرزند حبیبیت را شفیع خود بسوی تو قرار دادم، و فرشتگان را نیز شفیع خویش نمودم، فرشتگانی که بر آن حضرت ضجه زده و ناله نموده و گریسته و فریاد می کنند، و از زاری و گریستن سستی به آنها راه نیافته و زان آن بدحال نشده و از ترس تو بیمناک و هراسان هستند، و از عذاب تو بر حذر می باشند، گذشت ایام آنها را تغییر نداده، و در حالی که پیوسته جیق می زنند از اطراف حیر (حرم سید الشهداء علیه السلام) دور نمی شوند، و سرور و آقای ایشان عمل و حرکت آنها را می بیند، لا ینقطع چشمهایشان اشک ریخته و خشک نمی گردد حزن ایشان شدت پیدا کرده و سوزش و گرمی آن افزون شده و هرگز آرام و خاموش نمی شود.

سپس دو دست خود را بلند کن و بگو:

خدایا از تو درخواست می کنم درخواست شخص بی چیز و ذلیل را، درخواست شخص علیل و خواری را که با درخواستش غیر تو را قصد نمی کند، پس اگر رحمت تو شامل حالش نشود هلاک می گردد، از تو درخواست می کنم که لطف خود را شامل حالم بنمائی، تو کسی هستی که سائل را ناامید نمی کنی،

مغفرت را شامل بندگان کرده و از گناهان می گذری، ای سرور من نیستم
 صبورترین و نرم ترین خلق تو بر تو، و نیستم نرم ترین کسی که پر حبیبیت را به
 درگاهت واسطه آورده باشم، من آرزو و امید دارم، طمع داشته و به زیارت آمده
 و وطن را ترک کرده ام، امید به تو دارم که در مقابل جبران می کنی زیرا من را
 از منزل بیرون آورده، پس اذن دادی که به این مکان بیایم و این رحمتی است از
 تو، و تفضلی است از جانب تو به من ای بخشنده مهربان.

متن:

واجتهد فی الدعاء ما قدرت علیه، و اکثر منه ان شأ الله، ثم تخرج من السقيفة و
 تقف بحداً قبور الشهداء و تومی اليهم اجمعين و تقول:

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته، السلام عليكم يا اهل القبور من اهل ديار
 المومنين، السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار، السلام عليكم يا اولياء الله،
 السلام عليكم يا انصار الله و انصار رسوله، و انصار امير المومنين، و انصار ابن
 رسوله و انصار دينه، اشهد انكم انصار الله كما قال الله عزوجل: (و كاین من نبی
 قاتل معه ربيون كثير فما و هنوا لما اصابهم فى سبيل الله و ما ضعفوا و ما
 استكانوا)، فما ضعفتم و ما استكنتم حتى لقيتم الله على سبيل الحق، صلى الله
 عليكم، و على ارواحكم و ابدانكم و اجسادكم، ابشروا بموعد الله الذى لا خلف
 له ولا تبديل، ان الله لا يخلف وعده، والله مدرک بكم ثارما وعدكم، انتم خاصة
 الله اختصكم الله لابی عبد الله عليه السلام انتم الشهداء، و انتم السعداء سعدتم، عند الله، و
 فزتم بالدرجات من جنات لا يطعنن اهلها و لا يهرمون، و رضوا بالمقام فى دار
 السلام، مع من نصرتم، جزاكم الله خيراً من اعوان جزأ من صبر مع رسول الله
صلى الله عليه و سلم، انجز الله ما و عدكم من الكرامة فى جواره و داره مع النبيين و المرسلين و
 امير المومنين و قائد الغر المحجلين، اسأل الله الذى حملنى اليكم حتى ارانى
 مصارعكم ان يرينىكم على الحوض رؤاً مرويين، و يرينى اعدائكم فى اسفل

درك. الجحيم، فانهم قتلوكم ظلما و ارادوا اماته الحق، و سلبوكم لابن سمية وابن آكلة الاكباد، فاسئل الله ان يرينهم ظماً مظمئین مسلسلین مغللین يساقون الى الجحيم، السلام عليكم يا انصار الله و انصار ابن رسول الله منى ما بقيت (و بقى الليل و النهار)، و السلام عليكم دائما اذا فنيت و بليت، لهفى عليكم اى مصيبة اصابت كل مولى يلمحمد و آل محمد، لقد عظمت و خصت و جلت و عمت مصيبتكم، انا بكم بجزع، و انا بكم لموجح محزون، و انا بكم لماصاب ملهوف، هنيئا لكم ما اعطيتم، و هنيئا لكم ما به حييتم، فلقد بكتكم الملائكة و حفتكم و سكنت معسكر كم، و حلت مصارعكم، و قدست و صفت باجنحتها عليكم، ليس لها عنكم فراق الى يوم التلاق، و يوم المحشر و يوم المنشر طافت عليكم رحمة من الله و بلغت بها شرف الدنيا و الاخرة، اتيتكم شوقا، و زرتكم خوفا، اسئل الله ان يرينكم على الحوض و فى الجنان مع الانبياء و المرسلين، و الشهداء و الصالحين، و حسن اولئك رفيقا.

ترجمه:

دنباله زيارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام و در خواندن دعأ بقدرى كه قدرت دارى سعى كن و زياد بخوان سپس از آن محوطه سر پوشيده بيرون بيا و در مقابل قبور شهدأ بايست و در حالى كه به تمامشان اشاره مى كنى بگو: درود بر شما و رحمت خدا و بر كاتش بر شما، درود بر شما اى اهل گورها كه از ديار اهل ايمان مى باشيد، درود بر شما بواسطه صبر و بردبارى كه نموديد پس خوشا به پايان زندگى دنياى شما، درود بر شما اى دوستان خدا، درود بر شما اى ياران خدا و پايان رسول خدا و ياران اميرالمومنين، و ياران فرزند رسول خدا و ياران دين خدا، شهادت مى دهم كه شما ياران خدا هستيد همان طورى كه خداوند عزوجل فرمود:

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما و هنوا لما اصابهم فی سبیل الله ما
ضعفوا و ما استکانوا، پس شما ضعیف و ناتوان نشدید، تا خدا را بطریق حق که
داشتید ملاقات نمودید، رحمت فرستد خدا بر شما و بر روان و بر بدن و
جسدهای شما، بشارت باد شما را به وعده ای که خداداده و تخلف و تبدیل در
آن نمی باشد، چه آنکه حقتعالی خلف وعده نخواهد نمود، و خدا به سبب شما
تقاص خونی را که وعده داده خواهد نمود، شما برگزیده های خدا هستید، که
اختصاصتان داد به حضرت ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ، شما شهیدان و سعادت‌مندانی هستید
که نزد خدا به سعادت نائل شدید و رسیدید به درجات عالی بهشت (که اهل آن
هرگز از آن کوچ نکرده و پیر و فرسوده نمی شوند، و خشنودند به اقامه نمودن
در دارالسلام) در حالی که با کسی هستید که نصرتش نمودید، خدا به شما یاران
و اعوان پاداش خیر دهد پاداش کسانی را که با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صبر نمودند،
خداوند وفا کرد به آنچه وعده به شما نمود و کرامت در جوارش و سکونت در
خانه اش با انبیاء و مرسلین و امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را که رهبر گروه و امتی است
که دست و پا و رویشان سفید و درخشان می باشد نصیب نمود، درخواست می
کنم از خدائی که من را بسوی شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل
شما را به من نشان داد اینکه نشان دهد به من شما را بر حوض کوثر در حالی
که سیراب می باشید، و نشان دهد دشمنان شما را در پائین ترین درکات جهنم،
زیرا ایشان شما را ظالمانه کشتند و قصدشان از این فعل شنیع از بین بردن حق
بود، و جامه های شما را از تن در آورده و برای فرزند سمیه و پسر خورنده
جگرها بردند، پس از خدا درخواست می کنم اینکه ایشان را بمن نشان بدهد در
حالی که سخت تشنه بوده و به زنجیر و غل کشیده شده باشند، و بطرف جهنم
آنها را بکشاند، درود بر شما دائما هنگامی که فانی و پوسیده شده باشم،

حسرت و افسوس می خورم بر شما، چه مصیبتی بر هر یک از نزدیکان و خویشان محمد و آل محمد وارد شد!

هر آینه بزرگت و اختصاص و گسترده می باشد مصیب شما، من برای شما جزع و ناله می کنم، و بخاطر شما دردمند و محزونم، و بواسطه مصیبت های وارده بر شما مصیبت زده و در حیرتم، گوارا باد شما را آنچه داده شده اید، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیت گفته شده اید، همانا فرشتگان بر شما گریسته و اطراف شما را گرفته و در لشکرگاه شما سکونت اختیار کرده، و در قتلگاه شما فرود آمده، و تقدیستان نموده و بالهایشان را بر شما گسترده اند، ایشان تا روز قیامت از شما جدا نخواهد شد، و در روز حشر و نشر برگرد شما طواف کرده و دور می زنند و این رحمتی است از جانب حق تعالی، و شما به واسطه این رحمت به شرف دنیا و آخرت رسیده اید، نزد شما آدم با شوق و زیارت تان کردم با خوف و هراس، از خدا می خواهم که شما را در حوض کوثر به من نشان دهد و در بهشت با انبیاء و مرسلین و شهداء و صالحین باشید، و نیک رفیقانی هستند ایشان.

متن:

ثم در فی الحائر و انت تقول:

یا من الیه وفدت، و الیه خرجت، و به استخرجت، و الیه قصدت، و الیه باین نبیه تقربت، صل علی و آل محمد محمد، و من علی بالجنة و فک رقبتی من النار، اللهم ارحم غربتی و بعد داری، و ارحم مسیری الیک و الی ابن حبیبک و اقلبنی مفلحا منجحا قد قبلت معذرتی و خضوعی و خشوعی عند امامی و سیدی و مولای، و ارحم صرختی و بکائی و همی و جزعی و خشوعی و حزنی، و ما قد باشر قلبی من الجزع علیه، فبنعمتک علی و بلطفک لی خرجت الیه، و بتقویتک ایای، و صرفک المحذور عنی و کلائتک باللیل و النهار لی، و بحفظک و

کرامتک ایای، و کل بحر قطعتہ و کل واد وفلاة و سلکتها، و کل منزل نزلتہ،
 فانت حملتني في البر و البحرت و انت الذي بلغتنی و وفقتنی و کفیتني، و بفضل
 منک منک و وقایة بلغت، و كانت المنة لك على في ذلك كله، و اثری مکتوب
 عندک و اسمی و شخصی، فلک الحمد على ما ابلیتني و صطنعت عندی، اللهم
 فارحم فرقی منک، و مقامی بین یدیك و تملقی و اقبل منی توسلی الیک بابن
 حبیبك، و صفوتك و خیرتك من خلقك و توجهی الیک، و اقلنی عشرتی، و
 اقبل عظیم ما سلف منی، و لا یمنعک ما تعلم منی من العیوب و الذنوب و
 الاشراف على نفسی، و ان كنت لی ماقتا فارض عنی، و ان كنت على، ساخطا
 فتب على انک على كل شیء قدير، اللهم اغفرلی ولوالدی و ارحمهما كما ربیانی
 صغیرا و اجزهما عنی خیرا، اللهم اجزهما بالاحسان احسانا و بالسیئات غفرانا،
 اللهم الخلها الجنة برحمتك، و حرم وجوههما عن عذابك و برد علیهما
 مضاجعهما، و افسح لهما فی قبریهما، و عرفنیهما فی مستقر من رحمتك و جوار
 حبیبك محمد ﷺ.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین ع:

سپس به دور حائر بگردد در حالی که می گوئی:

ای کسی که به سویش سفر کرده ام و به جانبش از شهر خود خارج گشته ام
 و به او پناه آورده ام و به طرفش عزم نموده ام، و به سویش به واسطه پسر
 پیامبرش تقرب جسته ام، درود بفرست بر محمد و آل محمد با داخل نمودن من
 به بهشت منت بر من بگذار و از آتش جهنم رهایم نما، بار خدایا به غربت و
 دور بودن منزلم ترحم فرما، و به واسطه سیر و سفر کردنم به سوی تو و پسر
 حبیبیت من را مورد مهربانی و ترحم خویش قرار بده، من را رستگار و سعادتمند
 بگردان، عذر من را پذیرفتی و تواضع و فروتنی من نزد امام و سرور و آقام را

مورد قبول قرار بده، به فریاد و گریه و حزن و افغان و تضرع و اندوهم رحم کن، و نیز به جزع و بی تابی قلبم ترحم فرما، من به واسطه نعمتی که نصیبم نموده و لطفی که در حقم روا داشتی به سوی تو از منزلم خارج شده ام، و نیز سفرم به سوی تو مرهون تقویتی است که تو من را نموده و به من قدرت داده ای، و موانع و مشکلات را از من دور کرده ای و در شب و روز حفظم کرده ای و مورد کرامت قرارم داده ای، و هر دیاری را که طی کرده و هر بیابان و خشکی را که پیمودم و هر منزلی را که فرود آمده ام به واسطه عنایت و لطف تو بوده، تو من را در خشکی و بیابان و آب و دریا رهبری کردی، و تو من را به مقصد رسانده و توفیق داده و اسباب را در اختیارم نهادی و کفایتم کردی و به واسطه فضل تو و حفاظت از من به مقصد خود رسیدم و در تمام این عنایات و الطاف منت تو بر من ثابت است و فعل و اسم و شخص من نزد تو مکتوب و مضبوط می باشد، پس حمد و سپاس تو را است بر نعمتهائی که به من داده و بدین ترتیب من را آزمودی و مورد احسان و کرامت قرار دادی، بار خدایا به دوری من از تو و مرتبه ام نزدت و چرب زبانیم رحم فرما، متوسل شدنم را به خود به واسطه فرزند حبیب و اختیار شده و برگزیده ات از خلق بپذیر، خداوندا روی نمودن و توجهم به خودت را قبول نما، خدایا لغزش هایم را عفو نما، گناهان بزرگ را که در گذشته از من سرزده ببخش، و عیوب و گناهان و ستم هائی که به خود کرده ام و تو از آنها آگاهی مانع آمرزش تو نشوند، و اگر از قبایح من در غضب هستی از من راضی شود، و اگر بر من خشمگین هستی توبه ام را قبول کن و از من درگذر، همانا تو بر هر چیز قادر هستی، خداوندا من و پدر و مادرم را بیامرز، و به ایشان ترحم فرما همانطوری که ایشان در طفولیت و کودکی به من ترحم کرده و تربیتم نمودند و از طرف من به ایشان پاداش نیک

عظاً فرما، خداوندا بواسطه احسانشان به من، تو نیز به ایشان پاداش بده و به آنها احسان نما در مقابل بدی هایشان آنها را بیامرز، خداوندا به واسطه رحمت واسعه ات ایشان را به بهشت داخل کن و صورتشان را از مقابل شدن با عذابت بر حذر دار و خنک و خوش نما خوابگاهشان را در قبرشان وسعت بده و! من نشان بده که ایشان را در رحمتت مستقر فرموده ای و در جوار حبیبیت حضرت محمد ﷺ قرار داده ای.

الباب الثمانون كيف الصلاة عند قبر الحسين عليه السلام

متن:

حدثني ابي - رحمه الله - و جماعة مشايخي عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، و حدثني محمد بن عبد الله، عن ابيه عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابي عبد الله البرقي، عن جعفر بن ناجية، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: صل عند راس قبر الحسين عليه السلام.

باب هشتم کیفیت خواندن نماز نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی و محمد بن عبد الله، از پدرش عبد الله بن جعفر حمیری، از ابی عبد الله برقی، از جعفر بن ناجیه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز بگذار.

متن:

و حدثنی ابی - رحمة الله عليه - و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی عن سعد بن عبد الله، عن موسى بن عمر؛ و ایوب بن نوح، عن عبد الله بن المغيرة، عن ابی الیسع قال: سال رجل ابا عبد الله علیه السلام - و انا اسمع - قال: اذا اتیت قبر الحسین علیه السلام اجعله قبله اذا صلیت؟ قال: تنح هكذا ناحية.

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم رحمة الله عليه و علی بن الحسن، و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از موسی بن عمر و ایوب بن نوح از عبد الله بن مغیره از ابی الیسع وی می گوید:

شخصی از حضرت ابا عبد الله علیه السلام سوال کرد و من می شنیدم، وی عرض کرد: هر گاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتم هنگام نماز آیا قبر را قبله و مقابل خود قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر فاصله بگیر و دور شو.

متن:

حدثني علي بن الحسين - رحمة الله عليه - عن علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي نجران، عن يزيد بن اسحاق، عن الحسق بن عطية، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا فرغت من التسليم على الشهداء ائت قبر الحسين عليه السلام، ثم تجعله بين يديك ثم تصلى ما بدالك.

ترجمه:

(حدیث سوم)

علی بن الحسین رحمة الله عليه، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیة، از ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

هر گاه از سلام دادن به شهدا فارغ شدى به نزد قبر حضرت امام حسین عليه السلام برو و آن را در مقابل خود قرار بده سپس هر چه خواستی نماز بخوان.

متن:

و عنه، عن علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن فضال، عن علي بن عقبة، عن عبيد الله بن علي الحلبي، عن ابي عبد الله عليه السلام، قال: قلت: انا نזור قبر الحسين عليه السلام فكيف نصلى عنده؟ قال: تقوم خلفه عنه كتفيه، ثم تصلى على النبي صلى الله عليه وآله وسلم و تصلى على الحسين عليه السلام.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن فضال، از علی بن بن عقبه، از عبید الله بن علی حلبی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، و می گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم:

ما به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رویم چگونه در آنجا نماز بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

پشت قبر نزد دو کتف و شانه های آن حضرت بایست سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السلام نماز بگذار.

متن:

حدثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن ایوب بن نوح و غیره، عن عبد الله بن المغیره قال: حدثنا ابوالیسع قال: سئل رجل ابا عبد الله علیه السلام - و انا اسمع - عن الغسل اذا اتی قبر الحسین علیه السلام، قال: اجعله قبلة اذا صلیت؟ قال: تنح هكذا ناحية، قال: آخذ من طین قبره و یكون عندی اطلب برکته؟ قال: نعم - او قال: لا باس بذلک - .

ترجمه:

(حدیث پنجم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح، و غیرش از عبد الله بن مغیره، وی گفت:

ابوالیسع برای ما نقل نقل نمود و گفت:

من می شنیدم که شخصی از حضرت ابا عبد الله علیه السلام راجع به غسل زیارت حضرت ابا عبد الله علیه السلام پرسید و بعد عرضه داشت:

وقتی نماز می گذارم آیا قبر آن حضرت را قبله قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر دور شو و در ناحیه دیگر نماز بخوان.
عرض کرد: از گل قبر بردارم و به عنوان برکت نگه دارم؟

حضرت فرمودند:

بلی یا فرمودند: اشکالی ندارد.

متن:

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن ابيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصم قال حدثنا هشام بن سالم، عن ابي عبد الله عليه السلام انه اتاه رجل فقال له يا ابن رسول الله هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم، و يصلى عنده، و قال: يصلى خلفه و لا يتقدم.

ترجمه:

(حدیث ششم)

محمد بن عبد الله بن جعفر از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم وی گفت:
هشام بن سالم برایم نقل کرد که شخصی محضر مبارک امام صادق عليه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا آیا پدر شما زیارت شود؟

حضرت فرمودند:

بلی و نزد قبرش نماز نیز خواند شود.

و حضرت افزودند:

نماز پشت قبر خوانده شود و نباید بر آن تقدم جویند.

مترجم گوید:

مقصود اینست که جلو قبر و مقدم بر امام عليه السلام نباید نماز خواند.

الباب الحادى والثمانون التقصير فى الفريضة و الرخصة و التطوع عنده و

جميع المشاهد

متن:

حدثنى ابى؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن على بن ابى حمزة قال: سالت العبد الصالح، عن زيارة قبر الحسين بن على عليه السلام، فقال: ما احب لك تركه، قلت: ماترى فى الصلاة عنده و انا مقصر؟ قال: صل فى المسجد الحرام ما شئت تطوعا، و فى مسجد الرسول ما شئت تطوعا، و عند قبر الحسين عليه السلام، فانى احب ذلك، قال: و سالته عن الصلاة بالنهار عند قبر الحسين عليه السلام تصوعا، فقال نعم.

باب هشتاد و یکم قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی
در حائر و تمام مشاهد مشرفه

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزة نقل کرده که وی گفت: راجع به
زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام از عبد صالح علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

دوست ندارم آن را ترک کنی.

عرض کردم: چه می فرمائید راجع به نماز خواندنم در آنجا و حال آنکه
نمازم شکسته و قصر می باشد؟

حضرت فرمودند:

بلی و نزد قبرش نماز نیز خوانده شود.

و حضرت افزودند:

نماز پشت قبر خوانده شود و نباید بر آن تقدم جویند.

مترجم گوید:

مقصود اینست که جلو قبر و مقدم بر امام علیه السلام نباید نماز خواند.

الباب الحادی و الثمانون التفسیر فی الفریضة و الرخصة و التطوع عنده و

جميع المشاهد

متن:

حدثني ابي؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن علي بن ابي حمزة قال: سألت العبد الصالح، عن زيارة قبر الحسين بن علي عليه السلام، فقال: ما احب لك تركه، قلت: ماترى فى الصلاة عنده و انا مقصر؟ قال: صل فى المسجد الحرام ما شئت تطوعا، و فى مسجد الرسول ما شئت تطوعا، و عند قبر الحسين عليه السلام فاني احب ذلك، قال: و سألته عن الصلاة بالنهار عند قبر الحسين عليه السلام تطوعا، فقال: نعم.

باب هشتاد و یکم قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی
در حائر و تمام مشاهد مشرفه

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزة نقل کرده که وی گفت: راجع به
زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام از عبد صالح پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

دوست ندارم آن را ترک کنی.

عرض کردم: چه می فرمائید راجع به نماز خواندنم در آنجا و حال آنکه
نمازم شکسته و قصر می باشد؟
حضرت فرمودند:

در مسجد الحرام و در مسجد الرسول و نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام
آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان و من آن را دوست می دارم.
وی می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا نزد قبر حضرت امام حسین
علیه السلام در روز نماز مستحبی بخوانیم؟
حضرت فرمودند: بلی.

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم الموسوي، عن عبید الله بن نهيك، عن ابن
ابی عمير، عن ابی الحسن علیه السلام قال: سألته عن التطوع عند قبر الحسين علیه السلام و

بمكة و المدينة و انا مقصر، قال: تطوع عنده و انت مقصر ما شئت، و فى المسجد الحرام و فى المسجد الرسول و فى مشاهد النبى ﷺ فانه خير.

متن:

(حدیث دوم)

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبید الله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، وی می گوید: از آن جناب پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایم را شکسته می خوانم آیا در جوار قبر امام حسین علیه السلام و مکه و مدینه می توانم نماز مستحبی بخوانم؟

حضرت فرمودند:

در جوار قبر امام حسین علیه السلام و در مسجد الحرام و مسجد الرسول و در مشاهد النبى ﷺ آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان زیرا آن عمل خیر و پسندیده ای می باشد.

متن:

حدثنی علی بن الحسین، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه، عن ابن ابی عمیر؛ و ابراهیم بن عبد الحمید جمیعا، عن ابی الحسن علیه السلام مثله.
حدثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن موسی الخشاب، عن جعفر بن محمد بن حکیم الخثعمی، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن ابی الحسن علیه السلام مثله.

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن ابی عمیر و ابراهیم بن عبد الحمید جملگی از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده اند.

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از حسن بن موسى الخشاب، از جعفر بن محمد بن حكيم خثعمي، از ابراهيم بن عبد الحميد، از حضرت ابي الحسن عليه السلام مثل همين حديث را روايت کرده اند.

متن:

حدثني علي بن محمد بن يعقوب الكساني قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال، عن عمرو بن سعيد، عن مصدق بن صدقة، عن عمار ابن موسى الساباطي قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الصلاة في الحائر، قال: ليس الصلاة الا الفرض بالتقصير، و لا تصلى النوافل.

ترجمه:

(حديث سوم)

علي بن محمد بن يعقوب كسائي مي گوید:

علي بن الحسن بن فضال، از عمرو بن سعيد، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسى ساباطي نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبد الله عليه السلام راجع به خواندن نماز در حائر سوال کردم؟

حضرت فرمودند:

نماز فريضة را بايد صرفا در آنجا شكسته بخواني و نوافل را هم بجا نياوري.

متن:

حدثني ابي - رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن اسماعيل، عن صفوان بن يحيى، عن اسحاق بن عمار، عن ابي الحسن عليه السلام قال: سألته عن التطوع عند قبر الحسين عليه السلام و مشاهد النبي صلى الله عليه وآله وسلم، و الحرمين، و التطوع فيهن بالصلاة و نحن مقصرون، قال نعم تطوع ما قدرت عليه، هو خبر.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از
علی بن اسماعیل، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابی
الحسن علیه السلام، نقل کرده، وی گفت:

از امام علیه السلام راجع به خواندن نماز مستحبی کنار قبر حضرت امام حسین و
مشاهد نبی صلی الله علیه و آله و حرمین در حالی که مسافر بوده و و نمازهای واجب را
شکسته می خوانیم! سوال کردم؟

حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی آنچه قدرت داری بخوان زیرا آن عمل نیک و پسندیده
می باشد.

متن:

حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن محمد بن ابی الحسن الصفار،
عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن صفوان بن یحیی، عن اسحاق بن عمار
قال: قلت لابی الحسن علیه السلام جعلت فداک اتنفل فی الحرمین و عند قبر الحسين
علیه السلام و انا اقصر؟ قال: نعم ما قدرت علیه.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن
الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که
گفت:

محضر ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم در وقتی که مسافر بوده و
نماز را شکسته می خوانم آیا می توانم در حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبوی
و در کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز نافله بخوانم؟

حضرت فرمودند:

بلی، تا آنجا که قدرت داری نافله بخوان.

متن:

حدثنی ابی - رحمة الله علیه - و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين ابن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن علي بن ابي حمزة، عن ابی ابراهيم عليه السلام قال: سألته عن التطوع عند قبر الحسين عليه السلام و مشاهد النبي صلى الله عليه وآله وسلم و الحرمین فی الصلاة و نحن نقصره، قال: نعم تطوع ما قدرت علیه.

ترجمه:

(حدیث ششم)

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزه از حضرت ابی ابراهیم عليه السلام نقل کرده، وی می گوید:

از حضرت پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایمان را شکسته می خوانیم آیا می توانیم در کنار قبر امام حسین و مشاهد النبي صلى الله عليه وآله وسلم و حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبي صلى الله عليه وآله وسلم) نماز مستحبی بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی بخوان تا آن جا که قدرت داری.

متن:

حدثنی ابی - رحمة الله علیه - عن سعد بن عبد الله قال: سألت ايوب بن نوح عن تقصير الصلاة في هذه المشاهد: مكة و المدينة و الكوفة و قبر الحسين عليه السلام الاربعة، و الذي روى فيها، فقال: انا اقصر، و كان صفوان يقصر، و ابن ابی عمير و جميع اصحابنا يقصرون.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله نقل کرده که وی گفت:
از ایوب بن نوح پرسیدم، آیا در این مشاهد چهار گانه: مکه و مدینه و کوفه
و قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز قصر می شود؟ و روایتی که در آن وارد
شده چیست؟

وی گفت: من و صفوان و ابن ابی عمیر و تمام اصحاب نمازهایمان را قصر
می خوانیم.

الباب الثانی و الثمانون التمام عند قبر الحسين علیه السلام و جمیع المشاهد

متن:

حدثنی ابی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسن بن متیل، عن سهل ابن زیاد
الادمی، عن محمد بن عبد الله، عن صالح بن عقبة، عن ابی شبل، قال: قلت لابی
عبد الله علیه السلام: ازور قبر الحسين علیه السلام؟ قال: زر الطیب، و اتم الصلاة عنده، قال:
اتم الصلاة عنده؟ قال، اتم قلت: فان بعض اصحابنا یروی التقصیر، قال: انما یفعل
ذلک الضعفة.

باب هشتاد و دوم تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام و
تمام مشاهد مشرفه

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد
ابن عبد الله، از صالح بن عقبه، از ابی شبل، وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا به زیارت قبر مطهر حضرت
امام حسین علیه السلام بروم؟

حضرت فرمودند:

زیارت کن قبر پاک و طیب را و نمازت را آنجا تمام بخوان.

وی عرض کرد: آیا نمازم را آنجا تمام بخوانم؟

حضرت فرمودند: تمام بخوان.

وی می گوید: عرضه داشتم: برخی از اصحاب ما روایت کرده اند که نماز

باید شکسته خواند؟

حضرت فرمودند:

ضعفاً نمازشان را شکسته می خوانند.

مترجم گوید:

مقصود از (ضعفاً) شاید کسانی باشند که قادر بر تمام خواندن نبوده یا این فعل
بر آنها مشقت داشته باشد و محتمل است مقصود از آنان، جاهلین به احکام

شرع باشد،

متن:

حدثنی محمد بن یعقوب - رحمة الله عليه - عن جماعة مشايخه، عن سهل بن زياد باسناده مثله سواً.

ترجمه:

محمد بن یعقوب رحمة الله عليه از جماعتی از اساتیدش، از سهل بن زياد باسنادش مثل همین روایت را نقل کرده است.

متن:

حدثنی ابو عبد الرحمن محمد بن احمد العسکری، عن الحسن بن علی ابن مهزیار، عن ابيه علی، عن الحسن بن سعید، عن ابراهیم بن ابی البلاد، عن رجل من اصحابنا یقال له: الحسین، عن ابی عبد الله عليه السلام قال: تتم الصلاة فی ثلاثة مواطن: فی مسجد الحرام و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم و عند قبر الحسین عليه السلام.

ترجمه:

(حدیث دوم)

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد عسکری، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از حسین بن سعید، از ابراهیم بن ابی البلاد، از شخصی از اصحابمان که به او حسین گفته می شد، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

در سه مکان نماز تمام خوانده می شود:

مسجد الحرام، مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم و کنار قبر حضرت امام حسین عليه السلام.

متن:

حدثنی ابی - رحمة الله عليه - و اخي؛ و علی بن الحسین، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن عبد الملك القمی، عن اسماعیل بن جابر، عن عبد الحمید - خادم اسماعیل بن جعفر - عن ابی

عبد الله عليه السلام قال: تتم الصلاة في اربعة مواطن: في المسجد الحرام و مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم و مسجد الكوفة و حرم الحسين عليه السلام.

ترجمه:

(حديث سوم)

يدرم رحمة الله عليه و برادرم و على بن الحسين، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسين بن سعيد، از عبد الملك قمي از اسماعيل بن جابر، از عبد الحميد خادم اسماعيل بن جعفر، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

در چهار مكان نماز تمام خوانده مي شود:

مسجد الحرام، مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلم، مسجد الكوفة و حرم حضرت امام حسين عليه السلام.

متن:

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن احمد بن ابي عبد الله البرقي، عن ابيه، عن حماد بن عيسى، عن بعض اصحابنا - عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: من الامر المذخور اتمام الصلاة في اربعة مواطن: بمكة و المدينة و مسجد الكوفة و الحائر).

قال ابن قولويه: و زاده الحسين بن احمد بن المغيرة عقب هذا الحديث في هذا الباب بما اخبره به حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي باجازته بخطه باجتيازه للحج.

ترجمه:

(حديث چهارم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش از احمد بن ابی عبد الله برقی،
از پدرش از حماد بن عیسی، از برخی از اصحاب ما، از حضرت ابی عبد الله
علیه السلام، حضرت فرمودند:

این امر از اسرار و امور نهائی است که نماز را در چهار مکان تمام بخوانند:
در مکه، مدینه، مسجد کوفه، و حائر حسینی علیهم السلام.

ابن قولویه گوید:

حسین بن احمد بن مغیره بدنبال این حدیث در این باب مضمونی را افزوده
که حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی از طریق اجازه به خط خودش به وی خبر
داده و گفته:

در مکه زمانی نماز را تمام می توان خواند که عبور از آن برای حج باشد.
متن:

عن ابی النضر محمد بن مسعود العیاشی، عن علی بن محمد قال: حدثنی
محمد بن احمد، عن الحسین بن علی بن النعمان، عن ابی عبد الله البرقی؛ و علی
بن مهزیار و ابی علی بن راشد جمیعا، عن حماد بن عیسی، عن ابی عبد الله علیهم السلام
انه قال: من محزون علم الله الاتمام فی اربعة مواطن: حرم الله و حرم رسوله و
حرم امیرالمومنین و حرم الحسین صلوات الله علیهم اجمعین.
ترجمه:

(حدیث پنجم)

از ابی النضر محمد بن مسعود عیاشی، از علی بن محمد، وی گفت:

محمد بن احمد از حسین بن علی بن النعمان، از ابی عبد الله برقی؛ و علی بن
مهزیار؛ و ابی علی بن راشد، جملگی، از حماد بن عیسی، از ابی عبد الله علیهم السلام
نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

از علوم نهائی حقتعالی و اسرار مخفیہ است کہ در چہار مکان نماز را تمام
می خوانند:

حرم خدا (مسجد الحرام) حرم رسول خدا (مسجد النبی ﷺ) و حرم امیر
المومنین علیؑ و حرم حضرت امام حسین صلوات اللہ علیہم اجمعین.
متن:

حدثنی محمد بن ہمام بن سہیل، عن جعفر بن محمد بن مالک الفزاری، قال:
حدثنا محمد بن حمان المدائنی، عن زیاد القندی، قال: قال: ابوالحسن موسی
علیہ السلام احب لک ما احب لنفسی، واکره لک ما اکره لنفسی، اتم الصلاة فی الحرمین
و بالكوفة و عند قبر الحسین علیہ السلام.

ترجمہ:

(حدیث ششم)

محمد بن ہمام بن سہیل، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، وی گفت:
محمد بن حمدان مدائنی، از زیاد قندی نقل کرد کہ وی گفت:
دوست دارم برای تو آنچه را کہ برای خودم دوست دارم و کراہت دارم برای
تو آنچه را کہ برای خودم کراہت دارم نمازت را در حرمین (حرم خدا و حرم
رسول خدا ﷺ) و کوفہ و کنار قبر امام حسین علیہ السلام تمام بخوان.
متن:

حدثنی علی بن حاتم القزوینی قال: اخبرنا محمد بن ابی عبد اللہ الاسدی قال:
حدثنا القاسم بن الربیع الصحاف، عن عمرو بن عثمان، عن عمرو بن مرزوق قال:
سالت ابا الحسن علیہ السلام عن الصلاة فی الحرمین و فی الکوفة و عند قبر الحسین
علیہ السلام، قال: اتم الصلاة فیہم.

ترجمہ:

(حدیث ہفتم)

علی بن حاتم قزوینی گفت:

محمد بن ابی عبد الله اسدی به ما خبر داد و گفت: قاسم بن ربیع صحاف از عمرو بن عثمان، از عمرو بن مرزوق نقل نمود که وی گفت: قاسم بن ربیع صحاف از عمرو بن عثمان، از عمرو بن مرزوق نقل نمود که وی گفت: از حضرت ابا الحسن علیه السلام راجع به خواندن نماز در حرمین (حرم الله و حرم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و در کوفه کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

نماز را در این اماکن تمام بخوان.

متن:

حدثني محمد بن يعقوب؛ و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان، عن حذيفة بن منصور، قال: حدثني من سمع ابا عبد الله عليه السلام يقول: تتم الصلاة في المسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد الكوفة و حرم الحسين عليه السلام.

ترجمه:

(حدیث هشتم)

محمد بن یعقوب و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليه، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان از حذيفة بن منصور، وی گفت: کسی که حدیث را از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیده برایم نقل کرد که آن حضرت فرمودند: نماز را در مسجد الحرام و مسجد الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسجد کوفه و حرم حضرت امام حسین عليه السلام تمام بخوان.

متن:

و من زیادة الحسين بن احمد بن المغيرة ما في حديث احمد بن ادريس بن احمد بن زكريا القمي قال: حدثني محمد بن عبد الجبار، عن علي بن اسماعيل،

عن محمد بن عمرو، عن فائد الحناط، عن ابي الحسن الماضي عليه السلام قال: سألته،
عن الصلاة في الحرمين، فقال: تتم و لو مررت به مارا.

ترجمه:

(حدیث نهم)

مضمونی را حسین بن احمد بن مغیر در حدیث احمد بن ادریس بن احمد بن
زکریا القمی اضافه کرده و گفته است: محمد بن عبد الجبار، از علی بن اسماعیل،
از محمد بن عمرو، از قائد حناط، از حضرت ابي الحسن ماضی عليه السلام (حضرت
امام موسی کاظم عليه السلام)، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم: نماز را در حرمین (حرم خدا و حرم رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم) چگونه بخوانم؟

حضرت فرمودند:

نماز را تمام بخوان اگر چه از حرم مرور و عبور کرده و در آن اقامت نکنی.
متن:

حدثني احمد بن ادريس قال حدثني احمد بن ابي زاهر، عن محمد بن
الحسين الزيات، عن حسن بن حمران بن عمران قال: قلت لابي الحسن
عليه السلام: اقصر في المسجد الحرام او اتم؟ قال: ان قصرت فلک و ان اتممت فهو
خير، و زیادة فی الخبر خیر.

ترجمه:

(حدیث دهم)

احمد بن ادریس می گوید:

احمد بن ابي زاهر، از محمد بن حسین زیات، از حسین بن عمران، از عمران
نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت ابي الحسن عليه السلام عرض کردم: در
مسجد الحرام نماز را قصر خوانده یا تمام بجا آورم؟

حضرت فرمودند:

اگر قصر خواندی می توانی و اگر تمام هم به جا آوردی خیر است و زیاد نمودن در خیر، خیر می باشد.

مترجم گوید:

مقصود آن است که نماز خیر بوده و نماز قصر را تمام خواندن زیاد نمودن خیر محسوب شده از اینرو نفس این زیادی نیز عملی نیک و کاری پسندیده به حساب می آید.

الباب الثالث و الثمانون ان الصلاة الفريضة عنده تعدل حجة، والنافلة عمرة

متن:

حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن ابي عمير - عن رجل - عن ابي الحسن عليه السلام قال: قال لرجل: يا فلان ما يمنعك اذا عرضت لك حاجة ان تاتي قبر الحسين عليه السلام فتصلي عنده اربع ركعات ثم تسال حاجتك فان الصلاة الفريضة عنده تعدل حجة، والنافلة تعدل عمرة.

باب هشتاد و سوم نماز فریضه در حرم امام حسین علیه السلام معادل حج و نماز

نافله معادل عمره محسوب می شود

ترجمه:

(حدیث اول)

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبید اله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از شخصی از حضرت ابی الحسن علیه السلام، راوی گفت: حضرت به مردی فرمودند: فلانی چه تو را باز می دارد از اینکه وقتی حاجتی داری به سر قبر مبارک حضرت حسین علیه السلام بروی و چهار رکعت نماز بجا آورده سپس حاجت خود را از خدا بخواهی؟ نماز فریضه در کنار قبر آن حضرت معادل حج و نافله مساوی با عمره می باشد.

متن:

حدثنی ابی؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن ابی عبد الله الجامورانی الرازی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزة، عن الحسن بن محمد بن عبد الکریم ابی علی، عن المفضل بن عمر، عن جابر الجعفی قال: قال ابو عبد الله علیه السلام المفضل - فی حدیث طویل - فی زیارة قبر الحسین علیه السلام: ثم تمضی الی صلاتک و لک بكل رکعة رکعتها عنده کثواب من حج الف حجة و اعتمر الف عمرة و اعتق الف رقبة، و کانما وقف فی سبیل الله الف مرة مع نبی مرسل - و ذکر الحدیث - .

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از ابی عبد الله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزة از حسن بن محمد بن عبد الکریم ابی علی، از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام به مفضل در ضمن حدیث طولانی راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

سپس به سراغ نماز برو آن را بخوان که در مقابل هر رکعتی که کنار قبر آن حضرت بجا آوردی گویا ثواب کسی را که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده از آزاد کرده برده ای و مانند کسی هستی که هزار مرتبه با نبی مرسل در راه خدا قیام کرده ای....

متن:

حدثني علي بن الحسين، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد؛ و حدثني محمد بن الحسين بن مت الجوهري، عن محمد احمد، عن هارون ابن مسلم، عن ابی علی الحرانی قال: قلت: لابی عبد الله علیه السلام ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام؟ قال: من اتاه و زاره و صلى عنده ركعتين او اربع ركعات كتب الله له حجة و عمرة، قال: قلت: جعلت فداك و كذلك لكل من اتى قبر امام مفترض طاعته؟ قال: و كذلك لكل من اتى قبر امام مفترض طاعته.

ترجمه:

(حدیث سوم)

علی بن الحسین، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن احمد، و محمد بن حسین بن مت الجوهری، از محمد بن احمد، از هارون بن مسلم، از ابی علی حرانی، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم:

ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که به نزد قبر آن حضرت رفته و زیارتش کرده و دو یا چهار رکعت نماز آنجا بخواند خداوند متعال برای او یک حج و عمره می نویسد.

راوی می گوید: عرضه داشتیم: فدایت شوم: هر کسی که به زیارت قبر هر امام مفترض الطاعة برود این اجر و ثواب را دارد؟
حضرت فرمودند:

همچنین است هر کسی که به زیارت قبر هر امام که اطاعتش واجب است برود.

متن:

حدثني ابي - رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن ابي القاسم، عن ابي علي الخزاعي قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام - و ذكر مثله -
ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از ابي القاسم، از ابي علي خزاعي نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرضه داشتم و مثل همین حدیث را ذکر نموده.

متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزين، عن شعيب العقر قوفى، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: من اتى قبر الحسين عليه السلام ماله من الثواب و الاجر جعلت فداك؟ قال: يا شعيب ما صلى عنده احد الصلاة الا قبلها الله منه، و لا دعا عنده احد دعوة الا استجيب له عاجلة و آجلة، فقلت: جعلت فداك زدنى فيه، قال: يا شعيب ايسر ما يقال لزائر الحسين بن علي عليه السلام: قد غفر الله لك يا عبد الله فاستانف (اليوم) عملا
جدیدا.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از شعیب عقرقونی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی گفت:
حضرت مبارک آن حضرت عرضه داشتند: فدایت شوم ثواب و اجر کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود چیست؟
حضرت فرمودند:

ای شعیب احدی کنار قبر آن حضرت نمازی نمی خواند مگر آنکه حق تعالی از او می پذیرد، و احدی در آنجا دعا نمی کند مگر آنکه خداوند متعال خواسته اش را در دنیا و آخرت بر آورده می نماید.
عرض کردم: فدایت شوم: بیشتر بفرمائید.
حضرت فرمودند:

ای شعیب کمترین چیزی که درباره زائر حسین بن علی علیه السلام گفته می شود این است که به وی خطاب کرده و می گویند:
ای بنده خدا، حق تعالی تو را آمرزیده، پس امروز عمل جدید تازه ای را آغاز نما.

الباب الرابع الثمانون وداع قبر الحسين بن علی علیه السلام

متن:

حدثني ابي؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد. و حدثني ابي؛ و علی بن الحسين؛ و محمد بن الحسن، عن سعد ابن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسين بن سعيد. و حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن ايوب، عن نعيم بن الوليد، عن يوسف الكناسي، عن ابي عبد الله علیه السلام قال: اذا اردت ان تودع الحسين بن علی علیه السلام فقل: (السلام

عليك ورحمة الله وبركاته، استودعك الله و اقرء عليك السلام، آمنا بالله و
بالرسول و بما جئت به ودلت عليه، و اتبعنا الرسول، فاكتبنا مع الشاهدين، اللهم
لا تجعله آخر العهد منا و منه، اللهم انا نسئلك ان تنفعنا بحبه، اللهم ابعثه مقاما
محمودا تنصر به دينك و تقتل به عدوك، و تبير به من نصب حربا لال محمد
فانك وعدته ذلك و انت لا تخلف الميعاد و السلام عليك و رحمة الله عليه و
بركاته، اشهد انكم شهداً نجباً، جاهدتم فى سبيل الله وقاتلتم على منهاج رسول
الله ﷺ وسلم تسليماً، انتم السابقون المهاجرون والانصار، اشهد انكم انصار الله
و انصر رسوله، فالحمد لله الذى صدقكم وعده و اراكم ما تحبون، و صلى الله على
محمد و ال محمد و رحمة الله عليه و بركاته، اللهم لا تشغلنى فى الدنيا عن ذكر
نعمتك، لا باكثر تلهينى عجائب بهجتها، و تفتنى زهرات زينتها، ولا باقلال يضر
بعملى كده، و يملا صدرى همه، اعطنى من ذلك غنى عن شرار خلقك، و بلاغا
انال به رضاك، يا ارحم الراحمين، و صلى الله على رسوله محمد بن عبد الله، و
على اهل بيته الطيبين الاخير، و رحمة الله عليه و بركاته.

باب هشتاد و چهارم وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، و پدرم و علی بن الحسن و محمد بن حسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، و محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از فضالة بن ایوب، از نعیم بن ولید، از یوسف کناسی، از حضرت ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت فرمودند:

هر گاه خواستی با حضرت حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام وداع کنی بگو:

درود بر تو و رحمتت و برکات خدا بر تو، تو را به خدا می سپارم، و می

گویم:

خداحافظ، به خدا و رسولش و به آنچه تو آورده و بر آن دلالت کردی ایمان آوردم، و از رسول تبعیت و پیروی کردم، پس ما را با شاهدین بنویس، خدایا قرار مده این زیارت را آخرین عهد و پیمان، با او، خدایا از تو می خواهیم که بواسطه حب و دوستی او به ما نفع دهی، خدایا او را به مقام پسندیده گسیل دار و بواسطه اش دین خود را یاری فرما، و به سبب او دشمنت را نابود نما، و به سببش کسانی را که طرح جنگ با آل محمد را طراحی کردند هلاک فرما، زیرا خودت چنین وعده ای داده ای و هرگز خلف وعده نمی کنی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت می دهم که شما شهدا و نیک نژادان می باشید، در راه خدا جهاد کرده و بر طریق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقاتله نمودید، شما

پیشی گیرندگان و هجرت کنندگان و برای نمایندگان هستید، شهادت می دهم که شما یاران خدا و یاران رسولش می باشید، پس حمد و سپاس خدائی را که به شما وعده راست داد و نشان داد به شما آنچه را که دوست می دارید و درود و رحمت و برکات خدا بر محمد و آل محمد، خداوندا من را در دنیا از یاد نعمتهایت غافل منما، البته نه آنکه مشغولم کنی به نعمتهای زیادی که شگفتی های خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلاً و درخشندگی زینت آنها مفتونم نماید، و نه اینکه مبتلایم کنی به قلت و کمی نعمتها که رنج و تعب کم بود آنها مضر به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه ام را پر نماید، از نعمتهایت آن قدر به من اعطاً فرما که از مخلوقات بی نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوندا به مقدار کفاف به من اعطاً نما تا بواسطه آن به رضایت و خشنودی تو دست یابم، ای مهربان تر از هر مهربانی، و خدا درود و رحمت فرستد بر رسولش حضرت محمد بن عبد الله و بر اهل بیت پاکش که جملگی نیکان و خوبان می باشند.

متن:

2 - حدثني ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسين العسكري - بعسكر مكرم - عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن ابيه، عن محمد بن ابي عمير، عن محمد بن مروان، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا اردت الوداع بعد فراغك من الزيارات فاكثر منها ما استطعت، وليكن مقامك بالنينوى او الغاصرية، و متى اردت الزيارة فاغتسل و زر زروة الوداع، فاذا فرغت من زيارتك فاستقبل بوجهك وجهه والتمس القبر و قل:

(السلام عليك يا ولي الله، السلام عليك يا ابا عبد الله، انت لى جنة من العذاب، و هذا اوان انصرا فى عنك؛ غير راغب عنك و لا مستبدل بك سواك، و لا موثر عليك غيرك و لا زاهد فى قربك، جدت بنفسى للحدثان، و تركت الاهل

والاوطان، فكن لي يوم حاجتي و فقري وفاقتي، يوم لا يغني عني والدي و لا ولدي، و لا حميمي و لا قريبي، اسال الله الذي قدر و خلق ان ينفس بك كربى و اسال الله الذي قدر على فراق مكانك ان لا يجعله آخر العهد منى و من رجعتى و اسال الله الذي ابكى عليك عيني ان يجعله سندا لى، و اسال الله الذي نقلنى اليك من رحلى و اهلى ان يجعله ذخرا لى، و اسال الله الذي نقلنى اليك من رحلى و اهلى ان يجعله ذخرا لى، و اسال الله الذى ارانى مكانك و هدانى للتسليم عليك و لزيارتى اياك ان يوردنى حوضكم، و يرزقنى مرافقتكم فى الجنان مع آبائكم الصالحين صلى الله عليهم اجمعين، السلام عليك يا صفوة الله (و ابن صفوته)، السلام عليك على رسول الله محمد بن عبد الله، حبيب الله و صفوته، و امينه و رسوله، و سيد النبيين، السلام على الائمة الراشدين المهديين، السلام على من فى الحائر منكم، (و رحمة الله و بركاته) السلام على ملائكة الله الباقيين المقيمين، الذين هم بامر ربهم قائمون، السلام علينا و على عباد الله الصالحين، و الحمد لله رب العالمين.

ترجمه:

(حديث دوم)

ابو عبد الرحمان محمد بن احمد بن الحسين العسكرى در شهر عسكر مكرم از حسن بن على بن مهزيار، از پدرش، از محمد بن ابى عمير، از محمد بن مروان، از ابى حمزة الثمالى، از حضرت ابى عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند:
هرگاه خواستى بعد از فراغت از زيارت وداع نمائى آنچه در قدرت تو است از زيارت را بجا آور، البته مقام و مكانت در نينوى و غاضريه باشد و از آنجا به زيارت برو، وقتى قصد زيارت كردى غسل كن و سپس زيارت وداع نما و وقتى از زيارت فارغ شدى رو به صورت قبر كن و از قبر خواهش نموده و بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو برای من سپری از عذاب می باشی، این زمان هنگام وداع من با شما و مراجعتم از خدمت شما بوده، در حالی که روگردان از شما نبوده، و بجای شما به دیگری رو نمی نمایم، و غیر شما را بر شما اختیار نخواهم نمود، و بجای شما به دیگری رو نمی نمایم، و غیر شما را بر شما اختیار نخواهم نمود، و بی رغبت نیستم از قرب و در جوار شما بودن، نفس و جانم را در معرض خطر حوادث قرار داده، و اهل و وطن خود را ترک نمودم، پس در روز حاجت و نیاز و احتیاجم کمک می باشی، در آن روزی که پدر و فرزند و خویشاوندان و نزدیکانم نفعی به حالم ندارند، از خدائی که تقدیر و خلق نموده می خواهم که بواسطه شما حزن و اندوه من را بر طرف کند، و از خدائی که فراق و جدا شدن از مکان تو را مقدر من ساخته درخواست می نمایم که این را زیارت آخر من قرار ندهد، و از خدائی که چشم من را بر تو گریاند می خواهم که این اشک را سند و تکیه گاه من قرار دهد و از خدائی که من را از خانه و اهل به سوی تو را به من نشان داد و هدایتم نمود که تسلیم و فرمانبردار تو بوده و زیارت کنم تو را درخواست می کنم که من را بر حوض شما وارد نماید، و رفاقت با شما در بهشت را همراه با آبا و پدران صالح و نیکوکار شما صلی الله علیهم اجمعین روزی من فرماید، درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، درود بر رسول خدا حضرت محمد بن عبد الله، حبیب و برگزیده خدا، و آمین و فرستاده او، و سرور انبیاء درود بر امیرالمؤمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان، و رهبر دست و روی سفیدان، درود بر ائمه راشدین و مهدیین، درود بر کسی که از شما در حائر می باشد، درود بر فرشتگان خدا که کنار قبر باقی مانده و اقامه گزیده اند، آنان که

به امر پروردگارشان قیام کرده اند، درود بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا، و حمد و سپاس مرخدائی را که پروردگار عالمیان می باشد.

متن:

و تقول:

(سلام الله و سلام ملائکته المقربین، و انبیائه المرسلین؛ و عباده الصالحین، علیک یا ابن رسول الله و علی روحک و بدنک و علی ذریعتک و من حضرک من اولیائک، استودعک الله و استرعیک و اقرء علیک السلام، آمنا بالله و برسوله و بما جا به من عند الله، اللهم اکتبنا مع الشاهدین).

و تقول:

(اللهم صل علی محمد و آل محمد و لا تجعله آخر العهد من زیارتی ابن رسولک، و ارزقنی زیارته ابدًا ما ابقیتنی، اللهم و انفعنی بحبه یا رب العالمین، اللهم ابعتہ مقاما محمودا انک علی کل شیء قدير، اللهم انی اسئلك بعد الصلاة و التسليم ان تصلى علی کل شیء قدير، اللهم انی اسئلك بعد الصلاة و التسليم ان تصلى علی محمد و آل محمد، و ان لا تجعله آخر العهد من زیارتی اياه، فان جعلته یارب فاحشرنی معه و مع آباءه و اولیائه، و ان ابقیتنی یا رب فارزقنی العود الیه ثم العود برحمتک یا ارحم الراحمین، اللهم اجعل لی لسان صدق فی اولیائک، و حبیب الی مشاهدہم، اللهم صلی علی محمد و آل محمد، و لا تشغلنی، عن ذکرک باکثار علی من الدنیا تلهینی عجائب بهجتہا و تفتنی زہرات زینتہا، و لا باقلال یضرنی بعملی کده، و یملا صدری عمه، و اعطنی بذلک غنی عن شرار خلقک، و بلاغا انال به رضاک یا رحمن، و السلام علیکم یا ملائکة الله و زوار قبر ابی عبد الله عليه السلام)

ثم ضع خدک الایمن علی القبر مرة ثم الایسر مرة، و الح فی الدعأ و المسالمة، فاذا خرجت فلا تول وجهک علی القبر حتی تخرج.

ترجمه:

دنباله زیارت وداع حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و می گوئی:
درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل، و بندگان نیکوکارش بر تو ای
پسر رسول خدا و بر جان و جسم تو بر فرزندان و بر کسانی که از اولیاء تو
بوده و نزدت حاضر شدند، با تو وداع کرده و تو را به خدا می سپارم و درود و
خدا حافظی با تو می گویم، به خدا به رسولش به آنچه از نزد خدا رسولش
آورده ایمان دارم، خداوندا ما را شاهدین و کسانی که در رکاب فرزند رسول
خدا حاضر شدند بنویس و نام ما را در طومار ایشان ثبت و ضبط بفرما.

و بگو:

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و این زیارت را آخرین
زیارت من از پسر رسول خودت قرار مده، خداوندا زیارت او را برای همیشه
تا مادامی که من زنده هستم نصیبم فرما، خداوندا بواسطه حب و دوستی او من
را منتفع گردان ای پروردگار عالمیان، خداوندا او را به مقامی پسندیده مبعوث
گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی، خداوندا من بعد از نماز و سلام از تو
می خواهم که بر محمد و آل محمد رحمتت را فرستاده و آن را شامل ایشان
گردانی و نیز این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به فرزند رسول قرار ندهی
و اگر آخرین زیارتم مقدر کرده ای پس ای پروردگار من را به او و آبأ و
دوستانش محشور فرما و اگر من را باقی گذارده و عمرم را طولانی نمودی پس
روزی کن دوباره به زیارتش عود کرده و بعد از آن دوباره به زیارتش برگردم به
رحمت واسعه ات ای مهربان تر از هر مهربانی امیدوار می باشم، خداوندا برای
من زبانی راست را میان دوستانت قرار بده و مشاهد و اماکنی که ایشان حیا و
میتا حضور دارند را محسوب من نما، خداوندا بر محمد و آل محمد درود و
رحمت بفرست، خداوندا بواسطه نعمتهای زیادی دنیا که شگفتی های خوبی و

زیبائی آنها من را از تو باز داشته و جلاً و درخشندگی زینت آنها مفتونم می نماید من را از یاد خودت غافل مکن و نیز من را به قلت و کمی امکانات دنیوی که رنج و تعب کم بود آنها مضر به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه ام را پر می نماید مبتلا نفرما از دنیا آن قدر به من اعطاً فرما که از مخلوقات بی نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوندا به مقدار کفاف از دنیا به من اعطاً نما تا بواسطه آن رضایت و خشنودی تو دست یابم ای خالق مهربان، و درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر حضرت ابی عبد الله علیه السلام. سپس طرف راست صورت خود را یکبار و جانب چپ را بار دیگر بر قبر مطهرش بگذار و در دعاً و در خواست یک بار و جانب چپ را بار دیگر بر قبر مطهرش بگذار و در دعاً و درخواست حاجتت مبالغه کن و هنگامی که از حرم خارج می شوی روی خود را از قبر بر مگردان بلکه همچنان مواجه با آن باش تا از آنجا بیرون روی.

الباب الخامس و الثمانون زیارة قبر العباس بن علی علیه السلام

متن:

1 - حدثني ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسين العسكري بالعسکر، عن الحسن بن علی بن مهزیار، عن ابیه علی بن مهزیار، عن محمد بن ابی عمیر، عن محمد بن مروان، عن ابی حمزة الثمالی (قال: قال الصادق علیه السلام: اذا اردت زیارة قبر العباس بن علی علیه السلام - و هو علی شط الفرات بحذا الحائر - فقف علی باب السقیفة و قل:

سلام الله و سلام ملائکته المقربین، و انبیائه المرسلین، و عباده الصالحین و جمیع الشهداء و الصدیقین، و الزکیات الطیبات فیما تغتدی و تروح علیک یا ابن - امیر المومنین، اشهد لک بالتسلیم و التصدیق و الوفاً و النصیحة لخلف النبی المرسل، و السبط المنتجب، و الدلیل العالم، و الوصی المبلغ، و المظلوم المهتم، فجزاک الله عن رسوله و عن امیرالمومنین و عن الحسن و الحسين صلوات الله

عليهم افضل الجزأ بما صبرت و احتسبت، و اعنت فنعم عقبى الدار، لعن الله من
قتلك، و لعن الله من جهل حقك، و استخف بحرمتك، و لعن الله من حال بينك
و بين ما الفرات، اشهد انك قتلت مظلوما، و ان الله منجز لكم ما وعدكم جئتكم
يا ابن امير المومنين و افدا اليكم، و قلبى مسلم لكم، و انا لكم تابع، و نصرتى لكم
معدة حتى يحكم الله و هو خير الحاكمين، فمعكم معكم لا مع عدوكم، انى كبر و
باياياكم من المومنين، و بمن خالفكم و قتلکم من الكافرين، قتل الله امة قتلکم
بالايدي و الالسن.

باب هشتاد و پنجم زیارت قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار از محمد بن ابی عمیر از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی، وی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه خواستی زیارت کنی قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام را که در کنار شط فرات و در مقابل جابر قرار دارد پس بر در سقیفه بایست و بگو: درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و درود بندگان صالح و نیکوکارش و درود تمام شهدا و صدیقین و پاکان و پاکیزگان در صبح و شام بر تو ای فرزند امیر المومنین، شهادت می دهم که تو تسلیم فرزند نبی مرسل و سبط برگزیده پیامبر و راهنما و عالم و جانشین مبلغ و مظلوم ستم دیده بوده و او را تصدیق داشته و در مقام وفا و خیر خواهی او بودی پس خدا ز طرف رسولش و امیر المومنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین بالاترین پاداش ها را به تو داده و به واسطه صبر و بردباری که در این راه نمودی و آزمایش و امتحانی که دادی و رنج و مشقتی را که متحمل شدی عالی ترین اجرها را نصیب، تو نماید پس خوشا به زندگانی آخرت تو، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت. و لعنت کند کسی را که به حق تو جاهل و نا آگاه بود و لعنت نماید کسی را که حرمت تو را نگاه نداشت و در مقام استخفاف تو بر آمد و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و بین آب فرات فاصله شد، شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی و شهادت می دهم که خدا آنچه به شما وعده کرده است را عملی می سازد ای پسر

امیرالمومنین به نزدت آمده ام در حالی که از سفر آمده ام، دلم تسلیم شما است، و خودم تابع و پیرو شما بوده، آماده ام برای یاری شما تا خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است، پس آن کس که با شما است حتماً با شما بوده نه با دشمنانتان، من به شما و رجعت شما ایمان دارم و به کسی که مخالفتتان را می نماید و شما را کشته است کافر هستم، خدا بکشد گروهی را که با دست ها، و زبان هایشان شما را کشتند.

متن:

ثم ادخل و انكب على القبر و قل:

السلام عليك ايها العبد الصالح، المطيع لله و لرسوله و لاميرالمومنين، و الحسن و الحسين عليهما السلام، السلام عليك و رحمة الله و بركاته و رضوانه، و على روحك و بدنك، و اشهد الله انك مضيت على ما مضى عليه البدريون، المجاهدون في سبيل الله، المناصحون له في جهاد اعدائه، المبالغون في نصره اوليائه، الذابون عن احبائه، فجزاك الله افضل الجزاء، و اكثر الجزاء و اوفر الجزاء، و اوفى جزاء احد ممن و في بيئته، و استجاب له دعوته، و اطاع و لاة امره، اشهد انك قد بالغت في النصيحة، و اعطيت غاية المجهود، فبعثك الله في الشهاد و جعل روحك مع ارواح الشهداء و اعطاك من جنانه مع النبيين، و الصديقين و الشهداء و الصالحين، و حسن اولئك رفيقا، اشهد انك لم تهن و لم تنكل، و انك مضيت على بصيرة من امرك، مقتديا بالصالحين، و متبعا للنبيين، فجمع الله بيننا و بينك، و بين رسوله و اوليائه في منازل المحبتين، فانه ارحم الراحمين.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت عباس بن علی عليه السلام)

سپس داخل شو و بر قبر تکیه داده و بگو:

درود بر تو ای بنده نیکوکار، بنده ای که فرمان بردار خدا و رسولش و
 امیرالمومنین و حسن و حسین علیهما السلام بودی، درود و رحمت و برکات و بهشت
 خدا برای تو باد، و بر جان و جسد تو باشد، و خدا را شاهد می گیرم که تو
 همان راهی را رفتی که اصحاب بدر رفتند همان کسانی که در راه خدا جهاد
 کرده، و در جهاد با دشمنان خدا سعی بلیغ نموده، و از دوستان و محبین حق
 تعالی دشمنان را دفع کردند، پس خدا برترین و بافضیلت ترین و بیشترین جزأها
 و پاداش ها را به تو عطا فرماید، و نیز وافر و وافرترین پاداش کسی که به
 بیعتش وفا نموده و خدا دعایش را مستجاب کرده و همچنین نیک ترین پاداش
 کسی که از والیان امر اطاعت نموده است را به تو عنایت فرماید، شهادت می
 دهم که تو در نصیحت و خیر خواهی مبالغه کرده و نهایت کوشش و جهد خود
 را نمودی، پس خدا تو را در شهدا بر انگیزد، و روح را با ارواح شهدا قرین
 گرداند، و از بهشتش وسیع ترین منزل و با فضیلت ترین غرفه را اعطا نماید، و
 ذکر تو را در علیین بالا ببرد، و با انبیا و صدیقین و شهدا و صلحا محشورت
 کند، و ایشان نیکو رفقائی هستند، شهادت می دهم که تو از خود سستی نشان
 نداده و عقب گرد نکردی، و نیز شهادت می دهم که تو بر بصیرت مشی نموده و
 به صالحین اقتدا کرده و از انبیا پیروی نمودی، پس حق تعالی بین ما و بین شما
 و بین رسول و اولیائش در منازل اشخاص متواضع و فروتن جمع کند زیرا او
 ارحم الراحمین می باشد.

الباب السادس و الثمانون وداع قبر العباس بن علی علیه السلام

متن:

1 - حدثني ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسين العسكري بالعسكر،
 عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن ابيه علي بن مهزيار، عن محمد بن ابي عمير،
 عن محمد بن مروان، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا ودعت

العباس فاته و قل: (استودعك الله و استرعيك و اقرء عليك السلام، آمنا بالله و برسوله و بكتابه و بما جا به من عند الله، اللهم اكتبنا مع الشاهدين، اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة قبر ابن اخى نبيك، و ارزقنى زيارته ابدا ما ابقيتنى و احشرنى معه و مع آباءه فى الجنان، و عرف بينى و بينه و بين رسولك و اوليائك، اللهم صل على محمد و آل محمد، و توفنى على الايمان بك و التصديق برسولك، و الولاية لعلى بن ابى طالب و الائمة من ولده، و البرأة من عدوهم، فانى رضيت بذلك يا رب).

و تدعو لنفسك و لوالديك و المومنين و المسلمين و تخير من الدعاء.

باب هشتم و ششم وداع با قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزه الثمالی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: هر گاه خواستی با حضرت عباس علیه السلام وداع کنی پس به نزدش برو و بگو: تو را به خدا می سپارم و از او می خواهم که از تو نگاهبانی نماید و سلام خداحافظی به تو می دهم، به خدا و رسول و کتابش و به آنچه رسولش از جانب خدا آورده ایمان آورده ایم، خدایا ما را با شاهدین بنویس، خدایا این زیارت را آخرین زیارت ما نسبت به قبر پسر برادر پیغمبر قرار مده، و تا مادامی که من زنده هستم زیارتش را نصیب نما، و من را با او و با آبا گرامش در بهشت محشور نما، و بین من و بین او و رسول و دوستانت آشنائی بیانداز، خدایا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و من را در حالی که به تو ایمان داشته و رسالت را تصدیق کرده، و علی بن ابی طالب و ائمه بعد از آن حضرت که جملگی فرزندان او هستند را دوست داشته و از دشمنانتان بی زاری می جویم بمیران و از این دنیا ببر، زیرا پروردگار، من به این معنا راضی و خشنود می باشم، و سپس برای خود و پدر و مادرت و مومنین و مسلمین دعاً کن و هر دعائی را که خواستی اختیار نما.

الباب السابع و الثمانون وداع قبور الشهداء علیهم السلام

متن:

تقول: اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي اياهم، و اشركني معهم في صالح ما اعطيتهم على نصرهم ابن بنت نبيك، و حجتك على علي خلقك، و جهادهم معه في سبيلك، اللهم اجمعنا و اياهم في جنتك مع الشهداء و الصالحين، و حسن اولئك رفيقا، استودعكم الله و اقرء عليكم السلام، اللهم ارزقني العود اليهم، و احشرنى معهم يا ارحم الراحمين.

باب هشتاد و هفتم وداع با قبور شهدا عليه السلام

ترجمه:

بگو:

خدایا این زیارت را آخرین من نسبت به شهدا قرار مده، و من را با ایشان در آنچه به آنها در قبال یاری پسر دختر پیغمبرت و جهادشان با حجت تو بر خلق اعطا فرموده ای شریک گردان، خدایا، ما و ایشان را در بهشت خود با شهدا و صالحین جمع فرما، ایشان نیکو رفقائی هستند، شما را به خدا می سپارم و سلام خداحافظی به شما می دهم، خدایا روزی من کن که دوباره به ایشان برگردم و من را با ایشان محشور فرما ای مهربان تر از هر مهربانی.

الباب الثامن و الثمانون فضل كربلاً و زيارة الحسين عليه السلام

متن:

1 - للحسين بن احمد بن المغيرة فيه حديث رواه شيخه ابوالقاسم - رحمة الله عليه - مصنف هذا الكتاب نقل عنه و هو عن زائدة، عن مولانا علي بن الحسين عليه السلام، ذهب علي شيخنا - رحمة الله عليه - ان يضمنه كتابه هذا و هو مما يليق بهذا الباب و يشتمل ايضا على معان شتى حسن تام الالفاظ، احببت ادخاله و جعلته اول الباب، و جميع احاديث هذا الباب و غيرها مما يجرى مجراها يستدل بها على صحة قبر مولانا الحسين عليه السلام بكربلاً، لان كثيرا من المخالفين ينكرون ان قبره بكربلاً كما ينكرون ان قبر مولانا امير المؤمنين عليه السلام بالغرى بظهر نجف الكوفة و قد كنت استقدمت هذا الحديث بمصر عن شيخى ابي القاسم علي بن محمد بن - عبدوس الكوفى - رحمة الله عليه - مما نقله عن مزاحم بن عبد الوارث البصرى باسناده عن قدامة بن زائدة، عن ابيه، زائدة، عن

على بن الحسين عليه السلام، و قد ذاكرت شيخنا ابن قولويه بهذا الحديث بعد فراغه من تصنيف هذا الكتاب ليدخله فيه فما قضى ذلك و عاجلته منيته - رضى الله عنه - و الحقه بمواليه عليه السلام.

باب هشتاد و هشتم فضیلت کربلاً و زیارت امام حسین علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

حسین بن احمد بن مغیره درباره فضل کربلاً و زیارت امام حسین علیه السلام حدیثی دارد، این حدیث را استادش ابوالقاسم علیه الرحمة مصنف این کتاب روایت کرده و حسین بن احمد از او و وی از زائده و از مولانا علی بن الحسین علیه السلام نقل نموده.

استاد ما رحمة الله علیه علیه فراموش کرد که این حدیث را به کتابش ضمیمه کند در حالی که سزاوار بود در این باب نقل شود، حدیث مزبور چون بر معانی پسندیده و بسیاری مشتمل بوده و الفاظش تام و زیباست دوست داشتم آن را در این باب بگنجانم.

قابل ذکر است که تمام احادیث این باب و احادیث دیگر که با اینها در مضمون مشترک هستند به آنها بر بودن قبر امام حسین علیه السلام در کربلا استدلال شده است زیرا بسیاری از مخالفین انکار دارند که قبر آن حضرت در کربلاً است چنانچه وجود قبر امیرالمومنین علیه السلام را در نجف منکر می باشند.

این حدیث را در مصر از استاد ابی القاسم علی بن محمد بن عبدوسی کوفی رحمة الله علیه استفاده کرده ام، و وی آن را از مزاحم بن عبد الوارث بصری، به اسنادش از قدامة بن زائده، از علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده.

پس از آنکه استاد ما ابن قولویه از تصنیف این کتاب (کامل الزیارة) فارغ گردید با وی راجع به این حدیث مذاکره کرده و به ایشان پیشنهاد نمودم آنرا در

این کتاب داخل نماید ولی پیش از آنکه ایشان به این کار مبادرت ورزند اجل او را دریافت و او را به موالی او علیه السلام ملحق کرد خدا از او خشنود و راضی باشد.

متن:

و هذا الحديث داخل فيما اجاز لي شيخي - رحمه الله - و قد جمعت بين الروایتين بالالفاظ الزائدة و النقصان و التقديم و التأخير فيها حتى صح بجميعه عن حدثني به اولاً ثم الان، و ذلك اني ما قرءته على شيخي - رحمة الله عليه - ولا قرءة على، غير اني ارويه عن حدثني به عنه و هو:

ابو عبد الله احمد بن محمد بن عياش، قال: حدثني ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه قال: حدثني ابو عيسى عبيد الله بن الفضل بن محمد بن هلال الطائي البصري قال: حدثني ابو عيسى عبيد الله بن الفضل بن محمد بن هلال الطائي البصري قال: حدثني ابو عثمان سعيد بن محمد قال: حدثنا محمد بن سلام بن يسار، الكوفي قال: حدثني احمد بن محمد الواسطي قال: حدثني عيسى بن ابي - شبيهة القاضي قال: حدثني نوح بن دراج قال: حدثني قدامة بن زائدة، عن ابيه (قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: بلغني يا زائدة انك تزور قبر ابي عبد الله الحسين عليه السلام احياناً؟ فقلت ان ذلك لكما بلغك، فقال لي: فلما ذا تفعل ذلك و لك مكان عند سلطانك الذي لا يحتمل احدا على محبتنا و تفضيلنا و ذكر فضائلنا والواجب على هذه الامة من حقنا؟ فقلت: و الله ما اريد بذلك الا الله و رسوله، ولا احفل بسخط من سخط، و لا يكبر في صدري مكروه ينالني بسببه، فقال: والله ان ذلك لكذلك، فقلت: و الله ان ذلك لكذلك، يقولها - ثلاثاً - و اقولها - ثلاثاً - فقال: ابشر ثم ابشر فلا خبرنك بخبر كان عندي في النخب المخزونة، فانه لما اصابنا بالطف ما اصابنا و قتل ابي عليه السلام و قتل من كان معه من ولد و اخوته و سائر اهله و حملت حرمه و نساوه على الافتاب يراد بنا الكوفة، فجعلت انظر اليهم صرعى ولم يواروا فعظم ذلك في صدري و اشتد لما ارى منهم

قلقی فکادت نفسی تخرج و تبینت ذلک منی صدری و اشتد لما اری منهم قلقی، فکادت نفسی تخرج و تبینت ذلک منی عمتی زینب الكبرى بنت علی ع فقالت: مالی اراک تجود بنفسک یا بقية جدی و ابی و اخوتی؟! فقلت: و کیف لا اجزع و اهلع و قد اری سیدی و اخوتی و عمومتی و ولد عمی و اهلی مصرعین بدمائهم، مرملين بالعرى، مسلین، لا یکفون و لا یوارون، و لا یعرج علیهم احد، و لا یقربهم بشر، کانهم اهل بیت من الدیلم و الخزر؟! فقالت: لا یحزعنک ماتری، فوالله ان ذلک لعهد من رسول الله صلى الله عليه وآله الی جدک و ابیک و عمک، و لقد اخذ الله ميثاق اناس من هذه الامة لا تعرفهم فراعنة هذه الامة و هم معروفون فی اهل السماوات انهم یجمعون هذه الاعضاء المتفرقة فیوارونها و هذه الجسوم المضرجة، و ینصبون لهذا الطف علما لقبر ابیک سید الشهدا لا یدرس اثره و لا یعفو رسمه علی کرور اللیالی و الایام، و لیجتهدن ائمة الکفر و اشیاع الضلالة فی محوه و تطمیسه فلا یزداد اثره الا ظهورا و امره الا علوا، فقلت: و ما هذا العهد و ما هذا الخبر؟!!

دنباله حدیث اول مشتمل بر فضیلت کربلاً و زیارت امام حسین ع

ترجمه:

این حدیث در آنچه استادم رحمة الله علیه علیه به من اجازه آن ها را داده است داخل بوده منتهی در مقام نقل بین دو روایت را جمع کرده، برخی الفاظ را اضافه و بعضی را حذف نموده، پاره ای را مقدم و شطری را موخر کرده ام و بدین ترتیب صحیح است بگویم:

این حدیث را با تمام الفاظ و عباراتش از کسی نقل می کنم که وی آن را برایم اولاً و سپس الان حدیث نموده چه آنکه نه من آن را بر استادم رحمة الله علیه قرائت کرده و نه او بر من قرائت نموده است فقط من آن را از کسی که

برایم نقل کرده حکایت می‌کنم و آن حدیث چنین است: ابو عبد الله احمد بن محمد بن عیاش می‌گوید:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه برایم نقل کرد و گفت: ابو عیسی عبید الله بن فضل بن محمد بن هلال الطائی البصری برایم نقل نمود و گفت: ابو عثمان سعید بن محمد برایم نقل کرد و گفت: محمد بن سلام بن یسار کوفی برای ما نقل کرد و گفت: احمد بن محمد واسطی برایم نقل نمود گفت: عیسی بن ابی شبیه القاضی برایم نقل کرد و گفت: نوح بن دراج برایم نقل کرد و گفت: قدامة بن زائده برایم حدیث کرد و از پدرش نقل کرد، پدرش گفت:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام می‌روی؟

عرض کردم: همان طور است که خبر به سمع شما رسیده.

حضرت فرمودند:

برای چه مبادرت به چنین فعلی می‌ورزی در حالی که تو نزد سلطان مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که توان این را ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته و ما را بر دیگران برتری می‌دهد و فضائل ما را ذکر می‌کند و حقی که از ما بر این امت واجب است را رعایت می‌نماید؟

محضر مبارکش عرض کردم: به خدا سوگند قصدم از این فعل فقط رضایت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و سخط کسی که بر من غضب نماید ترس و وحشتی ندارم و امر مکروهی که از ناحیه این فعل به من برسد هرگز در سینه ام گران و سنگین نیست و بر من قابل تحمل می‌باشد.

حضرت فرمودند:

تو را به خدا سوگند امر چنین است؟
عرض کردم: به خدا سوگند امر چنین است.

حضرت سوالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را سه بار بازگو نمودم.

سپس حضرت فرمودند:

بشارت باد ترا، بشارت باد ترا، لازم شد خبر دهم تو را به حدیث که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده ای است که جزء اسرار مخزونه می باشد و آن این است: زمانی که در طف (کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم علیه السلام و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را مشاهده کردم اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود، این هیات و حالت را وقتی عمه ام زینب کبری دختر علی بن ابی طالب علیه السلام از من مشاهده نمود فرمود:

این چه حالی است از تو می بینم، ای یادگار جد و پدر و بردارم چرا با جان خود بازی می کنی؟!

من گفتم:

چگونه جزع و بی تابی نکنم در حالی که می بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده، و عریان و برهنه بوده جامه هایشان را از بدن بیرون آورده اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده

باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی شود گویا ایشان از خاندان دلیم و خزر می باشند؟!

عمه ام فرمود:

آنچه می بینی ترا به جزع نیاورد، به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا ﷺ با جد امیرالمومنین علیه السلام و پدر سید الشهدا و عمویت حضرت مجتبی علیه السلام، و خداوند متعال نیز گرفته است ایشان در بین اهل آسمان ها معروف و مشهورند که این اعضا قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجسام خون آلود را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت سید الشهدا نشانه ای نصب کرده که اثرش هیچ گاه کهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناً ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می نمایند ولی به جای اینکه رسم و نشانه آن از بین رود ظاهرتر و آشکارتر می گردد.

من پرسیدم:

این چه عهد و میثاقی بوده و این چه حدیث و خبری می باشد؟

متن:

فقلت: نعم، حدثتني ام ايمن ان رسول الله ﷺ زار منزل فاطمة عليها السلام في يوم من الايام فعملت له حريرة، و اتاه علي عليه السلام بطبق فيه تمر، ثم قالت ام ايمن: فاتيتهم بعس فيه لبن و زبد، فاكل رسول الله ﷺ و علي و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام من تلك الحريرة، و شرب رسول الله ﷺ و شربوا من ذلك اللبن، ثم اكل و اكلوا من ذلك التمر و الزيد، ثم غسل رسول الله ﷺ يده و علي يصب عليه الماء، فلما فرغ من غسل يده مسح و جبهه، ثم نظر الى علي و فاطمة و الحسن و الحسين نظرا عرفنا به السرور في وجهه ثم رمق بطرفه نحو السماء مليا، ثم (انه) وجهه نحو القلبة و بسط يديه و دعا ثم خر ساجدا و هو

ینشج فاطال النشوج (کذا) و علانحیبه و جرت دموعه، ثم رفع راسه و اطرق الی الارض و دموعه تقطر کانها صوب المطر، فحزنت فاطمة و علی و الحسن و الحسین علیهم السلام و حزنت معهم لما راینا من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هبناه ان نساله حتی اذا طال ذلك قال له علی؛ و قالت له فاطمة: ما یبکیک یا رسول الله لا ابکی الله عینیک فقد اقرح قلوبنا ما نری من حالک؟!!

فقال: یا اخی سررت بکم - و قال مزاحم بن عبد الوارث فی حدیثه ههنا - فقال: یا حبیبی انی سررت بکم سرورا ما سررت مثله قط و انی لا نظر الیکم و احمد الله علی نعمته علی فیکم اذهبط علی جبرئیل علیہ السلام فقال: یا محمد ان الله تبارک و تعالی اطلع علی ما فی نفسک و عرف سرورک باخیک و ابتتک و سبطیک فاکمل لک النعمة و هناك العطیة بان جعلهم و ذریاتهم و محببهم و شیعتهم معک فی الجنة لا یفرق بینک و بینهم یحبون کما نحبی و یعطون کما تعطی حتی ترضی و فوق الرضا علی بلوی کثیرة تنالهم فی الدنيا و مکاره تصیبهم بایدی اناس ینتحلون ملتک و یزعمون انهم من امتک برأ من الله و منک خبطا خبطا و قتلا قتلا، شتی مصارعهم، نائیة قبورهم، خیرة من الله لهم و لک فیهم، فاحمد الله عزوجل علی خیرته و ارض بقضائه.

فحمدت الله و رضیت بقضائه بما اختاره لکم،

نقل حدیث ام ایمن به روایت علیه مخدره حضرت زینب کبری بنت امیر

المومنین علیهم السلام

ترجمه:

پس عمه ام فرمود:

بلی، ام ایمن نقل نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی از روزها به منزل حضرت

فاطمه علیها السلام نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمه علیها السلام برای آن جانب حریره

درست کردند و حضرت علی علیه السلام طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود، سپس ام ایمن گفت:

من نیز قدحی که در آن شیر و سرشیر را خدمتشان آوردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین و فاطمه و حسین علیه السلام از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به دنبال آن حضرت ایشان از آن خرما و سرشیر تناول نمودند و بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست های مبارکشان را شستند در حالی که امیرالمومنین علیه السلام آب به روی دست های آن حضرت می ریختند و پس از آنکه آن جناب از شستن دست ها فارغ شدند دست به پیشانی کشیده آنگاه به طرف علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام نظری که حاکی از سرور نشاط بود نموده سپس با گوشه چشم به جانب آسمان نگریست بعد صورت مبارک به طرف قبله کرده و دست ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفته و با صدای بلند می گریستند و اشگ هایشان جاری بود.

سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشگ های آن حضرت قطره قطره می ریخت گویا باران در حال باریدن بود، از این صحنه حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیه السلام محزون شده و من نیز متأثر گشته و اندوهگین شدم ولی همگی از سوال نمودن پرهیز کرده و از آن حضرت نه پرسیدم که سبب این گریه چیست تا گریستن آن جناب به درازا کشید در این هنگام علی و فاطمه علیه السلام پرسیدند:

چه چیز شما را گریانده یا رسول الله خدا هرگز چشمان شما را نگریاند قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده؟!
حضرت فرمودند:

ای برادر من، بواسطه شما مسرور گشتم...

مزاحم بن عبد الوارث در حدیث خود به اینجا که می رسد می گوید:

نقل است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

ای حبیب من به واسطه شما چنان مسرور و شادمان شدم که تا کنون این طور خوشحال نشده بودم، و به شما نگرستم و خدا را بر نعمت شما که به من داده حمد و سپاس نمودم، در این هنگام جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام بر من فرود آمده و گفت: ای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خداوند متعال بر آنچه در نهان تو است اطلاع داشته و می داند که سرور و شادی تو به واسطه برادر و دختر و دو سبط تو می باشد پس نعمتش را بر تو کامل کرده و عطیه اش را بر تو گوارا نمود یعنی ایشان و ذریه آنها و دوستان و شیعیانشان را در بهشت با تو همسایه نمود، بین تو و ایشان تفرقه و جدائی نمی اندازد، ایشان از عطا بدون منت او منتفع شده همان طوری که تو از آن بهره مند می شوی و به آنها اعطا می شود همان طوری که به تو اعطا می گردد تا آنجائی که راضی و خشنود شده بلکه فوق رضایت ایشان و تو و حق تعالی عنایت می فرماید و این لطف و عنایت در مقابل آزمایش و ابتلائات بسیاری است که در دنیا متوجه ایشان شده و ناملایماتی که وسیله مردم و آنهایی که از ملت و کیش تو می باشند و خود را از امت تو پنداشته در حالی که از خدا و از تو بسیار دور هستند به ایشان می رسد، گاهی ضربه های شدید و غیر قابل تحمل از ناحیه این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می گردند.

قتلگاه ها ایشان مختلف و پراکنده و قبورشان از یکدیگر دور می باشد، خیر جوئی نما از خدا برای ایشان و برای خودت، حمد و سپاس خدای عزوجل و

آنها بر خیرش و راضی شو به قضای او پس حمد خدای بجا آورده و راضی
شدم به قضایش به آنچه برای شما اختیار فرموده.

متن:

ثم قال لی جبرئیل: یا محمد ان اخاک مضطهد بعدک مغلوب علی امتک
متعوب من اعدائک، ثم مقتول بعدک یقتله اشر الخلق و الخلیقة و اشقی البریة،
یکن نظیر عاقر الناقة ببلد تكون الیه هجرته و هو مغرس شیعته و شیعته ولده، و
فیه علی کل حال یكثر بلواهم و یعظم مصابهم، و ان سبطک هذا - و او ما بیده
الی الحسین علیه السلام - مقتول فی عصابة من ذریتک و اهل بیتک و اخیار من امتک
بضفة الفرات بارض یقال لها کربلاء، من اجلها یكثر الکرب و البلاء علی اعدائک و
اعداء ذریتک فی الیوم الذی لا ینقضی کربه، و لا تفنی حسرته، و هی اطیب بقاع
الارض، و اعظمها حرمة، یقتل فیها سبطک و اهله، و انها من بطحاء الجنة، فاذا
کان ذلک الیوم الذی یقتل فیها سبطک و اهله، و احاطت به کتاب اهل - الکفر و
اللعة، تزعزت الارض من اقطارها و مادت الجبال و کثر اضطرابها و اصطقت
البحار بامواجها، و ما جت السماوات باهلها غضبا لک یا محمد و لذریتک، و
استعظما لما ینتهک من حرمتک، و لشر ما تکافی به فی ذریتک و عترک، و لا
یبقى شی من ذلک الا استاذن الله عزوجل فی نصره اهلک المستضعفین
المظلومین الذین هم حجة الله علی خلقه بعدک فیوحی الله الی السماوات و
الارض و الجبال و البحار و من فیهن: انی انا الله؛ الملك القادر الذی لا یفوته
هارب و لا یعجزه ممتنع و انا اقدر فیة علی الانتصار و الانتقام، و عزتی و جلالی
لاعدبن من وتر رسولی و صفیی؛ و انتهک حرمته و قتل عترته و نبذ عهده و ظلم
اهل بیته عذابا لا اعذبه احدا من العالمین، فعند ذلک یضیح کل شیء فی
السماوات و الارضین بلعن من ظلم عترتک و استحل حرمتک، فاذا برزت تلک
العصابة الی مضاجعها تولى الله عزوجل قبض ارواحها بیده و هبط الی الارض

ملائكة من السماء السابعة معهم آنية من الياقوت و الزمرد مملوءة من ماء الحياة و حلل من حلل الجنة و طيب من طيب الجنة، فغسلوا جثثهم بذلك الماء و البسوها الحلل و حنطوها بذلك الطيب، و صلت الملائكة صفا صفا عليهم، ثم يبعث الله قوما من امتك لا يعرفهم الكفار لم يشركوا في تلك الدماء بقول و لا فعل و لا نية، فيوارون اجسامهم و يقيمون رسماً لقبر سيد الشهداء بتلك البطحاء يكون علماً لاهل الحق و سبباً للمؤمنين الى الفوز و تحفه ملائكة من كل سماً مائة الف ملك في كل يوم و ليلة، و يصلون عليه و يطوفون عليه و يسبحون الله عنده و يستغفرون الله لمن زاره و يكتبون اسماً من ياتيه زائراً من امتك متقرباً الى الله تعالى و اليك بذلك، و اسماً آبائهم و عشائرتهم و بلدانهم، و يوسمون في وجوههم بميسم نور عرش الله: (هذا زائر قبر خير الشهداء و ابن خير الانبياء)، فاذا كان يوم القيامة سطح في و جوههم من اثر ذلك الميسم نور تغشى منه الابصار يدل عليهم و يعرفون به، كاني بك يا محمد بيني و بين ميكائيل، و على امامنا و معنا من ملائكة الله ما لا يحصى عددهم، و نحن نلتقط من ذلك الميسم في وجهه من بين الخلائق حتى ينتجهم الله من هول ذلك اليوم و شدائده، و ذلك حكم الله و عطاوه لمن زار قبرك يا محمد او قبر اخيك او قبر سبطيك لا يريد به غير الله عزوجل، و سيجتهد اناس ممن حقت عليهم اللعنة من الله و السخط ان يعفوا رسم ذلك القبر و يمحوا اثره فلا يجعل الله تبارك و تعالى لهم الى ذلك سبيلاً، ثم قال رسول الله ﷺ: فهذا ابكاني، و احزني،

دنباله حديث شريف ام ايمن

ترجمه:

سپس جبرئیل به من گفت:

ای محمد برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امتت قرار گرفته و از دشمنانت در تعب و رنج واقع می شود، و بعد از تو او را بدترین مخلوقات و

شقی ترین مردم می کشد، قاتل آن حضرت نظیر پی کننده ناقه صالح است، وی به منظور انجام این کار به شهری هجرت می کند که آن شهر نشو و نمای شیعه و پیروان آن حضرت و فرزندش می باشد، در آن شهر ابتلائات ایشان (اهل بیت علیهم السلام) بسیار مصیبت به ایشان عظیم می باشد، و این سبط شما (جبرئیل با دست اشاره به حضرت حسین علیه السلام نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امتت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن کربلا می گویند کشته می شود.

کربلاً را از این جهت کربلاً گویند که حزن و بلاهائی که از دشمنان شما و دشمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست به عمل می آید بسیار و زیاد می باشد.

این زمین پاکیزه ترین اماکن واقع روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند.

کربلاً از زمین های بهشت است، هر گاه روزی که در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند فرا برسد و لشگر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند به جهت غضب به خاطر تو و فرزندان ای محمد و به منظور بزرگ شمردن هتک حرمتت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذریه و عترتت انجام شده زمین بلرزد کوهها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و امواج دریاها متلاطم گردد و آسمانها اهلشان را به هم بریزند، و از زمین و کوهها و دریاها و آسمانها چیزی باقی نمی ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می خواهند که اهل تو را که مستضعفین و مظلومین بوده و حجت های خدا بعد از تو بر خلائق هستند را نصرت و یاری کنند پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می گوید:

منم خداوند متعال، سلطانی که قادر است و کسی نتواند از او بگریزد در توان هیچ خصم و دشمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کند، من بر یاری کردن دوستانم قادر و بر انتقام گرفتن از دشمنان متمکن هستم، به عزت و جلال خود قسم آنان را که رسولم را تنها گذارده و برگزیده ام را رها کرده و حرمتش را هتک نموده و فرزندانش را کشته و عهدش را نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده اند عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم. در این هنگام تمام موجودات سماوی و ارضی به ضجه در آمده و آنانکه به عترت ستم کرده و هتک حرمت را روا داشته اند را لعن و نفرین می کنند. و هنگامی که آن جماعت (فرزندان و اهل بیت و نیکان از امت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می شوند حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان:

1 - ظروفی از یاقوت و زمرد بوده که مملو از آب حیات می باشند.

2 - حله هائی از حله های بهشتی.

3 - عطری از عطرهای بهشتی.

می باشد، پس فرشتگان بدن های ایشان را با آن آبها شستشو داده و حله ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها حنوطشان نموده و دسته دسته بر ایشان نماز می خواند و پس از اتمام نماز حق تعالی گروهی از امت را که کفار ایشان را نمی شناسند و در خون شهدا نه با گفتار و نه با کردار و برای قبر سید الشهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تا برای اهل حق نشانه ای بوده و برای اهل ایمان سببی برای رستگاری باشد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح

خدا گفته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و اسامی زائرین از امتت را که قربة الی الله آن حضرت را زیارت می کنند و نیز اسماً پدران و خویشاوندان و شهرهای ایشان را می نویسند و در صورتهای ایشان بامدادی که از نور عرش الهی است این عبارت را نقش می بندند:

این شخص زائر قبر بهترین شهدا و زائر قبر فرزند بهترین انبیا می باشد.

در روز قیامت از اثر این مداد نوری ساطع شده که از پرتوش چشم ها تار می گردد و با این نور ایشان شناخته می شوند، و گویا تو ای محمد بین من و میکائیل قرار گرفته و علی جلو ما بوده و همراهان فرشتگانی حرکت می کند که از کثرت عدد ایشان معلوم نیست و بوسیله همین نوری که در صورت های ایشان هست، آنها را از بین خلائق دریافته و جدا می کنیم و بدین ترتیب حق تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی های آن نجات می دهد و این حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمد یا قبر برادرت یا قبر دو سبط تو را زیارت کرده و قصدی غیر از خدای عزوجل را نداشته باشند و البته گروهی از مردم که مستحق لعنت و سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که در محو کردن رسم و نشانه این قبر سعی کرده و می کوشند آن را از بین ببرند ولی خداوند قادر به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا ﷺ فرمودند:

این خبر من را گریاند و اندوهگین نمود.

متن:

قالت زینب: فلما ضرب ابن ملجم - لعنه الله - ابي عليه السلام و رايت عليه اثر الموت منه قلت له: يا ابة حدثني ام ايمن كذا و كذا، و قد احببت ان اسمعه منك، فقال: يا بنية الحديث كما حدثتك ام ايمن، و كاني بك و بينات اهلك سببا بهذا البلد اذ لأ خاشعين تخافون ان يتخطفكم الناس؛ فصبوا صبورا، فوالذي

فلق الحبة وبرء النسمة ما لله على ظهر الارض يومئذ ولى غيركم و غير محبيكم و شيعتكم، ولقد قال لنا رسول الله ﷺ حين اخبرنا بهذا الخبر: ان ابليس - لعنه الله - فى ذلك اليوم يطير فرحا فيجول الارض كلها بشياطينه، و عفاريتة فيقول: يا معاشر الشياطين قد ادركنا من ذرية آدم الطلبة، و بلغنا فى هلاكهم الغاية و اورثناهم فيهم و حملهم على عداوتهم، و اغرائهم بهم و اوليائهم حتى تستحكموا ضلالة الخلق و كفرهم، و لا ينحو منهم ناج، ولقد صدق عليهم ابليس و هو كذوب، انه لا ينفع مع عدواتكم عمل صالح و لا يضر مع محبكم و موالاتكم ذنب غير الكبائر؛

قال زائدة ثم قال على بن الحسين عليه السلام بعد ان حدثنى بهذا الحديث: خذه اليك، اما لو ضربت فى طلبه اباط الابل حولا لكان قليلا.

دنباله حديث به نقل عليا مخدره حضرت زينب كبرى بنت امير المؤمنين عليها السلام ترجمه:

حضرت زينب سلام الله عليها فرمود:

زمانى كه ابن ملجم لعنه الله عليه پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در آن حضرت مشاهده كردم محضرش عرضه داشتم:

اى پدر ام ايمن برايم حديثى چنين و چنان نقل نمود، دوست دارم حديث را از شما بشنوم.

پدرم فرمودند:

دخترم، حديث همان طورى است كه ام ايمن نقل کرده، گویا مى بينم كه تو و دختران اهل تو در اين شهر به صورت اسيران در آمده، خوار و منكوب مى گرديد، هر لحظه هراس داريد كه شما را مردم بربايند، بر شما باد به صبر و شكيبائى، سوگند به كسى كه حبه را شكافته و انسان را آفريده روى زمين كسى

غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان نیست که ولی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا ﷺ این خبر را برای ما نقل می نمودند و فرمودند:

ابلیس لعنه الله علیه در آن روز از خوشحالی به پرواز در می آید پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت هایش را فرا خوانده و به آن ها می گوید:

ای جماعت شیاطین، طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت مقصود اهل بیت پیغمبر ﷺ پیوندند از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیک ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان وا دارید تا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلم و محقق شده و نجات دهنده ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغ گو و کاذب است این کلام را به ایشان راست گفت: وی به آنها اطلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت ﷺ) عداوت داشته باشد هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضرری به او نمی رساند.

زائده می گوید: سپس حضرت علی بن الحسین علیه السلام پس از نقل این حدیث برایم فرمودند:

این حدیث را بگیر و ضبط کن، اگر در طلب آن یک سال شتر می دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می کردی محققا کم و اندک بود.

متن:

(رجعنا الی الاصل)

اخبرنا ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی الفقیه - رحمة الله علیه - قال: حدثني ابي؛ و علي بن الحسين؛ و جماعة مشايخي - رحمهم الله - عن سعد ابن عبد الله بن ابي خلف عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن

سنان، عن ابی سعید القمط قال: حدثنی عبد الله بن ابی یعفر (قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول لرجل من مواليه: يا فلان اتزور قبر ابی عبد الله الحسين بن علی عليه السلام؟ قال: نعم انی ازوره بين ثلاث سنين او سنتين مرة، قال له - و هو مصفر الوجه - اما و الله الذی لا اله الا هو لو زرته لكان افضل لك مما انت فيه! فقال له: جعلت فداك اكل هذا الفضل؟ فقال: نعم الله، لو انی حدثکم بفضل زيارته و بفضل قبره لترکتکم الحج راسا و ما حج منکم احد، و يحک اما تعلم ان الله اتخذ (بفضل قبره) كربلاً حرماً آمناً مبارکاً قبل ان يتخذ مكة حرماً؟ قال ابن ابی - یعفر: فقلت له: قد فرض الله على الناس حج البيت و لم يذكر زيارة قبر الحسين عليه السلام فقال و ان كان كذلك فان هذا شیء جعله الله هكذا، اما سمعت قول ابی اميرالمومنین عليه السلام حيث يقول: ان باطن القدم احق بالمسح من ظاهر القدم و لكن الله فرض هذا على العباد؟! او ما علمت ان الموقف لو كان فی الحرم كان افضل لاجل الحرم و لكن الله صنع ذلك فی غیر الحرم؟!!

ترجمه گوید:

روایتی که قبلاً نقل شد از اصل این کتاب نبوده و آنرا برخی از شاگردان مصنف در آن گنجانده لذا پس از نقل این حدیث به اصل کتاب رجوع می کنیم.

(رجوع به اصل کتاب)

(حدیث اول)

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی رحمة الله علیه به ما خبر داد و

گفت:

پدرم، و علی بن الحسین و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیه از سعد بن عبد الله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن سنان، از ابی سعید قمط، وی می گوید:

عبد الله ابن ابی یعفرور گفت: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند.

فلانی به زیارت قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام می روی؟
آن شخص گفت: بلی من هر سه سال یا دو سال یک مرتبه به زیارتش می
روم.

حضرت در حالی که صورتشان زرد شده بود فرمودند:
به خدائی که معبودی غیر از او نیست، آگ را او را زیارت کنی برتر است
برای تو از آنچه در آن هستی!

آن شخص عرض کرد: فدایت شوم آیا تمام این فضل برای من هست؟
حضرت فرمودند:

بلی به خدا سوگند، اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را
برای شما بازگو کنم به طوری کلی حج را ترک کرده واحدی از شما دیگر به
حج نمی رود، وای بر تو آیا نمی دانی خداوند متعال بواسطه فضیلت قبر آن
حضرت کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکه را حرم امن
نماید؟

ابن ابی الیفور می گوید: محضرش عرضه داشتیم: خداوند متعال حج و زیارت
بیت الله را بر مردم واجب کرده ولی زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بر مردم
واجب نکرده است پس چگونه شما چنین می فرمائید؟
حضرت فرمودند:

اگر چه همین طور است ولی در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن
حضرت را این گونه قرار داده است.

مگر نشنیده ای کلام امیرالمومنین علیه السلام را که فرمودند: کف پا سزاوارتر است به مسح نمودن از ظاهر و روی پا ولی در عین حال حق تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟!!

و نیز مگر نمی دانی اگر حق تعالی (محل محرم شدن) به خاطر شرافتی که در حرم هست افضل و برتر بود ولی خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

متن:

حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان، عن ابي سعيد القمط، عن عمر بن يزيد بياع السابري، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان ارض كعبة قالت: من مثلي؛ و قد بنى الله بيته على ظهري و ياتيني الناس من كل فج عميق، و جعلت حرم الله و امنه؟! فاوحى الله اليها ان كفى و قري؛ فو عزتي و جلالي ما فضل ما فضلت به فيما اعطيت به ارض كربلاء ما فضلتك؛ و لو البحر فحملت من ماء البحر، و لو تربة كربلاء ما فضلتك؛ و لو لا ما تضمنته ارض كربلاء لما خلقتك و لا خلقت البيت الذي افتخرت به؛ فقري و استقري و كوني دنيا متواضعا ذليلا مهينا غير مستنكف و لا مستكبر لارض كربلاء و الا سخت بك و هويت بك في نار جهنم.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمط، از عمر بن یزید بیاع سابری از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آن که خداوند خانه اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می شوند، و حرم خدا و مامن قرار داده شده ام؟!
خداوند متعال به سویش وحی کرد و فرمود:

بس کن و آرام بگیر، به عزت و جلال خودم قسم آن چه را که تو برای خود فضیلت می دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلاً اعطاء نموده ام همچون قطره ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بردارد، و اساساً اگر خاک کربلاً نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بر دارد تو را نمی آفریدم و بیتی را که تو به آن افتخار می کنی خلق نمی کردم بنابراین آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار نرم باش و نسبت به زمین کربلا استنکاف و استکبار و طغیانی از خود نشان مده و الا تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می دهم.

متن:

و حدثنی ابی و علی بن الحسین عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابيه عن محمد بن علی قال:

حدثنا عباد ابو سعید العصفری، عن عمر بن یزید بیاع السابری عن جعفر ابن محمد صلى الله عليه وآله و ذکر مثله.

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از محمد بن علی نقل کرده اند که وی گفت: عباد ابو سعید عصفری، از عمر بن یزید که فروشنده جامه های سابری بود از حضرت جعفر بن محمد صلى الله عليه وآله نقل کرده و حدیثی مثل حدیث مذکور را روایت نموده است.

متن:

حدثني ابو العباس الكوفى، عن محمد بن الحسين بن ابى الخطاب، عن ابى سعيد العصفرى، عن عمرو و بن ثابت، عن ابىه، عن ابى جعفر عليه السلام قال: خلق الله تبارك و تعالى ارض كربلاً قبل ان يخلق الكعبة باربعة و عشرين الف عام، و قدسها و بارك عليها، فما زالت قبل خلق الله الخلق مقدسة مباركة، و لا تزال كذلك حتى يجعلها الله افضل ارض فى الجنة و افضل منزل و مسكن يسكن الله فيه اولياً فى الجنة.

ترجمه:

(حديث سوم)

ابو العباس كوفى، از محمد بن الحسين بن ابى الخطاب، از ابى سعيد عصفرى، از عمرو و بن ثابت، از پدرش، از حضرت ابو جعفر عليه السلام، حضرت فرمودند: خداوند تبارك و تعالى بيست و چهار هزار سال پيش از خلقت كعبه زمين كربلاً را آفريد و آنرا مقدس و مبارك قرار داد و پيوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارك بود تا آن را برترين زمين در بهشت نمود و برترين منزل و مسكنى قرارش داد كه اولياً و دستانش در بهشت در آن سكونا مى گزينند.

متن:

حدثني محمد بن جعفر القرشى الرزاز، عن محمد بن الحسين بن ابى - الخطاب عن ابى سعيد - عن بعض رجاله - عن ابى اجارود (قال: قال على بن - الحسين عليه السلام: اتخذ الله ارض كربلاً حرماً مباركاً قبل ان يخلق الله ارض الكعبة و تبيخدها حرماً باربعة و عشرين الف عام، و انه اذا زلزل الله تبارك و تعالى الارض و سيرها رفعت كما هى بتربتها نورانية صافية، فجعلت فى افضل روضة من رياض الجنة، و افضل مسكن فى الجنة، لا يسكنها الا النبيون و المرسلون، او قال او لوالعزم من الرسل - و انها لتزهر بين رياض الجنة كما يزهر الكوكب الدرى بين الكواكب لاهل الارض يغشى نورها ابصار اهل الجنة جميعاً،

و هي تنادی: ان ارض الله المقدسة الطيبة المباركة التي تضمنت سيد الشهدا و سيد شباب اهل الجنة).

حدثني ابي - رحمة الله عليه - و علي بن الحسين؛ و جماعة مشايخي، عن علي ابن - ابراهيم، عم ابيه، عن محمد بن علي، عن عبدا ابي سعيد العصفري - عن رجل - عن ابي الجارود قال: قال علي بن الحسين عليه السلام - و ذكر مثله - .
ترجمه:

(حديث چهارم)

محمد بن جعفر قرشي رزاز، از محمد بن حسين بن ابي الخطاب، از ابو سعيد، از برخی رجالش، از ابي الجارود وی می گوید: حضرت علي بن الحسين عليه السلام فرمودند:

خداوند متعال بيست و چهار هزار سال قبل از اينکه زمين کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد زمين کربلاً را آفريد و آن را حرم امن و مبارک گرداند، و هر گاه حق تعالی بخواهد کره زمين را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قيامت باشد) زمين کربلاً را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترين باغ های بهشت قرار داده و بهترين مسکن در آنجا می گردانش و ساکن نمی شود در آن مگر انبياء و مرسلين (يا بجای اين فقره فرمودند: و ساکن نمی شود در آن مگر رسولان اولوالعزم) اين زمين بين باغ های بهشت می درخشد همان طوری که ستاره درخشنده بين ستارگان نورفشانی می نماید، نور اين زمين چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدائی بلند می گوید:

من زمين مقدس و طيب و پاکيزه و مبارکی هستم که سيد الشهدا و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.

پدرم رحمة الله عليه و على بن الحسين و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از علی بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن علی از عباد ابی سعید عصفری، از شخصی از ابی الجارود نقل کرده که وی گفت: علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:... و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نمودند.

متن:

وروی (قال ابو جعفر علیه السلام: الغاضریة هی البقعة التي کلم الله فیها موسی بن عمران علیه السلام، و ناجی نوحا فیها، و هی اکرم ارض الله علیه، و لولا ذلك ما استودع الله فیها اولیاءه و انبیاءه فزوروا قبورنا بالغاضریة).

ترجمه:

(حدیث پنجم)

در روایتی آمده است که حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

غاضریه مکانی است که خداوند متعال در آنجا با موسی بن عمران علیه السلام تکلم نمود و با حضرت نوح مناجات کرد، این زمین کریم ترین و شریف ترین بقاع روی زمین بوده و اگر این معنا نبود هرگز خداوند متعال اولیاء و انبیائش را در آن به ودیعه نمی گذارد، پس بر شما است که قبور ما را در غاضریه زیارت کنید.

و قال ابو عبد الله علیه السلام: (الغاضریة تربة من بیت المقدس).

(حدیث ششم)

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

غاضریه تربتی است از بیت المقدس

و عنهما بهذا الاسناد عن ابی سعید العصفری عن حماد بن ایوب، عن ابی عبد

الله، عن آباءه، عن امیر المومنین علیه السلام (قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یقبر ابنی

بارض يقال لها: كربلاً هي البقعة التي كانت فيها قبة الاسلام، التي نجا الله عليها
المومنين الذين آمنوا مع نوح في الطوفان).

(حديث هفتم)

از پدرم و علی بن الحسین بن بابویه با همان اسناد (اسناد حدیث قبل از
شماره 5، از ابی سعید عصفری از حماد بن ایوب، از حضرت ابی عبد الله

علیه السلام، از پدران گرامش، از امیرالمومنین علیهما السلام):

حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

فرزندم در زمینی دفن می شود که به آن (کربلاً) می گویند:

کربلاً بقعه و مکانی است که در آن قبة الاسلام (مراد بصره است) بوده و این
همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح مومنین را که به آن حضرت
ایمان داشتند همراه، آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رهانید.

و باسناده عن ابن میثم التمار، عن الباقر علیهما السلام (قال: من بات ليلة عرفة في
كربلاً و اقام بها حتى يعيد و ينصرف و قاه الله شر سنته).

(حديث هشتم)

پدرم به اسنادش از ابن میثم تمار، از حضرت باقر علیهما السلام نقل کرده که آن

جناب فرمود:

کسی که شب عرفه در کربلا بیتوته کرده و آن شب را به عبادت پیا دارد تا
وقتی که مراجعت کند خداوند منان او را از شر آن سال حفظ می نماید.

و بهذا الاسناد عن علی بن حرب، عن الفضل بن یحیی، عن ابيه، عن ابی عبد
الله علیهما السلام قال: زوروا كربلاً و لاتقطعوه، فان خیر اولاد الانبیاء ضمنته، الا و ان
الملائكة زارت كربلاً الف عام من قبل ان یسكنه جدی الحسین علیهما السلام، و ما من

ليلة تمضي الا و جبرئيل و ميكائيل يزورانها، فاجتهد يا يحيى ان لا تفقد من ذلك
الموطن.

(حديث نهم)

پدرم با همين سند از علي بن حرب از فضل بن يحيى از پدرش از حضرت
ابي عبد الله عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

كربلاً را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این سرزمین بهترین فرزندان
آدم عليه السلام را در خود گرفته، بدانید و آگاه باشید هزار سال قبل از اینکه جدم
حسین عليه السلام در آن ساکن گردد فرشتگان این سرزمین را زیارت کرده اند و شبی
منقضي نمی شود مگر آنکه جبرئیل و میکائیل این مکان را زیارت می کنند،
بنابر این ای يحيى (مقصود (يحيى پدر فضل) می باشد).
سعی کن این مکان از تو فوت نشود و از دستت نرود.

متن:

حدثني ابي؛ و جماعة مشايخي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن
احمد بن محمد بن عيسى، عن جعفر بن محمد بن عبد الله، عن عبد الله بن -
ميمون القداح، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: مر اميرالمومنين عليه السلام بكربلاً في اناس
من اصحابه فلما مر بها اغرورقت عيناه بالبكاء، ثم قال: هذا مناخ ركابهم و هذا
ملقى رحالهم، و هنا تهرق دماوهم، طوبى لك من تربة عليك تهرق دماً الاحبة.

ترجمه:

(حديث دهم)

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمه الله عليه، از سعید بن عبد الله، از احمد ابن
محمد بن عيسى، از جعفر بن محمد بن عبید الله، از عبد الله ميمون قداح، از
حضرت ابي عبد الله عليه السلام آن حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمومنین علیه السلام در بین گروهی از اصحابشان به کربلاً عبور نمودند چشمهای مبارکشان غرق در اشک شد و سخت گریستند سپس فرمودند:

اینجا محل خواباندن مرکب هایشان بوده، و اینجا محل گذراندن اثاثشان می باشد و اینجا خون هایشان می ریزد، سپس به زمین خطاب کرده و فرمودند:

خوشا به حالت ای زمین که بر روی تو خون های دوستان خدا می ریزد.

متن:

حدثني ابي؛ و محمد بن الحسن، عن الحسن بن متيل، عن سهل ابن - زياد، عن علي بن اسباط، عن محمد بن سنان - عن حدثه - عن ابي عبد الله عليه السلام قال: خرج اميرالمومنين علي عليه السلام يسير بالناس حتى اذا كان من كربلاً علي مسيرة ميل او ميلين تقدم بين ايديهم حتى صار بمصارع الشهداء، ثم قال: قبض فيها مائتا نبي و مائتا وصي و مائتا سبط كلهم شهداً باتباعهم. فطاف بها علي بلغته خارجاً من الركب فانشا يقول: مناخ ركاب و مصارع الشهداء، لا يسبقهم من كان قبلهم و لا يلحقهم من اتى بعدهم.

ترجمه:

(حدیث یازدهم)

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهیل بن زیاد، از علی بن اسباط، از محمد بن سنان از کسی که برایش نقل نموده، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

امیرالمومنین علی علیه السلام با جماعتی از مردم از شهر خارج شده تا به یک یا دو میلی کربلاً و به محل افتادن شهدا رسیدند سپس فرمودند:

در این مکان دویست پیغمبر و دویست وصی پیغمبر و دویست سبط پیغمبر قبض روح شده که تمام آنها شهید هستند، پس از این کلام پای مبارک از رکاب

بیرون آورده و در حالی که روی قاطر بودند آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند:

محل خواباندن مرکبها، و محل افتادن شهداً، شهداً قبل از ایشان بر آنها سبقت نگرفته اند و کسانی هم که بعد از آنها خواهند آمد به ایشان ملحق نخواهند شد. مترجم گوید:

این عبارت کنایه است از اینکه از بد و خلقت تا انقراض عالم هیچ یک از شهدا مقام و منزلت شهدا کربلاً را ندارند.
متن:

حدثنی ابی و جماعة مشایخی -رحمة الله علیه - عن محمد بن یحیی العطار عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن عمرو بن ثابت، عن ابیه، عن ابی جعفر علیه السلام (قال: خلق الله تعالى کربلاً قبل ان یخلق الکعبة باربعة و عشرين الف عام، و قدسها و بارک علیها، فما زالت قبل ان یخلق الله الخلق مقدسة مبارکة، و لا تزال كذلك، و يجعلها افضل ارض فی الجنة).
ترجمه:

(حدیث دوازدهم)

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیه، از محمد بن یحیی العطار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از عمرو بن ثابت از پدرش از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال کربلاً را بیست و چهار هزار سال قبل از کعبه آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود و بعد از آفرینش آنها نیز چنین می باشد.

حق تبارک و تعالی آن را با فضیلت ترین زمین های در بهشت قرار داده است.

و روى هذا الحديث جماعة مشايخنا -رحمة الله عليه - :ابى؛ و اخى؛ و غيرهم، عن احمد بن ادريس، عن محمد بن احمد، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن على، عن ابى سعيد العصفرى، عن عمرو بن ثابت ابى المقدام، عن ابيه، عن ابى جعفر عليه السلام مثله، و زاد فيه: (وافضل منزل و مسكن يسكن الله فيه اولياً فى الجنة).

حدثنى ابى؛ و اخى؛ و على بن الحسين، عن على بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن محمد بن على قال: حدثنا عباد ابو سعيد العصفرى، عن عمرو بن - ثابت ابى المقدام عن ابيه، عن ابى جعفر عليه السلام - و ذكر مثله مع الزيادة -.

ترجمه:

(حديث سيزدهم)

این حدیث را گروهی از اساتید مارحمة الله عليه نقل کرده اند، ایشان پدرم و برادرم و غیر آنها بوده که از احمد بن ادريس و او از محمد و او از محمد بن الحسين و او از محمد بن على و او از ابو سعيد عصفرى و او از عمور بن ثابت ابى المقدم و او از پدرش و او از حضرت ابى جعفر عليه السلام مثل آن را نقل کرده منتهى فقره ذیل را به آن افزوده است:

و برترین منزل و مسکنی است که خداوند متعال دوستانش را در بهشت در آن اسکان می دهد.

پدرم و برادرم و على بن الحسين، از على بن ابراهيم بن هاشم، از پدرش محمد بن على، وى می گوید: عباد ابو سعيد عصفرى برايم از عمرو بن ثابت ابى المقدام و او از پدرش و او از حضرت ابو جعفر عليه السلام نقل کرده و مثل حدیث گذشته (حدیث دوازدهم) را با زیادى (یعنى همان فقره زائد که بعدا نقل کردیم) ذکر نموده است.

متن:

حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن علي بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن محمد بن علي قال: حدثنا عباد ابو سعيد العصفري، عن صفوان الجمال قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان الله تبارك و تعالی فضل الارضين و المياہ بعضها على بعض، فمنها ما تفاخرت و منها ما بغت، فما من ماء و لا ارض الا عوقبت لتركها التواضع لله حتى سلط الله المشركين على الكعبة، و ارسل الى زمزم ماء مالحا حتى افسد طعمه، و ان ارض كربلاً و ماء الفرات اول ارض و اول ماء قدس الله تبارك و تعالی، فبارك الله عليهما فقال لها: تكلمي بما فضلك الله تعالی فد تفاخرت الارضون و المياہ بعضها على بعض؟! قالت: انا ارض الله المقدسة المباركة؛ الشفا في تربتي و مائي، و لا فخر، بل خاضعة ذليلة لمن فعل بي ذلك، و لا فخر على من دوني، بل شكر الله فاکرمها و زاد في تواضعها و شكرها الله بالحسين عليه السلام و اصحابه، ثم قال ابو عبدالله عليه السلام: من تواضع الله رفعه الله و من تكبر وضعه الله تعالی.

ترجمه:

(حدیث چهاردهم)

یدرم رحمة الله عليه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از محمد بن علی، وی می گوید: عباد ابو سعید عصفری از صفوان جمال برای ما نقل کرد که او گفت:

شنیدم حضرت ابا عبد الله عليه السلام می فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین، و آب ها را بر بعضی دیگر تفضیل و برتری داد، پاره ای تفاخر و تکبر نموده و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از اینرو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت زیار تواضع و فورتنی در مقابل خدا را ترک کردند حتی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلط کرد و به زمزم آبی شور وارد نمود تا طمعش فاسد گردید.

ولی زمین کربلاً و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند متعال مقدس و پاکیزه شان نمود و برکت به آنها داد و سپس به آن زمین فرمود:
سخن گو به آنچه خدا تو را به آن فضیلت داده مگر نبوده که زمین ها و آبها بعضی بر برخی دیگر تفاخر و تکبر نمودند؟!!

زمین کربلاً عرضه داشت: من زمین خدا وبده که من را مقدس و مبارک آفرید، شفاً را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل می باشم، چنانچه بر زمین های دون خود نیز فخر نمی کنم بلکه خدا را شکر و سپاس می کنم پس خداوند متعال بواسطه حسین علیه السلام و اصحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود سپس حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:
کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

الباب التاسع و الثمانون فضل الحائر و حرمة

متن:

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه عبد الله بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن اسحاق بن عمار (قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: موضع قبر الحسين بن علي عليه السلام منذ يوم دفن فيه روضة من رياض الجنة، و قال: موضع قبر الحسين عليه السلام ترعة من ترع الجنة).

باب هشتم و نهم فضیلت زائر حسینی علیه السلام و حرمت آن

ترجمه:

(حدیث اول)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش عبد الله بن محمد بن عیسی، از حسن بن محبوب، از اسحق بن عمار وی گفت: شنیدم حضرت ابو عبد الله علیه السلام می فرمودند:

محل قبر حسین بن علی علیه السلام روزی که در آن دفن شدند باغی بود از باغ های بهشت و فرمود:

موضع قبر حسین علیه السلام باغی مرتفع بود از باغهای مرتفع بهشت.

حدثنی ابی؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن - عیسی بن عبید الیقطنی، عن محمد بن اسماعیل البصری - عن رواه - عن ابی عبد الله علیه السلام (قال: حرمة قبر الحسین فرسخ فی فرسخ من اربعة جوانبه).

ترجمه:

(حدیث دوم)

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی بن عبید الیقطنی، از محمد بن اسماعیل بصری، از کسی که برایش روایت نموده، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

حرم قبر حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف می باشد.

حدثني حكيم بن داود بن حكيم -رحمة الله عليه عن سلمة بن الخطاب، عن منصور بن العباس - يرفعه الى ابي عبد الله عليه السلام - قال: حریم قبر الحسين عليه السلام خمس فراسخ من اربعة جوانب القبر.

ترجمه:

(حديث سوم)

حكيم بن داود بن حكيم رحمة الله عليه، از سلمة بن خطاب، از منصور بن عباس حديث را تا حضرت ابي عبد الله عليه السلام مرفوعه نقل کرده و گفته است:

حضرت ابي عبد الله عليه السلام فرمودند:

حریم قبر حسين عليه السلام پنج فرسخ را چهار جانب قبر می باشد.

متن:

4- حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن الحسن بن محبوب، عن اسحاق بن عمرا (قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان لموضع قبر الحسين بن علي عليه السلام حرمة معلومة، من عرفها و استجار بها اجير، قلت: فصف لي موضعها جعلت فداك، قال: امسح من موضع قبره اليوم، فامسح خمسة و عشرين ذراعا من ناحية رجلية و خمسة و عشرين ذراعا مما يلي و جهة، و خمسة و عشرين ذراعا من خلفه، و خمسة و عشرين ذراعا من ناحية راسه، و موضع قبره منذ يوم دفن روضة من رياض الجنة، و منه معراج يعرج فيه باعمال زواره الى السماء، فليس ملك و لا نبي في السماوات الا و هم يسالون - الله ان ياذن لهم في زيارة قبر الحسين عليه السلام، ففوج ينزل و فوج يعرج).

5- حدثني ابي؛ و جماعة مشايخي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن هارون بن مسلم، عن عبد الرحمن الاشعث، عن عبد الله بن حمخاد الانصاري، عن عبد الله بن سنان، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: سمعته يقول: قبر

الحسين عليه السلام عشرون ذراعاً في عشرين ذراعاً مكسراً روضة من رياض الجنة -
و ذكر الحديث (-).

و عنه، عن سعد، عن احمد بن محمد، عن الحسن بن علي الوشأ، عن اسحاق
بن عمار، عن ابي عبد الله عليه السلام - مثله.
ترجمه:

(حدیث چهارم)

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسين بن الخطاب، از حسن بن محبوب،
از اسحاق بن عمار، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

برای جای قبر حسین بن علی عليه السلام حریم معلومی می باشد، کسی که آن را
بداند و پناهنده به آن شود پناه داده می شود.

محضرش عرضه داشتیم: فدایت شوم مکان حریم قبر را برای من بیان فرمائید
حضرت فرمودند:

از مکانی که امروز قبر آن است این طور ارزیابی کن:

از هر یک جوانب چهارگانه یعنی: جانب پا و جلو و پشت و سر بیست و
پنج ذراع اندازه بگیر و مساحتی که از ملاحظه آن بدست می آید حریم قبر می
باشد.

و مکان قبر روزی که حضرت در آن دفن شدند باغی از باغهای بهشت بوده،
و در همان جا نردبانی نصب شده و اعمال زوار آن جناب را بوسیله آن به
آسمان می برند و هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خدا در
خواست می کند که به او اذن زیارت قبر حسین عليه السلام داده شود پس دسته ای
برای زیارت به پائین آمده و گروهی پس از زیارت به بالا می روند.

(حدیث پنجم)

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از هارون مسلم، از عبد الرحمن اشعث از عبد الله بن حماد انصاری، از عبد الله بن سنان، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، وی گفت: شنیدم که حضرت می فرمودند: قبر حسین عليه السلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع باغی است از باغ های بهشت و به دنبال آن همان حدیث گذشته را ذکر فرمودند.

و از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد، از حسن بن علی و شأ از اسحق بن عمار، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام مثل همان حدیث مذکور نقل شده است.

الباب التسعون ان الحائر من المواضع التي يحب الله ان يدعى فيها

متن:

1- حدثني ابی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسن بن متیل، عن سهل بن - زیاد، عن ابی هاشم الجعفری قال: بعث الی ابوالحسن عليه السلام فی مرضه؛ و الی محمد بن حمزة، فسبقنی الیه محمد بن حمزة فاخبرنی انه ما زال یقول: ابعثوا الی الحائر (ابعثوا الی الحائر)، فقلت لمحمد: الا قلت ن انا اذهب الی الحائر؟! ثم دخلت علیه فقلت له: جعلت فداک انا اذهب الی الحائر، فقال انظروا فی ذلك، ثم قال: ان محمد لیس له سر من زید بن علی، و انا اکره ان یسمع ذلك، قال: فذکرت ذلك لعلی بن بلال، فقال: ما کان یصنع بالحائر و هو الحائر! فقدمت العسکری فدخلت علیه، فقال لی: اجلس - حین اردت القيام - فلما رایته انس بی ذکرت قول علی بن بلال، فقال لی: الا قلت له: ان رسول - الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یطوف بالبيت و یقبل الحجر، و حرمة النبی صلی الله علیه و آله و سلم و المومن اعظم من حرمة البيت، و امره الله ان یقف بعرفة، انما هی مواطن یحب الله ان یدکر فیها، فانا احب ان یدعی لی حیث یحب الله ان یدعی فیها، و الحائر من تلك المواضع.

باب نود حائر حسینی علیه السلام از مواضعی است که دعاً در آن محبوب خدا می

باشد

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام در حال بیماری، من و محمد بن حمزه را فرا خواندند، محمد بن حمزه بر من سبقت گرفت و زودتر از من به خدمتش شتافت و بعداً به من خبر داد که آن جناب پیوسته می فرمودند: شخصی را به حائر حسینی بفرسیتد تا برای من دعاً کند.

من به محمد گفتم: آیا محضرش عرض نکردی، من به حائر می روم؟! سپس بر آن حضرت وارد شده و عرضه داشتم: فدایت شوم من به حائر می روم.

حضرت فرمودند:

در این عمل دقت و احتیاط کنید کسی مطلع نشود، سپس فرمودند: محمد (ابن حمزه) سر زید بن علی را نگاه نداشت بلکه فاش کرد در حالی که من کراحت داشتم به سمع دیگران برسد.

ابو هاشم جعفری می گوید: این فرموده امام علیه السلام را به علی بن بلال گفتم و به وی رساندم که حضرت می فرمودند کسی را به حائر فرستاده تا برای من دعاً کند.

علی بن بلال گفت: حضرت چه کاری با حائر داشتند، خودشان حائر هستند!
من به عسکر رفته و بر آن جناب داخل گشته و مقداری که خدمتش بودم
خواستم بلند شده و بروم. حضرت به من فرمودند:
بنشین، پس چون عنایت و لطف حضرت را به خود دیدم نشست و کلام علی
بن بلال را محضرش بازگو نمودم.

حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ در اطراف خانه خدا طواف می کردند و حجر الاسود را
می بوسیدند در حالیکه حرمت پیامبر و مومن بالاتر از حرمت بیت الله می باشد
نیز خداوند متعال به حضرتش امر فرمود در عرفه وقوف کنند با اینکه حرمت
پیامبر از عرفه بیشتر و بالاتر است و سر آن این است که:
این گونه مواضع، موطن و اماکنی هستند که خدا دوست دارد در آنها یاد
شود، پس من نیز دوست دارم برای من در جای دعا شود که خدا در آنجا را
دوست دارد و حائر حسینی علیه السلام نیز از همین گونه مواضع می باشد.

متن:

2- حدثنی علی بن الحسین؛ و جماعة، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن -
عیسی، عن ابی هاشم الجعفری قال: دخلت انا و محمد بن حمزة علیه نعوذ و
هو علیل، فقال لنا: و جهوا قوما الی الحائر من مالی، فلما خرجنا من عنده قال
لی محمد بن حمزة: المشیر یوجهنا الی الحائر و هو بمنزلة من فی الحائر، قال:
فعدت الیه فاخبرته، فقال لی: لیس هو هكذا، ان الله مواضع یحب ان یعبد فیها، و
حائر الحسین علیه السلام من تلك المواضع).

3- قال الحسین بن احمد بن المغيرة: و حدثنی ابو محمد الحسن بن احمد ابن
- علی الرازی المعروف بالوهوردی بنیسابور بهذا الحدیث، و ذکر فی آخره غیر
ما مضی فی الحدیثین الاولین، احببت شرحه فی هذا الباب لانه منه:

قال ابو محمد الوهوردى: حدثنى ابو على محمد بن همام -رحمة الله عليه - قال: حدثنى محمد الحميرى قال: حدثنى ابو هاشم الجعفرى (قال: دخلت على ابى - الحسن على بن محمد صلى الله عليه وآله وهو محمود عليل، فقال لى: يا ابا هاشم ابعث رجلا من موالينا الى الحائر يدعوا الله لى، فخرجت، من عنده فاستقبلنى على بن بلال فاعلمته ما قال لى، و سألته ان يكون الرجل الذى يخرج، فقال: السمع و الطاعة و لكنى اقول: انه افضل من الحائر اذ كان بمنزلة من فى الحائر اذ كان بمنزلة من فى الحائر، و دعاوه لنفسه افضل من دعائى له بالحائر! فاعلمته عليه السلام ما قال: فقال لى: قل له: كان رسول الله صلى الله عليه وآله افضل من البيت و الحجر، و كان يطوف بالبيت و يستلم الحجر، و ان لله تعالى بقاعا يحب ان يدعى فيها فيستجيب لمن دعاه، و الحائر منها.

ترجمه:

(حديث دوم)

على بن الحسين و جماعتى از سعد بن عبد الله، از محمد بن عيسى، از ابى هاشم جعفرى، وى مى گوید:

من و محمد بن حمزه بر حضرت عسکرى عليه السلام وارد شده و عيادتش کردیم در حالى که آن حضرت بیمار بودند، حضرت به ما فرمودند:

از مال من گروهى را به حائر گسيل داريد.

ما وقتى از خدمتش مرخص شده و بيرون آمديم، محمد بن حمزه به من گفت:

حضرت ما را به حائر سوق دادند در حالى که خود ايشان به منزله همان کسى است که در حائر مى باشد (يعنى حضرت سيد الشهدا).

ابوهاشم مى گوید: دوباره نزد حضرتش رفته مقاله محمد بن حمزه را محضرش گفتم، حضرت فرمودند:

این طور نیست که او می گوید، خداوند متعال مواضعی دارد که می خواهد در آنها عبادت شود و حائر حسینی از آنها است.

(حدیث سوم)

حسین بن احمد بن مغیره می گوید:

ابو محمد حسن بن احمد بن علی رازی معروف به (و هوردی) در نیشابور این حدیث را برایم نقل کرد و در پایان آن فقره ای غیر از آنچه در دو حدیث اول و دوم گذشت را ذکر نموده که دوست داشتم در این باب شرحش دهم زیرا جزء این باب و توضیح آن چنین است:

ابو محمد و هوردی می گوید:

ابو علی محمد بن همام رحمه الله علیه گفت: محمد حمیری برایم نقل کرد که ابو هاشم جعفری گفت: بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد سلام الله علیهما وارد شدم در حالی که حضرت تب دار و بیمار بودند به من فرمودند: ای اباهاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعا کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش بازگو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده اند درخواست کرده و جوینا شدم.

علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می کنم ولی می گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر می باشد (یعنی حضرت سید الشهداء) و دعا آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعا من برای ایشان در حائر.

من محضر امام علیه السلام مشرف شده و مقاله علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود

افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می کرده و حجر را استلام می فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعاً، دعا کننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع می باشد.

الباب الحادی و التسعون ما يستحب من طين قبر الحسين عليه السلام و انه شفأ

متن:

1- حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن -
محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن كرام، عن ابن ابي يعفور قال:
قلت لابي عبد الله عليه السلام: ياخذ الانسان من طين قبر الحسين عليه السلام فينتفع به وياخذ
غيره فلا ينتفع به؟ فقال: لا؛ و الله الذي لا اله الا هو ما ياخذه احد و هو يرى ان
الله ينفعه به الا نفعه الله به.

باب نود و یکم شفأ بودن تربت قبر حضرت امام حسين عليه السلام و مقدار
مستحب بودن آن

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی،
از حسن بن علی بن فضال، از کرام، از ابن ابی یغفور، وی می گوید: محضر
حضرت ابی عبد الله عليه السلام عرضه داشتیم:

آیا این طور است که شخص تربت قبر امام حسین عليه السلام را وقتی اخذ نمود از
آن انتفاع برده ولی تربت غیر آن حضرت را وقتی اخذ کرد نمی تواند از آن نفع
ببرد؟

حضرت فرمودند:

نه این طور نیست که مجرد اخذ نمودن تربت این اثر را داشته باشد، به
خدائی که معبودی غیر از او وجود ندارد اخذ نمی کند احدی تربت قبر آن
حضرت را در حالی که معتقد است خداوند با آن نفع به او می رساند مگر آنکه
حتماً از آن منتفع می شود.

مترجم گوید:

آن چه از این حدیث استفاده می شود آن است که اثر تربت زمانی است که
شخص معتقد به آن باشد والا صرف اخذ تربت بدون اعتقاد تاثیر البته موثر نمی
باشد.

متن:

2 - حدثني محمد بن عبد الله، عن ابيه، عن ابي عبد الله البرقي - عن بعض اصحابنا - قال: دفعت الى امرة غزلا فقالت: ادفعه الى حجية مكة ليخاط به كسوة الكعبة، قال: فكرهت ان ادفعه الى الحجة، وانا اعرفهم، فلما ان صرنا الى المدينة دخلت على ابي جعفر عليه السلام فقلت له: جعلت فداك ان امرة اعطتني غزلا فقالت: ادفعه بمكة ليخاط به كسوة الكعبة؛ فكرهت ان ادفعه الى الحجة، فقال: اشتر به عسلا و زعفران و خذ من طين قبر الحسين عو اعجنه بماء السماء و اجعل فيه من الغسل و الزعفران و فرقه على الشيعة ليداووا به مرضاهم.

ترجمه:

(حدیث دوم)

محمد بن عبد الله، از پدرش از ابي عبد الله برقي، از برخی اصحاب، وی گفت:

زنی پشم ریسیده ای را به من داد و گفت آن را به پرده داران کعبه بده تا با آن برای کعبه پرده درست نمایند، وی گفت: چون پرده داران را می شناختم کراهت داشتم آن را به ایشان بدهم پس وقتی به مدینه رسیدم محضر مبارک حضرت ابي جعفر عليه السلام رسیده به ایشان عرض کردم: فدایت شوم زنی پشمی ریسیده به من داده و گفته که آن را به پرده داران کعبه بدهم تا پرده ای از آن برای کعبه درست کنند، من از دادن پشم به ایشان کراهت دارم تکلیف چیست؟

حضرت فرمودند:

با آن عسل و زعفران خریده و از قبر حسین عليه السلام مقداری تربت بردار و آن را با آب باران عجین نما و در آن عسل و زعفران را بریز و سپس معجون بدست آمده را بین شیعیان تقسیم نما تا با آن مریض های خود را مداوا کنند.

متن:

3- حدثني ابي، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن -
اسماعيل البصرى، و لقبه فهد - عن بعض رجاله - عن ابي عبد الله عليه السلام (قال:
طين قبر الحسين عليه السلام شفاً من كل دأ).

4- و عنه، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن الحسين بن سعيد، عن ابيه، عن
محمد بن سليمان البصرى، عن ابيه عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: فى طين قبر
الحسين عليه السلام الشفاً من كل دأ، و هو الدواء الاكبر).

5- حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين - عن شيخ من اصحابنا -
عن ابي الصباح الكناني، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: طين قبر الحسين عليه السلام فيه
شفاً و ان اخذ على راس ميل).

6- و روى عن ابي عبد الله عليه السلام قال: من اصابته علة فبدء بطين قبر الحسين
عليه السلام شفاه الله من تلك العلة الا ان تكون علة السام.

ترجمه:

(حديث سوم)

پدرم از سعد بن عبد الله، از محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل كه لقبش
فهد مى باشد از برخى رجالش از حضرت ابي عبد الله عليه السلام نقل کرده كه آن
حضرت فرمودند:

ترت قبر حضرت امام حسين عليه السلام شفاً هر دردى مى باشد.

(حديث چهارم)

و از پدرم، سعد بن عبد الله، از احمد بن الحسين بن سعيد، از پدرش، از
محمد بن سليمان بصرى، از پدرش، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام نقل شده كه آن
حضرت فرمودند: در تربت قبر امام حسين عليه السلام شفاً هر دردى بوده و آن دوا
اكبر مى باشد.

(حديث پنجم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از بزرگی از اصحاب ما، از ابی الصباح کنانی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
 تربت قبر امام حسین علیه السلام در آن شفاً بوده اگر چه به قدر سر میل (میلی که با آن سر مه می کشند) باشد.
 (حدیث ششم)

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مروی است که فرمودند:

کسی که مرض و بیماری بر او عارض شده اگر قبل از خوردن هر داروئی تربت قبر امام حسین علیه السلام را بخورد خداوند منان او را از آن مرض شفا می دهد مگر از مرگ.

متن:

7 - حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن علي بن - محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصم قال: حدثنا مدلج، عن محمد بن مسلم قال: خرجت الى المدينة و انا وجع، فقيل له: محمد بن مسلم وجع فاراسل الى ابو جعفر عليه السلام شرباً مع غلام مغطى بمنديل، فتناولني الغلام و قال لي: اشربه فانه قد امرني ان لا ابرح حتى تشربه، فتناولته فاذا رائحة المسك منه، و اذا بشراب طيب الطعم بارد، فلما شربته قال لي الغلام: يقول لك مولاك: اذا شربته فتعال.

ففكرت فيما قال لي و ما اقدر على النهوض قبل ذلك على رجلي، فلما استقر الشراب في جوفى فكانما نشطت من عقال، فاتيت بابه فاستاذنت عليه فصوت بي: صح الجسم الدخل! فدخلت عليه و انا باك، فسلمت عليه و قبلت يده و راسه؛

فقال لي: و ما يبكيك يا محمد؟! قلت: جعلت فداك ابكي على اغترابي و بعد الشقة و قلة القدرة على المقام عندك انظر اليك؛

فقال لي: اما قلة القدرة فكذلك جعل الله اوليانا و اهل مودتنا، و جعل البلاء اليهم سريعا، و اما ما ذكرت من الغربة، و فان المومن في هذه الدنيا غريب و في هذا الخلق المنكوس، حتى يخرج من هذه الدار الى رحمة الله عليه، و اما ما ذكرت من بعت الشقة فلك بابي عبد الله عليه السلام اسوة بارض نائية عنا بالفرات، و امام ما ذكرت من حبك قربنا و النظر الينا؛ و انك لا تقدر على ذلك، فالله يعلم ما في قلبك و جزاوك عليه؛

ترجمه:

(حديث هفتم)

محمد بن عبد الله جعفر حميري، از پدرش، از علي بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری، از عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، وی گفت:

مدلج برای ما از محمد بن مسلم حدیثی نقل کرد که وی گفت: من به مدینه رفتم در حالی که دردمند بودم محضر امام رساندند که محمد بن مسلم دردمند است، حضرت ابو جعفر عليه السلام شربتی برایم فرستادند آورنده غلامی بود که دستاری به سر بسته بود، بهر صورت غلام شربت را به من داد و گفت:

این را بیاشام زیرا حضرت به من امر فرموده اند تا تو این را نیاشامیده ای من از نزدت بروم، پس شربت را گرفتم، بوی مشک از آن می آمد، شربتی پاکیزه، طعمی خنک داشت وقتی آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

آقایتم فرموده: وقتی شربت را خوردی به نزدش حاضر شو.

من در این گفتار می اندیشدم که پیش از نوشیدن شربت قادر نبودم. روی پاهایم بایستم حال چطور حرکت کرده و به محضرش بروم، بهر صورت وقتی شربت در جوف من قرار گرفت گویا از بند رها شدم پس درب منزل حضرت آمده از آن جناب اذن خواستم، حضرت با صدای بلند فرمودند:

جسمت بهبودی یافت داخل شو!

پس داخل شده در حالی که می گریستم، سلام بر آن حضرت کرده و دست و سر آن سرور را می بوسیدم.

حضرت به من فرمودند:

ای محمد، چرا گریه می کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم

گریه ام بخاطر این چند چیز است:

الف: غریبم.

ب - از شما دور هستم.

ج: قدرتم کم و ضعیف می باشم.

د - قادر نیستم نزد شما رحل اقامت انداخته و به شما بنگرم.

حضرت فرمودند:

اما کم بودن قدرت، البته همین طور است، خداوند دوستان ما را این چنین قرار داده و سریعاً بلاء را بر ایشان نازل می کند.

و اما اینکه گفتم: غریب هستی، مومن در دنیا و بین این خلق نگون سار غریب می باشد تا از این دار فانی به رحمت باری منتقل شود.

و اما اینکه گفتم مکانت دور است و از ما فاصله داری، بر تو باد به پیروی نمودن از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ (منظور از ابی عبد الله خود آن حضرت می باشد) زیرا ما نیز از زمینی که محبوب و مطلوبمان است (مراد کربلاً می باشد) دور بوده و بواسطه فرات بین ما و آن زمین فاصله افتاده است.

و امام اينکه گفتي دوست داري نزديک ما بوده و بما نظر افکني و بر اين معنا قادر نيستی، خداوند متعال بر آنچه در قلب تو است آگاه بوده و تو را بر همان پاداش و جزا می دهد.

متن:

ثم قال لي: هل تاتي قبر الحسين عليه السلام؟ قلت: نعم؛ علي خوف و وجل، فقال: ما كان في هذا اشد فالثواب فيه علي قدر الخوف، و من خاف في اتيانه امن الله روعته يوم يقوم الناس لرب العالمين، وانصرف بالمغفرة، و سلمت عليه الملائكة و راه النبي صلى الله عليه وآله وسلم و ما يصنع، و دعا له: و انقلب بنعمة من الله و فضل لم يمسه سوء و اتبع رضوان الله؛

ثم قال لي: كيف وجدت الشراب؟ فقلت: اشهد انكم اهل بيت الرحمة و انك وصي الاوصياء، و لقد اتاني الغلام بما بعثته و ما اقدر علي ان استقل علي قدمي، و لقد كنت آيسا من نفسي، فنا لني الشراب فشربته فما وجدت مثل ريحه و لا اطيب من ذوقه و لا طعمه و لا ابرد منه، فلما شربته قال لي الغلام: انه امرني ان اقول لك: اذ شربته فاقبل الي؛ و قد علمت شدة مابي، فقلت: لاذهبن اليه و لو ذهبت نفسي، فاقبلت اليك فكانني انشطت من عقال، فالحمد لله الذي جعلكم رحمة لشيعتكم (و رحمة علي)؛

فقال: يا محمد ان الشراب الذي شربته فيه من طين قبر الحسين عليه السلام، و هو افضل ما استشفى به، فلا تعدل به، فانا نسقيه صبياننا و نسانا فترى فيه كل خير، فقلت له: جعلت فداك انا لناخذ منه و نستشفى به؟

فقال: ياخذ الرجل فيخرجه من الحائر و قد اظهره فلا يمر باحد من الجن به عاهة، و لا دابة و لا شئ ء فيه آفة الا شمه فتذهب بركته فيصير بركته لغيره، و هذا الذي نتعالج به ليس هكذا، و لو لا ما ذكرت لك ما يمسح به شئ و لا شرب منه شئ ء الا افاق من ساعته، و ما هو الا كحجر الاسود اتاه صاحب العاهات و

الكفر و الجاهلية، و كان يتمسح به احد الا افاق، و كان كايض ياقوة فاسود حتى صار الى ما رايت فقلت: جعلت فداك و كيف اصنع به؟ فقال: تصنع به مع اظهارك اياه ما يصنع غيرك تستخف به فتطرحه في خرجك و في اشياً دنسة فيذهب ما فيه مما تريده له، فقلت: صدقت جعلت فداك، قال: ليس ياخذة احد الا و هو جاهل باخذة و لا يكاد يسلم بالناست فقلت: جعلت فداك و كيف لي ان آخذة كما تاخذة؟ فقال لي: اعطيك منه شيئاً؟ فقلت: نعم، قال: اذا اخذته فكيف تصنع به؟ فقلت: اذهب به معي، فقال: فياي شي تجعله؟ فقلت: في ثيابي قال: فقد رجعت الى ما كنت تصنع، اشرب عندنا منه حاجتك و لا تحمله، فانه لا يسلم لك، فسقاني من مرتين، فما اعلم اني وجدت شيئاً مما كنت اجد حتى انصرفت.

ترجمه:

(دنباله حديث هفتم)

سپس حضرت به من فرمودند:

آيا به زيارت قبر حسين عليه السلام مي روی؟

عرض کردم: بلی، منتهی با خوف و هراس.

حضرت فرمودند:

هر چه در اين زيارت شدت و سختی به بينی و خوف و هراس تو بیشتر باشد، ثواب و اجرت بهمان قدر افزون می گردد، و کسی کی در زيارت آن حضرت خوف داشته و با اين حال آن جناب را زيارت کند حق تعالی او را از وحشت روزی که مردم برای حساب در مقابل پروردگار عالميان می ایستند (يعنی روز قیامت) در امان نگه می دارد و اين شخص از زيارت بر می گردد در حالی که حق تعالی گناهایش را آمرزیده و فرشتگان بر او درود و سلام می دهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او و آنچه را بجا آورده دیده و برایش دعأ می

فرمایند، و وی به نعمت و فضل خدا روی آورده و هیچ رنج و تعبیه به او متوجه نشده و رضایت و خشنودی خدا را پی گیری می نماید.

سپس حضرت به من فرمودند:

شربت را چگونه یافتی؟

عرض کردم: شهادت می دهم شما اهل بیت رحمت بوده و شما جانشین جانشینان پیامبر هستید غلامی نزد من آمد و آنچه عنایت کرده بودید به من رساند، قبل از آن قادر نبودم مستقلاً روی پا خود بایستم و از خود مایوس شده بودم، وی شربت را که به من داد و من آن را نوشیدم بوئی به آن خوشی تا بحال استشمام نکرده و مزه ای تا بحال به آن پاکیزگی نچشیده و طعمی به آن مطبوعی تا کنون حس ننموده و بگواراتر از آن هرگز بر نخورده بودم، و هنگامی که آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

حضرت به من امر فرموده اند به تو بگویم: وقتی نوشیدی نزد من بیا.

من به وخامت حال و شدت درد خود واقف بودم، لذا حدیث نفس نموده و به خود گفتم.

حتماً خدمتش مشرف خواهم شد اگر چه جانم را از دست بدهم، پس به سوی شما روی آوردم ولی گویا از بند رها گشتم، پس حمد و سپاس خدائی را که شما را رحمت برای شیعیان و رحمت برای من نیز قرار داده است.

حضرت فرمودند:

ای محمد، شربتی که نوشیدی در آن تربت قبر حسین علیه السلام بود و آن بهترین داروئی است که به منظور استشفاء مصرف می کنند و با آن هیچ دوائی را برابر و مساوی ندان، ما به اطفال و زنان خود آن را می خورانیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده ایم.

خدمت‌ش عرضه داشتیم: فدایت شوم از آن برداشته و استشفأ به آن بجوئیم؟
حضرت فرمودند:

بسا شخصی آنرا اخذ کرده و با خود از حائر بیرون می برد و بر دیگران اظهار نموده و مخفی نمی کند پس مرور به جنی می کند که در او مرض و بیماری بوده یا به حیوان و موجودی که دارای آفت است می گذرد پس آن را می بویند و برکتش زائل گشته و بدین ترتیب برکت آن برای غیر مصرف می شود اما تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می کنیم این طور نیست، و اگر دیگران نیز رعایت کنند و آنچه را که برایت گفتم منظور داشته و تربت ماخوذ را از مرای و منظر دیگران بر حذر داشته و در معرض قرار ندهند مسلماً با هیچ شیئی تماس پیدا نکرده و هیچ کس از آن تناول ننموده مگر در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد افاقه پیدا می کند، و سرگذشت این تربت نظیر سرگذشت حجر الاسود است که صاحب آفات و امراض و کفر و جاهلیت با آن تماس پیدا می کردند و پس از تماس مرض و عیب و نقصی که داشتند بر طرف می شد.

این سنگ در بدو امر همچون یاقوت سفید و شفافی بود که پس از این تماس ها و اصابت این اشیا آلوده با آن رفته رفته رنگش تیره و سیاه شد و به این صورتی که اکنون می بینی در آمد.

این تربت نیز به واسطه تماس با اشیا آلوده و افراد ناصالح خاصیت و اثرش زائل گردیده و آن تأثیری را که باید داشته باشد ندارد لذا تو نمی توانی اثر مطلوب را از آن بهره برداری کنی.

محضر مبارکش عرض کردم: مگر با آن چه می کنم؟
حضرت فرمودند:

وقتی آن را اظهار کرده و در معرض قرار دادی با آن همان عملی را کرده که دیگران می کنند، یعنی آن را مورد استخفاف قرار داده و سبک می شماری از این رو بسا آن را در خورجین انداخته و در بین اشیاء آلوده می گذاری در نتیجه اثری را که از آن انتظار داری نخواهی دید و آن از تربت زائل گردیده، خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم واقع امر همین است و صحیح می فرمائید.

سپس حضرت فرمودند: احدی آن را اخذ نکرده مگر آنکه جاهل است به کیفیت اخذ و رعایت آداب آن لذا بر ایشان سالم نمی ماند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم چگونه آن را بردارم تا اخذ من نظیر اخذ

شما باشد؟

حضرت فرمودند:

آیا مقداری از آن را به تو بدهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

وقتی از من گرفتی با آن چه می کنی؟

عرض کردم: با خود می برم.

فرمودند:

در چه چیز آن را قرار می دهی؟

عرض کردم: در لباس های خود آن را می گذارم.

حضرت فرمودند:

باز این عمل مثل عمل سابق شد و به آنچه قبلاً رفتاری کردی برگشتی، این

کار را مکن بلکه، وقتی آن را از من گرفتی تا نزد من هستی تناولش کن که

حاجت روا می شود و هرگز با خودت حمل مکن زیارت در این صورت اثری نداشته و برایت سالم نمی ماند.

سپس محمد بن مسلم می گوید:

حضرت از آن دوبار به من خوراندند و پس از آن درد و الم و بیماری که داشتم در خود نیافته و به کلی برایم بهبودی حاصل شد و پس از آن به وطن خویش برگشتم.

متن:

8- حدثني محمد بن الحسين بن مت الجوهري، عن محمد بن احمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن الخيبري، عن ابي ولاد، عن ابي بكر الحضرمي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: لو ان مريضا من المومنين يعرف حق ابي عبد الله عليه السلام و حرمة و ولايته اخذ من طين قبره مثل راس انملة كان له دواً.

ترجمه:

(حدیث هشتم)

محمد بن الحسين بن مت الجوهري از محمد بن احمد بن يحيى، از محمد ابن الحسين، از محمد بن اسماعيل، از خيبري، از ابي ولاد از ابي بكر حضرمي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

اگر مريضی از اهل ايمان که بحق حضرت ابي عبد الله (حضرت سيد الشهدا عليه السلام) سلام الله عليه آگاه و عارف است و به حرمت و ولايت آن جناب آشنا است از تربت قبرش به مقدار سر بند انگشت بردارد همان برای او دوا می باشد.

الباب الثاني و التسعون ان طين قبر الحسين عليه السلام شفاً و امان

متن:

1- حدثني ابي؛ و جماعة -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن محمد ابن عيسى - عن رجل - (قال: بعث الى ابو الحسن الرضا عليه السلام من خراسان ثياب رزم و كان بين ذلك طين، فقلت للرسول: ما هذا؟ قال: طين قبر - الحسين عليه السلام؛ ما كان يوجه شيئاً من الثياب و لا غيره الا و يجعل فيه الطين، و كان يقول: هو امان باذن الله).

2- حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، عن الحسين بن ابي العلاء (قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: حنكوا اولادكم بتربة الحسين عليه السلام فانه امان).

3- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن ايوب بن نوح عن عبد الله بن المغيرة قال: حدثنا ابو اليسع قال: سال رجل ابا عبد الله عليه السلام - و انا اسمع - قال: اخذ من طين قبر الحسين و يكون عندي اطلب بركته؟ قال: لا باس بذلك.

باب نود و دوم تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاً و امان می باشند

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم و جماعتی رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت: حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام از خراسان بقچه ای برایم فرستادند که در بین آن تربتی بود، به آورنده بقچه گفتیم این تربت چیست؟

گفت: تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام است، حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام جامه یا غیر آن را وقتی به جایی می فرستند حتما همراه آن تربت سید الشهدا علیه السلام را قرار داده و می فرمایند: این تربت به اذن خدا امان و مجیب حفظ مال می باشد.

(حدیث دوم)

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبد الله بن القاسم، از حسین بن ابی العلاء، وی می گوید: از حضرت ابی عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: فرزندانان را با تربت حسین علیه السلام تحفیک کنید (یعنی تربت را به سقف دهانشان بمالید) زیرا تربت موجب امان و حفظ آنها است.

(حدیث سوم)

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبد الله، از ایوب بن نوح، از عبد الله بن مغیره نقل کرده که وی گفت: ابو السیخ برای ما، حدیثی نقل کرد و گفت:

شخصی از حضرت ابا عبد الله عليه السلام سوال کرد و من می شنیدم، وی پرسید:
آیا از تربت قبر امام حسین عليه السلام بردارم و با آن طلب برکت کنم؟
حضرت فرمودند: هیچ باکی نیست.

متن:

4- و عنه، عن سعد، عن احمد بن عيسى، عن العباس بن موسى الوراق، عن
يونس، عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن زياد، عن عمته (قالت: سمعت ابا
عبد الله عليه السلام يقول: ان في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاً من كل دأ، و
امانا من كل خوف).

5- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن احمد بن ادريس؛ و محمد بن يحيى،
عن العمركي بن علي البوفكي، عن يحيى - و كان في خدمة ابي جعفر الثاني -
عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن مارد، عن عمته (قالت: سمعت ابا عبد الله
عليه السلام يقول: ان في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاً من كل دأ و امانا من
كل خوف).

6- حدثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل،
عن الخيبري، عن ابي ولاد، عن ابي بكر الحضرمي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: لو
ان مريضاً من المومنين يعرف حق ابي عبد الله عليه السلام و حرمة و ولايته اخذ له من
طين قبره على راس ميل كان له دواً و شفاً.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عيسى، از عباس بن موسى وراق، از
يونس، از عيسى بن سليمان از محمد بن زياد، از عمه اش منقول است که وی
گفت:

از حضرت ابي عبد الله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:

تربت حائری که حضرت امام حسین علیه السلام در آن هستند شفاً از هر دردی بوده و امان است از هر خوف و هراسی.

(حدیث پنجم)

پدرم رحمة الله علیه، از احمد بن ادریس، و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، از یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود، از عیسی بن سلیمان، از محمد بن مارد، از عمه اش وی گفت:

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

بطور قطع و حتم در تربت حائری که در آن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد شفاً است از هر دردی و امان است از هر خوف و هراسی.

(حدیث ششم)

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام عارف و آگاه بوده و با حرمت و ولایتش آشنا است.

از تربت قبر حضرتش به مقدار سر میل (میل کحالی یا میل جراحی) بردارد و همان برایش دواً و شفاً می باشد.

الباب الثالث و التسعون من این یوخذ طین قبر الحسین علیه السلام و کیف

یوخذ

متن:

1- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن سعد بن عبد الله، عن یعقوب بن یزید، عن الحسن بن علی، عن یونس بن ربیع، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان عند راس

الحسين بن علي عليه السلام لتربة حمراً فيها شفاً من كل دأ الا السام، قال: فاتين القبر بعد ما سمعنا هذا الحديث فاحترفنا عند راس القبر، فلما حفرنا قدر ذراع انحدرت علينا من راس القبر مثل السهلة حمراً قدر درهم فحملناه الى الكوفة فمزجناه و خبئناه، فاقبلنا نعطي الناس يتداوون به).

2- حدثني ابي؛ و محمد بن الحسن؛ و علي بن الحسين؛ عن سعد، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن رزق الله بن العلاء، عن سليمان بن عمر و السراج - عن بعض اصحابنا - عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: يوخذ طين قبر الحسين عليه السلام من عند القبر على قدر سبعين باعاً).

3- حدثني علي بن الحسين، عن علي بن ابراهيم، عن ابراهيم بن اسحاق النهاوندي، عن عبد الله بن حماد الانصاري، عن عبد الله بن سنان، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: اذا تناول احدكم من طين قبر الحسين فليقل:

(اللهم انى اسالك بحق الملك الذى تناوله، و الرسول الذى بواه، و الوصى الذى ضمن فيه، ان تجعله شفاً من كل دأ (كذا و كذا) و يسمى ذلك الدأ.

باب نود و سوم مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از یعقوب بن یزید، از حسن بن علی، از یونس بن ربیع، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:
نزد سر مبارک حسین بن علی علیه السلام تربت قرمزی است که در آن شفأ هر دردی غیر از مرگ می باشد یونس بن ربیع می گوید: بعد از اینکه، این حدیث را شنیدم نزد قبر حاضر شده و طرف سر قبر را حفر کردیم و چون به قدر یک ذراع کندیدم از راس قبر خاک هائی مثل ریگ های ریزی که آب آنها را با خود می آورد بر ما ریخت، رنگ آنها قرمز و اندازه شان قدر یک درهم بود، آنها را با خود به کوفه آورده پس ممزوج و عجینشان کرده و پنهانشان نمودیم و بعد به تدریج از آن به مردم می داده تا با آن مریض های خود را مداوا کند.

(حدیث دوم)

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از زرق الله بن علاء، از سلیمان بن عمرو سراج، از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام را از نزدیک قبر تا فاصله هفتاد باع اخذ می کنند.

مترجم گوید:

(باع) عبارت است از فاصله بین سر انگشت دست راست و سر انگشت

دست چپ زمانی که دو دست را افقی به طرفین باز کنند.

(حدیث سوم)

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، از عبد الله بن حماد انصاری، از عبد الله بن سنان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

هر گاه کسی از شما تربت قبر حسین علیه السلام را تناول کرد بگوید:
بار خدایا از تو سوال می کنم به حق فرشته ای که آن را اخذ نموده و رسولی که آن را جای داده و وصی که در آن پنهان شده آن را شفأ از هر دردی قرار بده (نام دردهای مورد نظر را ببرند).

متن:

4 - حدثني حكيم بن داود، عن سلمة، عن علي بن الريان بن الصلت، عن الحسين بن اسد، عن احمد بن مصقلة، عن عمه، عن ابی جعفر الموصلي ان ابا جعفر علیه السلام قال: اذا اخذت طين قبر الحسين فقل:

(اللهم بحق هذه التربة، و بحق الملك الموكل بها، و الملك الذي كربها، و بحق الوصي الذي هو فيها، صل على محمد و آل محمد، و اجعل هذا الطين شفأ من كل دأ و امانا من كل خوف).

فان فعل ذلك كان حتما شفأ (له) من كل دأ، و امانا من كل خوف.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

حکیم بن داود، از سلمه، از علی بن ریان بن صلت، از حسین بن اسد، از احمد بن مصقله، از عمویش، از ابی جعفر موصلی، وی گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هر گاه تربت قبر حسین علیه السلام را اخذ کردی بگو:

خدایا به حق این تربت و بحق فرشته ای که موکل بر آن است، و به حق فرشته ای که آن را حفر نموده و به حق وصی که در درون آن است، درود

بفرست بر محمد و آل محمد و قرار بده این تربت را شفأ از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی.

سپس حضرت فرمودند:

اگر شخصی چنین کند حتما تربت شفأ از هر دردی خواهد بود و از هر خوفی امان برایش می باشد.

متن:

5- حدثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن ابيه، عن جده علي ابن - مهزيار، عن الحسن بن سعيد، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصبم قال: حدثنا ابو عمرو شيخ من اهل الكوفة، عن ابي حمزة الثمالي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: كنت بمكة - و ذكر في حديثه - قلت: جعلت فداك اني رايت اصحابنا ياخذون من طين الحائر ليستشفون به؛ هل في ذلك شىء مما يقولون من الشفأ؟ قال: قال: يستشفى بما بينه و بين القبر على راس اربعة اميال، و كذلك قبر جدى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، و كذلك طين قبر الحسن و على و محمد، فخذ منها فانها شفأ من كل سقم، و جنة مما يخاف، و لا يعدلها شىء من الاشياء التى يستشفى بها الا الدعأ و انما يفسدها ما يخالطها من او عيتها و قلة اليقين لمن يعالج بها، فاما من ايقن أنهاله شفأ اذا يعالج بها كفته باذن الله من غيرها مما يتعالج به، و يفسدها الشياطين و الجن من اهل الكفر من هم يتمسحون بها، و ما تمر بشىء الا شمها، و اما الشياطين و كفار الجن فانهم يحسدون بنى آدم عليها فيتمسحون بها فيذهب عامة طبيها، و لا يخرج الطين من الحائر الا و قد استعد له ما لا يحصى منهم و انه لفي يد صاحبها، و هم يتمسحون بها، و لا يقدرن مع الملائكة ان يدخلوا الحائر و لو كان مت التربة شىء يسلم ما عولج به احد الا برى من ساعته فاذا اخذتها فاكتمها، و اكثر عليها من ذكر الله تعالى، و قد بلغنى ان بعض من ياخذ من التربة شيئاً يستخف به حتى ان بعضهم ليطرحها فى مخللة الابل و البغل و الحمار

او فی وعاء الطعام و ما یمسح به الایدی من الطعام، و الخرج و الجوالق،! فکیف
یستشفی به من هذا حاله عنده؟ و لكن القلب الذی لیس فیہ الیقین من المستخف
بما فیہ صلاحه یفسد علیه عمله.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از
حسن بن سعید، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، وی می گوید:
ابو عمرو که شیخی از اهل کوفه بود برای ما حدیث گفت، وی از ابو حمزه
ثمالی و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: من در مکه بودم
(... در اثناً حدیثش گفت):

فدایت شوم می بینم اصحابمان را که تربت حائر را برای استشفاء اخذ می
کنند، آیا اینکه می گویند در این تربت شفا هست درست است؟
وی گفت: امام علیه السلام فرمودند:

استشفاء می جویند به تربتی که از قبر تا راس چهار میلی قرار گرفته و شفاً
حاصل می شود و همچنین است قبر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز همینطور
است تربت قبر حضرات امام حسن و علی بن الحسین و محمد بن علی
علیه السلام، پس از تربت این قبور مطهره اخذ کن که شفاً است برای هر دردی و
حافظ است از آنچه خوف و هراسی داری و هیچ داروئی معائل آن نبوده مگر
دعاً، و باید توجه داشت اگر فسادى در این تربت دیده می شود و احیاناً تاثیر
ندارد این فساد ناشی از سه چیز است:

الف: آنچه با آنها مخلوط می گردد (مراد ظروفی است که تربت ها را در آنها

می ریزند).

به کسانی که با این تربت استشفاً می جویند اعتقاد و یقینشان به حصول شفأ اندک می باشد.

ولی آنانکه یقین کامل دارند که در صورت معالجه با آن شفأ بر ایشان حاصل می شود و آنرا بکار بردند به اذن خدا معالجه شده و این تربت آنها را از داروهای دیگر مستغنی می نماید.

ج: شیاطین و جن هائی هستند از اهل کفر که تربت رامسح نموده و بدین ترتیب آن را فاسد می کنند این موجودات به چیزی مرور نکرده مگر آنکه آن را می بویند و بواسطه استشمام اثر تربت را می برند.

شیاطین و جن های اهل کفر بر بنی آدم حسد برده و این تربت را مسح نموده و بوی آن را از بین می برند و اساساً تربت از حائر خارج نمی شود مگر آنکه جماعتی از این شیاطین و جن ها که تعدادشان قابل احصا نیست آماده اند برای اینکه تربت را اگر چه در دست صاحبش هست مسح نموده و اثرش را زائل کنند و اینکه بیرون حائر هستند و نمی توانند به درون آن نفوذ کنند بخاطر وجود فرشتگان در حائر می باشد.

و اگر تربتی سالم بوده و از تماس شیاطین و جن ها در امان مانده باشد مسلماً احدی با آن معالجه نکرده مگر آنکه در ساعت بهبودی برایش حاصل می شود، بنابراین اگر می خواهی تربت سالم بماند وقتی اخذش نمودی پنهانش کن و زیاد اسم خداوند متعال را بر آن بخوان و بدم.

خبر رسیده که برخی از کسانی که تربت را اخذ نموده اند آنرا مورد استحقاف قرار بده حتی پاره ای از ایشان آنرا در توبره و علف دان شتر و قاطر و دراز گوش یا در ظرف طعام انداخته و یا با دست های آلوده به طعام و غذا آنرا مسح

نموده و یا آن را در خورجین می نهند و با این حال چگونه با آن شفأ حاصل شود؟!

چنانچه قلبی که در آن یقین و اعتقاد به تاثیر تربت نیست و صاحبش به آن چه مصلحت و صلاح خودش در آن است استحفاف می ورزد اثر و عمل تربت را قطعاً فاسد می نماید.

متن:

6- حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن - محمد بن - محمد بن عيسى، عن رزق الله بن العلاء، عن سليمان بن عمر و السراج - عن بعض اصحابنا - عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: يوخذ طين قبر الحسين عليه السلام من عند القبر على سبعين باعا في سبعين باعا).

7- حدثني محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد - رفعه - (قال: قال: الختم على طين قبر الحسين عليه السلام ان يقرء عليه: (انا انزلناه في ليلة القدر)).

8- و روى اذا اخذته فقل: اللهم بحق هذه التربة الطاهرة، و بحق البقعة الطيبة، بحق الوصى الذى تواريه، و بحق جده و ابيه، و امه و اخيه، و الملائكة الذين يحفون به، و الملائكة العكوف على قبر وليد، ينتظرون نصره صلى الله عليهم اجمعين لى فيه شفأ من كل دأ، و امانا من كل خوف، و غن من كل فقر، و عزا و عزا من كل ذل، و اوسع به على فى رزقى، و اصح به جسمى.

ترجمه:

(حدیث ششم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از رزق الله بن العلاء، از سليمان بن عمرو سراج از برخی اصحابمان، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

ترتت قبر حسین علیه السلام را از اطراف قبر به مساحت هفتاد باع در هفتاد باع می توان اخذ نمود.

(حدیث هفتم)

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، وی حدیث را بطور مرفوعه نقل کرده و گفته است:

ختم بر ترتت قبر حسین علیه السلام و متمم فائده آن این است که سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر را بر آن خوانده و به آن بدمند.

(حدیث هشتم)

مروی است هر گاه ترتت را اخذ نمودید بگوئید:

خدایا، بحق این ترتت پاک و به حق این بقعه پاکیزه و به حق وصی که این ترتت پنهانش نموده و به حق جد و پدرش، و مادر و برادرش، و فرشتگانی که دورش طواف می کنند و بحق فرشتگانی که بر سر قبر ولی تو درنگ و توقف نموده و انتظار کمکش را می کشند صلوات الله علیهم اجمعین.

برای من در این ترتت شفأ از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی و بی نیازی از هر فقری و عزت از هر ذلتی را قرار بده و به واسطه اش روزی را بر من فراخ و واسع نما، و جسمم را به سببش صحیح و سالم گردان.

متن:

9- حدثنی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن علی بن -
محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصری عن عبد الله
بن عبد الرحمن الاصم - عن رجل من اله الكوفة - قال: قال ابو عبد الله
علیه السلام: حریم قبر الحسین علیه السلام فرسخ فی فرسخ فی فرسخ.

ترجمه:

(حدیث نهم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از مردی از اهل کوفه، وی گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: حریم قبر حسین علیه السلام از چهار جانب محوطه ای است به مساحت یک فرسخ در یک فرسخ یعنی مربعی که هر ضلعش یک فرسخ می باشد.

متن:

10- حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن سعد بن صالح، عن الحسن بن علي بن ابي المغيرة، - عن بعض اصحابنا - قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: اني رجل كثير العلل و الامراض، و ما ترك دواً الا و قد تداويت به؟ فقال لي: فإين انت عن تربة الحسين عليه السلام فان فيها الشفاً من كل داء، و الا من كل خوف، و قل - اذا اخذته -:

(اللهم اني اسالك بحق هذه الطينة، و بحق الملك الذي اخذها، و بحق النبي الذي قبضها، و بحق الوصي الذي حل فيها، صل على محمد و اهل بيته، و اجعل لي فيها شفاً من كل داء، و اماناً من كل خوف).

قال: ثم قال: ان الملك الذي اخذها جبرئيل و اراها النبي صلى الله عليه و آله و سلم فقال: هذه تربة ابنك هذا، تقتله امتك من بعدك، و النبي الذي قبضها فهو محمد صلى الله عليه و آله و سلم، و اما الوصي الذي حل فيها فهو الحسين بن علي سيد الشهداء، قلت: قد عرفت الشفاً من كلا داء فكيف الامان من كل خوف؟ قال: اذا خفت سلطاناً او غير ذلك فلا تخرج من منزلك الا و معك من طين قبر الحسين عليه السلام، و قل اذا اخذته: (اللهم ان هذه طينة قبر الحسين وليد و ابن وليك، اتخذتها حرزاً لما اخاف و لما لا اخاف) فانه قد يرد عليك ما لا تخاف؛

قال الرجل: فاخذتها ما قال فصح والله بدني، و كان لي اماناً من كل ما خفت و ما لم اخف كما قال، فما رايت بحمد الله بعدها مكروها.

ترجمه:

(حدیث دهم)

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبید الله بن نهیک، از سعد بن صالح، از حسن بن علی بن ابی المغیره، از برخی اصحابمان، وی گفت: محضر مبارک ابی عبد الله علیه السلام عرضه داشتیم:

من مردی هستم مبتلا به بیمارهای فراوان و هیچ دوائی نیست مگر آن را مصرف کرده و به منظور مداوا خورده ام ولی بهبودی برایم حاصل نشده چه باید بکنم؟

حضرت به من فرمودند:

کجائی، و چرا از تربت حسین علیه السلام غافل هستی، در آن شفاً از هر دردی بوده و امن است از هر خوف و هراسی، البته وقتی آنرا اخذ می کنی بگو: خدایا از تو می خواهم به حق این تربت و به حق فرشته ای که آنرا اخذ نموده و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصی که در آن حلول نموده، درود فرست بر محمد و اهل بیتش و قرار بده برای من در آن شفاً از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی.

راوی می گوید: سپس حضرت فرمودند:

فرشته ای که تربت را اخذ کرد جبرئیل (ع) بود و آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشان داده و گفت:

این تربت فرزندان حسین است، بعد از تو امت او را می کشند.

و پیامبری که آن را قبض نمود وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. و اما وصیی که در آن حلول کرده عبارت است از حضرت حسین بن علی علیه السلام که سرور و آقای شهدا است.

محضر مبارکش عرض کردم: شفاً از هر درد را دانستم اما چگونه امان از هر خوف و هراسی است؟

حضرت فرمودند:

هر گاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد از منزلت بیرون میا مگر آنکه با تو از تربت قبر حسین علیه السلام باشد و هنگامی که می خواهی آن را اخذ کرده و برداری بگو:

خدایا این تربت قبر حسین ولی و فرزند ولی تو است، آن را به منظور حفظ از آن چه خوف و از آنچه خوف ندارم برداشته ام.

البته این فقره یعنی (از آنچه خوف ندارم) را نیز بگو زیرا گاهی ابتلائات و حوادثی برای تو پیش می آید که از آنها خوف و هراسی نداشتی و احتمال پیش آمدنش را نمی دادی.

راوی می گوید: پس تربت را به همان طوری که حضرت دستور فرموده بودند برداشتم، بخدا سوگند بدنم صحت و بهبودی یافت و برایم امان شد از تمام خوفها و هراسها به او از آنچه خوف و هراسش را نداشتم عیناً همان طوری که حضرت فرمودند و پس از آن به حمد الله هیچ امر مکروه و ناگواری برایم پیش نیامد.

متن:

11- اخبرنی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة، عن احمد بن اسحاق القزوينی، عن ابی بکار (قال: اخذت من التربة التي عند راس قبر الحسين بن - علی علیه السلام، فانها طينة حمراً، فدخلت علی الرضا علیه السلام فعرضتها علیه فاخذها فی کفه، ثم شمها ثم بکی حتی جرت دموعه ثم قال: هذه تربة جدی).

12- حدثنی ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسين العسكري بالعسکر قال: حدثنا الحسن بن علی بن مهزیار، عن ابیه، عن محمد بن ابی عمیر، عن

محمد بن مروان، عن ابی حمزة الثمالی (قال: قال الصادق عليه السلام: اذا اردت حمل الطین من قبر الحسین عليه السلام فاقرء (فاتحة الكتاب) و المعوذتین و (قل هو الله احد) و (انا انزلناه فی لیلۃ القدر) و (یس) و (آیة الكرسی) و تقول:

اللهم بحق محمد عبدک و رسولک و حبیبک و نبیک و امینک، و بحق امیر المومنین علی بن ابی طالب عبدک اخى رسولک، و بحق فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیک، و بحق الحسن و الحسین، و بحق الائمة الراشدين، و بحق هذه التربة، و بحق الملك الموکل بها، و بحق الوصی الذی حل فیها، و بحق الجسد الذی تضمنت و بحق السبط الذی ضمنت، و بحق جمیع ملائکتک و انبیائک و رسلک، صل علی محمد و آل محمد، و اجعل لی هذا الطین شفأ من کل دأ و لمن یتشفی به من کل دأ و سقم و مرض، و امانا من کل خوف، اللهم بحق محمد و اهل بیته، اجعله علما نافعا و رزقا واسعا، و شفأ من کل دأ و سقم و آفة و عاهة و جمیع الاوجاع کلها، انک علی کل شی قدير.

و تقول: اللهم رب هذه التربة المباركة الميمونة، و الملك الذی هبط بها، و الوصی الذی هو فیها، صل علی محمد و آل محمد و سلم، و انفعنی بها، انک علی کل شی قدير.

ترجمه:

(حدیث یازدهم)

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه، از احمد بن اسحق قزوینی، از ابی بکار، وی گفت:

از تربتی که بالای سر قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام بود مقداری برداشتم، این تربت سرخ رنگ بود، پس بر حضرت رضا عليه السلام وارد شده و آن را به حضرت عرضه داشتم.

آن جناب تربت را در کف دستشان نهاده و بوئیدند، سپس چنان گریستند که اشک های مبارکشان جاری شد، سپس فرمودند:

این تربت جدم می باشد.

(حدیث دوازدهم)

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر گفت:

حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی نقل کرده که وی گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه خواستی تربت از قبر حسین علیه السلام برداری و با خود ببری ابتدا فاتحة الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الفلق، و قل اعوذ برب الناس) و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیه الكرسی را بخوان و سپس بگو:

بار خدایا به حق محمد که بنده و رسول و حبیب و نبی و امین توست و به حق امیر المومنین علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسول توست و به حق فاطمه که دختر نبی و همسر ولی توست و به حق حسن و حسین و به حق پیشوایان که هادیان و راهنمایان هستند و به حق این تربت و به حق فرشته ای که موکل بر آن است و به حق وصی که در آن حلول کرده و به حق جسم و کالبدی که این تربت آن را در خود گرفته و به حق سبط پیامبر که درون این تربت است و به حق تمام فرشتگان و انبیاء و فرستادگانت، درود فرست بر محمد و آل محمد، و این تربت را برای من و برای هر کس که با آن استشفأ می جوید شفاً از هر درد و مرض امان از هر خوف و هراسی قرار بده، خدایا، به حق محمد و اهل بیتش آن را شاخصی نافع و رزقی واسع و شفاً از هر درد و مرض و آفت و عیب و سبب بهبودی تمام دردها قرار بده، به درستی که تو بر هر چیزی قادر و توانا می باشی.

و بعد بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک و میمون و ای پروردگار فرشته ای که آن را فرود آورده و ای پروردگار وصی که در آن می باشد، درود فرست بر محمد و آل محمد و من را بوسیله آن منتفع گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا می باشی.

الباب الرابع و التسعون و ما يقول الرجل اذا اكل من تربة قبر الحسين عليه السلام

متن:

1- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى ابن - عبيد، عن محمد بن اسماعيل البصرى - عن بعض رجاله - عن ابي عبد الله عليه السلام قال: طين قبر الحسين عليه السلام شفاً من كل دأ، و اذا اكلته فقل: (بسم الله و بالله، اللهم اجعله رزقا واسعا، و علما نافعا و شفاً من كل دأ، انك على كل شى قدير).

2- قال و روى لى بعض اصحابنا - يعنى محمد بن عيسى - قال: نسيت اسناده (قال: اذا اكلته تقول: (اللهم رب هذه التربة المباركة، و رب هذا الوصى الذى وارته، صل على محمد و آل محمد، و اجعله علما نافعا، و رزقا واسعا، و شفاً من كل دأ)).

3- حدثنى الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن ابن - محبوب، عن مالك بن عطية، عن ابيه، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: اذا اخذت من تربة المظلوم و وضعتها فى فيك فقل:

اللهم انى اسالك بحق هذه التربة، و بحق الملك الذى قبضها، والنبي الذى حصنها، والامام الذى حل فيها، ان تصلى على محمد و آل محمد، و ان تجعل لى فيها شفاً نافعا، و رزقا واسعا، و امانا من كل خوف و دأ.
فانه اذا قال ذلك وهب الله له العافية و شفاه.

باب نود و چهارم آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می گوید

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن اسماعیل بصری، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام شفاً هر دردی است و هر گاه آن را تناول می کنی بگو: به نام خدا و به کمک او، خدایا آن را روزی فراخ و شاخصی نافع و شفاً هر دردی قرار بده همانا تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

(حدیث دوم)

سعد بن بعد الله می گوید: برخی از اصحاب، که مراد محمد بن عیسی است برایم روایت نمود و گفت:

اسناد این حدیث را فراموش نموده ام، حضرت فرمودند:

هر گاه تربت را تناول می کنی بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک، وای پروردگار این وصی که تربت او را پنهان نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد، و قرار بده این تربت را شاخصی نافع و روزی فراخ و شفاً از هر دردی.

(حدیث سوم)

حسین بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از مالک بن عطیه، از پدرش، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هر گاه از تربت آن مظلوم برداشتی و در دهانت نهادی بگو:

خدایا از تو سوال می‌کنم به حق این تربت، و به حق فرشته ای که آن را قبض نموده، و به حق پیامبری که آنرا حفظ و محکم کرده و به حق امامی که در آن حلول نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد و قراب بده برای من در آن شفائی نافع و روزی فراخ و امان از هر خوف و هراس و درد.

هر گاه شخص این فقرات را بگوید خداوند متعال عافیت و شفا را به وی ارزانی می‌دارد.

الباب الخامس و التسعون ان الطین کله حرام الا طین قبر الحسین علیه السلام فانه

شفأ

متن:

1- حدثنی محمد بن یعقوب؛ و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابی یحیی الواسطی - عن رجل - عن ابی عبد الله علیه السلام (قال: الطین کله حرام، کلحم الخنزیر، و من اکله ثم مات منه لم اصل علیه، الا طین قبر الحسین علیه السلام، فان فیه شفأ من کل دأ، و من اکله شهوة لم یکن فیه شفأ).

2- حدثنی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن عباد بن سلیمان، عن سعد بن سعد (قال: سألت ابا الحسین علیه السلام عن الطین، قال: فقال: اکل الطین حرام مثل المیتة و الدم و لحم الخنزیر الا طین قبر الحسین علیه السلام، فان فیه شفأ من کل دأ، و امان من کل خوف).

3- حدثنی ابو عبد الله محمد بن احمد بن یعقوب، عن علی بن الحسن بن علی بن فضال، عن ابیه - عن بعض اصحابنا - عن احدهما علیهما السلام (قال: ان الله تبارک و تعالی خلق آدم علیه السلام من طین قبر الحسین صلوات الله علیه؟ فقال: یحرم علی الناس اکل لحومهم، و یحل علیهم اکل لحومنا، و لکن الشی الیسیر منه مثل الحمصة).

- 4- و روى سماعة بن مهران، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: كل طين حرام على بنى آدم ما خلا طين قبر الحسين عليه السلام، من اكله من وجع شفاه الله تعالى).
- 5- و وجدت فى حديث الحسين بن مهران الفارسى، عن محمد بن سيار، عن يعقوب بن يزيد - يرفع الحديث الى الصادق عليه السلام - قال: من باع طين قبر الحسين عليه السلام فانه يبيع لحم الحسين عليه السلام و يشتريه.

باب نود و پنجم حرمت خوردن تمام تربت ها مگر تربت قبر امام حسین
علیه السلام زیرا شفا هر دردی می باشد

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی، از احمد بن
محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی از مردی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام،
حضرت فرمودند:

خوردن تمام تربت ها حرام است همچون خوردن گوشت خوک و کسی که
آن را بخورد و سپس از ناحیه آن بمیرد من بر او نماز نمی خوانم مگر تربت قبر
حسین علیه السلام چه آنکه آن شفا از هر دردی است و کسی که آنرا با میل بخورد نه
به عنوان استشفای البته در آن شفا نمی باشد.

(حدیث دوم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از عباد بن سلیمان، از سعد ابن
سعد، وی گفت: از حضرت ابی الحسن علیه السلام راجع به خوردن تربت پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

خوردن تربت حرام است همان طوری که خوردن میتة و خود و گوشت
خوک حرام است مگر تربت امام حسین علیه السلام زیرا در آن شفا از هر دردی و
امان از هر خوف و هراسی است.

(حدیث سوم)

ابو عبد الله محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن علی بن فضال،
از پدرش، از برخی اصحاب، از احد الصادقین علیه السلام، حضرت فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی آدم علیه السلام از تربت آفریده پس خوردن تربت را بر
فرزندان آدم حرام فرمود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: چه می فرمائید راجع به تربت
قبر امام حسین علیه السلام؟
حضرت فرمودند:

بر مردم خوردن گوشت های خودشان حرام است ولی خوردن گوشت ما بر
ایشان حلال است منتهی قدر کمی اندازه نخود.

(حدیث چهارم)

سماعة بن مهران روایت کرده از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که آن جناب
فرمودند:

خوردن تمام تربت ها بر بنی آدم حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام،
زیرا کسی که درد دارد اگر آن را بخورد خداوند متعال او را شفأ می دهد.

(حدیث پنجم)

در حدیث حسین بن مهران فارسی یافتیم از محمد بن سیار، از یعقوب بن
یزید که حدیث را بطور مرفوعه از حضرت صادق نقل کرده، حضرت فرمودند:
کسی که تربت قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد پس گوشت آن حضرت را
فروخته و خریده است.

الباب السادس و التسعون من نات داره و بعدت شقته کیف یزوره صلوات

الله

متن:

1- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن سعد؛ و محمد بن یحیی، عن احمد بن
محمد بن عیسی، عن محمد بن ابی عمیر - عن رواه - (قال: قال ابو عبد الله

عليه السلام: اذا بعدت باحدكم الشقة و نات به الدار فليعل اعلى منزل له فيصلى ركعتين و ليوم بالسلام الى قبورنا، فان ذلك يصير الينا).

2- حدثنى على بن الحسين؛ و على بن محمد بن قولويه جميعا، عن محمد ابن - يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابورى، عن عبد الله بن محمد اليمانى، عن منيع بن الحجاج، عن يونس بن عبد الرحمن، عن حنان ابن سدير، عن ابيه - فى حديث طويل - قال: ابو عبد الله عليه السلام: يا سدير و ما عليك ان تزور قبر الحسين عليه السلام فى كل جمعة خمس مرات؛ و فى كل يوم مرة؟ قلت: جعلت فداك ان بيننا و بينه فراسخ كثيرة، فقال: تصعد فوق سطحك، ثم تلتفت يمنا و يسرة، ثم ترفع راسك الى السماء ثم تتحول نحو قبر الحسين، ثم تقول: (السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك ورحمة الله عليه و بركاته)، يكتب لك زورة، و الزورة حجة و عمرة، قال سدير: فربما فعلته فى النهار اكثر من عشرين مرة.

باب نود و ششم کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از قبر
حضرت سید الشهدا دور می باشد

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله علیه از سعد، و محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی،
از محمد بن ابی عمیر، از کسی که روایات نموده، وی می گوید:
حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

هر گاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور بود بالاترین مکان منزل را
انتخاب کند و در آنجا دو رکعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد،
سلام وی حتما به ما خواهد رسید.

(حدیث دوم)

علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه جمیعا، از محمد بن یحیی عطار،
از حمران بن سلیمان نیشابوری، از عبد الله بن محمد یمانی از منیع ابن حجاج،
از یونس بن عبد الرحمن از حنان بن سدیر، از پدرش در ضمن حدیث طویل
می گوید:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

ای سدیر، این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه
و در هر روز یک بار زیارت کنی عرض کردم: فدایت شوم بین ما و بین آن
حضرت فرسخ های بسیار فاصله است.

حضرت فرمودند:

بر بام منزل برو سپس بطرف راست و جانب چپ خود توجه کن بعد سر به آسمان بلند کن، سپس سر را بطرف قبر امام حسین علیه السلام برگردان و بعد بگو:
 درود بر تو ای ابا عبد الله، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو.
 هر گاه چنین نمودی ثواب یک زوره برای تو منظور می شود.
 زوره یعنی یک حج و یک عمره.

سدیر می گوید: بسی روزها بیش از بیست مرتبه حضرت را این طور زیارت می کردم.

متن:

2- حدثني حكيم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن عبد الله بن محمد (عن عبد الله بن محمد بن سنان)، عن منيع، عن يونس بن عبد الرحمن، عن حنان بن سدیر، عن ابيه (قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: يا سدیر تزور قبر الحسين عليه السلام في كل يوم؟ قلت: جعلت فداك لا، قال: ما اجفاكم! افتزوره في كل شهر؟ قلت: لا، قال: فتزوره في كل سنة، قلت: يكون ذلك، قال: يا سدیر ما اجفاكم بالحسين عليه السلام اما علمت ان لله الف الف ملك شعئا غيرا يبكون و يزورون لا يفترون؟ و ما عليك يا سدیر ان تزور قبر الحسين عليه السلام في كل جمعة مرات؟- و ذكر مثل الحديث الاول -).

4- و روى سليمان بن عيسى، عن ابيه قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: كيف ازورك اذا لم اقدر على ذلك؟ قال: قال لي: يا عيسى اذا لم تقدر على المجى، فاذا كان يوم الجمعة فاغتسل او توضا و اصعد الى سطحك، و صل ركعتين و توجه نحوى، فانه من زارنى فى حياتى فقد زارنى فى مماتى، و من زارنى فى مماتى فقد زارنى فى حياتى.

ترجمه:

(حدیث سوم)

حکیم بن داود، از سلمة بن خطاب، از عبد الله بن محمد سنان، از منیع، از یونس بن عبد الرحمن از حنان بن سدیر، از پدرش، وی گفت:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

ای سدیر آیا در هر روز قبر امام حسین علیه السلام را زیارت می کنی:

عرض کردم: فدایت شوم، خیر

حضرت فرمودند:

چقدر جفا می کنی! آیا در هر ماه زیارت می کنی:

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

آیا در هر سال زیارت می کنی:

عرض کردم: این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدیر چقدر به حسین علیه السلام جفا می کنید، آیا نمی دانی خداوند متعال یک میلیون فرشته دارد که جملگی ژولیده و غبار آلود و گریان هستند و با این حال و هیئت حضرت سید الشهداء را زیارت کرده و از آن خسته و سست نمی شوند: ای سدیر این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج بار زیارت کنی. و مانند فقرات حدیث اول را ذکر فرمودند.

(حدیث چهارم)

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت کرده، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: وقتی قادر بر زیارت

شما نباشم چگونه زیارتتان کنم:

حضرت به من فرمودند:

ای عیسی، وقتی بر آمدن نزد ما قادر نبودی صبر کن تا روز جمعه شود پس غسل کن یا وضوء بگیر و سپس به پشت بام برو و دو رکعت نماز بخوان و سپس به طرف من توجه کن، کسی که من را در حیاتم زیارت کند محققا در ممات من نیز زیارتم کرده و کسی که در مماتم زیارتم کند محققا در حیاتم من را زیارت کرده.

متن:

5- حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن عبد الله بن محمد الدهقان، عن منيع بن الحجاج، عن حنان بن سدير، عن ابيه (قال: قال لي ابو عبدالله عليه السلام: يا سدير تكثر من زيارة قبر ابي عبد الله الحسين؟ قلت: انه من الشغل، فقال: لا اعلمك شيئا اذا انت فعلته كتب الله لك بذلك الزيارة؟ فقلت: بلى جعلت فداك، فقال لي: اغتسل في منزلك و اصعد الى سطح دارك و اشر اليه بالسلام، تكتب لك بذلك الزيارة).

6- حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن - محمد بن عيسى، عن اسماعيل بن سهل، عن ابي احمد - عن رواه - قال: قال لي ابو عبد الله عليه السلام: اذا بعدت عليك الشقة و نات بك الدار فلتعل على اعلى منزلك و لتصل ركعتين، فلتوم بالسلام الى قبورنا فان ذلك يصل الينا.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، از عبد الله بن محمد الدهقان، از منيع بن الحجاج، از حنان بن سدير، از پدرش، وی گفت:
حضرت ابو عبد الله عليه السلام به من فرمودند:

ای سدير، آیا زیاد به زیارت قبر ابی عبد الله الحسين عليه السلام می روی؟
مراد این است که چرا زیاد به زیارت حضرت نمی روی؟

محضر مبارکش عرض کردم: این زیاد به زیارت نرفتن ناشی از اشتغالات و گرفتاری هایم می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا چیزی به تو تعلیم بکنم که وقتی انجامش دادی خدا بواسطه آن ثواب زیارت را به تو بدهد؟

عرض کردم: فدایت شوم آری.

حضرت فرمودند:

در منزلت غسل کن و به پشت بام برو و با اشاره به آن حضرت سلام کن، با همین عمل خداوند متعال ثواب زیارت به تو خواهد داد.

ترجمه:

(حدیث ششم)

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از اسماعیل بن سهل، از ابو احمد (محمد بن ابی عمیر) از کسی که این حدیث را نقل نموده می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که خانه و منزلت دور بود بر بالای بام منزل برو دو رکعت نماز بگذار و با اشاره به قبور و مزار ما سلام بده که سلام تو به ما خواهد رسید.

متن:

7- حدیثی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن احمد بن ابی - عبد الله البرقی، عن ابیه - رفع الحدیث الی ابی عبد الله علیه السلام - (قال: دخل حنان بن سدير الصيرفي علی ابی عبد الله علیه السلام - و عنده جماعة من اصحابه - فقال: یا حنان بن سدير تزور ابا عبد الله علیه السلام فی کل شهر مرة؟ قال: لا، قال (ففی کل شهرین مرة؟ قال: لا، قال: ففی کل سنة مرة؟ قال: لا، قال: ما اجفاکم لسیدکم!

فقال: يا بن رسول الله قلة الزاد و بعد السافة، قال: الا ادلكم على زيارة مقبولة و ان بعد الناي؟ قال: فكيف ازوره يا بن رسول الله؟ قال: اغتسل يوم الجمعة او اى يوم شئت، و البس اطهر ثيابك و اصعد الى اعلى موضع فى دارك او الصحرا، فاستقبل القبلة بوجهك بعد ما تبين ان القبر هنا لك، يقول الله تبارك و تعالى: (اينما تولوا فثم وجه الله). ثم قل:

(السلام عليك يا مولاي و ابن مولاي، و سيدى و ابن سيدى، السلام عليك يا مولاي الشهيد بن الشهيد، و القتيل بن القتيل، السلام عليك ورحمة الله عليه و بركاته، انا زائرک يا بن رسول الله بقلبي و لسانى و جوارحى، و ان لم ازورك بنفسى مشاهة بقتك، فعليك السلام يا وارث آدم صفوة الله، و وارث نوح نبى الله، و وارث ابراهيم خليل الله، و وارث موسى كلیم الله، و وارث على اميرالمومنين وصى رسول الله و خليفته، و وارث الحسن بن على وصى اميرالمومنين، لعن الله قاتليک، و جدد عليهم العذاب فى هذه الساعة و فى كل ساعة، انا يا سيدى متقرب الى الله جل و عز، و الى جدك رسول الله، و الى ابيک امير المومنين، و الى اخيک الحسن، و اليک يا مولاي، فعليك السلام ورحمة الله عليه و بركاته، بزيارتى لك بقلبي و لسانى و جميع جوارحى، فكن لى يا سيدى شفيعى لقبول ذلك منى، و انا بالبرأة من اعدائك و اللعنة لهم و عليهم اتقرب الى الله و اليکم اجمعين، فعليك صلوات الله و رضوانه و رحمتة).

ثم تتحول على يسارك قليلا و تحول وجهك الى قبر على بن الحسين عليه السلام، و هو عند رجل ابيه، و تسلم عليه مثل ذلك، ثم ادع الله بما احببت من امر دينك و دنياک، ثم تصلى اربع ركعات فان صلاة الزيارة ثمان او ست او اربع او ركعتان، و افضلها ثمان، ثم تستقبل نحو قبر ابي عبد الله عليه السلام و تقول:

انا مودعک یا مولای و ابن مولای، و یا سیدی و ابن سیدی، و مودعک یا سیدی و بن سیدی یا علی بن الحسین، و مودعکم یا ساداتی، یا معاشر الشهداء فعلیکم سلام الله ورحمة الله علیه و رضوانه و برکاته.

ترجمه:

(حدیث هفتم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش حدیث را مرفوعاً از حضرت ابا عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حنان بن سدید صیرفی بر ابی عبد الله علیه السلام داخل شد در حالی که گروهی از اصحاب آن حضرت محضرش بودند، حضرت فرمودند:

ای حنان بن سدید، آیا ماهی یک مرتبه به زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می روی؟

وی عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر دو ماه یک بار آن حضرت را زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند:

آیا در هر سال یک بار به زیارت آن جناب می روی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

چقدر به سرور خود جفا می کنید.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا هم توشه ام کم و اندک است و هم مسافت

دور می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا شما را راهنمایی بکنم بر زیارت مقبولی اگر چه فاصله شما با آن حضرت خیلی زیاد باشد؟

عرض کرد: ای پسر رسول خدا چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟
حضرت فرمودند:

روز جمعه یا هر روزی که خواستی غسل کن و پاکیزه ترین لباسهایت را بپوش و به مرتفع ترین مواضع خانه ات یا به صحراً برو، پس رو به قبله کن به شرطی احراز کن قبر مطهر، آن طرف می باشد، خداوند تبارک در قرآن می فرماید: اینما تولوا فثم وجه الله.

سپس بگو:

درود بر تو ای آقای من و ای فرزند آقایم و ای سید و سرور من و فرزند سرورم، درود بر تو ای مولای من که شهید و فرزند شهید می باشی، مقتول و فرزند مقتول می باشی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و جوارحم تو را زیارت می کنم اگر چه خودم نزدت نبوده تا قبر و بارگاہت را مشاهده کنم، پس درود بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خداست، و ای وارث حضرت موسی که کلیم خداست، و ای وارث حضرت عیسی که روح خداست، و ای وارث حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که حبیب و پیامبر و فرستاده خداست، و ای وارث حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که حبیب و پیامبر و فرستاده خداست، و ای وارث حضرت علی عَلِيٍّ که امیرمومنان و جانشین رسول و خلیفه خداست و ای وارث حضرت حسن بن علی عَلِيٍّ که جانشین رسول و خلیفه خداست و ای وارث حضرت حسن بن علی عَلِيٍّ که جانشین امیرالمومنین است، خدا قاتلین تو را لعنت کرده و عذاب را علی عَلِيٍّ که جانشین امیرالمومنین است، خدا قاتلین تو را لعنت کرده و

عذاب را بر ایشان در این ساعت، و در هر ساعتی تجدید کرده و نو به نو نماید، ای سرورم من به سوی خداوند عزوجل، و به جدت رسول خدا و به پدرت امیرمومنان و به برادرت حضرت امام حسن و به سوی تو ای آقای من با این زیارت که با قلب و زبان و جمیع جوارحم انجام می دهم تقرب می جویم پس بر تو باد درود و رحمت و برکات، خدا و ای مولای من شفیعم باش تا حق تعالی زیارت را از من قبول کند، من از دشمنان تو بی زاری هستم و با این بی زاری و درخواست لعنت بر ایشان به خدا و شما جملگی تقرب می جویم، پس بر تو باد صلوات خدا و رضوان و رحمتش.

سپس اندکی به طرف چپ برگرد و صورت را به جانب قبر علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای مبارک واقع شده بگردان و بر او سلام بده بهمان نحوی که بر پدر بزرگوارش سلام دادی سپس برای آنچه از امر دنیا و آخرت که محبوب و مطلوبست هست دعا کن و از خدا درخواست نما، پس از آن چهار رکعت نماز بخوان چه آنکه نماز زیارت یا هشت و یا شش و یا چهار و یا دو رکعت است منتهی افضل آنها هشت رکعت می باشد و پس از فارغ شدن از نماز رو به جانب قبر ابی عبد الله علیه السلام کن و بگو:

من با تو وداع می کنم ای مولای من و پسر مولایم، و ای سید و سرور من و پسر سید و سرورم، و با تو نیز ای سرور من و فرزند سرورم ای علی بن الحسین، وداع می نمایم، و با شما نیز ای سادات و سرورانم ای گروه شهدا وداع مینمایم، پس بر شما باد درود خدا و رحمت و رضوان و برکاتش.

الباب السابع و التسعون ما یکره من الجفأ لزيارة قبر الحسین علیه السلام

متن:

1- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم - عن بعض اصحابه - عن ابی جعفر علیه السلام

(قال: كم بينكم و بين قبر الحسين؟ قلت: ستة عشر فرسخا، قال: او ما تاتونه؟
قلت: لا، قال: ما اجفاكم!).

2- و عنه، عن سعد، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن موسى بن الفضل،
(عن على بن الحكم) - عن حدثه - عن حنان بن سدير، عن ابي - عبد الله
عليه السلام (قال: قلت له: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال: زره و لا تجفئه،
فانه سيد الشهداء و سيد شباب اهل الجنة، و شبيه يحيى بن زكريات و عليهما
بكت السماء و الارض).

3- و حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن -
محمد بن عيسى، عن احمد بن ابي داود، عن سعد بن ابي عمر و الجلاب، عن
الحارث الاعور (قال: قال على عليه السلام: بابي و امي الحسين المقتول بظهر الكوفة، و
الله لكانى انظر الى الوحش مادة اعناقها على قبره من انواع الوحش يبكونه و
يرثونه ليلا حتى الصباح، فاذا كان ذلك فايكم و الجفا).

باب نود و هفتم مکروه بودن جفاً نسبت به زیارت قبر حضرت امام حسین

علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از برخی اصحابش از حضرت ابی جعفر علیهما السلام، نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

بین شما و بین قبر حضرت امام حسین (ع) چه قدر مسافت است؟
راوی می گوید: عرض کردم: شانزده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا به زیارت آن حضرت نمی روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا می کنید!

(حدیث دوم)

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن فضل، از علی بن الحکم، از کسی که برایش حدیث گفته، از حنان بن سدیر، از حضرت ابی عبد الله علیهما السلام راوی می گوید:

محضر مبارکش عرض کردم: درباره زیارت قبر حضرت امام حسین

علیه السلام چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

زیارتش کن و به آن حضرت جفا مکن، زیرا آن وجود مبارک سرور شهداً و سید جوانان اهل بهشت و شبیه حضرت یحیی بن زکریا بوده و بر این دو (امام حسین و حضرت یحیی علیهما السلام) آسمان و زمین گریسته اند.
(حدیث سوم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمرو الجلاب، از حارث اعور نقل کرده که وی گفت:

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

پدر و مادرم فدای حسین که در پشت کوفه کشته می شود، به خدا سوگند گویا می بینم حیوانات وحشی را که گردن به طرف قبرش کشیده و گریه می کنند و شب تا صبح برایش مرثیه می خوانند و وقتی حال چنین است پس از جفا حذر کنید و زیارت آن حضرت را ترک نکنید.

متن:

4- حدثنی ابی؛ و اخی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن، عن محمد بن یحیی العطار، عن حمدان بن سلیمان النیسابوری، عن عبد الله ابن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن یونس بن عبد الرحمن، عن حنان بن سدید، عن ابیه سدید (قال: قال: ابو عبد الله علیه السلام: یا سدید تزور قبر الحسین علیه السلام فی کل یوم؟ قتل: لا، قال: ما اجفاکم، قال: اتزوره فی کل جمعة، قلت: لا، قال: فتزوره فی کل شهر؟ قلت: لا، قال: فتزوره فی کل سنة؟ قلت: قد یکون ذلک، قال: یا سدید ما اجفاکم بالحسین علیه السلام اما علمت ان لله الف ملک شعثا غبرا بیکونه و یرثونه، لا یفترون زوارا لقبر الحسین، و ثوابهم لمن زاره - و ذکر الحدیث -).

5- حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، (عن ابيه) عن الحسن ابن محبوب، عن حنان بن سدير (قال: كنت عند ابي جعفر عليه السلام فدخل عليه رجل فسلم عليه و جلس، فقال ابو جعفر عليه السلام: من اي البلدان انت؟ فقال له الرجل: انا رجل من اهل الكوفة، و انا محب لك؛ موال، فقال له ابو جعفر عليه السلام: افتزور: قبر الحسين عليه السلام في كل جمعة؟ قال: لا قال: ففي كل شهر؟ قال: لا، قال: ففي كل سنة؟ قال: لا، فقال له ابو جعفر انك لمحروم من الخير - و ذكر الحديث -).

6- و حدثني محمد بن جعفر قال: حدثني محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، عن حماد بن عيسى، عن ربيع بن عبد الله، عن الفضيل بن يسار قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: ما اجفاكم يا فضيل؛ لا تزورون الحسين عليه السلام، اما علمت ان اربعة آلاف ملك شعنا غربا يبكون الى يوم القيامة؟!.

ترجمه:

(حديث چهارم)

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن، از ابن یحیی العطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد لاله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبد الرحمن، از حنان بن سدير، از پدرش سدير، نقل کرده اند که وی گفت:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

ای سدير آیا قبر حسين عليه السلام را هر روز زیارت می کنی؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: چه قدر جفا می کنید!

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر ماه زیارتش می کنی؟

عرض کردم خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر سال زیارتش می کنی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا می کنید! آیا نمی دانی که هزار فرشته برای خداست که جملگی ژولیده و غبار آلود هستند و برای آن حضرت گریه کرده و مرثیه می خوانند و از زیارت قبر امام حسین علیه السلام خسته و سست نمی شوند و ثواب زیارتشان برای زائرین می باشد...

(حدیث پنجم)

حسن بن عبد الرحمن بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب،

از حنان بن سدید، وی می گوید:

خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام بودم که شخصی وارد شد و سلام کرد و

نشست، حضرت ابو جعفر فرمودند از کدام شهر هستی؟

عرض کرد: مردی از اهل کوفه بوده، دوست دار شما می باشم.

حضرت فرمودند:

آیا قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

تو از خیر محروم هستی، و حدیث را ذکر فرمود (مقصود حدیث شماره 12

از باب هشتم می باشد)

(حدیث ششم)

محمد بن جعفر می گوید:

محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حماد بن عیسی، از ربیع بن عبد الله،

از فضل بن یسار وی می گوید: حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند:

ای فضیل چه قدر جفاکار هستید، حسین علیه السلام را زیارت نمی کنید، آیا نمی

دانی چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود هستند تا روز قیامت بر

آن حضرت گریه می کنند؟!

متن:

7- و عنه، عن محمد بن الحسین، عن جعفر بن بشیر، عن حماد، عن محمد

ابن مسلم، عن زرارة، عن ابی جعفر علیه السلام (قال کم بینکم و بین قبر الحسین

علیه السلام؟ قال: قلت: ستة عشر فرسخا، او سبعة عشر فرسخا، قال: اما تاتونه؟ قلت:

لا، قال: ما اجفاکم).

8- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن الحسین بن الحسن بن ابان، عن محمد

ابن اورمة، عن ابی عبد الله المومن، عن ابن مسکان، عن سلیمان بن خالد (قال:

سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: عجباً لاقوام یزعمون انهم شیعة لنا و یقال: ان

احدهم یمر به دهره و لا یاتی قبر الحسین علیه السلام، جفاً منه و تهاونا و عجزاً و

كسلا، اما و الله لو يعلم ما فيه من الفضل ما تهاون و لا كسل، قلت: جعلت فداك و ما فيه من الفضل؟ قال: فضل و خير كثير، اما اول ما يصيبه ان يغفر له ما مضى من ذنوبه، و يقال له: استانف العمل).

9- حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن عبد الله ابن الخطاب، عن عبد الله نب محمد بن سنان، عن منيع: الحجاج، عن يونس بن عبد الرحمن، عن حنان، عن ابيه، قال: قال ابو عبد الله عليه السلام يا سدير تزور، قبر الحسين عليه السلام في كل يوم؟ قلت: جعلت فداك لا، قال: ما اجفاكم! فتزوره في كل جمعة؟ قلت: لا قال: فتزوره في كل شهر؟ قلت: لا، قال: فتزوره في كل سنة، قال: قد يكون ذلك، قال: يا سدير ما اجفاكم بالحسين عليه السلام - و ذكر الحديث -.

ترجمه:

(حديث هفتم)

از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از جعفر بن بشير، از حماد، از محمد بن مسلم، از زراره، از حضرت ابي جعفر عليه السلام.

حضرت فرمودند:

بين شما و بين قبر حسين عليه السلام چه قدر مسافت است؟

راوى مى گويد: عرض كردم: شانزده يا هفده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آيا به زيارتش مى روى؟

عرض كردم:

خير.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا كار هستى.

(حديث هشتم)

پدرم رحمه الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از ابی عبد الله مومن، از ابن مسکان، از سلیمان بن خالد، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

تعجب است از گروهی که می پندارند شیعه هستند ولی گفته می شود روزگار بر ایشان می گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین علیه السلام نمی روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی حالی منشا آن باشند، به خدا سوگند اگر می دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی دادند.

عرض کردم: فدایت شوم: چه فضیلتی در آن می باشد؟

حضرت فرمودند:

فضل و خیر بسیاری در آن می باشد، اولین خیری که به زائر می رسد آن است که گناهان گذشته اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می شود: از ابتدا شروع به عمل بکن.

(حدیث نهم)

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از عبد الله بن خطاب، از عبد الله بن محمد بن سنان، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبد الرحمن، از حنان از پدرش، وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

ای سدیر، در هر روز قبر حسین علیه السلام را زیارت می کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفاکار هستید! پس در هر جمعه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه آیا زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال آیا به زیارتش می روی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا کرده اید و حدیث را ذکر فرمودند
(مقصود حدیث شماره 3 از باب نود و ششم می باشد).

متن:

10- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - و جماعة مشایخی، عن سعد، عن محمد ابن - عیسی بن عبید، عن محمد بن ناجیة، عن محمد بن علی، عن عامر بن کثیر السراج النهدی، عن ابی الجارود، عن ابی جعفر علیه السلام (قال: قال لی: کم بینک و بین قبر الحسین علیه السلام؟ قلت یوم للراکب و و یوم و بعض یوم للماشی، قال: افتاتیہ کل جمعة؟ قلت: لا ما آتیہ الا فی حین قال: ما اجفاکم! اما لو کان قریبا منا لا تخذناه هجرة - ای نهجر الیه -).

حدثنی جماعة مشایخی، عن احمد بن ادريس، عن محمد بن احمد، عن محمد بن ناجیة، عن محمد بن علی، عن عامر بن کثیر النهدی السراج، عن ابی الجارود، عن ابی جعفر علیه السلام - مثله.

ترجمه:

(حدیث دهم)

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر السراج النهدی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، وی می گوید:
حضرت به من فرمودند:

بین شما و قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه قدر مسافت است؟
عرض کردم: اگر کسی سواره رود یک روز و در صورتی که پیاده رود یک روز و مقداری از روز.
فرمودند:

چه قدر جفا کرده اید! اگر قبر آن حضرت نزدیک ما می بود حتما به سویش هجرت می کردیم.

جماعتی از اساتیدم، از احمد بن ادريس، از محمد بن احمد، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی السراج، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده اند.

الباب الثامن و التسعون اقل ما یزار فیه الحسین علیه السلام و اکثر ما یجوز تاخیر زیارته للغنی و الفقیر
متن:

1- حدیثی جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله الموسوی، عن عبید الله ابن نهیک، عن محمد بن ابی عمیر، عن ابی ایوب، عن ابی عبد الله علیه السلام (قال: حق علی الغنی ان یاتی قبر الحسین علیه السلام فی السنة مرتین، و حق علی الفقیر ان یاتیه فی السنة مرة).

2- حدیثی ابی -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن عامر بن عمیر؛ و سعید الاعرج، عن ابی - عبد الله علیه السلام (قال: ائتوا قبر الحسین علیه السلام فی کل سنة مرة).

- 3- حدثني ابو العباس، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، عن مسلم، عن عامر بن عمير؛ و سعيد الاعرج جميعا، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: ائتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة).
- 4- حدثني جعفر بن محمد بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن ابي عمير، عن حماد، عن الحلبي قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن زيارة قبر الحسين صلوات الله عليه، قال: في السنة مرة، لاني اكره الشهرة.

باب نود و هشتم کمترین مدتی که در آن حضرت امام حسین علیه السلام را می
باید زیارت کرد و حد اکثری که زیارت آن جناب را غنی و فقیر می توانند
تاخیر بیاندازند

ترجمه:

(حدیث اول)

جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله الموسوی، از عبید الله بن نهبک، از
محمد بن ابی عمیر، از ابو ایوب از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، آن حضرت
فرمودند:

بر عهده غنی است که در سال دو مرتبه و بر فقیر است که در سال یک مرتبه
به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام بروند.

(حدیث دوم)

یدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
علی بن الحکم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، از حضرت ابی عبد الله
علیه السلام: حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

(حدیث سوم)

ابو العباس، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از مسلم، از عامر بن
عمیر، و سعید اعرج، جملگی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده اند که آن
حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

(حدیث چهارم)

جعفر بن محمد بن عبد الله الموسوی، از عبید الله نهیک، از ابن ابی عمیر، از حماد، از حلبی، وی می گوید: از حضرت ابی عبد الله علیه السلام راجع به زیارت قبر حسین صلوات الله علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

در سال یک مرتبه، زیرا از مشهور شدن کراهت دارم.

مترجم گوید:

شاید مراد این باشد که اگر بیش از یک مرتبه در سال به زیارت آن حضرت روند این امر موجب اشتهاار شخص به این عمل می شود و آن مکروه است.

متن:

5- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن سعد بن عبد الله، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن ابی عمیر - عن بعض اصحابنا - عن ابن رئاب، عن ابی عبد الله علیه السلام (قال: حق علی الفقیر ان یاتی قبر الحسین فی السنة مرة، و حق علی الغنی ان یاتیه فی السنة مرتین).

6- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - و محمد بن الحسن، عن الحسین بن الحسن ابن - ابان، عن الحسین بن سعید، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن ابی عبد الله علیه السلام (فی زیارة قبر الحسین علیه السلام قال: فی السنة مرة، انی اکره الشهرة).

7- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علی ابن - عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر قال: قال علی بن ابی حمزة، عن ابی الحسن علیه السلام (قال: لا تجفوه، یاتیه الموسر فی کل اربعة اشهر، و المعسر لا یکلف الله نفسا الا وسعها، قال العباس: لا ادري قال هذا لعی اول ابی ناب)).

8- حدثنی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن - محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان،

عن الحلبي، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: سألته عن زيارة الحسين عليه السلام، قال: في السنة مرة، انى اخاف الشهرة).

9- حدثني ابو العباس، عن الزيات، عن جعفر بن بشير، عن حماد، عن ابن مسلم، عن عامر بن عمير؛ و سعيد الاعرج، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: آيتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة).

10- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد، عن على بن اسماعيل بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن العيص بن القاسم قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام: هل لزيارة القبر صلاة مفروضة؟ قال: ليس له صلاة مفروضة، قال: و سألته فى كم يوم يزار؟ قال: ما شئت.

ترجمه:

(حديث پنجم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از يعقوب بن يزيد، از ابن ابى عمير، از برخى اصحاب، از ابن رئاب، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

این حق بر عهده فقیر است که سالی یک مرتبه و بر غنی است که سالی دو مرتبه به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام بروند.

(حديث ششم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن، از حسين بن حسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از ابن ابى عمير، از حماد بن عثمان از حلبى، نقل کرده اند، که وی از حضرت ابي عبد الله عليه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین عليه السلام روایت کرده که آن جناب فرمودند:

در سال یک مرتبه قبر آن حضرت زیارت شود زیرا از شهرت کراهت دارم.

(حديث هفتم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از حسن بن علی بن عبد الله مغیره،
از عباس بن عامر نقل کرده که وی گفت:

علی بن حمزه گفت: حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمودند:
جفاً به آن حضرت نکنید، شخص موسر و غنی هر چهار ماه یک بار به
زیارتش رود و فقیر را حق تعالی مکلف نکرده مگر به قدر توان و قدرتش.
عباس می گوید: نمی دانم حضرت این کلام و مقاله را برای علی (علی بن
ابی حمزه) فرمودند یا ابی ناب (حسن بن عطیه).

(حدیث هشتم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی،
از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلبی، از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام، وی می گوید:

راجع به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از آن حضرت پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

سالی یک مرتبه به زیارتش روند زیرا، در بیشتر از آن خوف شهرت دارم.
(حدیث نهم)

ابو العباس، از زیارت از جعفر بن بشیر، از حماد، از ابن مسلم، از عامر بن
عمیر، و سعید الاعرج از حضرت ابی عبد الله علیه السلام آن حضرت فرمودند:
در سال یک مرتبه به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید.
(حدیث دهم)

پدرم رحمة الله عليه از سعد، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن
یحیی، از عیص بن قاسم، وی می گوید: از حضرت ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم:
آیا برای زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز واجبی هست؟

حضرت فرمودند:

برای آن نماز واجب و معینی نمی باشد.

راوی می گوید: پرسیدم: در هر چند روز باید به زیارتش رفت؟

حضرت فرمودند:

هر چه خواستی.

متن:

11- حدثنی ابی -رحمة الله علیه عن عبد الله بن جعفر الحمیری باسناده -
رفعه الی علی بن میمون الصائغ - عن ابی عبد الله عليه السلام قال: یا علی بلغنی ان
قوما من شیعتنا یمر باحدهم السنة و السنن لا یزورون الحسین عليه السلام، قلت:
جعلت فداک انی اعرف اناسا کثیرة بهذه الصفة، قال: اما والله لحظهم اخطاوا، و
عن ثواب الله زاغوا، و عن جوار محمد صلى الله عليه وآله تباعدوا، قلت: جعلت فداک فی کم
الزیارة؟ قال: یا علی ان قدرت ان تزوره فی کل شهر فافعل، قلت: لا اصل الی
ذلک، لانی اعمل بیدی و امور الناس بیدی، و لا اقدر ان اغیب وجهی عن مکانی
یوما واحدا، قال: انت فی عذر و من کان یعمل بیده، و انما عنیت من لا یعمل
بیده ممن ان خرج فی کل جمعة هان ذلک علیه، اما انه ما له عند الله من عذرولا
عند رسوله من عذر یوم القيامة، قلت: فان اخرج عنه رجلا فیجوز ذلک؟ قال:
نعم و خروجه بنفسه اعظم اجرا و خیرا له عند ربه، یراه ربه ساهر اللیل، له تعب
النهار، ینظر الله الیه نظرة توجب له الفردوش الاعلی مع محمد و اهل بیته، فتننا
فسوا فی ذلک و کونوا من اهله.

ترجمه:

(حدیث یازدهم)

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر حمیری به اسنادش که تا علی بن میمون الصائغ مرفوعه است از حضرت ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای علی خبر به من رسیده که یکسال یا دو سال بر جماعتی از شیعیان ما می گذرد و ایشان به زیارت حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی روند؟
عرض کردم: فدایت شوم: مردم زیادی را سراغ دارم که این صفت دارند.
حضرت فرمودند:

به خدا سوگند از حظ و بهره شان بر کنار و از ثواب و اجر خدا محروم و از جوار حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دور مانده اند.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: در چه فاصله ای از مدت به زیارت آن حضرت برویم؟
حضرت فرمودند:

ای علی اگر قدرت داری که آن جناب را در هر ماه زیارت کنی. پس این کار را بکن.

عرض کردم: نمی توانم به این امر دست یابم زیرا با دست هایم کار کرده و امور مردم نیز در دست من است و اساساً قادر نیستم یک روز از محل کارم غیب نمایم.

حضرت فرمودند:

تو معذور هستی و کسانی هم که مثل تو کار دستی دارند در عذر می باشند و مراد من کسانی هستند که این گونه اشتغال نداشته بطوری که اگر در هر جمعه از منزل خارج شده و به زیارت بروند بر ایشان سهل و آسان باشد چه آنکه ایشان در روز قیامت نزد خدا و رسولش عذری ندارند.

محضرش عرض کردم: حال اگر این شخص خود به زیارت نرود ولی کسی را از طرف خود به آنجا بفرستد آیا جایز است؟
حضرت فرمودند:

بلی، جائز است ولی اگر خودش برود اجرش عظیم تر بوده و نزد پروردگارش بهتر و مطلوب تر است چه آنکه وقتی حق تعالی ببیند که او شب ها را به بیداری و روزها را به تعب و رنج بسر می برد به او نظر نموده آنچنان نظری که برایش فردوس اعلی و بهشت جاودان را نصیب کرده و او را محمد و اهل بیتش صلوات الله علیهم اجمعین همراه و هم جوار و قرین می گرداند پس تمایل نشان دهید در این امر و از اهل آن گردید.

متن:

12- حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه، عن الحسن ابن محبوب، عن صباح الحدأ، عن محمد بن مروان، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: سمعت يقول: زوروا قبر الحسين عليه السلام، و لو كال سنة مرة - و ذكر الحديث -).

13- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن احمد بن ادريس؛ و محمد بن يحيى، عن العمر كى بن على البوفكى قال: حدثنا يحيى - و كان فى خدمة ابي جعفر الثانى - عن على، عن صفوان بن مهران الجمال، عن ابي عبد الله عليه السلام - فى حديث طويل - (قلت له: من ياتيه زائرا ثم ينصرف متى يعود اليه؟ وفى كم (يوم) يوتى؟ و كم يسع الناس تركه؟ قال: لا يسع اكثر من شهر و اما بعيد الدار ففى كل ثلاث سنين، فما جاز ثلاث سنين فلم ياته فقد عرق رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و قطع حرمته، الا من علة).

14- حدثني على بن الحسين بن موسى -رحمة الله عليه - عن على بن ابراهيم ابن - هاشم، عن ابيه، عن ابن فضال، عن على بن عقبة، عن عبيد الله الحلبي، عن ابي عبيد الله عليه السلام قال: قلت: انا زور قبر الحسين عليه السلام فى السنة مرة،

قلت: كيف اصلى عليه؟ قال: تقوم خلفه عند كتفيه، ثم تصلى على النبى
ﷺ و تصلى على الحسين عليه السلام.

ترجمه:

(حدیث دوازدهم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، از پدرش، از حسن بن محبوب، از
صباح الحذا، از محمد بن مروان، از حضرت ابى عبد الله عليه السلام، وی گفت: از آن
حضرت شنیدم که می فرمودند:

قبر حضرت امام حسين عليه السلام را زیارت کنید اگر چه سالی یک بار باشد....

(حدیث سیزدهم)

پدرم رحمة الله عليه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن
علی بوفکی، وی گفت: یحیی که از خادمین ابوجعفر ثانی بود برای ما نقل کرد
از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابى عبد الله عليه السلام در
ضمن حدیثی طولانی چنین نقل کرده:

محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سید الشهدا برود و
سپس برگردد چند وقت بعد دو مرتبه به زیارت عود کند؟ و در چند روز دیگر
به زیارت رود و مردم تا چه مدت می توانند زیارت حضرت را ترک کنند؟
حضرت فرمودند:

بیش از یک ماه نمی توانند آن را ترک کنند و اما کسانی که منزلشان دور
است در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز
نمود به زیارت آن حضرت نروند عاق رسول خدا ﷺ واقع شده و حرمت آن
جناب را قطع و هتک نموده مگر علت و سببی داشته باشد.

(حدیث چهاردهم)

علی بن الحسین بن موسی رحمة الله علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن فضال، از علی بن عقبه از عبید الله الحلبی، از ابی عبد الله علیه السلام وی می گوید:

محضرش عرض کردم: ما در سلا دو یا سه مرتبه قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت می کنیم آیا این عمل چطور است؟
حضرت فرمودند:

من کراحت دارم زیاد آن قبر مطهر را قصد کنید، در سال یک مرتبه به زیارت آن بروید.

عرض کردم: چگونه صلوات بر آن حضرت بفرستیم؟
حضرت فرمودند:

پشت قبر در جنب کتفین و شانه های آن حضرت بایست، سپس صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بفرست و بعد از آن بر حسین علیه السلام صلوات و رحمت بفرست.
متن:

15- و قال العمرکی باسناده (قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: انه یصلی عند قبر الحسین اربعة آلاف ملک من طلوع الفجر الی ان تغیب الشمس، ثم یصدون، و ینزل مثلهم فیصلون الی طلوع الفجر، فلا ینبغی للمسلم ان یتخلف عن زیارة قبره اکثر من اربع سنین).

16- و باسناده عن محمد بن الفضل، عن ابی ناب، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن زیارة قبر الحسین صلوات الله علیه، قال نعم تعدل عمرة، و لا ینبغی التخلف عنه اکثر من اربع سنین.

ترجمه:

(حدیث پانزدهم)

عمرکی به اسنادش نقل کرده و می گوید: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السلام دعاً و طلب رحمت کرده و سپس بالا رفته و چهار هزار فرشته دیگر بجای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعاً و طلب رحمت می کنند. پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند.

(حدیث شانزدهم)

عمرکی به اسنادش از محمد بن فضل، از ابی ناب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی می گوید: راجع به زیارت قبر امام حسین صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل و مساوی با یک عمره است و شایسته نیست بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کنند.

متن:

17- حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن علي بن - محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، عن صفوان الجمال (قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام - ونحن في طريق المدينة نريد مكة - فقلت له: يا بن رسول الله ما لي اراك كئيها حزينا منكسرا؟ فقال لي: لو تسمع ما اسمع لشغلک عن مسائلي، قلت: فما الذي تسمع؟! قال: ابتهاج الملائكة الى الله عزوجل على قتلة امير المؤمنين و قتلة الحسين عليه السلام، و نوح الجن و بكاء الملائكة الذين حولہ: و شدة حزنهم فمن بتها مع هذا بطعام او شراب او نوم؟! قلت له: فمن ياتيہ زائرا ثم ينصرف فمتى يعود اليه؛ و في كم (يوم) يوتى و في كم يسع الناس تركه؟ قال: اما القريب فلا اقل من شهر، و اما بعيد الدار ففي كل ثلاث سنين، فما جاز الثلاث سنين فقد عق رسول الله

و قطع رحمہ الا من علة، و لو يعلم زائر الحسين عليه السلام ما يدخل على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و ما يصل اليه من الفرح و الى امير المومنين و الى فاطمة و الائمة و الشهداً منا اهل البيت و ما ينقلب به من دعائهم له؛ و ما له في ذلك من الثواب في العاجل و الاجل و المذخور له عند الله لا حب ان يكون ما ثم داره ما بقي.

و ان زائرہ ليخرج من رحله فما يقع فيئه على شى الا دعاه، فاذا وقعت الشمس عليه اكلت ذنوبه كما تاكل النار الحطب، و ما تبقى الشمس عليه من ذنوبه شيئاً، فينصرف و ما عليه ذنب و قد رفع له من الدرجات ما لا يناله المتحط بدمه في سبيل الله و يوكل به ملك يقوم مقامه و يستغفر له حتى يرجع الى الزيارة او يمضى ثلاث سنين او يموت - و ذكر الحديث بطوله -).

حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن احمد بن ادريس؛ و محمد بن يحيى جميعاً، عن العمركى بن على البوفكى قال: حدثنا يحيى - و كان في خدمة ايب جعفر الثانى - عن على، عن صفوان بن مهران الجمال، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سألته في طريق المدينة - و ذكر الحديث بطوله -.

ترجمه:

(حديث هفدهم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حميرى، از پدرش از على بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصرى از عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، از صفوان جمال، وى گفت: در راه مدينه قصد مکه داشتيم.

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام پرسيدم: اى فرزند رسول خدا چيست که شما را

اندوهگين و محزون و شکسته خاطر مى بينم؟

حضرت فرمودند:

آنچه را من مى شنوم اگر تو مى شنيدى اين سوال را از من نمى کردى.

عرض کردم: چه چیز می شنوید؟

حضرت فرمودند:

زاری کردن فرشتگان به درگاه خداوند عزوجل و اظهار بغض نمودن از کشندگان امیرالمومنین و حضرت امام حسین علیه السلام و توجه نمودن جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند و شدت حزن ایشان، پس بر چه کسی با این حال طعام یا شراب یا خواب گوارا خواهد بود؟!

عرضه داشتم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و بعد برگردد چه زمانی باز برای زارت بر گردد؟ و ظرف چند روز بعد دوباره محضر امام علیه السلام برگردد و اساساً مردم تا چند وقت می توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

اما کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهر هستند لااقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنانکه دور می باشند در هر سه سال یک مرتبه و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و قطع رحم آن حضرت را نموده اند مگر علت و سببی داشته باشد.

و اساساً زائر حسین علیه السلام اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و ائمه علیهم السلام و شهدا از ما اهل بیت وارد شده و او نیز مطلع بادش که از ناحیه دعاً ایشان برایش چه حاصل شده و همچنین واقف باشد از اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گشته هر آینه دوست می دارد که منزلش نزد آنجناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

و زائر حسین علیه السلام وقتی به قصد زیارت از خانه اش خارج شد سایه اش به چیزی نمی افتد مگر آن چیز برایش دعا می نماید. و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می خورد همانطوریکه آتش هیزم را می خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی گذارد، بنابر این از زیارت بر می گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه اش را آن قدر مرتفع و عالی می گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده اند به آن دست رسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی باشد و خداوند منان فرشته ای را قائم مقام وی نموده که تا بار دیگر وی به زیارت حضرت می آید برایش طلب آمرزش کند یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود.

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی جمیعا از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:
در طریق مدینه از حضرت سوال کردم... و حدیث را با طول و تفصیل نقل نموده.

الباب التاسع و التسعون ثواب زیارة قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد

بن علی الجواد علیه السلام ببغداد

متن:

1- حدثنی علی بن الحسین بن موسی بن بابویه -رحمة الله علیه - عن سعد بن - عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی الوشاء (قال: سألت الرضا علیه السلام عن زیارة قبر ابی الحسن علیه السلام امثل زیارة قبر الحسین علیه السلام؟ قال: نعم).

و حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد بن - عيسى، باسناده مثله.

2- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن - عيسى، عن ابي علي، عن الحسين بن بشار الواسطي (قال: قلت للرضا عليه السلام: ازور قبر ابي الحسن عليه السلام ببغداد؟ فقال: ان كان لا بد منه فمن ورأ الحجاب).

3- حدثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن ابي عبد الله البرقي، عن الحسن بن علي الوشأ (قال: قلت للرضا عليه السلام: ما لمن زار قبر ابيك ابي الحسين عليه السلام؟ فقال: زره، قال: فقلت: فاي شى من الفضل؟ قال: له مثل من زار قبر الحسين عليه السلام).

4- حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن ابيه، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حسان الواسطي - عن بعض اصحابنا - عن الرضا عليه السلام فى اتيان قبر ابي الحسن عليه السلام قال: صلوا فى المساجد حوله.

باب نود و نهم ثواب زیارت قبر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر و
محمد بن علی الجواد علیه السلام در بغداد

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از
احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشأ وی گفت: از حضرت رضا
علیه السلام راجع به زیارت قبر ابا الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام سوال کرده و عرض
کردم: آیا مثل زیارت قبر حسین علیه السلام است؟
حضرت فرمودند: بلی.

و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی به
اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

(حدیث دوم)

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی
علی، از حسین بن بشار واسطی نقل کرده وی گفت:
محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام، عرض کردم: آیا قبر حضرت ابی الحسن
در بغداد را زیارت بکنم؟

حضرت فرمودند:

اگر چاره ای از آن نداشتی پس از پشت حجاب زیارتش بکن.

مترجم گوید:

مرحوم مجلسی در بحار فرموده: امر به زیارت از پشت حجاب بخاطر تقیه
از مخالفین می باشد.

(حدیث سوم)

علی بن الحسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن ابی عبد الله البرقی، از حسن بن علی الوشائقل کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان حضرت ابی الحسن علیه السلام را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

آن را زیارت کن.

عرض کردم: فضیلت آن چه قدر است؟

حضرت فرمودند:

ثواب و فضیلت کسی که او را زیارت کند مثل ثواب کسی است که قبر

حسین علیه السلام را زیارت نماید.

(حدیث چهارم)

محمد بن عبد الله بن جعفر، از پدرش، از هارون بن مسلم، از علی بن حسان واسطی، از برخی اصحاب ما، از حضرت رضا علیه السلام راجع به رفتن و زیارت کردن قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: در مساجدی که اطراف آن قبر مطهر است نماز بگذارید.
متن:

5- حدیثی ابی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله -
جمیعا، عن سعد بن عبد الله، عن یعقوب بن یزید، عن الحسین، عن الحسین بن
بشار الواسطی (قال: سألت ابا الحسن الرضا علیه السلام . لمن زار قبر ابیك صلوات الله
علیه؟ قال: فقال: زوره، قال: قلت: فای شی فیہ من الفضل؟ قال: فقال: فیہ من
الفضل كفضل من زار والده - یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - قلت: فان خفت و لم
یمکن لی الدخول داخلا؟ قال: سلم من ورأ الجدار).

6- حدثني ابو العباس محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين بن -
ابي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن الخيبري، عن الحسين ابن
محمد الاشعري القمي (قال: قال لي الرضا عليه السلام: من زار قبر ابي ببغداد كان كمن
زار رسول الله صلى الله عليه وآله و قبر امير المؤمنين عليه السلام الا ان لرسول الله و امير المؤمنين
فضلهما).

و حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين
باسناده مثله.

7- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد
بن - عيسى، عن عبد الرحمن بن ابي نجران (قال: سألت ابا جعفر عليه السلام عن زار
رسول الله صلى الله عليه وآله قاصدا، قال: له الجنة، ومن زار قبر ابي الحسن عليه السلام فله الجنة).

8- حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن سعد بن عبد الله، عن
احمد بن محمد، عن الحسن بن علي الوشأ عن الرضا عليه السلام قال: زيارة قبر ابي
مثل زيارة قبر الحسين عليه السلام.

ترجمه:

(حديث پنجم)

پدرم و علی بن الحسین، و محمد بن الحسن رحمة الله عليه عليهم جملگی از
سعد بن عبد الله، از یعقوب بن یزید، از حسین بشار واسطی، نقل کرده اند که وی
گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا عليه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان
را زیارت کند چیست؟

راوی گفت: حضرت فرمودند:

به زیارت ایشان بروید.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن می باشد؟

حضرت فرمودند:

فضیلت زیارت او همچون فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا ﷺ می باشد.

عرض کردم: اگر خوف و هراسی داشته و برایم ممکن نبود که داخل شوم چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند:

از پشت حجاب سلام بده.

(حدیث ششم)

ابوالعباس محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از خیبری، از حسین بن محمد اشعری قمی نقل کرده که وی گفت:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند مثل کسی است که رسول خدا ﷺ و قبر امیرالمومنین علیه السلام را زیارت کرده منتهی زیارت رسول خدا و امیر المومنین سلام الله علیهما می باشند.

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین به اسنادش متن همین حدیث را نقل کرده اند.

(حدیث هفتم)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبد الرحمن بن ابی نجران نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابو جعفر علیه السلام راجع به کسی که رسول خدا را زیارت کند پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بهشت برای او است و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام (امام کاظم علیه السلام) را زیارت کند بهشت برای او می باشد.

(حدیث هشتم)

محمد بن الحسن بن احمد ولید، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از حسن بن علی الوشاء، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: زیارت قبر پدرم مثل زیارت قبر حسین علیه السلام می باشد.

متن:

9- و عنه، عن سعد، عن احمد بن محمد، عن احمد بن عبدوس الخنجی، عن ابیه رحیم (قال: قلت للرضا علیه السلام: جعلت فداک ان زیارة قبر ابی الحسن علیه السلام ببغداد علینا فیها مشقة، و انما ناته فنسلم علیه من ورأ الحیطان، فما لمن زاره من الثواب؟ قال: فقال له: و الله مثل ما لمن اتی قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم).

10- و حدثنی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن رحیم (قال: قلت للرضا علیه السلام: جعلت فداک ان زیارة قبر ابی الحسن علیه السلام ببغداد علینا فیها مشقة، فما لمن زاره؟ فقال: له مثل ما لمن اتی قبر الحسین علیه السلام من الثواب، قال: و دخل رجل فسلم علیه و جلس و ذکر بغداد و ردة اهلها و ما یتوقع ان ینزل بهم من الخسف و الصحیة و الصواعق - و عدد من ذلك اشیا - قال: فقمتم لاخرج فسمعت اباالحسن علیه السلام و هو یقول: اما ابو الحسن فلا).

11- حدثنی محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن حمدان القلانسی، عن علی بن محمد الحضینی، عن علی بن عبد الله بن مروان، عن ابراهیم ابن - عقبه (قال: کتبت الی ابی الحسن الثالث علیه السلام اساله عن زیارة قبر ابی عبد الله، و

عن زیارة قبر ابی الحسن و ابی جعفر علیهما السلام، فکتب الی: ابو عبد الله المقدم، و هذا اجمع و اعظم اجرا).

12- حدثنی علی بن الحسین عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد ابن - عیسی، عن عبد الرحمن بن ابی نجران قال: سالت ابا جعفر علیه السلام عن من زار النبی صلی الله علیه و آله و سلم قاصدا؟ قال: له الجنة، و من زار قبر ابی الحسن علیه السلام فله الجنة.

ترجمه:

(حدیث نهم)

از محمد بن الحسن، از سعد، از احمد بن محمد، از احمد بن عدوس خلنجی، از پدرش رحیم، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد، بر ما مشقت دارد لذا خدمتش رفته و از پشت دیوارها به او سلام می دهیم، ثواب کسی که او را زیارت کند چیست؟

حضرت به او فرمودند:

به خدا سوگند ثواب او مثل ثواب کسی است که رسول خدا را زیارت کرده است.

(حدیث دهم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم از رحیم، وی گفت: محضر امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد بر ما مشقت دارد، ثواب کسی که ایشان را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

ثوابش مثل کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند.

راوی می گوید:

شخصی داخل شد و به آن حضرت سلام داد و نشست و متذکر بغداد و پست بودن مردم آن شد و خاطر نشان کرد که امید می رود عذاب خسف (فرو رفتن در زمین) و صیحه آسمانی و صاعقه... و نام چند عذاب دیگر را برد... ایشان را بگیرد.

سپس می گوید: وقتی بلند شدم از محضرش مرخص شوم شنید که آن جناب فرمودند:

اما ابوالحسن این طور نیست.

مترجم گوید:

طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود این است که: اما ابوالحسن علیه السلام: دعاً ممکن به اهل بغداد این عذاب ها، نازل شود زیرا ایشان بواسطه وجود قبر مطهر حضرت ابوالحسن علیه السلام از آن محفوظ و مصون می باشند.
(حدیث یازدهم)

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از حملان قلانسی، از علی بن محمد الحضینی، از علی بن عبد الله بن مروان از ابراهیم بن عقبه، وی گفت:
حضرت ابی الحسن الثالث علیه السلام نامه ای نوشته و در آن از زیارت قبر ابی عبد الله و قبر ابی الحسن و قبر ابی جعفر علیه السلام پرسیدم؟
حضرت در جواب فرمودند:

زیارت ابی عبد الله الحسین علیه السلام را مقدم بجا آور و بعد زیارت این دو امام همام علیه السلام را به آن ضمیمه کن که زیارتت جامع تر و اجرت عظیم تر خواهد بود.

(حدیث دوازدهم)

علی بن الحسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبد الرحمن بن ابی نجران، وی گفت:

از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

بهشت برای او می باشد و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام را نیز زیارت کند
بهشت برای او خواهد بود.

الباب المائة زیارة ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی جعفر محمد بن علی
الجواد علیه السلام

متن:

1- حدثنی محمد بن جعفر الرزاز الکوفی، عن محمد بن عیسی بن عبید -
عن ذکره - عن ابی الحسن علیه السلام (قال: تقول ببغداد:

(السلام علیک یا ولی الله، السلام علیک یا حجة الله، السلام علیک یا نور الله
فی ظلمات الارض، السلام علیک یا من بدا الله فی شأنه، اتیتک عارفا بحقک،
معاد یا لاعدائک، فاشفع لی عند ربک یا مولای)، قال: وادع الله و اسال
حاجتک، قال: و سلم بهذا علی ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام.

و قال: اذا اردت زیارت موسی بن جعفر؛ و محمد بن علی علیه السلام فاغتسل و
تنظف و البس ثوبیک الطاهرین، و زر قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد
بن علی بن موسی الرضا علیه السلام، و قل حین تصیر عند قبر موسی بن جعفر
علیه السلام:

السلام علیک یا ولی الله، السلام علیک یا حجة الله، السلام علیک یا نور الله
فی ظلمات الارض، السلام علیک یا من بدا الله فی شأنه، اتیتک زائرا، عارفا
بحقک، معادیا لاعدائک، موالیا لاولیائک، فاشفع لی عند ربک یا مولای.

باب صدم در بیان زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی
جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش
نموده، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، حضرت فرمودند:

در زیارت نامه حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد می گوئی:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا
در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شانش برای حق تعالی
حاصل شده، به زیارت آمده ام در حالی که عارف به حقت بوده، دشمن
دشمنانت هستم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش سپس
حضرت فرمودند:

خدا را بخوان و از او حاجتت را درخواست نما.

حضرت فرمودند:

و با همین عبارات بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام، سلام بده.

و فرمودند:

هر گاه اراده زیارت حضرت موسی به جعفر و محمد بن علی علیه السلام را نمودی،
غسل کن و خود را نظیف و پاکیزه کن و دو جامه طاهر و پاک خود را بپوش و
قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام را زیارت
کرده و هنگامی که نزدیک قبر موسی بن جعفر علیه السلام رسیدی بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام و درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای
نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شانش بدا برای حق

تعالی حاصل شده، آمدم به نزدت در حالی که زائر تو هستم عارف به حق تو و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می باشم، ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

متن:

ثم سل حاجتک، ثم سلم علی ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیه السلام بهذه الاحرف، و ابدء بالغسل و قل:

(اللهم صل علی محمد بن علی الامام البر التقی الرضی، و حاجتک علی من فوق الارضین، و من تحت الثری، صلاة كثيرة تامة زاكية مباركة متواصلة متواترة مترادفة، كافضل ما صليت علی احد من اولیائک، السلام علیک یا ولی الله، السلام علیک یا نور الله، السلام علیک یا حجة الله، السلام علیک یا امام المومنین، السلام علیک یا خليفة النبیین و سلالة الوصیین، السلام علیک یا نور الله فی ظلمات الارض، اتیتک زائرا عارفا بحقک، معادیا لاعدائک، موالیاً لاولیائک، فاشفع لی عند ربک یا مولای).

ثم سل حاجتک فانها تقضى ان شاء الله تعالى.

قال: و تقول عند قبر ابی الحسن علیه السلام ببغداد، و یجزی ء فی المواطن كلها.

ان تقول: (السلام علی اولیاء الله و اصفیائه، السلام علی امناء الله و احبائه، السلام علی انصار الله و خلفائه، السلام علی محال معرفة الله، السلام علی مساکن ذکر الله، السلام علی مظاهر امر الله و نهیه، السلام علی الدعاء الی الله، السلام علی المستقرین فی مرضات الله، السلام علی المخلصین فی طاعة الله، الادلاء علی الله، السلام علی الذین من والاهم فقد و الی الله، و من عاداهم فقد عادی الله، و من عرفهم فقد عرف الله و من جهلهم فقد جهل الله. و من اعتصم بهم فقد اعتطم با الله، و من تخلی منهم فقد تخلی من الله، اشهد الله انی مسلم لکم، سلم لمن سالمکم، حرب لمن حاربکم، مومن بسرکم و علانیتکم، مفوض فی ذلک کله

اليكم، لعن الله عدو آل محمد من الجن و الانس، و ابرء الى الله منهم، و صلى الله على محمد و آله).

و هذا يجزء فى المشاهد كلها، و تكثر من الصلاة على محمد و آله، و تسمى واحدا و احدا باسمائهم، و تبرء من اعدائهم، و تخير لنفسك من الدعاء و للمومنين و للمومنات.

دنباله زيارت نامه حضرت ابى الحسن موسى بن جعفر و ابى جعفر حضرت محمد بن على الجواد عليه السلام
ترجمه:

سپس حاجتت را از خدا بخواه و بعد بر حضرت ابى جعفر محمد بن على الجواد عليه السلام سلام بده و با همين عبارات به محضرش درود و تهنيت بفرست. و ابتدا كن به غسل و بعد بگو:

خدایا درود و رحمت بفرست بر محمد بن على كه پیشوائى است پرهيزكار، پاكيزه، راضى و خشنود، پسندیده، حجت تو است بر آنچه روى و زير زمين مى باشند، درود و رحمت هاى فراوان و تمام و پاك و مبارك و متصل و دنبال و ردیف هم، همچون برترين رحمت هاى كه بر يكى از اولياء و دوستانت فرستادى، سلام بر تو اى ولى خدا، سلام بر تو اى نور خدا، سلام بر تو اى حجت خدا، سلام بر تو اى پیشواى اهل ايمان، سلام بر تو اى جانشين انبىا و فرزند اوصياء، سلام بر تو اى نور خدا در تاريخى هاى زمين، آمدم نزديت در حالى كه زائر تو عارف به حقت و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت مى باشم، پس اى مولای من نزد پروردگارت شفيع من باش.

پس از آن حاجتت را از خدا بخواد كه ان شاء الله بر آورده خواهد شد.

حضرت فرمودند:

و در مقابل قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد و همچنین در تمام مواطن بگو:

درود بر اولیاً خدا و برگزیدگانش، درود بر امین های خدا و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش درود بر محل ها و مراکز خدانشناسی، درود بر مسکن های ذکر و یاد خدا، درود بر مظاهر و نمونه های امر و نهی خدا، درود بر داعیان دعوت کنندگان به سوی خدا، درود بر آرام گیرندگان در امور پسندیده شده خدا، درود بر کسانی که اخلاص دارند در مقام طاعت خدا، درود بر دلالت کنندگان بر خدا، درود بر آنانکه هر کس ایشان را دوست بدارد خدا را دوست دارد و آنکس که ایشان را دشمن بدارد خدا را دشمن دارد، و هر کس ایشان را بشناسد خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد خدا را نشناخته و هر کس چنگ به ایشان زده و متوسل به آنان شود به خدا چنگ زده و به او متوسل گردیده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گرفته است، خدا را شاهد می گیرم که من تسلیم شما هستم، صلح دارم با کسی که با شما صلح دارد و ستیز می کنم با کسی که با شما ستیز می کند، به سر و امر نهائی و آشکار شما ایمان و اعتقاد دارم، تمام امور را به شما تفویض و واگذار می کنم، خدا لعنت کند دشمنان دودمان آل محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی زاری از ایشان می جویم و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل محمد.

این فقره از زیارت را در تمام مشاهد مشرفه می توان خواند و سعی کنند صلوات بر محمد و آل محمد زیاد بفرستند.

و نام یک یک از ذوات مقدسه ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین را ببرند و از دشمنانشان تبری و بی زاری بجویند و برای خود و مومنین و مومنات دعاً خیر کنند.

الباب الحادى و المائة ثواب زيارة ابى الحسن على بن موسى الرضا

عليه السلام بطوس

متن:

1- حدثنى جماعة مشايخى، عن سعد، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن داود الصرمى، عن ابى جعفر الثانى عليه السلام (قال: من زار قبر ابى فله الجنة).

2- حدثنى الحسن بن عبد الله، عن ابىه عبد الله بن محمد بن عيسى، عن داود الصرمى، عن ابى جعفر الثانى عليه السلام (قال: سمعته يقول: من زار قبر ابى فله الجنة).

3- حدثنى ابى -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله قال: حدثنى على بن ابراهيم الجعفرى، عن حمدان الديوانى (قال: دخلت على ابى جعفر الثانى عليه السلام فقلت: ما لمن زار اباك بطوس؟ فقال: عليه السلام: من زار قبر ابى بطوس غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر، قال حمدان: فلكيت بعد ذلك ايوب ابن نوح بن دراج فقلت له: يا ابا الحسين انى سمعت مولاى ابا جعفر عليه السلام يقول: من زار قبر ابى بطوس غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر، فقال ايوب: و ازيدك فيه؟ قلت: نعم، قال: سمعته يقول: ذلك - يعنى ابا جعفر - و انه اذا كان يوم القيامة نصب له منبر بحدأ منبر رسول الله ﷺ حتى يفرغ الناس من الحساب).

4- و قال ابى -رحمة الله عليه - قال سعد: حدثنى على بن الحسين النيسابورى الدقاق قال: حدثنى ابو صالح شعيب بن عيسى قال: حدثنى صالح بن محمد الهمدانى قال: حدثنى ابراهيم بن اسحاق النهاوندى (قال: ابوالحسن الرضا عليه السلام من زارنى على بعد دارى و شطون مزارى، اتيته يوم القيامة فى ثلاث مواطن حتى اخلصه من احوالها: اذا تطاريرت الكتب يمينا و شمالا، و عند الصراط، و عند الميزان). قال سعد: و سمعته بعد ذلك من صالح بن محمد الهمدانى.

باب صد و یکم ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام

در طوس

ترجمه:

(حدیث اول)

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از داود الصرمی، از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام، وی گفت:

از آن حضرت شنیدم که می فرمود:

کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت مال او است.

(حدیث دوم)

حسن بن عبد الله، از پدرش عبد الله بن محمد بن عیسی، از داود الصرمی، از

حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام، وی گفت:

از آن حضرت شنیدم که می فرمود:

کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از آن او است.

(حدیث سوم)

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله نقل کرده که وی گفت:

علی بن ابراهیم الجعفری، از حمدان دیوانی نقل نموده که وی گفت:

داخل شدم بر حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام و محضرش عرض کردم: اجر

کسی که پدر شما را در طوس زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را

بیامرزد.

حمدان می گوید: پس از آن با ایوب بن نوح بن دراج ملاقات کردم و به او گفتم:

ای ابا حسین من از مولای خود حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را می آمرزد.

ایوب گفت: می خواهی اضافه تر از این را برایت بگویم؟
گفتم: آری.

ایوب گفت: شنیدم از آن حضرت که این فقره را می فرمودند و اضافه کرده و می گفتند: هنگامی که روز قیامت شود منبری برای او (زائر پدرم) در مقابل منبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نصب می شود تا مردم از حساب فارغ شوند.

(حدیث چهارم)

پدرم رحمه الله علیه گفت:

سعد گفت: علی بن الحسین النیشابوری دقاق گفت:

ابو صالح شعیب بن عیسی برایم حدیث گفت و نقل کرد که صالح بن محمد همدانی گفت:

ابراهیم بن اسحق نهاوندی گفت که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمودند: کسی که من را زیارت کند در حالی که خانه ام دور و مزارم بعید است من روز قیامت در سه موطن به نزدش آمده تا او را از ترس ها و هولهای قیامت برهانم:

الف: هنگامی که کتاب ها (نامه های اعمال) به دست راست و چپ داده می شوند.

ب - در هنگام عبور از صراط.

ج - در وقت نهادن اعمال را در میزان.

سعد می گوید: این حدیث را بعد از صالح بن محمد همدانی شنیدم.

متن:

5- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - عن سعد، عن ابراهیم بن ریان قال: حدثنی یحیی بن الحسن الحسینی قال: حدثنی علی بن عبد الله بن قطرب، عن ابی الحسن موسی علیه السلام (قال: مر به ابنه و هو شاب حدث، و بنوه مجتمعون عنده، فقال: ان ابنی هذا یموت فی ارض غریة، فمن زاره مسلماً لامره عارفاً بحقه، کان عند الله عزوجل کشهداً بدر).

6- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - و محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن حمدان بن اسحاق (قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام؛ او حکى لی عن رجل عن ابی جعفر - الشک من علی بن ابراهیم - قال: قال ابو جعفر علیه السلام: من زار قبر ابی بطوس غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر فحججت بعد الزيارة، فلقيت ایوب بن نوح، فقال لی: قال ابو جعفر (الثانی) علیه السلام: من زار قبر ابی بطوس غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر، و بنی الہ منبراً بحداً منبر رسول الله و علی صلوات الله علیهما حتی یفرغ الله من حساب الخلائق. فرایت ایوب بن نوح بعد ذلك و قد زار، فقال: جئت اطلب المنبر!).

ترجمه:

(حدیث پنجم)

پدرم رحمة الله علیه، از سعد، از ابراهیم بن ریان، وی گفت:

یحیی بن حسن حسینی گفت: علی بن عبد الله بن قطرب برایم حدیث گفت از حضرت ابی الحسن موسی علیه السلام وی گفت: فرزند آن حضرت در حالی که جوان و کم سن بود به آن جناب مرور کرد و تمام فرزندانش نزدش جمع بودند، آن حضرت فرمودند:

این پسر (یعنی حضرت رضا) در سرزمینی به حالت غربت از دنیا می رود پس کسی که او را زیارت کند و تسلیم امرش بوده و به حقش عارف و آگاه باشد نزد خدا مقامش همچون مقام شهدا بدر باشد.

(حدیث ششم)

پدرم رحمه الله علیه، و محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحاق، وی گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم یا برایم از شخصی و او از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نمود (تردید از علی بن ابراهیم می باشد) به هر صورت وی گفت: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند متعال گناهان سابق و لاحقش را می آمرزد، پس بعد از زیارت به حج رفتم و ایوب بن نوع را ملاقات کردم و به من گفت: حضرت ابو جعفر ثانی فرمودند: کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان سابق و لاحقش را بیامرزد و برایش منبری در مقابل منبر رسول خدا و حضرت علی علیه السلام بنا می شود تا خلائق از حساب فارغ شوند.

بعد از آن ایوب بن نوح را دیدم که آن حضرت را زیارت می کرد و می گفت: آمده ام به طلب منبر!

متن:

7- حدثني ابي -رحمة الله عليه - و محمد بن الحسن؛ و علي بن الحسين جميعا، عن سعد بن عبد الله بن ابي خلف، عن الحسن بن علي بن عبد الله ابن المغيرة، عن الحسين بن سيف بن عميرة، عن محمد بن اسلم الجبلي، عن محمد بن سليمان (قال: سألت ابا جعفر علیه السلام عن رجل حج حجة الاسلام فدخل متمتعا بالعمرة الى الحج، فاعانه الله على حجه و على عمرته، ثم اتى المدينة فسلم على

رسول الله ﷺ ثم اتاك عارفا بحقك يعلم انك حجة الله على خلقه، و بابه الذي يوتى منه فسلم عليك، ثم اتى ابا عبد الله الحسين عليه السلام، ثم اتى بغداد فسلم على ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام، ثم انصرف الى بلاده، فلما كان وقت الحج رزقه الله ما يحج به فايهما افضل؟ هذا الذي قد حج حجة الاسلام يرجع و يحج ايضا او يرخج الى خراسان الى ابيك على بن موسى عليه السلام فليسلم عليه؟ قال: بل ياتي خراسان فليسلم على ابي الحسن افضل، وليكن ذلك فى رجب، ولكن لا ينبغي ان يفعلوا هذا اليوم ت فان علينا و عليكم خوفا من السلطان و شنة).

8- حدثني محمد بن الحسن بن احمد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن علي بن مهزيار قال: قلت لابي جعفر عليه السلام: ما لمن زار قبر الرضا عليه السلام؟ قال: (فله) الجنة و الله.

ترجمه:

(حديث هفتم)

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و على بن الحسين جملگی از سعد ابن عبد الله بن ابي خلف، از حسن بن على بن عبد الله بن مغیره، از حسين بن سيف بن عميره، از محمد بن اسلم الجلبی، از محمد بن سليمان، وى می گوید: از حضرت ابا جعفر عليه السلام راجع به مردی که حجة الاسلام بجای می آورد پرسیدم: وى برای انجام حج تمتع داخل مکه شد و خداوند بر انجام حج و عمره کمکش کرد، سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا ﷺ سلام داد و آن جناب را زیارت کرد پس از آن به زیارت شما آمد در حالی که به حق شما عارف بوده و می داند که شما حجت خدا بر خلائق هستید.

و توجه دارد که شما همان بابی هستید که شخص برای توجه الى الله باید از آن باب وارد شود و به شما سلام داده و زیارتتان می کند، سپس به زیارت

حضرت ابا عبد الله الحسين سلام الله عليه رفته و به آن حضرت سلام می دهد
آن گاه به بغداد رفته و بر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام سلام می
دهد و بعد به شهر خودش مراجعت می کند، و پس از رسیدن موسم حج خداوند
متعال حج را روزی او می کند حال بفرمائید کدامیک از این دو افضل و برتر
هستند؟

حجة الاسلامی که بجا آورد و برگشت و دوباره حج روزی او شده یا به
خراسان رود و پدر بزرگوارتان حضرت علی بن موسی علیه السلام را سلام داده و
زیارت کند؟

حضرت در جواب فرمودند:

بلکه افضل آن است که به خراسان رود و بر پدرم حضرت ابی الحسن سلام
داده و آن جناب را زیارت کند و شایسته است که این زیارت را در رجب انجام
دهد ولی در این روز به آن مبادرت نکند زیرا هم بر ما و هم بر شما از ناحیه
سلطان خوف بوده و ممکن است در معرض تشنیع و بدگوئی واقع شویم.

(حدیث هشتم)

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف،
از علی بن مهزیار، وی گفت:

محضر حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: اجر کسی که قبر حضرت رضا
را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

به خدا سوگند بهشت برای او است.

متن:

9- حدثنی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن -
محمد بن عیسی، عن احمد بن محمد بن ابی نصر البرنطی (قال: قرأت فی کتاب

ابی الحسن الرضا علیه السلام: ابلغ شیعتی ان زیارتی تعدل عند الله الف حجة، قال: فقلت لابی جعفر علیه السلام: الف حجة؟! قال: ای والله؛ و الف الف حجة لمن زاره عارفا بحقه).

10- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - و علی بن الحسین؛ و علی بن محمد بن قولویه، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه، عن ابن ابی عمیر، عن زید النرسی، عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام (قال: من زار ابنی هذا - و او ما الی الحسن الرضا - فله الجنة).

11- حدثنی محمد بن یعقوب؛ و علی بن الحسین؛ و غیرهما، عن علی ابن ابراهیم، عن ابيه، عن علی بن مهزیار (قال: قلت لابی جعفر علیه السلام: جعلت فداک زیارة الرضا افضل ام زیارة ابی ابی عبد الله حسین بن علی علیه السلام؟ قال: زیارة ابی افضل، و ذلك ان ابا عبد الله علیه السلام يزوره كل الناس، و ابی لا يزوره الا الخواص من الشيعة).

و عنهم - رحمهم الله - عن علی بن ابراهیم، عن حمدان بن اسحاق (قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام؛ او حکى لى رجل عن ابی جعفر علیه السلام - الشک من علی يقول: و ذکر مثل حدیث ایوب بن نوح، حدیث المنبر.

ترجمه:

(حدیث نهم)

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر بزنی وی گفت:

در کتاب حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام خواندم که آن حضرت مرقوم فرموده بودند: برسان به شیعیانم که زیارت من نزد خدا معادل با هزار حج است. می گوید: به حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: معادل با هزار حج است؟! حضرت فرمودند:

بلی به خدا قسم بلکه کسی که ایشان را زیارت کند در حالی که عارف به
حقش باشد ثواب یک میلیون حج به او داده می شود.

(حدیث دهم)

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از علی
ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از ابن ابی عمیر، از زید النرسی، از حضرت ابی
الحسن موسی بن جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که این فرزندم (اشاره به حضرت رضا کردند، علیه السلام را زیارت کند بهشت
از آن او است.

(حدیث یازدهم)

محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، و غیر این دو از علی بن ابراهیم، از
پدرش، از علی بن مهزیار وی گفت: محضر ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: فدایت
شوم زیارت حضرت رضا علیه السلام افضل است یا زیارت ابی عبد الله حسین بن
علی علیه السلام؟

حضرت فرمودند:

زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را هر گروهی
از مردم زیارت می کنند ولی پدرم را زیارت نمی کند مگر شیعیان خاص و
خالص ما.

و از محمد بن یعقوب و علی بن الحسین و غیر این دو رحمه الله علیه از علی
بن ابراهیم، از حمدان بن اسحق نقل شده که وی گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السلام
شنیدم یا شخصی از حضرت ابی جعفر علیه السلام برایم نقل کرد (شک و تردید از
علی بن ابراهیم است) که آن حضرت فرمودند:... و حدیثی مانند حدیث ایوب
بن نوح که به حدیث منبر مشهور است را ذکر فرمود.

متن:

12- حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى العطار، عن علي ابن الحسين النيسابوري،: ابراهيم بن محمد، عن عبد الرحمن بن سعيد المكي، عن يحيى بن سليمان المازني، عن ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام (قال: من زار قبر ولدي كان له عند الله سبعون حجة مبرورة، قال: قلت: سبعين حجة؟! قال: نعم؛ و سبعمائة حجة، قلت: سبعمائة حجة؟! قال: نعم؛ و سبعين الف حجة، قلت و سبعين الف حجة، قال: نعم؛ و رب حجة لا تقبل، من زاره و بات عنده ليلة كان كمن زار الله في عرشه، قلت؛ كمن زار الله في عرشه؟! قال: نعم اذا كان يوم القيامة كان على عرش الله اربعة من الاولين و اربعة من الاخرين، اما الاربعة الذين هم من الاولين فنوح و ابراهيم و موسى و عيسى عليه السلام، و اما الاربعة الذين هم من الاخرين فمحمد و علي و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم اجمعين، ثم يمد المضار، فيقعد معنا من زار قبور الائمة؛ الا ان اعلاهم درجة و اقربهم حبوّة من زار قبر ولدي علي عليه السلام -).

حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله قال: حدثني علي بن الحسين النيسابوري (قال: حدثني ابراهيم بن رئاب) بهذا الاسناد مثله.

ترجمه:

(حديث دوازدهم)

محمد بن يعقوب، از محمد بن يحيى العطار، از علي بن حسين نيشابوري، از ابراهيم بن محمد، از عبد الرحمن بن سعيد المكي، از يحيى بن سليمان مازني، از ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام، حضرت فرمودند:

كسى كه قبر فرزندم را زيارت كند براى او نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول مى باشد.

راوى مى گويد: محضرش عرضه داشتم: ثواب هفتاد حج؟!

حضرت فرمودند:

بلی، بلکه ثواب هفتصد حج؟!!

عرض کردم: هفتصد حج؟!!

فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟!!

فرمودند: بلی، از این گذشته حج مقبول واقع نمی شود، کسی که آن حضرت را زیارت کند و شب را نزد آن جناب بیتوته کند مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده.

عرض کردم: مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده؟!!

حضرت فرمودند:

بلی، هنگامی که قیامت به پا شود چهار تن از اولین و چهار تن از آخرین روی عرش خدا هستند.

اما چهار تن از اولین عبارتند از:

حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام.

و اما چهار تن از متاخرین عبارتند از:

حضرت محمد و علی و حسن و حسین صلی الله علیه و آله و سلم.

سپس مجلس کشیده شده و در آن توسعه داده می شود و کسانی که قبور

ائمه را زیارت کرده اند با ما روی عرش می نشینند.

توجه داشته باش کسی که قبر فرزندان علی علیه السلام را زیارت کرده باشد درجه

اش از دیگران اعلی و عطیه اهدائی او بهتر از سایرین می باشد.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله نقل کرده که وی گفت:

علی بن الحسین النیشابوری گفت: ابراهیم بن رئاب حدیثی مثل این حدیث

را با همین اسناد نقل نموده است.

الباب الثاني و المائة زيارة قبر ابي الحسن الرضا ؑ

متن:

1- حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن عبد الله ابن احمد، عن بكر بن صالح، عن عمرو بن هشام - عن رجل من اصحابنا - (قال: اذا اتيت الرضا على بن موسى ؑ فقل:

(اللهم صلى على على بن موسى الرضا المرتضى، الامام التقى النقى، و حجتك على من فوق الارض ومن تحت الثرى، الصديق الشهيد، صلاة كثيرة نامية زاكية متواصلة متواترة مترادفة، كافضل ماصليت على احد من اوليائك).

وروى عن بعضهم قال: اذا اتيت قبر على بن موسى الرضا بطوس فاغتسل عند خروجك من منزلك و قل حين تغتسل:

(اللهم طهرنى، و طهر قلبى، و اشرح لى صدرى، و اجر على لسانى مدحتك و التنا عليك، فانه لا قوة الا بك، اللهم اجعله لى طهورا و شفأ (و نورا)).
و تقول حين تخرج:

(بسم الله و بالله و الى الله، و الى ابن رسوله، حسبى الله، توكلت على الله، اللهم اليك توجهت، و اليك قصدت، و ما عندك اردت).
فاذا خرجت فقف على باب دارك و قل:

(اللهم اليك وجهت وجهى، و عليك خلفت اهلى و مالى و ما خولتني و بك، و ثقت فلا تخيبني يا من لا يخيب من اراده، و لا يضيع من حفظه صل على محمد و آل محمد، و احفظني بحفظك، فانه لا يضيع من حفظت).

فاذا وافيت سالما ان شأ الله فاغتسل و قل حين تغتسل:
اللهم طهرنى، و طهر قلبى، و اشرح لى صدرى، و اجر على لسانى مدحتك و محبتك، و التنا عليك، فانه لا قوة الا بك، و قد علمت ان قوة دينى التسليم

لامرک و الاتباع لسنة نبیک، و الشهاده على جميع خلقک، اللهم اجعله لی شفأً و
نورا، انک على کل شی قدیر.

باب صد و دوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام

ترجمه:

(حدیث اول)

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از عبد الله بن احمد، از بکر بن صالح، از عمرو بن هاشم، از شخصی از اصحاب ما، وی گفت: هر گاه به زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام وقتی بگو:

خدایا درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا که:

پسندیده و پیشوائی پرهیزکار و پاک بوده، حجت تو است بر آنچه فوق و تحت زمین هستند، بسیار راستگو و شهید می باشد، درود و رحمت های بسیار و عظیم و پاکیزه و متصل و دنبال و ردیف هم همچون برترین رحمت هائی که بر یکی از اولیاء و دوستان فرستادی.

و از بعضی روایت شده که فرموده:

هر گاه به زیارت قبر علی بن موسی الرضا در طوس رفتی هنگام خروج از منزلت غسل کن و در وقت غسل بگو: خدایا من را پاک و دلم را پاکیزه نما، سینه ام را فراخ کن، و مدح و ستایش خودت را بر زبانم جاری کن، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، خدایا این غسل را برای من پاک کننده و شفأ و نور قرار بده.

و در هنگام خروج از منزل بگو:

به کمک اسم (الله) و به کمک (الله) و به سوی (الله) و به سوی فرزند رسول خدا، کفایت می کند من را خدا، توکل می کنم بر خدا، خدایا به سوی تو توجه نمودم و تو را قصد کرده ام و آنچه را نزد تو است اراده نموده ام.

و هنگامی که از منزل خارج شدی جنب درب بایست و بگو:
خدایا صورتم را به سوی تو متوجه نمودم، و اهل و مالم و آنچه را که به من
عطا کردی پیش تو گذاردم و به تو اطمینان کرده پس من را نا امید مکن ای
کسی که هر که را تو آورده کنی او نا امید نمی شود و آنکس را که حفظ کنی ضایع
نمی گردد، درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد، حفظ کن من را به حفظ
خودت زیرا شخصی را که تو حفظ کردی ضایع نمی شود.

و هنگامی که به مقصود سالما رسیدی غسل کن و در وقت غسل بگو:
خدایا من را پاک نما، و دلم را پاکیزه کن، سینه ام را فراخ کرده و مدح و
محبت خودت را بر زبانم جاری گردان، زیرا هیچ نیروئی وجود ندارد مگر به
واسطه تو، و محققا دانسته ام که قوت دینم به این است که تسلیم امر تو بوده و
از سنت و شریعت پیغمبری پیروی کنم و بر جمیع خلق تو شاهد و ناظر باشم،
خدایا این غسل را برایم شفاً و نور قرار بده، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.
متن:

ثم البس ثيابك، و امش حافيا، و عليك السكينة و الوقار، بالتكبير و التهليل و
التسبيح و التحميد و التمجيد، و قصر خطاك و قل حين تدخل:
(بسم الله و بالله و على ملة رسول الله، اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، و ان عليا ولي الله).

ثم اشر الى قبره، و استقبل وجهه بوجهك، و اجعل القلبة بين كنتفيك و قل:
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، و
انه سيد الاولين و الاخرين، و انه سيد الانبياء و المرسلين، اللهم صلي على محمد
عبدك و رسولك و نبيك و سيد خلقك اجمعين، صلاة لا يقوى على احصائها
غيرك،

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابوالحسن الرضا عليه السلام سپس جامه ات را بپوش و پای برهنه در حالی که با وقار و آرامش حرکت می کنی گام بردار و در حال حرکت تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) گفته و خدا را به مجد و بزرگی یاد کن.

سعی کن قدم هایت را کوتاه برداری و در موقع داخل شدن به روضه منوره آن حضرت بگو:

کمک می جویم به نام خدا و ذات اقدسش و شهادت می دهم که بر شریعت و ملت رسول خدا، هستم، شهادت می دهم که معبودی غیر از خدا نبوده، تنها است و شریک و انبازی ندارد، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده اش می باشد و شهادت می دهم که علی ولی خدا است.

سپس به طرف قبر مطهرش اشاره کن و رو به صورت قبر کن و قبله را پشت سر بگیر بگو:

شهادت می دهم که معبودی غیر از خدا نبوده و او تنها است و انبازی ندارد، و شهادت می دهم که محمد صلى الله عليه وآله وسلم بنده و فرستاده اش بوده و سرور اولین و آخرین است، شهادت می دهم که او آقای انبیاء و فرستاده شدگان است، خدایا رحمتت را بر محمد که بنده و رسول و نبی تو و سرور تمام خلایق می باشد بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین اندازه اش قادر نیست.

متن:

اللهم صل على امير المؤمنين علي بن طالب عبدك و اخي رسولك الذي انتجبت له لعمرك، و جعلته هاديا لمن شئت من خلقك، و الدليل على من بعثته برسالاتك، و ديان يوم الدين بعد لك و فصل قضائك بين خلقك، و المهيم على ذلك كله، و السلام عليه و رحمة الله و بركاته، اللهم صل على فاطمة بنت نبیک؛ و زوجة وليك، و ام السبطين الحسن و الحسين سيدى شباب اهل الجنة،

الطهارة الطاهرة المطهرة، النقية الرضية الزكية، سيدة نساء العالمين و سيدة نساء اهل الجنة من الخلق اجمعين، صلاة لا يقوى على احصائها غيرك، اللهم صل على الحسن و الحسين سبطى نبيك و سيدى شباب اهل الجنة، القائمين فى خلقك، و الدالين على من بعثته برسالاتك، و ديانى الدين بعدلك و فصلى قضائك بين خقك، اللهم صل على على بن الحسين (سيد العابدين) عبدك، القائم فى خلقك، و خليفتك على خلقك، و الدليل على من بعثته برسالاتك، و ديان الدين بعدلك، و فصل قضائك بين خلقك، اللهم صل على محمد بن على عبدك و ولى دينك، و خليفتك فى ارضك، باقر علم النبيين، القائم بعدلك و الداعى الى دينك و دين آباءه الصادقين، صلاة لا يقوى على احصائها غيرك، اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق، عبدك و ولى دينك، و حجتك على خلقك اجمعين الصادق البار، اللهم صل على موسى بن جعفر الكاظم العبد الصالح، و لسانك فى خلقك، الناطق بعلمك، و الججة على بريتك، صلاة لا يقوى على احصائها غيرك، اللهم صل على على بن موسى الرضا الرضى المرتضى، عبدك و ولى دينك، القائم بعدلك، و الداعى الى دينك و دين آباءه الصادقين، صلاة لا يقدر على احصائها غيرك، اللهم صل على محمد بن على و على بن محمد، القائمين بامرک و الموديين عنک و شاهديک على خلقك و دعائم دينك و القوام على ذلك، صلاة لا يقوى على احصائها غيرك، اللهم صل على الحسن بن على، العامل بامرک، و القائم فى خلقك، و حجتك المودى عن نبيك و شاهدك على خلقك، المخصوص بكرامتك، الداعى الى طاعتك و طاعة رسولك صلواتك عليهم اجمعين، صلاة لا يقوى على احصائها غيرك، اللهم صل على حجتك، و وليك القائم فى خلقك، صلاة نامية باقية، تعجل بها فرجه و تنصره (بها)، و تجعلنا معه فى الدنيا و الاخرة، اللهم انى اتقرب اليك بزيارتهم و محبتهم، و اوالى وليهم، و

اعادی عدوهم، فارزقنی بهم خیر الدنیا و الاخرة، و اصرف عنی هم نفسی فی
الدنیا و الاخرة، و احوال یوم القیامة.

ترجمه:

خدایا رحمتت را بر امیرمومنان علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسالت
بوده و کسی است که او را برگزیدی و راهنما برای هر کس از مخلوقات که
بخواهی و دلیل و نشانه بر کسی که او را به رسالت برانگیخته ای قرارش دادی
بفرست، او در روز قیامت به عدل تو حکم کرده و منازعات بین مخلوقات را
فیصله می دهد، نگاهبان بر تمام امور است، و درود و رحمت و برکات خدا بر
او باد.

خدایا رحمتت را بر فاطمه که دختر پیغمبر و همسر ولی تو و مادر دو سبط
پیامبرت یعنی حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند می باشد
بفرست، خدایا خدایا رحمتت را بر فاطمه که نفس پاک و پاک و پاکیزه و غیر
آلوده به آلودگیها است، پسندیده خدا و تزکیه شده و بانوی بانوان عالم و سرور
زنان اهل بهشت است بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین
مقدارش قادر نیست.

ترجمه:

(دنباله زیارت نامه حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام)

خدایا رحمتت را بر حسن و حسین که دو سبط پیغمبرت بوده و دو سرور
جوانان اهل بهشت هستند بفرست ایشان به پا خاسته اند بین خلق تو، نشانه و
دلیل هستند بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته ای به عدل تو در
روز قیامت حکم می کنند، و منازعات بین مردم را فیصله می دهند.

خدایا رحمتت را بر علی بن الحسین که سرور عابدین و بنده تو بوده فرست،
ین خلق تو به پا خاسته و جانشین تو بر خلق است، نشانه و دلیل است بر کسی

که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته ای به عدل تو در روز قیامت حکم می کند، و منازعات بین مردم را فیصله می دهد.

خدای رحمتت را بر محمد بن علی که بنده و ولی دینت و جانشین تو در زمین هست بفرست، شکافنده و تشریح کننده علم انبیا است، عدل تو را به پا نموده، و به دینت و دین پدران صادق و راستگویی مردم را دعوت کرده است، خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاً و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر جعفر بن محمد که صادق و عبد و ولی دین و حجت تو بر تمام خلائق است بفرست، راستگو و نیکوکار می باشد.

خدایا رحمتت را بر موسی بن جعفر که کاظم (مسلط بر خشم) و بنده نیکوکار تو است بفرست زبان تو در بین مخلوقات بوده، به علم تو سخن گفته و حجت تو بر مردمان است خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاً و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر علی بن موسی که رضا و خشنود و پسندیده تو است بفرست، بنده تو و ولی دینت می باشد، عدل تو را به پا کرده و مردم را به دین تو دین پدران صادق و راستگویی دعوت کرده خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاً و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر محمد: علی و علی بن محمد که به امر تو به پا خاسته و از طرف تو ادا و وظیفه نمودند بفرست، آن دو شاهد و ناظر بر خلق بوده و ستونهای دین و قوام بخش آن هستند خدایا رحمتی بر آنها بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاً و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حسن بن علی که به امر تو عمل نمود و در بین خلق تو به پا خاست بفرست حجت تو است و از طرف پیغمبرت ادا وظیفه نمود و شاهد و ناظر تو است بر خلائق، به کرامت تو اختصاص داده شده و به طاعت تو و طاعت رسالت مردم را دعوت نموده.

خدایا رحمت خود را بر تمام ایشان شامل گردان، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاً و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حجت و ولی خود که قائم در بین مردم است بفرست، رحمتی فراوان و غیر قابل زوال، خدایا در فرج حجتت شتاب کن و او را یاری فرما، خدایا در دنیا و آخرت ما را با او قرار بده.

خدایا به واسطه زیارت و محبت ایشان به تو تقرب می جویم، دوستدارانشان را دوست و دشمنانتان را دشمن دارم، خیر دنیا و آخرت را بواسطه ایشان نصیب من گردان، در دنیا و آخرت غم و اندوهم را به واسطه ایشان بر طرف فرما، به واسطه ایشان هول و وحشت های قیامت را از من بر کنار بدار.

متن:

ثم تجلس عند راسه و تقول:

(السلام عليك يا حجة الله) (السلام عليك يا ولي الله)، (السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض)، (السلام عليك يا عمود الدين)، (السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله)، (السلام عليك يا وارث نوح نبی الله)، (السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله)، (السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله)، (السلام عليك يا وارث عيسى روح الله)، (السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله)، (السلام عليك يا وارث امير المومنين على بن ابی طالب ولي الله)، (السلام على يا وارث الحسن و الحسين سيدى شباب اهل الجنة)، (السلام عليك يا وارث على بن الحسين سيد العابدين)، (السلام عليك يا وارث محمد بن على باقر علم الاولين و الاخرين،

(السلام عليك يا وارث جعفر بن محمد الصادق البار التقى النقى (السلام عليك يا وارث موسى بن جعفر الكاظم، (السلام عليك ايها الصديق الشهيد، (السلام عليك ايها الوصى البار التقى، اشهد انك قد اقامت الصلاة و اتيت الزكاة، و امرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و عبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين، السلام عليك يا ابا الحسن ورحمة الله عليه و بركاته، انه حميد مجيد.

ترجمه:

دنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن الرضا عليه السلام سپس بالای سر مبارک

بنشین و بگو:

درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر تو ای ستون دین، درود بر تو ای وارث آدم برگزیده، درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا، درود بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، درود بر تو ای وارث موسی کلیم و سخن گوی با خدا درود بر تو ای وارث عیسی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم محبوب خدا، درود بر تو ای وارث حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب عليه السلام ولی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت امام حسن و امام حسین عليهما السلام درو سرور جوانان اهل بهشت، درود بر تو ای وارث حضرت علی بن الحسین عليهما السلام سرور عابدین، درود بر تو ای وارث حضرت امام محمد بن علی عليهما السلام شکافنده و تشریح کننده علوم اولین و آخرین، درود بر تو ای وارث حضرت جعفر بن محمد عليهما السلام صادق و نیکوکار و پرهیزکار و پاکیزه، درود بر تو ای وارث حضرت موسی بن جعفر عليهما السلام مسلط بر خشم و غضب خود، درود بر تو ای راستگو و ای شهید، درود بر تو ای وصی و نیکوکار و پرهیزکار، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را داده و به معروف امر و از منکر و قبیح نهی فرمودی و خدا را مخلصا پرستیدی تا وقتی که اجل تو را دریافت.

درود بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا نیز بر تو باد، خدا پسندیده
و بزرگ می باشد.

متن:

ثم تنكب على القبر و تقول:

(اللهم اليك صمدت من ارضي، و قطعت البلاد رجاً رحمتك، فلا تخيبي و لا
تردني بغير قضا حوائجي، و ارحم تقلبي على قبر ابن اخي نبيك و رسولك
ﷺ، بابي و امي اتيتك زائراً و افدا عائداً مما جنيت به على نفسي، و احتطبت
على ظهري، فكن لي شفيعاً الى ربك يوم فقري و فاقتي، فان لك عند الله مقاما
محمودا، و انت عند الله وجيه في الدنيا و الاخره)؛

ثم ترفع يدك اليمنى و تبسط المرى على القبر و تقول: (اللهم انى اتقرب اليك
بحبهم و بموالتهم، و اتولى آخرهم بما توليت به اولهم، و ابرء من كل وليجه
دونهم، اللهم العن الذين بدلوا نعمتك، و اتهموا نبيك، و جحدوا آياتك، و سخروا
بامامك، و حملوا الناس على أكتاف آل محمد، اللهم انى اتقرب اليك باللغنه
عليهم و البرأه منهم فى الدنيا و الاخره، يا رحمن يا رحيم)؛

ثم تحول عند رجيله و تقول:

(صلى الله عليك يا ابا الحسن، صلى الله عليك و على روحك و بدنك،
صبرت و انت الصادق المصدق، قتل الله من قتلک بالايدي و الالسن).

ثم ابتهل باللغنه على قاتل امير المؤمنين، و باللغنه على قتله الحسين و على
جميع قتله اهل بيت رسول الله ﷺ، ثم تحول نحو رأسه من خلفه و صل
ركعتين، تقرأ فى احديهما (يس)، و فى الاخرى (الرحمن)، و تجهد فى الدعأ
لنفسك و التضرع، و اكثر من الدعأ لوالديك و لاخوانك المؤمنين، و أقم عنده
ما شئت، و ليكن صلاتك عند القبر ان شأ الله.

دنباله زيارت نامه حضرت ابا الحسن الرضا صلوات الله و سلامه عليه

سپس تکیه بر قر کن و بگو:

خدایا از سرزمین خود که حرکت کردم تو را قصد نموده و شهرها را که طی کرده و پشت سر نهاده ام به نیت تو حرکت کرده ام به امید اینکه رحمتت شامل حالم شود پس من را نا امید مکن و بدون اینکه حاجتم را روا کنی به وطنم بر مگردان، خدایا به غلطیدن و آمدنم بر قبر پسر برادر پیامبر و رسالت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رحم نما و من را مورد عنایت قرار بده، ای علی بن موسی الرضا پدر و مادرم فدایت به نزدت آمده در حالی که زائر و مسافر بوده و از جنایت هائی که بر نفس خویش کرده و بار سنگینی که به پشت گرفته ام به تو پناهنده شده ام پس در روز حاجت و نیازمندیم شفیع من نزد پروردگار باش چه آنکه تو نزد خدا مقامی پسندیده داشته و در دنیا و آخرت پیش حق تعالی وجیه و آبرومند می باشی.

سپس دست راست را بلند و دست چپ را بر روی قبر پهن کن و بگو:

بار خدایا من بواسطه حب و دوستی ایشان به تو تقرب می جویم، خدایا من آخرین نفر ایشان را دوست دارم همان طوری که اولین نفرشان را دوست دار هستم، و بی زاری می جویم از هر بیگانه ای نسبت به آنها، خدایا آنانکه نعمت تو را تبدیل کرده و پیامبرت را مورد اتهام قرار داده و آیات تو را انکار نموده و امام و پیشوایت را مورد استهزاء و سخریه قرار داده و مردم را بر شانه های آل محمد سوار کرده و آنها را بر این ذوات مقدسه مسلط کرده اند لعنت نما، خدایا من به واسطه لعنت بر ایشان و بی زاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرب می جویم ای مهربان و ای صاحب رحم.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

یا ابالحسن رحمت خدا بر تو، رحمت خدا بر تو و بر روح و بر جسم تو، صبر نموده و در مشکلات و ناملايمات شکيبا بودی، تو راستگو و مورد تصدیق می باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست ها و زبان ها کشتند. سپس در لعنت بر قاتلان امیر المومنین و امام حسین سلام الله علیهما و تمام قاتلین اهل بیت رسول خدا ﷺ مبالغه نما.

سپس از پشت قبر به بالا سر برگرد و در آنجا دو رکعت نماز به این کیفیت بخوان.

در رکعت اول سوره حمد و یس و در رکعت دوم بعد از حمد سوره الرحمن را قرائت کن.

و پس از فراغت از آن برای خود بسیار دعأ کن و در تضرع و زاری مبالغه نما و برای پدر و مادر و برادران ایمانی خود تا می توانی دعأ کن و هر مقداری که خواستی در آنجا اقامت کن.

قابل توجه آنکه دو رکعت نماز را نزدیک قبر مطهر بجا بیاور.

الباب الثالث و المائة زیارة ابی الحسن علی بن محمد الهادی و ابی محمد الحسن بن علی العسکری علیهما السلام بسر من رای
متن:

1- روی عن بعضهم علیهم السلام انه قال: (اذ اردت زیارة ابی الحسن الثالث علی بن محمد و ابی محمد الحسن بن علی علیهم السلام تقول بعد الغسل ان وصلت الی قبریهما؛ و الا او مات بالسلام من عند الباب الذی علی الشارع الشبک تقول: (السلام علیکما یا ولی الله، السلام علیکما یا حجتی الله، السلام علیکما یا نوی الله فی ظلمات الارض، السلام علیکما یا من بدا الله فی شانکما، السلام علیکما یا حبیبی الله، السلام علیکما یا امامی الهدی، اتیتکما عارفا بحقکما، معادیا لاعدائکما، موالیاً لاولیائکما، مومناً بما آمنتمنا به، کافراً بما کفرتما به، محققاً لما

حقتما، مبطلا لما ابطلتما، اسأل الله ربي وربكما ان يجعل حظي من زيارتكما
 الطلاة على محمد وآله، و ان يرزقني مرافقتكما في الجنان مع آباءكما الصالحين،
 و اسأله ان يعتق رقبتى من النار، و يرزقني شفاعتكما، و مصاحبتكما، و يعرف
 بينى و بينكما، و يحشرنى معكم فى الجنة برحمته، اللهم ارزقنى حبهما و توفنى
 على ملتتهما، اللهم العن ظالمى آل محمد حقهم و انتقم منهم، اللهم العن الاولين
 منهم و الاخرين، و ضاعف عليهم العذاب، و ابلغ بهم باشياعهم و ابتاعهم و
 محبيهم و متبعيهم، اسفل درك من الجحيم، انك على كل شىء قدير، اللهم عجل
 فرج وليك و ابن وليك، و اجعل فرحنا مع فرجهم يا ارحم الراحمين)؛
 و تجتهد فى الدعا لنفسك و لوالديك و تخير من الدعا فان وصلت اليهم
 صلى الله عليهما فصل عند قبرهما ركعتين، و اذا دخلت المسجد وصلت دعوت
 الله بما احببت، انه قريب مجيب، و هذا المسجد الى جانب الدار و فيه كان
 يصليان - عليهما الصلاة و السلام -

باب صدو سوم زيارت حضرت ابى الحسن على بن محمد الهادى و حضرت

ابى محمد الحسن بن على العسكرى

ترجمه:

(در سامراً)

از بعضى ائمه عليه السلام مروى است كه فرمودند:

هر گاه خواستى حضرت ابى الحسن الثالث على بن حمد الحسن بن على
عليه السلام را زيارت كنى ابتداً غسل كن و بعد اگر توانستى به نزديك قبر ايشان رفته
 و به آن دو برسى و در غير اين صورت مقابل پنجره اى كه باز مى شود بسوى
 قبر با اشاره سلام بده و بگو:

درود بر شما ای دو ولی خدا، درود بر شما ای دو حجت خدا، درود بر شما ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر شما ای کسانی که خدا درباره شما اراده اش را ظاهر ساخت، درود بر شما ای دو محبوب خدا، درود بر شما ای دو پیشوای هدایت، به زیارتتان آمده ام در حالی که به حق شما عارف بوده و دشمن دشمنانتان و دوستدار دوستانتان می باشم، ایمان دارم به آنچه شما ایمان به آن داشته و منکر هستم آنچه را که شما آن را انکار دارید حق می دانم آنچه را که شما حق می دانید، و باطل می دانم آنچه را که شما باطل می دانید، از خدا که پروردگار من و پروردگار شما است می خواهم که بهره من از زیارت شما را رحمت بر محمد و آل محمد و نیز رفاقت با شما در بهشت همراه آباً نیکوکاران قرار دهد، و از او می خواهم که من را از آتش دوزخ برهاند و شفاعت شما و مصاحبتتان را نصیبم نماید و نیز از حضرتش می خواهم که بین من و شما آشنائی برقرار کند، و از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران نیکوکار شما را و همچنین از حضرتش می خواهم که این عهد و آشنائی را آخرین بار زیارت شما برایم قرار ندهد، و نیز از او می خواهم که به واسطه رحمت واسعه اش من را با شما در بهشت محشور گرداند.

خداوندا، حب این دو امام همام را روزی من گردان و من را بر کیش و آئین ایشان از دنیا ببر، خداوندا، ستم کنندگان به آل محمد و آنانکه حق ایشان را ندادند لعنت فرما و از آنها انتقام بگیر، خداوندا، اولین و آخرین این گروه ستمگر را لعنت نما و عذابشان را مضاعف کن و برسان ایشان و شیعیان و پیروان و دوستداران و تبعیت کنندگانشان را به پائین ترین درک (ته) از آتش دوزخ، تو بر هر چیز قادر و توانائی، خداوندا، در فرج و برپا کردن حکومت ولی خود و

فرزند ولی خویش شتاب نما، و قرار بده فرج و توسعه ما را با فرج و فراخی
ایشان ای با رحم تر از هر صاحب رحمی.
و پس از آن در دعاً برای خود و پدر و مادر خویش جد و جهد نما و هر
دعائی که خواستی بکن.

و در صورتی که توانستی به نزد قبر ایشان روی و دست رسی به آن پیدا
کردی نزد قبر ایشان دو رکعت نماز بخوان.
و هر گاه داخل مسجد شدی (مسجد مزبور پهلوی خانه ایشان بوده و این دو
امام همام در آن نماز می خواندند) و نماز گزاردی هر دعائی که دوست داشتی
بکن که انشاء الله خداوند متعال عنقریب اجابت فرماید.

الباب الرابع و المائة زیارة لجميع الائمة صلوات الله عليهم اجمعين

متن:

حدثني محمد بن الحسين بن مت الجوهري، عن محمد بن احمد بن يحيى بن
عمران، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حسان قال: سئل الرضا عليه السلام في اتيان
قبر ابي الحسن عليه السلام فقال: صلوا في المساجد حوله و يجزى في المواضع كلها ان
تقول:

(السلام على اولياء الله، و آصفياؤه، السلام على امناء الله و احبائه، السلام على
انصار الله و خلفائه، السلام على محال معرفة الله، السلام على مساكن ذكر الله،
السلام على مظاهر امر الله و نهييه، السلام على الدعاء الى الله، السلام على
المستقرين في مرضات الله، السلام على المحصين في طاعة الله، السلام على
الذين من والاهم فقد والى الله، و من عاداهم فقد عادلى الله و من عرفهم فقد
عرف الله و من جهلهم فقد جهل الله و من اعتصم بهم فقد اعتصم بالله، و من
تخلى منهم فقد تخلى من الله، اشهد الله انى سلم لمن سالمكم و حرب لمن

حاربكم مومن بسرکم و علانیتکم، مفوض فی ذلك كله اليکم، لعن الله عدو آل محمد من الجن و الانس، و ابرء الى الله منهم، و صلى الله على محمد و آله).
هذا يجرى فی الزيارات كلها، و تكثر من الصلاة على محمد و آله، و تسمى واحدا واحدا باسمائهم، و تبرء من اعدائهم و تخير لنفسك من الدعاء و للمومنين و المومنات.

باب صد و چهارم زیارت نامه جمیع ائمه علیهم السلام زیارت جامعه

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن الحسن بن مت الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از هارون بن مسلم از علی بن حسان، وی گفت:

از حضرت امام رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام (حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیها) سوال شد:

حضرت فرمودند:

ابتداً در مساجد نزدیک آن نماز خوانده و در تمام اماکن مجزی است بگوئید (یعنی در زیارت تمام حضرات ائمه معصومین علیهم السلام می توان این زیارت را خواند):

درود بر اولیاً خدا و برگزیدگانش، درود بر امین های او و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش، درود بر محل های شناخت خدا و مراکز آن، درود بر مواضع ذکر و یاد خدا، درود بر نمونه های امر و نهی خدا، درود بر دعوت کنندگان بسوی خدا، درود بر قرار گیرندگان در مواضع و امور مورد رضای خدا، درود بر کسانی که اطاعت خدا را خالصانه انجام می دهند، درود بر آنان که هر کس ایشان را دوست داشته باشد خدا را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است، درود بر آنان که هر کس ایشان را شناخت خدا را شناخته و کسی که ایشان را شناسد پس خدا را شناخته پس خدا را شناخته، درود بر کسانی که هر کس به دامن ایشان چنگ زده و به او متوسل شده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گیری کرده است، خدا

را شاهد می گیرم که من در صلح هستم با هر کس که با شما در صلح بوده و نزاع و حرب دارم با هر کس که با شما حرب دارد، خدا را شاهد می گیرم که من به باطن و ظاهر شما ایمان و اعتقاد دارم، تمام امور را به شما واگذار می کنم، خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی زاری می جویم از تمام دشمنان ایشان، و خدا رحمت فرستد بر محمد و دودمان محمد صلوات الله عليهم اجمعین.

این زیارت نامه را در تمام زیارات حضرات معصومین علیهم السلام می توان خواند. و حتی الامکان صلوات بر محمد و آل محمد زیارت بفرست و نام هر یک از ائمه علیهم السلام را یک یک برده و از دشمنانشان بی زاری بجوی و برای خود و مومنین و مومنان هر دعائی را که خواستی بکن.

متن:

2- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، و حدثنی محمد بن الحسین بن مت الجوهری جمیعا، عن محمد ابن احمد بن یحیی بن عمران، عن علی بن حسان، عن عروة بن اسحاق ابن اخی شعیب العقر قوفی - عن ذکره - عن ابی عبد الله علیه السلام (قال: تقول اذا اتیت قبر الحسن بن علی علیه السلام و یجزئک عند قبر کل امام علیه السلام).

(السلام علیک من الله، و السلام علی محمد بن عبد الله امین الله علی و حیه و عزائم امره، الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل، اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک الذی انتجبته بعلمک، و جعلته هادیا لمن شئت من خلقک، و الدلیل علی من بعثته برسالاتک و کتبتک، و دیان الدین بعدلک و فصل قضائک بین خلقک، و المهیمن علی ذلک کله، و السلام علیه و رحمة الله علیه و برکاته).

و تقول فی زیارة امیرالمومنین علیه السلام: اللهم صلی علی امیر المومنین عبدک و

اخى رسولک - الى آخره -).

و فی زیارة فاطمة علیها السلام: امتک و بنت رسولک - الی آخره - .

ترجمه:

زیارت جامعه دوم پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از محمد بن یحیی العطار، و محمد بن الحسین بن مت الجوهری جمیعا، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از علی بن حسان از عروة بن اسحق (یسر برادر شعیب عرقوفی) از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام رفتی این زیارت را بخوان، البته در زیارت قبر هر امامی می توان آن را خواند:

درود از خدا بر تو، درود بر محمد بن عبد الله که امین خدا بر وحی او وسیله حتمی امر او است خاتم انبیاء گذشته و گشاینده سر فصل اوصیاء آینده می باشد، خدایا درود فرست بر محمد که بنده و رسولت هست او را با علم خودت نجیب و راهنمای هر کسی که بخواهی قرار دادی، دلیل و نشان بر کسی قرارش دادی که با پیام ها و کتابهایت او را برانگیختی، او را سیاستمدار دین و حکم کننده به عدلت نمودی، فیصله دهنده منازعات بین مخلوقات می باشد، او را مسلط بر تمام امور نمودی درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

و در زیارت امیرالمومنین علیه السلام بگو:

خدایا رحمتت را بر امیر المومنین که بنده و برادر رسولت هست بفرست...

سپس بقیه زیارت را بهمان نحوی که ذکر شد بخوان.

و اگر حضرت فاطمه علیها السلام را زیارت می کنی در زیارت آن حضرت نیز

همان فقرات مذکور را بخوان منتهی بجای (عبدک و رسولک) بگو:

(اللهم صل علی فاطمة امتک و بنت رسولک الی آخره).

متن:

و فى زيارة سائر الائمة: ابناً رسولك، على ما قلت فى النبى اول مرة حتى تنتهى الى صاحبك، ثم تقول:

(اشهد انكم كلمة التقوى، و باب الهدى، و العروة الوثقى، و الحجة البالغة على من فيها و من تحت الثرى، و اشهد ان ارواحكم و طينتكم من طينة واحدة، طابت و طهرت من نور الله و من رحمته، و اشهد الله و اشهدكم انى لكم تبع بذات نفسى و شرائع دينى و خواتيم عملى، اللهم فاتم لى ذلك برحمتك يا ارحم الراحمين، السلام عليك يا ابا عبد الله، اشهد انك قد بلغت عن الله ما امرت به، و قمت بحقه غير واهن و لا موهن، فجزاك الله من صديق خيرا عن رعيتك، اشهد ان الجهاد معك جهاد، و ان الحق معك ولك، و انت معدنه، و ميراث النبوة عندك و عند اهل بيتك، اشهد انك قد اقامت الصلاة، و آتيت الزكاة، و امرت بالمعروف، و نهيت عن المنكر، و دعوت الى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة، و عبدت ربك حتى اتاك اليقين).

ثم تقول: (السلام على ملائكة الله السمومين، السلام على ملائكة الله المنزليين، السلام على ملائكة الله المردفين، السلام على ملائكة الله الذين هم فى هذا الحرم باذن الله مقيمون).

ثم تقول: (اللهم العن اللذين بدلا نعمتك، و خالفا كتابك، و جحدا آيا تك، و اتهما رسولك، احش قبورهما، و اجوافهما نارا و اعد لهما عذابا اليما، و احشرهما و اشياعهما و اتباعهما الى جهنم زرقا، و احشرهما و اشياعهما و اتباعهما يوم القيامة على وجوههم عميا و بكما و صما، ماواهم جهنم كلما خبت زدناهم سعيرا، اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة قبر ابن نبىك، و ابعته مقاما محمودا تنتصر به لدينك و تقتل به عدوك، فانك وعدته ذلك و انت الرب الذى لا تخلف الميعاد).

و كذلك تقول عند قبور كل الائمة عليهم السلام،

ترجمه:

(دنباله زیارت جامعه دوم)

و در زیارت سائر ائمه عليهم السلام بجای (رسولک) که در زیارت پیامبر اکرم می گفتی و به جای (اخى رسولک) که در زیارت امیرالمومنین و عوض (بنت رسولک) که در زیارت حضرت فاطمه عليها السلام می آوردی بگو: ابنا رسولک.

مترجم گوید:

یعنی در زیارت هر یک از ائمه عليهم السلام عین همان زیارت پیغمبر اکرم را بخوان منتهی بجای: اللهم صل على محمد، بگو اللهم صلی علی... نام امام مورد زیارت را بگو و بعد بجای عبدک و رسولک بگو عبدک و ابن رسولک.

پس در زیارت یک یک ائمه عليهم السلام به همین کیفیت زیارت کن تا در آخر منتهی شوی به وجود حضرت صاحب العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آن حضرت را نیز بهمین کیفیت زیارت کن و پس از اتمام زیارت جامعه به کیفیتی که ذکر شد بگو:

شهادت می دهم که شما کلمه و نمونه تقوی و باب هدایت و ریسمان محکم خدا و حجت بالغه او بر آنچه روی و زیر زمین قرار گرفته می باشید، و خدا و شما را شاهد می گیرم که به ذات خود و در عمل به شرایع دین و فرجام کار پیرو و تابع شما هستم، خدایا بواسطه رحمتت برایم آن را حاصل گردان ای مهربان تر از هر مهربانی، درود بر تو ای ابا عبد الله، شهادت می دهم که تو آنچه را که مامور بوده از طرف خدا تبلیغش کردی و حقش را اقامه کردی بدون اینکه خسته شده یا اظهار خستگی نمائی، پس خدا از طرف رعیتت جزاً خیر به تو دهد، شهادت می دهم که جهاد در معیت شما جهادی است عظیم و حق با تو و برای تو است و تو معدن و مرکز آن هستی، و شهادت می دهم که میراث نبوت

نزد تو و نزد اهل بیت تو است، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کرده و به معروف امر و از منکر نهی کرده ای، و با حکمت و پند دادن نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نموده ای، و پروردگارت را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت.

سپس بگو:

درود بر فرشتگان معین و مشخص حق تعالی، درود بر فرشتگانی که بر زمین نازل شدند درود بر ملائکه و فرشتگان خدا که ردیف هم قرار دارند، درود بر فرشتگان خدا که در این حرم به اذن خدا اقامت کرده اند.

سپس بگو:

خدایا لعنت کن آن دو نفری را که نعمت را تبدیل و با کتابت مخالفت و آیات را انکار نموده و رسولت را متهم ساختند، خدایا گور ایشان و باطنشان را از آتش پر نما و آماده کن برای ایشان عذابی دردناک و ایشان و دوستان و پیروانشان را در دوزخ محشور نما و ایشان و دوستان و پیروانشان را روز قیامت کور و کر و لال محشور کن.

مسکنشان را دوزخ قرار بده دوزخی که هر گاه آتشش خاموش شود باز آن را شدیدتر سوزان و شعله ور می نمائی، خدایا این زیارت را آخرین عهد و زیارت من نسبت به قبر پسر پیغمبرت قرار مده، خدایا او را مقامی محمود و شایسته عنایت بفرما که به واسطه اش دینت را یاری کرده و به توسطش دشمنانت را نابود نمائی چه آنکه خودت این وعده را داده ای و تو خدائی هستی که خلف وعده نمی نمائی.

و در زیارت قبور هر یک از ائمه علیهم السلام همین زیارت نامه را می توانی

بخوانی.

متن:

و تقول عند كل امام زرتته ان شأ الله تعالى:

السلام عليك يا ولي الله، السلام عليك يا حجة الله، السلام عليك يا نور الله
في ظلمات الارض، السلام عليك يا امام المومنين و وارث علم النبيين و سلالة
الوصيين، و الشهيد يوم الدين، الشهد انك و آباك الذين كانوا من قبلك، و ابنأك
الذين من بعدك موالى و اوليائى و ائمتى، و اشهد انكم اصفياً الله و خزنته و
حجته، البالغة، انتجبكم بعلمه انصارا لدينه، و قواما بامر، و خزانا لعلمه، و حفظة
لسره، و تراجمة لوحيه، و معدنا لكلماته، و اركاناً لتوحيده، و شهوداً على عباده، و
استودعكم خلقه، و اورثكم كتابه، و خصكم بكرائم التنزيل، و اعطاكم التاويل،
جعلكم تابوت حكمته، و منارا فى بلاده، و ضرب لكم مثلاً من نوره، و اجرى
فيكم من علمه، و عصمكم من الزلل، و طهركم من الدنس، و اذهب عنكم
الرجس، و بكم تمت النعمة، و اجتمعت الفرقة، و تلتفت الكلمة، و لزمّت الطاعة
المفترضة، و المودة المواجبة، فانتم اولياؤه النجباء، و عباده المكرمون، اتيتك يا بن
رسول الله عارفاً بحقك، مستبصراً بشانك، معادياً لاعدائك، موالياً لاوليائك،
بابى انت و امى صلى الله عليك و سلم تسليمًا، اتيت، وافدا زائراً عائداً مستجيراً
مما جنيت على نفسى، و احتطبت على ظهري، فكن لى شفيعاً، ان لك عند الله
مقاماً، و انت عندى الله و جيه، آمنت بالله و بما انزل عليكم و اتولى آخركم بما
توليت به اولكم، و ابرء من كل وليجة دونكم، و كفرت بالجبت و الطاغوت و
اللات و العزى.

ترجمه:

دنباله زیارت جامعه دوم و به زیارت هر یک از ائمه عليهم السلام که رفته باشی

بخوان:

درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا
در تاریکی های زمین، درود بر تو ای امام اهل ایمان و وارث علم انبیاء و فرزندان

اوصیاً و شهید و حاضر روز قیامت، شهادت می دهم که تو و پدرانت که پیش از تو بوده و فرزندان که بعد از تو هستند سروران و اولیاً و پیشوایان من هستند، شهادت می دهم که شما برگزیدگان خدا و نگهبانان او و حجت های بالغه او بوده که با علمش شما را یاوران دین خودس قرار داد خودش قرار داد، به امر او قائم هستید و نگهبانان علم او می باشید و حافظ اسرارش بوده و بازگو کننده وحی او و معدن و مرکز کلمات و ارکان و ستون های توحیدش و شاهدها بر بندگانش می باشید، خداوند مخلوقاتش را به شما سپرده و کتابش را به میراث به شما داده، و اختصاص داد شما را به آیات کریمه و تاویل آنها را به شما اعطاء فرمود، قرار داد شما را صندوق حکمتش و علامت هدایت در شهرهای خودش، برای نورش مثل به شما زده، از علمش در شما جاری نموده، شما را از هر لغزشی بازداشت و از هر آلودگی پاک نمود، رجس و پلیدی را از شما برکنار داشت، بواسطه شما نعمت های خود را تحقق داد، بواسطه شما جدائی ها را به صورت اجتماع در آورد و به توسط شما بین کلمات تالیف و جمع نمود، و به وساطت شما طاعت واجب لازم شده و مودت و محبت لازم تحقیق یافته، پس شما اولیاً و برگزیدگان او و بندگان با کرمش می باشید، ای پسر رسول خدا به زیارت آمده ام در حالی که به حقت عارف و به شان و مقامت مستبصر هستم، دشمنانتان را دشمن داشته و دوستانتان را دوست می دارم، پدر و مادرم فدایت باد، رحمت خدا و درودش بر تو باد، به نزدت آمده ام در حالی که مسافر و زائر، از جنایت هائی که بخود کرده و کوله بار سنگینی که برای خویش فراهم نموده ام به تو پناه آورده ام پس شافع من باش زیرا تو نزد خدا مقامی معلوم و مشخص داری و تو نزد خدا وجیه و آبرومند هستی، به خدا و به آنچه نازل به شما شده ایمان دارم، آخرین نفر شما را دوست دارم همان طوری که اولین

نفرتان را دوست می دارم و بی زاری می جویم از هر برگزیده ای که غیر شما باشد و به هر باطل و بیهوده و لات و عزی کفر ورزیده و آنها را انکار دارم.

الباب الخامس و المائة فضل زيارة المومنين و كيف يزارون

متن:

- 1- حدثني ابوالعباس محمد بن جعفر الرزاز القرشي الكوفي، عن خاله محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن عمرو بن عثمان الرازي (قال: سمعت ابالحسن الاول عليه السلام يقول: من لم يقدر ان يزورنا فليزر صالحى موالينا يكتب له ثواب زيارتنا، و من لم يقدر على صلتنا فليصل صالحين موالينا يكتب له ثواب صلتنا).
- 2- حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن الحسن بن متيل، عن محمد بن عبد الله بن مهران، عن عمرو بن عثمان (قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: من لم يقدر على صلتنا فليصل على صالحى موالينا يكتب له ثواب صلتنا، و من لم يقدر على زيارتنا فليزر صالحى موالينا يكتب له ثواب زيارتنا).
- 3- حدثني ابي؛ و محمد بن يعقوب؛ و جماعة مشايخى -رحمة الله عليه - عن محمد بن يحيى، عن محمد بن احمد بن يحيى قال: كنت بفيد فمشيت مع على بن بلال الى قبر محمد بن اسماعيل بن بزيع قال: فقال لى على بن بلال: قال لى صاحب هذا القبر عن الرضا عليه السلام: من اتى قبر اخيه المومن وضع يده على القبر و قرء (انا انزلناه) سبع مرات، امن يوم الفزع الاكبر.

باب صد و پنجم فضیلت زیارت مومنین و کیفیت آن

ترجمه:

(حدیث اول)

ابو العباس بن محمد بن جعفر رزاز قرشی کوفی، از دائی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عمرو بن عثمان الرازی وی گفت: از اباالحسن الاول علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که نمی تواند ما را زیارت کند پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و کسی که بر احسان به ما قادر نباشد پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می شود.

(حدیث دوم)

محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، از حسن بن متیل، از محمد بن عبد الله بن مهران، از عمرو بن عثمان، وی می گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که بر احسان به ما قادر نیست پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می شود و کسی که بر زیارت ما قادر نیست، دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود.

(حدیث سوم)

پدرم، و محمد بن یعقوب و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیه از محمد بن یحیی، از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده اند که وی گفت: من در (فید)

ترجمه:

(حدیث چهارم)

محمد بن الحسین بن مت الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران،

وی گفت:

من در (فید) بودم، محمد بن علی بن بلال گفت: ما را به طرف قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع مرور دادند پس به قبر رسیدیم، محمد بن علی گفت: صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السلام برایم نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که قبر برادر مومنش را زیارت کند پس رو به قبله کرده و دستش را روی قبر گذارد و سوره **(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)** را هفت مرتبه بخواند از فزع اکبر سالم بماند.

(حدیث پنجم)

محمد بن الحسین بن مت الجوهری، از محمد بن احمد، از علی بن اسماعیل، از محمد بن عمرو، از ابان، از عبد الرحمن بن ابی عبد الله، وی می گوید: از حضرت ابی عبد الله پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبور مومنین بگذارم؟

حضرت با دست مبارکشان به زمین اشاره کرده پس آن را بر زمین نهادند در حالی که مقابل قبله قرار داشتند.

(حدیث ششم)

از محمد بن الحسین، از محمد بن احمد، از موسی بن عمران، از عبد الله الحجال، از صفوان الجمال، وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع

در مدینه تشریف می بردند و در آنجا سه مرتبه می فرمودند:

السلام علیکم یا اهل الدیار (سلام و درود بر شما ای اهل شهرها).

و سه مرتبه می فرمودند: رحمکم الله (خدا شما را رحمت کند).

سپس به اصحابشان توجه نموده و می فرمودند:

این اهل قبور از شما بهتر هستند.

اصحاب عرض می کردند: ای رسول خدا برای چه؟ ایشان ایمان آورده، ما

نیز ایمان آورده ایم، ایشان جهاد کرده اند، ما نیز جهاد کرده ایم؟

حضرت می فرمودند:

ایشان ایمان آورده ولی ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکردند و با همین

حال از دنیا رفتند و من بر این امر شهادت می دهم و شما پس از من در این

دنیا باقی می مانید و نمی دانم پس از من چه خواهید کرد.

مترجم گوید:

این کلام حضرت اشاره است به ارتداد و ستم های اصحاب پس از رحلت

آن وجود مبارک پس کلمه (لا ادری) نه به معنای نفی علم باشد بلکه کنایه

است از حوادث واقعه بعد از آن جناب چنانچه در عرف این نحو تعبیر معمول

می باشد.

متن:

7- حدیثی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن هارون ابن

مسلم، عن مسعدة بن زیاد، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن آبائه رضی الله عنهم قال:

دخل علی امیر المومنین مقبرة - و معه اصحابه - فنادی:

یا اهل التربة و یا اهل الغربة، و یا اهل الخمود، و یا اهل الهمود، اما اخبار ما

عندنا: فاما اموالکم قد قسمت، و نساوکم قد نکحت و دورکم قد سکت، فما

خیر ما عندکم؟! ثم التفت الی اصحابه و قال: اما و الله لو یوذن لهم فی الکلام

لقالوا: لم یتزود مثل التقوی زاد (خیر الزاد التقوی).

8- حدثني ابي -رحمة الله عليه - و محمد بن الحسن، عن الحسن بن متيل، عن سهل بن زياد، عن محمد بن سنان، عن اسحاق بن عمار، عن ابي الحسن عليه السلام (قال: قلت له: المومن يعلم بمن يزور قبره؟ قال: نعم؛ و لا يزال مستانسا به ما زال عنده، فاذا قام و انصرف من قبره دخله من انصرافه عن قبره وحشة).

9- حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن ابيه عن جده، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان (قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: كيف اسلم على اهل القبور؟ قال: نعم؛ (السلام على اهل الديار من المومنين و المسلمين، انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بكم لا حقون).

حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن الحسين بن الحسن بن آبان، عن محمد بن اورمة، عن عبد الله بن سنان قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام - و ذكره مثله -

ترجمه:

(حديث هفتم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حميري از پدرش از هارون بن مسلم از مسعدة بن زياد از حضرت جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان عليه السلام حضرت فرمودند: حضرت اميرالمومنين علي عليه السلام در حالی که اصحابشان همراه بودند وارد قبرستانی شده و باصدای بلند فرمودند:

ای اهل خاک، و ای اهل غربت و ای اهل خموشی، و ای مردگان، اما خبرهائی که نزد ما است عبارتند از:

اموال شما قسمت شد، زنانتان ازدواج کردند، خانه هایتان را دیگران ساکن شدند.

حال بگوئید اخبار نزد شما چیست؟! !!

سپس به اصحابشان توجه نموده و فرمودند:

به خدا سوگند اگر اذن به ایشان داده شود که سخن بگویند خواهند گفت:
هیچ توشه ای برای این جا مثل تقوی و پرهیز کاری نیست (بهترین توشه تقوا
است).

(حدیث هشتم)

یدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد،
از محمد بن سنان، از اسحق بن عمار، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، اسحق می
گوید: محضر مبارکش عرضه داشتیم.

آیا مومن آگاه است از کسی که قبر او را زیارت می کند؟

حضرت فرمودند:

بلی، پیوسته تا مادامی که زائر بر سر قبرش هست با او مانوس می باشد و
وقتی زائر بلند شده و از سر قبر او بر می گردد از برگشتن وی وحشتی در
مومن میت پیدا می شود.

(حدیث نهم)

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از جدش، از عبد الله بن
مغیره، از عبد الله بن سنان، وی می گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بر اهل قبور چگونه

سلام دهم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السلام علی اهل الدیار من المومنین و المسلمین (درود بر مومنین و مسلمین

که اهل شهرها می باشند).

انتم لنا فرط (شما بر ما سبقت گرفتید)

و نحن ان شاء الله بكم لا حقون (ما نیز ان شاء الله پشت سر شما خواهیم آمد.)
 پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از عبد
 الله بن سنان نقل کرده که وی گفت:
 محضر مبارک حضرت ابی عبد الله عليه السلام عرض کردم... عین حدیث گذشته را
 ذکر نموده است.

متن:

10- حدثني الحسن بن عبد الله، عن ابيه، عن الحسن بن محبوب، عن عمرو
 بن ابي المقدام، عن ابيه (قال: مررت مع ابي جعفر عليه السلام: بالبقيع فمررنا بقبر رجل
 من اهل الكوفة من الشيعة، فقلت لابي جعفر عليه السلام: جعلت فداك هذا قبر رجل
 من الشيعة، قال: توقف عليه و قال: (اللهم ارحم غربته، وصل وحدته، و آنس
 وحشته، آمن روعته، و اسكن اليه من رحمتك ما يستغني بها عن رحمة من
 سواك، و الحقه بمن كان يتولاه)).

11- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن
 الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جراح
 المدائني (قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام: كيف التسليم على اهل القبور؟ قال: تقول:
 (السلام على اهل الديار من المومنين و المسلمين، رحم الله المستقدمين منكم و
 المستأخرين، و انا ان شاء الله بكم لا حقون)).

و رواه البرقي، عن ابيه عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جراح
 المدائني قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام - و ذكره مثله -

12- و جدت في بعض الكتب: محمد بن سنان، عن المفضل (قال: قال: من
 قرء انا انزلناه) عند قبر مومن سبع مرات بعث الله اليه ملكا يعبد الله عند قبره، و
 يكتب (له و) للميت ثواب ما يعمل ذلك الملك، فاذا بعثه الله من قبره لم يمر على
 هول الا صرفه الله عنه بذلك الملك (الموكل) حتى يدخله الله به الجنة، و تقرء

بعد (الحمد)، (انا انزلناه) سبعا، (المعوذتين)، و (قل هو الله احد) و (آية الكرسي) ثلاثا ثلاثا.

ترجمه:

(حدیث دهم)

حسن بن عبد الله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عمرو بن ابی المقدام، از پدرش، وی گفت: در خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام به قبرستان بقیع عبور کردیم، به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، به حضرت عرض کردم: این قبر یکی از شیعیان است فدایت شوم.

راوی می گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند:

بار خدایا به غربتت رحم نما، وحدت و تنهاییش را به پیوند مبدل کن، در حال وحشتش انس برقا فرما، هراس او را بر طرف کن، از رحمتت ان قدر نصیبش نما که از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و ملحقش کن به آنانکه وی ایشان را دوست دارد.

(حدیث یازدهم)

یدرم رحمه الله علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی، وی می گوید:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: سلام دادن به اهل قبور چگونه است؟

حضرت فرمودند: بگو:

السلام علی اهل الدیار من المومنین و المسلمین (درود بر اهل شهرها که عبارتند از مومنین و مسلمین) رحم الله المستقدمین منکم المستأخرین (خدا رحمت کند سابقین و لاحقین ایشان را).

و انا ان شاء الله بکم لا حقون (ان شاء الله ما نیز به شما ملحق خواهیم شد).

برقی از پدرش، از نضر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم... و مثل همان حدیث قبلی را ذکر نموده است.

(حدیث دوازدهم)

در برخی از کتب چنین یافتیم:

محمد بن سنان، از مفضل نقل کرده، وی گفت: فرمود:

کسی که (انا انزلناه) را هفت مرتبه نزد قبر مومن بخواند خداوند متعال فرشته ای را به آنجا فرستاده تا خدا را در همان مکان عبادت کند و برای خواننده و میت ثواب عبادت آن فرشته منظور می شود.

و وقتی خداوند میت را از قبر بیرون آورده بواسطه آن فرشته موکل هول و هراس را از او بر طرف می کند تا داخل بهشتش نماید.

بعد از سوره حمد (انا انزلناه) را هفت بار بخوان سپس (معوذتین) یعنی قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و (قل هو الله احد) و (آیه الكرسي) هر کدام را سه بار قرائت نما.

متن:

13- حدیثی ابی -رحمة الله علیه - عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن محمد ابن ارمه، عن الضمر بن سوید، عن عاصم بن حمید، عن محمد ابن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام قال: مسعته يقول: كان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا مر بقبور قوم من المومنین قال: (السلام علیکم من دیار قوم مومنین، و انا ان شاء الله بکم لاحقون).

14- و (ابی)، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن محمد بن ارمه، عن علی بن الحكم، عن ابن جلان (قال: قام ابو جعفر علیه السلام علی قبر رجل فقال: (اللهم صل

وحدته، و آنس وحشته، و اسکن الیه من رحمتک ما یتغنی به عن رحمة من
سواک ((.))

15- و حدثنی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن احمد بن
محمد ابی عبد الله البرقی، عن الحسن بن علی الوشأ، عن علی ابن ابی حمزة
قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام كيف نسلم على اهل القبور؟ قال: نعم؛ تقول: السلام
على اهل الديار من المومنين و المومنات، و المسلمین و المسمات، انتم لنا فرط
و انا بکمل ان شأ الله لا حقون.

ترجمه:

(حدیث سیزدهم)

پدرم رحمة الله علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از نضر
بن سوید، از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم از حضرت ابی جعفر عليه السلام، وی
گفت: شنیدم آن حضرت می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر گاه به قبور دسته ای از مومنین عبور می کردند می
فرمودند: السلام علیکم من دیار قوم مومنین (سلام بر شما که از شهرهای قوم
اهل ایمان هستید).

و انا ان شأ الله بکم لا حقوق (ما نیز ان شأ الله به شما ملحق خواهیم شد).

(حدیث چهاردهم)

و پدرم از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از علی بن الحکم، از
ابن عجلان نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السلام بر سر قبر مردی ایستاده و فرمودند:

اللهم صل وحدته (خدایا وحدت و تنهایی او را به پیوند مبدل کن).

و آنس وحشته (در حال وحشتش انس بر قرار کن).

و اسکن الیه من رحمتک، یستغنی به عن رحمة من سواک از رحمتت آن قدر
نصیبش نما که از رحمت و عنایت غیر تو بی نیاز گردد.)

(حدیث پانزدهم)

و محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابی
عبد الله برقی، از حسن بن علی الوشأ از علی بن ابی حمزه، وی گفت: از
حضرت ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم: بر اهل قبور چگونه سلام دهیم؟
حضرت فرمودند:

آری بگو:

السلام علی اهل الدیار من المومنین و المومنات و المسلمین و المسلمات، انتم
لنا فرط و انابکم ان شاء الله لا حقوق.

(درود بر اهل شهرها که مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات باشند، شما
بر ما سبقت گرفتید و ما نیز به شما ان شاء الله ملحق خواهیم شد).
متن:

16- حدثنی ابی -رحمة الله علیه - و علی بن الحسین؛ و غیرهما، عن سعد
ابن عبد الله، عن احمد بن محمد بن خالد، عن ابيه، عن هارون بن الجهم عن
المفضل بن صالح، عن سعد بن طریف، عن الاصبغ بن نباتة (قال: مر علی امیر
المومنین علیه السلام علی القبور فاخذ فی الجادة، ثم قال عن یمینه:

(السلام علیکم یا اهل القبور من اهل القصور، انتم لنا فرط و نحن لکم تبع، و
انا ان شاء الله بکم لا حقون)؛ ثم التفت عن یماره فقال: (السلام علیک یا اهل
القبور) - الی آخره -).

17- حدثنی محمد بن الحسن بن الولید - عن ذکره - عن احمد بن ابی عبد
الله البرقی، عن ابيه عن سعدان بن مسلم، عن علی بن ابی حمزة عن ابی بصیر،
عن ابی عبد الله علیه السلام (قال یرج احدکم الی القبور فیسلم و یقول:

(السلام على اهل القبور، السلام على من كان فيها من المومنين و المسلمين، انتم لنا فرط و نحن لكم تبع و انا بكم لا حقون، و انا لله و انا اليه راجعون، يا اهل القبور، يا اهل القبور كيف وجدتم طعم الموت؟!). ثم يقول: (ويل لمن صار الى النار)، ثم يهرق دمعته و ينصرف).

18- و عنه باسناده، عن البرقي قال: حدثنا بعض اصحابنا، عن عباس بن عامر القصباني، عن يقطين قال: اخبرنا ربيع بن محمد المسلي قال: كان ابو عبد الله عليه السلام اذا دخل الجبانة تقول السلام على اهل الجنة.

ترجمه:

(حديث شانزدهم)

پدرم رحمة الله عليه و على بن الحسين و غير اين دو، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش از هارون بن جهم، از مفضل بن صالح، از سعد بن طريف، از اصبع بن نباته، وى گفت:

حضرت اميرالمومنين على عليه السلام بر قبور کردند، پس در وسط راه ايستاده سپس به طرف راست توجه کرده و فرمودند:

السلام عليكم يا اهل القبور من اهل القصور (درود بر شما اي كسانى كه در قصرها بوده و اکنون در قبرها خفته ايد).

لنتم لنا فرط و نحن لكم تبع و انا ان شأ الله بكم لاحقون (شما بر ما سبقت گرفتيد و ما بدنبال شما بوده و انشأ الله به شما ملحق خواهيم شد).

سپس به طرف چپ توجه نموده و فرمودند:

السلام على اهل القبور... تا آخر كلمات زیارت.

(حديث هفدهم)

محمد بن الحسن بن الولید از کسی که ذکرش نموده، از احمد بن ابی عبد الله برقی، از پدرش، از سعد بن مسلم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هر گاه یکی از شما به قبرستان رفتید، و ابتداً به اهل قبور سلام کرده و سپس بگوئید:

درود بر اهل قبور، درود بر مومنین و مسلمین که در قبور می باشند، شما بر ما سبقت گرفتید و ما تابع شما بوده و ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد، ما برای خدا بوده و به سوی او بر می گردیم، ای کسانی که در قبرها خفته اید بعد از آنکه در قصرها بودید، ای کسانی که در قبرها خوابیده اید بعد از آنکه اهل نعمت و سرور و شادی بودید، به قبور داخل شدید، ای اهل قبور: مزه مرگ را چگونه یافتید؟!

سپس بگوئید:

وای بر کسی که پس از این وادی به دوزخ داخل شود.
سپس اشکهای آن حضرت ریخت و از قبرستان باز گشتند.
(حدیث هیجدهم)

محمد بن الحسن الولید باسنادش از برقی، وی گفت:

برخی اصحاب از عباس بن عامر قصبانی، از یقطین، گفت:

ربیع بن محمد مسلی به ما خبر داد و گفت:

حضرت ابی عبد الله علیه السلام هر گاه به قبرستان داخل می شدند می فرمودند:

درود بر اهل بهشت.

الباب السادس و المائة فضل زیارة فاطمة بنت موسی بن جعفر علیه السلام بقم

متن:

- 1- حدثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه، عن علي بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن سعد بن سعد، عن ابي الحسن الرضا عليه السلام (قال: سألته عن زيارة فاطمة بنت موسى عليه السلام، قال: من زارها فله الجنة).
- 2- حدثني ابي -رحمة الله عليه - و اخي و الجماعة، عن احمد بن ادريس؛ وغيره، عن العمركي بن علي البوفكي - عن ذكره - عن ابي الرضا عليه السلام قال: من زار قبر عمقى بقم فله الجنة.

باب صد و ششم فضیلت زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر صلوات

الله علیه در شهر قم

ترجمه:

(حدیث اول)

علی بن الحسن بن بابویه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از سعد بن سعد، از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، وی گفت: از آن حضرت راجع به زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر سلام الله علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

کسی که او را زیارت کند بهشت برایش خواهد بود.

(حدیث دوم)

پدرم رحمة الله علیه و برادرم و جماعتی، از احمد بن ادريس، و غیر او، از عمرکی بن علی البوفکی، از کسی که ذکرش نموده از حضرت ابی الرضا سلام الله علیهما، حضرت فرمودند:

کسی که قبر عمه ام را در قم زیارت کند بهشت برایش می باشد.

الباب السابع و المائة فضل زیارة قبر عبد العظیم بن عبد الله الحسنی بالری

متن:

1- حدثنی علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، عن محمد بن یحیی العطار - عن بعض اهل الری - قال: دخلت علی بن الحسن العسکری علیه السلام فقال: این کنت؟ فقلت: زرت الحسین بن علی علیه السلام، فقال: اما انک لو زرت قبر عبد العظیم عندکم لکنت کمن زار الحسین علیه السلام.

باب صد و هفتم فضیلت زیارت قبر حضرت عبد العظیم بن عبد الله الحسنی

در ری

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از محمد بن یحیی العطار، از بعضی اهل

ری، وی گفت:

بر حضرت ابی الحسن العسکری علیه السلام داخل شدم، حضرت فرمودند:

کجا بودی؟

عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام رفته بودم.

حضرت فرمودند:

آیا نمی دانی، اگر قبر عبد العظیم را که نزدتان هست زیارت کنی مثل آن

است که حسین علیه السلام را زیارت کرده ای.

الباب الثامن و المائة نوادر الزیارات

متن:

1- حدثنی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن علی بن محمد

بن سلیمان، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصری، عن ابی عبد الله

علیه السلام قال: قال لی: ان عندکم - او قال: فی قربکم - لفضیلة ما اوتی احد مثلها، و

ما احسبکم تعرفونها کنه معرفتها، و لا تحافظون علیها و لا علی القیام بها، و ان

لها لاهلا خاصة قد سموا لها، و اعطوها بلا حول منهم و لا قوة الا ما كان من

صنع الله لهم و سعادة حباهم (الله) بها و رحمة و رافة و تقدم.

قلت: جعلت فداک و ما هذا الذی و صفت لنا و لم تسمه؟ قال: زیارة جدی

الحسین (بن علی) علیه السلام فانه غریب بارض غربة، یبکیه من زاره، و یحزن له من

لم يزره، و يحرق له من لم يشهده و يرحمه من نظر الى قبر ابنه عند رجله فى ارض فلاة لا حميم قربه و لا قريب، ثم منع الحق و توازر عليه اهل الردة حتى قتلوه و ضيعوه و عرضوه للسباع، و منعوه شرب ماء الفرات الذى يشربه الكلاب، و ضيعوا حق رسول الله ﷺ و وصيته به و باهل بيته، فامسى مجفوا فى حفرتة، صريعا بين قرابته، و شيعته بين اطباق التراب، قد اوحش قربة فى الواحدة و البعد عن جده، و المنزل الذى لا ياتيه الا من امتحن الله قلبه للايمان و عرفه حقنا.

فقلت له: جعلت فداك قد كنت آتية حتى بليت بالسلطان و فى حفظ اموالهم و انا عندهم مشهور فتركت للتقية اتيانه و انا اعرف ما فى اتيانه من الخير، فقال: هل تدري ما فضل من اتاه و ما له عندنا من حزيل الخير؟ فقلت: لا، فقال: اما الفضل فيباهيه ملائكة السماء، و اما ماله عندنا فالترحم عليه كل صباح و مساء.

و لقد حدثنى ابي انه لم يخل مكانه منذ قتل من مصل يصلى عليه من الملائكة، او من من الجن، او من الانس، او من الوحش، و ما من شىء الا و هو يغبط زائره و يتمسح به و يرجو فى النظر اليه الخير لنظره الى قبره عليه السلام، ثم قال: بلغنى ان قوما ياتونه من نواحي الكوفة و اناسا من غيرهم و نساء يندبهن، و ذلك فى النصف من شعبان، بين قارىء يقرء، و قاص يقص، و نادب يندب، و قائل يقول المراثى.

فقلت: نعم جعلت فداك قد شهدت بعض ما تصف، فقال: الحمد لله الذى جعل فى الناس من يفد الينا و يمدحنا و يرثى لنا، و جعل عدونا من يطعن عليهم من قرابتنا و غيرهم يهدونهم و يقبحون ما يصنعون.

باب صد و هشتم زیارت نادره

ترجمه:

(حدیث اول)

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد البصری، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام می گوید: حضرت به من فرمودند:

بدرستی که نزد شما است یا فرمودند: بدرستی که در نزدیکی شما است فضیلتی که به احدی مثل آن اعطاء نشده و گمان نمی کنم که به حقیقت آن پی برده باشید، شما نگهدار آن نبوده و بر آن قیام نمی کنید برای آن افراد خاصی بوده که اهلش هستند و این فضیلت به آنها اعطاء شده بدون اینکه از ایشان حرکت و فعالیت سرزده باشد بلکه صرفاً از ناحیه حق تعالی ایشان مورد رحمت و رافت قرار گرفته و این عطیه الهی به آنها عنایت شده است.

عرض کردم: فدایت شوم این فضیلتی که توصیف فرموده و نامش را نبردید

چیست؟

حضرت فرمودند:

زیارت جدم حسین بن علی علیه السلام، چه آنکه او در سرزمین دور دست غریب می باشد هر کس به زیارتش رود بر او می گرید و اندوهگین می شود و آن کس که بر سر مزارش حاضر نشود می سوزد و آن کس که به پائین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن کس که به پائین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن زمین فلات دفن شده

است بر آن حضرت ترحم می کند، نه خویشی در نزدیکی آن جناب بوده و نه
اقتربایش آن جا می باشند، او را از حق مسلمش منع نموده و اهل ظلم و ستم و
گروه مرتد با هم توافق کرده و بر علیه آن حضرت قیام کرده تا جائی که او را
کشته و بدن مبارکش را در آن بیابان انداخته و در معرض درندگان گذاردند، از
نوشیدن آب فرات که سگ ها از آن می آشامیدند او را منع کردند و بدین ترتیب
حق رسول خدا ﷺ را ضایع نموده و عمل به وصیت و سفارشی که آن وجود
مبارک راجع به حضرتش به سایر افراد اهل بیتش نموده بود را ترک نمودند،
عصر آن روزی که حضرت شهید شدند در حالی که ستم ها به آن جناب شده
بود در بین اقربا و پیروانش در گودال روی خاک ها افتاده بودند، اهل بیتش در
آن بیابان تنها و دور از جد و منزل و کاشانه شان به حالتی غمگین و اندوه
بودند، این آزمایش برای احدی اتفاق نمی افتد مگر آنانکه خداوند امتحانشان
کرده و قلبی مالامال از ایمان داشته و به حق ما عارف و آگاه می باشند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم قبلا من به زیارت آن حضرت می رفتم تا
وقتی که مبتلا به سلطان شده و من را مستحفظ اموالشان قرار دادند و چون من
نزد ایشان مشهور و معروف بودم از اینرو زیارت آن جناب را تقیه ترک کردم در
حالی که به ثواب و اجر زیارت آن حضرت کاملاً واقف و آگاه هستم.

حضرت فرمودند:

آیا فضل و برتری کسی که به زیارت آن حضرت رود را می دانی؟ و آیا خیر
عظیم و جزیلی که برای او نزد ما هست را آگاهی؟

عرضه داشتم: خیر.

حضرت فرمودند:

اما فضل او: تمام فرشتگان آسمان به او مباحات می کنند.

و اما خیر عظیمی که برای او نزد ما است: هر صبح و شام بر او رحمت می شود.

سپس مصنف کتاب رحمه الله علیه می فرماید:

پدرم برایم نقل نمود که از زمان شهادت آن حضرت آن مکان یک آن از نمازگزار خالی نمانده بلکه از آن تاریخ تا حال یا فرشتگان و یا جن و یا انس و یا وحوش در آن مکان مقدس به عبادت و نماز اشتغال داشته اند، و هیچ موجودی نیست مگر آنکه به حال زائر آن حضرت غبطه می خورد و او را مسح کرده و به او نظر کرده و در این نظر امید خیر دارد زیارت شخصی که وی به او نگریسته به قبر آن حضرت نظر افکنده است.

سپس حضرت فرمودند:

خبر به من داده اند که از نواحی کوفه گروهی از غیر اهل کوفه و زمانی به زیارتش رفته و بر آن حضرت ندبه و زاری نموده اند و این زیارت در نیمه شعبان صورت گرفته، از این گروه بعضی به قرائت قرآن مشغول بوده و برخی قضایا و یا حوادث واقعه کربلاً را برای دیگران بازگو کرده و جماعتی به ندبه و زاری سرگرم شده و پاره ای به خواندن مرثی مبادرت نموده اند.

عرض کردم: بلی فدایت شوم من شاهد برخی از این توصیفات می فرمائید بوده ام.

حضرت فرمودند:

حمد و سپاس خدائی را که در میان مردم کسانی را گذارده که بطرف ما کوچ و سفر کرده و مدح و مرثی ما را می گویند و در مقابل دشمن ما را کسانی قرار داده که از اقرباً ما بوده و آن گروه اول را مورد طعن قرار می دهند ولی دیگران ایشان را هلاک کرده و کار و عملشان را تقبیح می نمایند.

متن:

2- و بهذا الاسناد، عن عبد الله الاصم، عن عبد الله بن بكير الارجاني قال:
 صحبت ابا عبد الله عليه السلام في طريق مكة من المدينة فنزلنا منزلا يقال له: عسفان
 ثم مررنا بجبل اسود عن يسار الطريق موحش، فقلت له: يا بن رسول الله ما
 اوحش هذا الجبل! مارايت الطرى مثل هذا، فقال لى يا اين بكير اتدرى اى جبل
 هذا؟ قلت: هذا جبل يقال له: (الكمد) و هو على واد من اودية جهنم، و فيه قتلة
 ابي؛ الحسين عليه السلام، استودعهم، فيه تجرى من تحتهم مياه جهنم من الغسلين و
 الصديد و الحميم و ما يخرج من جب الجوى و ما يخرج من الفلق من آثام و ما
 يخرج من الخبال و ما يخرج من جهنم و ما يخرج من لظى و من الحطمة، و ما
 يخرج من سقر و ما يخرج من الحميم، و ما يخرج من الهاوية، و ما يخرج من
 السعير، و ما مرت بهذا الجبل فى سفرى فوقفت به الا رايتهما يستغيثان الى و انى
 لا نظر الى قتلة ابي و اقول لهما: انما هولاً فعلوا ما اسستما لم ترحمونا اذ وليتم،
 و قتلتمونا و حرمتمونا و ثبتتم على قتلنا و استبددتم بالامر دوننا، فلا رحم الله من
 يرحمكما، ذوقا و بال ما قدمتما، و ما الله بظلام للعييد، و اشد هما تضرعا و
 استكانة الثانى، فربما و قفت عليهما ليستلى عنى بعض ما فى قلبى، و ربما طويت
 الجبل الذى هما فيه و هو جبل الكمد، قال: قلت له: جعلت فداك فافذا طويت
 الجبل فما تسمع؟ قال: اسمع اصواتهما يناديان: عرج علينا نكلمك فانا نتوب، و
 اسمع من الجبل صارخا يصرخ بى اجبهما و قل لهما: اخسوا فيها و لا تكلمون!
 قال: قلت له: جعلت فداك و من معهم؟ قال: كل فرعون عتا على الله و حكى الله
 عنه فعاله، و كل من عل العباد الكفر، فقلت: من هم؟ قال: نحو (نسطور) الذى
 علم النصارى ان عيسى المسيح ابن الله، و قال لهم: هم ثلاثة،

ترجمه:

(حديث دوم)

و با همین اسناد از عبد الله اصم، از عبد الله بن بکیر، ازرجانی نقل شده، وی گفت:

با حضرت ابا عبد الله عليه السلام در راه مکه از مدینه همراه بودم، پس به جائی که (عسفان) نامیده می شد فرود آمدیم و سپس از کنار کوهی سیاه که در سمت چپ جاده بود و کوهی وحشت ناک به نظر می آمد عبور کردیم، محضر آن حضرت عرض کردم:

ای پسر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، چقدر این کوه وحشتناک است! در این راه کوهی مثل این ندیده ام.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، می دانی این چه کوهی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: این کوهی است بنام (کمد) و آن در وادی های دوزخ بوده و در آن قاتلین پدرم امام حسین عليه السلام نگه داشته شده اند، در این کوه از زیر قاتلین آب های جهنمی جاری می باشند، این آب ها عبارتند از:

غسلین (آبی که از پوست و گوشت دوزخیان جاری است)، صدید (آبی که ناشی از چرک و زرد آب باشد) حمیم (عرق دوزخیان را گویند) آبی که از چاه جوی خارج می شود و آن آبی است گندیده و متعفن، آبی که از چاه فلق در دوزخ خارج می شود و آن آبی است حاصل از چرک و خون مجرمین، آبی که از خبال یعنی چرک بدن دوزخیان جاری است، آبی که از جهنم روان است، آبی که از لظی (وادی از وادی های جهنم) بیرون می آید، آبی از حطمه (وادی از وادی های جهنم) خارج می شود، آبی که از سقر (وادی از وادی های جهنم) بیرون می آید. آبی که از حمیم (وادی از وادی های دوزخ) خارج می شود،

آبی که از هوایه (وادی از وادی های دوزخ) بیرون می آید، آبی که از سعیر (وادی از وادی های دوزخ) خارج می شود.

و من در هیچ یک از سفرهایم به این کوه مرور نکرده و نه ایستادم مگر آنکه آن دو را دیدم که به من استغاثه و التماس می کردند و نیز قاتلین پدرم را مشاهده نمودم، به آن دو گفته و می گویم:

این قاتلین آنچه را که شما تاسیس کرده اید انجام داده اند، چرا وقتی زمام امور به دستتان بود به ما رحم نکرده و ما را کشتید و از حقوق خود محروممان نمودید و بر قتل و کشتن ما اقدام کرده و استبداد محض و کامل را به اجرا گذارید خدا رحم نکند به کسی که به شما دو نفر رحم کند بچشید وزر و وبالی را که خود فراهمش نموده اید، و خدا نسبت به بندگان ظالم و ستمکار نیست. البته دومی تضرع و اضطرابش شدیدتر از اولی است و با ایستاده و حالشان را مشاهده کرده تا اندکی از بغض و کینه و ناراحتی که از ایشان در قلب دارم کاهش یافته و کمی تسلی و آرامش خاطر پیدا کنم، و با کوهی که آن دو در آن محبوس هستند را طی کرده و از آن بالا رفته ام و آن کوه (کمد) می باشد.

راوی گفت: محضرش عرض کردم: فدایت شوم وقتی از کوه بالا رفتید و آن را طی نمودید چه صدائی شنیدید:

حضرت فرمودند:

صدای آن دو را شنیدم که فریاد می زدند: ما را بالا بیاور تا با تو صحبت کنیم، ما توبه کرده ایم و می شنیدم از کوه که فریاد می زد و به من می گفت:

جواب ایندو را بده و به ایشان بگو:

پائین روید و صحبت نکنید!

راوی می گوید: عرضه داشتیم: فدایت شوم چه کسانی با این دو می باشند؟
حضرت فرمودند:

هر فرعون و متکبری که بر خدا طغیان کرده و خداوند کردارش را بازگو
فرموده است و نیز هر کسی که به بندگان کفر تعلیم کرده است.
عرض کردم: ایشان چه کسانی هستند.

حضرت فرمودند:

نظیر (بولس) که به یهود یاد داد که دست خدا بسته است و مثل (نسطور) که
به نصاری یاد داد که حضرت عیسی مسیح فرزند خدا است و ایشان سه تا
هستند (یعنی معبود سه تا است: اب، ابن و روح القدس).

متن:

و نحو فرعون موسی الذی قال: انا ربکم الاعلی، و نحو نمرود الذی قال:
قهرت اهل الارض و قتلت من فی السماء، و قاتل امیرالمومنین، و قاتل فاطمة و
محسن، و قاتل الحسن و الحسین، فاما معاویة و عمرو فما یطمهان فی الخلاص،
و معهم کل من نصب لنا لعداوة، و اعان علينا بلسانه و یده و ماله، قلت له: جعلت
فداک فانت تسمع ذاکله لا تفرع؟ قال یا ابن بکیر ان قلوبنا غیر قلوب الناس، انا
مطیعون مصطفون مصطفون، نری ما لا یری الناس، و نسمع ما لا یسمع الناس، و
ان الملائكة تنزل علينا فی رحالنا، و تتقلب فی فرشنا، و تشهد طعامنا، و تحضر
موتانا، و تاتینا باخبار ما یحدث قبل ان یرى، و تصلى معنا، و تدعو لنا و تلقى
علینا اجنحتها، و تتقلب علی اجنحتها صبیاننا و یمتع الدواب ان تصلى الینا، و
تاتینا مما فی الارضین من کل نبات نبات زمانه و تسقینا من ما کل ارض نجد
ذالک فی آئیننا و ما من یوم و لا ساعة و لا وقت صلاة الا وهی تتهیا لها، و ما
من لیلة تاتی علینا الا و اخبار کل ارض عندنا، و ما یحدث فیها و اخبار الجن و
اخبار اهل الهوی من الملائكة، و ما من ملک یموت فی الارض و یقوم غیره الا

اتانا خبره، و كيف سيرته في الذين قبله، و ما من ارض من ستة ارضين الى السابعة الا و نحن نوتى بخبرهم، فقلت: جعلت فداك فاين منتهى هذا الجبل؟ قال: الى الارض السابعة، و فيها جهنم على واد من اوديته، عليه حفظة اكثر من نجوم السماء و قطر المطر و عدد ما في البحار و عدد الثرى، قد وكل كل ملك منهم بشى و هو مقيم عليه لا يفارقه، قلت: جعلت فداك اليكم جميعا يلقون الاخبار؟ قال: لا انما يلقى ذلك الى صاحب الامر، انا لنحمل ما لا يقدر العباد على الحكومة فيه فنحكم فيه فمن لم يقبل حكومتنا جبرته الملائكة على قولنا و امرت الذين يحفظون ناحيته ان يقسروه على قولنا، و ان كان من الجن من اهل الخلاف و الكفر او ثقته و عذبه حتى يصير الى ما حكمنا به،

ترجمه:

(دنباله حديث دوم)

و مانند: فرعون معاصر با حضرت موسى عليه السلام كه گفت: انا ربكم الاعلى و بدين ترتيب ادعاى خدائى كرد و همچون: نمرودى كه گفت: اهل زمين را مورد قهر خود داده و آنچه در آسمان هست را كشتم و نيز نظير: قاتل اميرالمومنين عليه السلام و قاتل فاطمه عليها السلام و محسن و قاتل امام حسن و امام حسين عليهما السلام و اما معاويه و عمرو بن عاص ابا طمع و درخواست خلاص شدن از عذاب را نمى کنند.

و نيز تمام كسانى كه نصب عداوت ما اهل بيت پيغمبر صلى الله عليه و آله و سلم را نموده اند با ايشان هستند و همچنين كسانى كه با زبان و دست و مالشان بر عليه ما اقدام كردند، با ايشان مى باشند.

عرض كردم: فدائيت شوم شما تمام اين صداها را مى شنويد و به فزع نمى

آئيد؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، قلوب و دل های ما غیر از دل های مردم است، ما مطیع کامل حق تعالی و خالص از هر آلودگی بوده و برگزیده باری تعالی می باشیم، می بینیم آن چه را که مردم نمی بینند، می شنویم آنچه را که دیگران نمی شنوند فرشتگان در منازل ما فرود می آیند و در روی فرش های ما حرکت کرده در کنار سفره ما حاضر و شاهد هستند بر مردگان ما حاضر می شوند، اخبار حوادثی که هنوز واقع نشده اند را به ما می رسانند، با ما نماز خوانده و برای ما دعا می کنند، پرها و بالهایشان را برای ما پهن می کنند، کودکان و اطفال ما روی بال های ایشان حرکت می کنند، مانع می شوند از اینکه جنبنندگان به ما دست یافته و ایداً و آزارمان کنند، از تمام گیاهان و نباتاتی که در زمین می رویند در فصل و زمانشان برای ما می آورند، از آب های مختلف روی زمین به ما می آشاماند و ما آنها را در ظروف خود می یابیم، و هیچ روز و ساعت و وقت نمازی نیست مگر آنکه فرشتگان برای آنها آماده می باشند، و هیچ شبی فرا نمی رسد مگر آنکه اخبار تمام نقاط زمین را برای ما می آورند و نیز آنچه در زمین واقع می شود و اخبار جن و ملائکه را برای ما بازگو می کنند، و هیچ فرشته ای در زمین نمی میرد و دیگری جای آن قرار نمی گیرد مگر آنکه ما را اطلاع داده و رویه و سیره آن فرشته را با کسانی که قبلش بوده اند را برای ما بیان می کنند، و هیچ زمینی از شش طبقه زمین تا طبقه هفتم نیست مگر آنکه جز آنها را به ما می دهند.

عرض کردم: فدایت شوم انتهای این کوه کجا است؟

حضرت فرمودند:

تا طبقه هفتم زمین ادامه داشته و در آنجا دوزخی است که وادی از وادی های جهنم می باشد و نگهبانانی که مستحفظ آن هستند از ستارگان آسمان و

دانه های باران و قطره های آب در دریاها و از عدد خاک های در کره زمین بیشتر می باشند، هر کدام از این فرشتگان موکل بر امری بوده که مراقب آن بوده و از آن تخلف نمی کنند.

عرض کردم: فدایت شوم به همه شما اهل بیت این اخبار را می دهند؟
حضرت فرمودند:

خیر، تنها به کسی که صاحب امر ولایت است، ما حامل چیزی هستیم که بندگان قدرت حکومت در آن را ندارند، پس ما در آن حکومت می نمایم و کسی که حکومت ما را نپذیرد فرشتگان او را بر آن مجبور می کنند و امر می کنند به کسانی که حافظ آن ناحیه هستند که بندگان را به قول و حکومت ما ملزم و مجبور کنند و اگر جنی از اهل خلاف و کفر باشد او را به بند کشیده و آن قدر عذابش می کنند تا بر حکم ما گردن نهد.

متن:

قلت: جعلت فداک فهل یری الامام ما بین المشرق و المغرب؟ فقال: یا ابن بکیر یکون حجة الله علی ما بین قطریها و هو لا یراهم و لا یحکم فیهم؟! و کیف یکون حجة علی قوم غیب لا یقدر علیهم و لا یقدرون علیه؟ و کیف یکون مودیا عن الله و شاهدا علی الخلق و هو لا یراهم؟ و کیف یکون حجة علیهم و هو محجوب عنهم؟ و قد جعل بینهم و بینہ ان یقوم بامر ربہ فیهم، و الله یقول: (و ما ارسلناک الا کافة للناس) یعنی به من علی الارض و الحجة من بعد النبی ﷺ یقوم مقام النبی من بعده و هو الدلیل علی ما تشاجرت فیہ الامة، و الاخذ بحقوق الناس، و القیام بامر الله، و المنصف لبعضهم من بعض، فاذا لم یکن معهم من ینفذ قوله و هو یقول: (سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم)، فای آیه فی الافاق غیرنا اراها اهل الافاق و قال: (ما نریه من آیه الا هی اکبر من اختها)، فای آیه اکبر منا، و الله ان بنی هاشم و قریشا لتعرف ما اعطانا الله و لکن الحسد

اهلكهم كما هلك ابليس، و انهم لياتوننا اذا اضطروا و خافوا على انفسهم فيسالونا فنوضح لهم فيقولون: نشهد انكم اهل العلم، ثم يخرجون فيقولون: ما راينا اضل ممن اتبع هولاً و يقبل مقاتلهم!

قلت: جعلت فداك اخبرني عن الحسين عليه السلام لو نبش كانوا يجدون في قبره شيئاً؟ قال: يابن بكير ما اعظم مسائلك! الحسين عليه السلام مع ابيه و امه و اخيه الحسن في منزل رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، يحبون كما يحبى، و يرزقون و ينظر الى معسكره و ينظر الى العرش متى يومر ان يحمله و انه لعلى يمين العرش متعلق يقول: يا رب انجزلى ما وعدتني، و انه لينظر الى زواره و هو اعرف بهم و باسماً آبائهم و بدرجاتهم و بمنزلتهم عند الله من احدكم بولده و ما فى رحله و انه ليرى من يبكيه فيستغفر له رحمة له، و يسال اباه الاستغفار له و يقول: لو تعلم ايها الباكي ما اعدلك لفرحت اكثر مما جزعت، فليستغفر له كل من سمع بكأه من الملائكة فى السماء و فى الحائر، و ينقلب و ما عليه من ذنب.

ترجمه:

(دنباله حديث دوم)

عرض كردم: فدایت شوم: آیا امام بین مشرق و مغرب را می بینید؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر چگونه امام حجت خدا باشد بر آنچه بین دو نقطه مقابل هم در کره زمین واقع شده اند و حال آنکه آنها را ندیده و در میانشان حکم نکنند؟! و چگونه بتوان گفت امام حجت است بر قوم و جماعتی که در نظرش غائب هستند و بر آنها قدرت نداشته و آنها نیز بر دست رسی داشتن به وی جهت رفع نیازمندی های خویش قدرت ندارند؟ و چگونه امام احکام و حقائق را از طرف خدا ادا کند و شاهد بر خلق باشد در حالی که آنها را نمی بیند؟!!

و چگونه حجت بر ایشان باشد در حالی که آنها از وی محجوب و مستور می باشند؟! در حالی که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به امر خدا بین مردم نصب شده تا واسطه بین خدا و مخلوق باشد، خدا در قرآن خطاب به پیغمبرش می فرماید: و ما ارسلناك الا كافة للناس (ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم).

مقصود از (كافة للناس) تمام کسانی هستند که روی کره زمین می باشند و حجت بعد از نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعد از آن وجود مبارک قائم مقام او باید باشد پس همانطوری که نبی حجت است برای تمام مردم روی زمین و باید بر همه تسلط داشته باشد حجت بعد از او و قائم مقامش نیز باید چنین باشد و اساسا مناصب امام بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اموری است که لازمه آن اینستکه وی باید به تمام امت و به کافه مردم مسلط بوده و آنها را ببیند، این مناسب عبارتند از:

الف: راهنما برای حل مشاجراتی که بین امت واقع می شود.

ب: حقوق مردم را احقاق کردن و گرفتن.

ج: قیام نمودن به امر خدا و فرمانش را بین مردم اجرا کردن.

د: انصاف گرفتن از بعضی برای بعضی دیگر.

در نتیجه باید امام قولش نافذ بین کل مردم باشد تا بدین ترتیب نظم عالم محفوظ ماند، و هرج و مرج پیش نیاید، حال اگر با مردم امام و رهبری نباشد که قولش بین آنها نافذ باشد کلام خدا در قرآن کریم بی مصداق می ماند، حقتعالی در قرآن می فرماید:

سنرهبهم آیاتنا فی الانفاق و فی انفسهم (محققا به ایشان نشان می دهیم آیات

خود را که در آفاق و انفس می باشند)، با توجه به این آیه می پرسم:

چه آیه ای در آفاق غیر از ما وجود دارد که خداوند متعال به آن اهل آفاق

را نشان داده است؟ و نیز در جای دیگر فرموده:

ما نریهم من آیه الا هی اکبر من اختها (ما به ایشان هیچ آیه ای را نشان ندادیم مگر آنکه آن آیه از آیه دیگر بزرگتر بود).

چه آیه ای را شما بزرگ تر از ما سراغ دارید، به خدا سوگند بنی هاشم و قریش به آنچه خدا به ما اعطاً فرموده آگاه و عارف هستند ولی حسد ایشان را هلاک کرده همان طوری که حسد ابلیس را هلاک نمود.

ایشان در موارد اضطرار نزد ما می آیند و از ما مشکلشان را سوال می کنند و ما برای ایشان توضیح داده و مشکلشان را حل می کنیم بعد از آن می گویند: شهادت می دهیم که شما اهل علم هستید و از نزد ما که خارج شدند پیش دیگران می گویند:

ما ندیدیم کسی را گمراه تر از آنانکه از ایشان تبعیت کرده و گفتار آنها را بپذیرند!

عرض کردم: فدایت شوم به من خبر دهید از حضرت ابی عبد الله علیه السلام: اگر قبر آن حضرت را نبش کنند در آن چیزی می یابند؟
حضرت فرمود:

ای پسر بکیر، سوال بسیار بزرگی نمودی، حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادرش حسن علیه السلام در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده به ایشان اعطاً می شود همان طوری که به آن جناب اعطاً می گردد، روزی می خورند همانطوریکه آن حضرت روزی می خورد، اگر در همان ایام قبر را نبش می کردند، البته آن حضرت را در آن می یافتند، اما امروز آن حضرت زنده بوده و نزد پروردگارش روزی می خورد و به لشگرش و به عرش می نگرد تا چه کسی و در چه وقت امر شود که آن را حمل کند، آن حضرت در سمت راست عرش ایستاده می گوید:

پروردگارا، وعده ای که به من داده ای عملی کن، به زوارش نگریسته و او به ایشان و اسماً پدرانیشان و به درجات و مراتب آنها نزد خدا از شما نسبت به فرزندان و آنچه در منزل دارید اعراف و آگاه تر است آن حضرت می بیند کسانی را که بر او می گریند پس از خدا طلب آمرزش برای ایشان می کند و از پدر بزرگوارش نیز طلب آمرزش برای ایشان می کند و می گوید:

ای گریه کننده اگر بدانی برای تو چه آماده شده فرح و شادی تو بیش از جزع و ناراحتی تو خواهد بود پس تمام فرشتگانی که در آسمان و حائر بوده و صدای گریه او را می شنوند برایش استغفار می کنند و وی حرکت می کند در حالی که هیچ گناهی بر او نمی باشد.

متن:

3- حدثني محمد بن يعقوب، عن عدة من اصحابه، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن زياد بن ابي الحلال، عن ابي عبد الله عليه السلام (قال: ما من نبي ولا وصي نبي يبقی فی الارض باكثر من ثلاثة ايام ثم ترفع روحه و عظمه ولحمه الى السماء و انما توتی مواضع آثارهم و يبلغونهم من بعيد السلام و يسمعونهم فی مواضع آثارهم من قريب).

و حدثني ابي -رحمة الله عليه - و محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى؛ و غيره، عن احمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن زيار، عن ابي عبد الله عليه السلام - مثله.

ترجمه:

(حدیث سوم)

محمد بن يعقوب، از عده ای اصحاب، از احمد بن محمد بن عيسى، از علی بن الحكم، از زياد بن ابي الحلال، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: هیچ پیغمبر و هیچ جانشین پیغمبری پیش از سه روز روی زمین باقی نمی ماند

سپس روح و استخوان و گوشت او را به آسمان می برند، و مردم به اماکن و مواضعی که آثار ایشان هست (یعنی قبورشان) رفته و از دو به ایشان ابلاغ سلام می کنند و از نزدیک در مواضع آثارشان سلامشان را به ایشان می شنوایند.

یدرم رحمة الله عليه و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی و غیرش از احمد بن محمد، از علی بن الحکم، از زیاد، از حضرات ابی عبد الله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده.

متن:

4- و حدثنی ابی -رحمة الله عليه - عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن اسماعیل بن بزیر - عن بعض اصحابه - رفعه الی ابی عبد الله علیه السلام (قال: قلت: نکون بمكة او بالمدينة او بالحائر او الموضع التي یرجى فيها الفضل فرما یرجى الرجل يتوضا فیجى الاخر فیصیر مکانه، قال: من سبق الی موضع فهو احق به یومه و لیلته).

5- حدثنی ابو العباس محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن منیع، عن صفوان بن یحیی، عن صفوان بن مهران الجمال، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: اهون ما یکسب زائر الحسین علیه السلام فی کل حسنة الف الف حسنة، و السيئة واحدة، و این الواحدة من الف الف؟! ثم قال: یا صفوان ابشر فان الله ملائكة معها قبضان من نور فاذا اراد الحفظة ان تکتب علی زائر الحسین علیه السلام سیئة، قالت الملائكة للحفظة، کفی فتکف، فاذا عمل حسنة قالت لها: اکتبی اولئک الذین یبدل الله سیئاتهم حسنات.

ترجمه:

(حدیث چهارم)

پدرم رحمة الله عليه از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش بطور مرفوعه از ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده! وی گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می رود می باشیم، بسا یکی از ما برای وضوء از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می کند حکم آن چیست؟

حضرت فرمودند:

در آن روز و شب وی احق و اولی به آن مکان می باشد.

ترجمه:

(حدیث پنجم)

ابوالعباس محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از منیع، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران الجمال، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کمترین چیزی که زائر امام حسین علیه السلام بدست می آورد این است که در مقابل هر یک حسنه ای که از او صادر شود.

حق تعالی هزار هزار حسنه به او پاداش دهد و در قبال هر یک سیئه ای که مرتکب شود تنها یک سیئه برایش منظور می کند و یکی کجا و هزار هزار تا کجا؟!

سپس حضرت فرمودند:

ای صفوان، بشارت باد تو را، خداوند متعال فرشتگانی دارد که با آنها تازیانه ای از نور بود و هرگاه فرشتگان حافظ و نگهبان بخواهند بر زائر امام حسین علیه السلام سیئه ای بنویسند، فرشتگان به حافظین می گویند:

از این کار خودداری کنید، آنها خود را از آن باز می دارند و وقتی زائر عمل
حسنة ای انجام دهد فرشتگان به حافظین می گویند:

بنویسید، ایشان کسانی هستند که حق تعالی سیئاتشان را به حسنة تبدیل
فرموده است.

متن:

6- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد
ابن عيسى، عن ابي يحيى الواسطي، عن ابي الحسن الحذاق (قال: قال ابو عبد الله
عليه السلام ان الى جانبكم مقبرة يقال لها: (براثا) يحشر منها عشرون و مائة الف شهيد
كشهاداً بدر).

7- و روى عن محمد بن مروان قال: حدثنا محمد بن الفضل (قال: سمعت
جعفر بن محمد عليه السلام يقول: من زار قبر الحسين عليه السلام في شهر رمضان و مات فى
الطريق لم يعرض و لم يحاسب، و يقال له: ادخل الجنة آمناً).

8- حدثني ابي؛ و محمد بن الحسن -رحمة الله عليه - جميعاً، عن الحسين
بن سعيد قال: حدثنا بن السحت الخزاز قال: حدثنا حفص المزني، عن عمر بن
بياض، عن ابان بن تغلب قال: قال لى جعفر بن محمد عليه السلام: يا ابان متى عهدك
بقبر الحسين عليه السلام؟ قلت: لا والله يا بن رسول الله؛ مالى به عهد منذ حين، فقال:
سبحان الله العظيم و انت من روسا الشيعة تترك زيارة الحسين عليه السلام، لا تزوره؟!
من زار الحسين عليه السلام كتب الله له بكل خطوة حسنة، و محى عنه بكل خطوة سيئة،
و غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر، يا ابان لقد قتل الحسين عليه السلام فهبط على
قبره سبعون الف ملك شعث غبر يبكون عليه و ينوحون عليه الى يوم القيامة.

(حديث ششم)

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از ابي
يحيى واسطى، از ابي الحسن الحذاق وى گفت: حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

در طرف شما مقبره ای است که به آن (برائا گویند از آن صد و بیست هزار شهید محشور شده همچون شهدا بدر.

(حدیث هفتم)

و از محمد بن مروان روایت شده که گفت:

محمد بن الفضل می گوید: از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه فوت شود در معرض عتاب و خطاب او را نیاورده و نسبت به اعمالش محاسبه صورت نگرفته بلکه، به او گفته می شود:

داخل بهشت شو در حالی که در امان هستی.

(حدیث هشتم)

یدرم و محمد بن الحسن رحمة الله علیه جمیعا از حسین بن سعید، وی گفت: علی بن سحت خزاز برایم نقل نمود و گفت: حفص مزنی، از عمر بن بیاض، از ابان بن تغلب نقل کرد که وی گفت: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام به من فرمودند:

ای ابان چه وقت قبر حسین علیه السلام را زیارت کردی؟

عرض کردم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا تا بحال به زیارت آن حضرت نرفته ام.

حضرت فرمودند:

سبحان الله، تو از روسای شیعه هستی و زیارت امام حسین علیه السلام را ترک می

کنی، به زیارتش نمی روی؟!!

کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند به هر قدمی که بر می دارد یک حسنه برایش می نویسد و از او درمقابل هر قدمش یک گناه محو می فرماید و تمام گناهان سابق و لاحقش را می آمرزد، ای ابان وقتی حسین علیه السلام کشته شد هفتاد هزار فرشته ژولیده و غبار آلود بر قبرش از آسمان هبوط کرده و از آن تاریخ تا ظهور قیامت بر او گریه و نوحه سرائی می نماید.

متن:

9- حدثني الحسين بن محمد بن عامر، عن المعلى بن محمد البصرى، عن علي بن اسباط، عن الحسن بن الجهم (قال: قلت لابي الحسن الرضا عليه السلام: ايهما افضل: رجل ياتي مكة ولا ياتي المدينة، او رجل ياتي النبي ولا ياتي مكة؟ قال: فقال لي اي شيء تقولون انتم؟ فقلت: نحن نقول في الحسين عليه السلام، فكيف في النبي؟! قال: اما لئن قلت ذلك لقد شهد ابو عبد الله عليه السلام عيدا بالمدينة فانصرف فدخل على النبي صلى الله عليه وآله وسلم فسلم عليه، ثم قال لمن حضره: اما لقد فضلنا اهل البلدان كلهم مكة فيمن دونهما لسلامنا على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم).

10- حدثني ابي -رحمة الله عليه - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع - عن بعض اصحابه - يرفعه الى ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت: نكون بمكة او بالمدينة او بالحائر او المواضع التي يرجي فيها الفضل، فرما يخرج الرجل ليتوضا فيجي آخر فيصير مكانه، قال: من سبق الى موضع فهو احق به يومه و ليلته.

ترجمه:

(حدیث نهم)

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد البصرى، از علی بن اسباط، از حسن بن جهم، وی گفت: محضر ابي الحسن الرضا عليه السلام عرض کردم: کدام یک از این دو عمل افضل است:

اینکه شخصی به مکه رفته و مدینه نرود یا به زیارت نبی اکرم ﷺ در مدینه رفته و به مکه نرود؟

راوی گفت: حضرت به من فرمودند:

شما کدام را افضل می دانید؟

عرض کردم: ما درباره زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ زیارت آن جناب را از مکه رفتن افضل می دانیم چه رسد به زیارت نبی اکرم ﷺ.

حضرت فرمودند: آگاه باش اگر این کلام را بگوئی صحیح و درست است چه و سپس مراجعت نموده داخل بر نبی اکرم ﷺ شدند و بر آن حضرت سلام کرده و سپس به کسانی که برای زیارت نبی اکرم ﷺ حاضر شده بودند فرمودند:

بدانید ما بر تمام اهل شهرها، مکه و غیر آن تفضیل داده شده ایم زیرا بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام کرده ایم.

(حدیث دهم)

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزيع... مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش تحت رقم شماره (4) از همین بابا قبلا نقل شد.
متن:

11 - حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن ابيه، عن علي ابن محمد بن سليمان، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد بن عثمان، عن ابي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال: لما اسرى بالنبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الى السماء قيل له: ان الله تبارك و تعالى يختبرك في ثلاث لينظر كيف صبرك، قال: اسلم لامرك يا رب و لا قوة لي على الصبر الا بك فما هن؟ قيل له: اولهن بالجوع و الاثرة على نفسك و على اهلك

لاهل الحاجة، قال: قبلت يا رب و رضيت و سلمت و منك التوفيق و الصبر، و اما الثانية فالتكذيب و اخلوف الشديد و بذلك مهجتك في محاربة اهل الكفر بما لك و نفسك و الصبر على ما يصيبك منهم من الاذى و من اهل النفاق، و الالم في الحرب و الجراح، قال: قبلت يا رب و رضيت و سلمت و منك التوفيق و الصبر، و اما الثالثة فما يلقي اهل بيتك من بعدك من القتل، اما اخوك على فيلقى من امتك الشتم و التعنيف و اتوبيح و الحرمان و الجحد و الظلم و آخر ذلك القتل، فقال: يا رب قبلت و رضيت و منك التوفيق و الصبر، و اما ابنتك فتظلم و تحرم و يوخذ حقها غصبا الذي تجعله لها و تضرب و هي حامل و يدخل عليها و على حريمهما و منزلها بغير اذن ثم يمسهها هوان و ذل، ثم يمسهها هوان و ذل، ثم لا تجد مانعا و انا اليه راجعون، قبلت يا رب و سلمت و منك التوفيق و الصبر، و يكون لها من اخيك ابنان يقتل احدهما غدرا و يسلب و يطعن، تفعل به ذلك امتك، قلت: يا رب قبلت و سلمت انا لله و انا اليه راجعون، و منك التوفيق للصبر.

ترجمه:

(حديث يازدهم)

محمد بن عبد الله بن جعفر حميري، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از حماد بن عثمان، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند:

زمانی که نبی اکرم صلى الله عليه وآله را به آسمان سیر دادند به حضرتش عرض شد:

خداوند تبارک و تعالی می خواهد شما را در سه چیز بیازماید تا صبر شما را ببیند، حضرت عرض کرد: پروردگارا من تسلیم امر تو هستم، من توان صبر را ندارم مگر به کمک تو، آن سه چیز کدامند؟

به حضرتش گفته شد:

اول آنها جوع و گرسنگی و ضیق بر خودت و بر اهلت.
حضرت عرض کرد: پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و
از تو توفیق و صبر می خواهیم.

و اما دوم: آنکه تکذیب شده و خوف شدید بر تو عارض گشته و در محاربه
با اهل کفر مال و نفس خویش را بذل کرده و بر اذیت و آزاری که از ناحیه
ایشان و اهل نفاق به تو می رسد صبر کرده و درد و جراحاتی که در حرب بر
تو وارد می شود را تحمل کنی.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر
می خواهیم.

و اما سوم: عبارت است از آنچه بعد از تو به اهل بیت متوجه می شود و آن
قتل و کشته شدن ایشان است.

اما برادرت علی: از ناحیه امتت، فحش و درشتی و سرزنش و حرمان از حق
و انکار و ظلم به او متوجه شده و در آخر او را خواهند کشت.

عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق صبر می
خواهم.

متن:

و اما ابنها الاخر فتدعوه امتک للجهاد ثم یقتلونه صبیرا، و یقتلون ولده و من
معه من اهل بیته، ثم یسلبون حرمه، فیستعین بی و قد مضی القضا منی فیه بالشهاده
ه له و لمن معه، و یکون قتله حجة علی من بین قطریها، فیبکیه اهل السماوات و
اهل الارضین جزعا علیه، و تبکیه ملائکة لم یدرکوا نصرته، ثم اخرج من صلبه

ذکرا به انصرک و ان شبحه عندى تحت العرش يملا الارض بالعدل و يطبقها
 بالقسط، يسير معه الرعب، يقتل حتى يشك فيه، قلت: انا الله!
 فقيل: ارفع راسك، فنظرت الى رجل احسن الناس صوره و اطيهم ريحا، و
 النور يسطع من بين عينيه و من فوقه و من تحته، فدعوته فاقبل الى و عليه ثياب
 النور و سيما كل خير حتى قبل بين عيني، و نظرت الى الملائكة قد حفوا به، لا
 يحصيهم الا الله عزوجل فقلت: يا رب لمن يغضب هذا و لمن اعددت هولاً؟ و قد
 وعدتني النصر فيهم فانا انتظره منك؟ و هولاً اهلى و اهل بيتى و قد اخبرتنى مما
 يلقون من بعدى و لئن شئت لا عطيتنى النصر فيهم على من بغى عليهم، و قد
 سلمت و قبلت و رضيت و نمك التوفيق و الرضا و العون على الصبر، فقيل لى
 اما اخوك فجزاوه عندى جنة الماوى نزلا بصبره، افلح حجته على الخلائق يوم
 البعث، و اوليه حوضك يسقى منه اولياكم و يمنع منه اعداكم، و اجعل جهنم عليه
 بردا و سلاما، يدخلها فيخرج من كان فى قلبه مثقال ذرة من المودة، و اجعل
 منزلتكم فى درجة واحدة فى الجنة، و اما ابنك الخذول المقتول، و ابنك المعذور
 المقتول صبيرا، فانهما مما ازين بهما عرشى، و لهما من الكرامة سوى ذلك مما لا
 يخطر على قلب بشر لما اصابهما من البلاء فعلى فتوكل، و لكل من اتى قبره من
 الخلق من الكرامة لان زواره زوارك و زوارك زوارى، و على كرامة زوارى و انا
 اعطيه ما سال و اجزيه جزأ يغبطه من نظر الى عظمتى اياه، و ما اعددت له من
 كرامتى.

ترجمه:

(دنباله حديث يازدهم)

و اما فرزند ديگرش را امتت برای جهاد دعوت کرده سپس او را با طرز بد و
 ناهنجاری می کشند، فرزندانش و آنچه از اهل بيتش با او باشند را می کشند و
 سپس حرمش را اسير می کنند، پس از من کمک و استعانت می جوید ولى

حکم از من صادر شده که وی و تمام آنانکه با او هستند شهید شوند، قتل او حجت است بر کسانی که بین دو طرف زمین می باشند، اهل آسمان ها و سکنه زمین بر او گریسته و جزع و بی تابی می کنند، و فرشتگانی که نتوانستند او را یاری کنند بر این امر می گریند، سپس از صلب و پشت او فرزندی خارج می کنم که بواسطه اش تو را نصرت و یاری می نمایم، شیخ و تمثال آن فرزند نزد من بوده و تحت عرض می باشد، به واسطه او زمین را پر از عدل و داد کرده و رعب و وحشت با او سیر و حرکت می کند، آن قدر از مردم بکشد که در او شک کنند که آیا حجت خدا است یا نه عرض کردم: انا لله!

به آن حضرت گفته شد:

سرت را بالا کن، پس نظر کردم به مردی که زیباترین مردم از حیث صورت و خوش ترین آنها از جهت بو، بود، نور از بین دو دیدگان و بالای سر و پائین پاهایش ساطع و درخشان بود، پس او را خواندم، به سویم آمد در حالی که بر او جامه هائی از نور بود به من رسید تا بین دو چشمم را بوسید نگریستم به فرشتگانی که دور او را حلقه زده بودند و عدد آنها را غیر از خداوند عزوجل دیگر نمی دانست عرض کردم:

پروردگارا، این شخص برای چه کسی غضب کرده و این گروه فرشتگان را برای چه شخصی آماده کرده ای؟

به من وعده نصرت در ایشان داده ای پس انتظار آن را از تو دارم، ایشان اهل و اهل بیت من بوده، تو خودت از ایداً و آزادی که بعد از من به ایشان می رسد به من خبر دادی و اگر بخواهی حتما می توانی بواسطه ایشان آنان را که ظلم و ستم به اهل بیت من کرده اند منکوب و ذلیل کرده و بدین وسیله من را

نصرت نمائی و من تسلیم تو بوده و پذیرفته و راضی بوده و از تو می خواهم که به من توفیق و رضا و خشنودی را اعطاء کرده و بر صبر نمودن کمک نمائی. به من گفته شد:

اما برادرت، پاداش او نزد من محفوظ بوده و آن این است که منزل گاهش را بواسطه صبری که نموده بهشت برین قرار می دهم، در روز بعث و قیامت حاجتش بر خلائق ظهور می یابد، او را بر حوض کوثر متولی گردانده تا دوستان شما را سیراب و دشمنانتان را از نوشیدن آب باز دارد، جهنم را بر او خنک و آرام قرار می دهم، هر کس که در قلبش به قدر مثقالی از محبت و مودت او باشد در جهنم داخل شده و بدون اینکه آسیبی به او وارد شود از آن خارج می گردد و قرار می دهم منزل شما را در یک درجه و یک مرتبه از بهشت.

و اما فرزندی که منکوب و مقتول واقع شد (مقصود حضرت مجتبی علیه السلام است) و آن فرزندت که با طرزی فجیع و ناهنجاری کشته شده (منظور حضرت امام حسین علیه السلام است) عرش خود را با این دو زینت خواهم نمود و چنان کرامتی غیر از این به آن دو دهم که بر قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد. و آن بخاطر بلا و مصیب هائی است که به ایشان رسیده، پس بر من اعتماد و توکل کن.

و نیز به کسانی که به زیارتش روند نیز کرامت را اعطاء می کنم چه آنکه زوار او زوار تو بوده و زوار تو زوار من هستند و بر من حتم و لازم است که به زوارم این کرامت را عنایت نمایم و نیز آنچه را از من سوال کنند به آنها خواهم داد و جزا و پاداشی به ایشان دهم که دیگران به آن غبطه برند.

متن:

و اما اینتک فانی اوقفها عند عرشی فیقال لها: ان الله قد حکمک فی خلقه فمن ظلمک و ظلم ولدک فاحکمی فیه بما احببت فانی اجیز حکومتک فیهم،

فتشهد العرصة فاذا وقف من ظلمها امرت به الى النار، فيقول الظالم: و واحسرتا!
على ما فرطت في جنب الله، و يمتنى الكرة، و يعض الظالم على يديه و يقول:
ياليتنى اتخذت مع الرسول سبيلا، و يا ويلتى ليتنى لم اتخذ فلانا خليلا، و قال:
حتى اذ جأنا قال: يا ليت بينى و بينك بعد المشرقين فبئس القرين، و لن ينفعكم
اليوم اذ ظلمتم انكم فى العذاب مشتركون، فيقول الظالم، انت تحكم بين عبادك
فيما كانوا فيه يختلفون، او الحكم لغيرك، فيقال لهم: الا لعنة الله على الظالمين
الذين يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجا، وهم بالآخرة كافرون، و اول من
يحكم فيه - حسن بن على عليه السلام فى قاتله، ثم فى قنفذ فيوتيان هو و صاحبه
فيضربان بسياط من نار، لو وقع سوط منها على البحار لغلت من مشرقها الى
مغربها، و لو وضعت على جبال الدنيا لذابت حتى تصير رمادا فيضربان بها، ثم
يحبثو امير المؤمنين عليه السلام بين يدي الله للخصومة مع فلان فى جب فيطبق عليهم،
لا يراهم احد ولا يرون احدا فيقول الذين كانوا فى ولايتهم: ربنا ارنا الذين اضلانا
من الجن و الانس، نجعلها تحت اقدامنا ليكونا من الاسفين، قال الله عزوجل: (و
لن ينفعكم اليوم اذ ظلمتم انكم فى العذاب مشتركون) فعند ذلك ينادون بالويل و
الثبور، و ياتيان الحوض فيسالان عن امير المؤمنين عليه السلام و معهم حفظة فيقولان:
اعف عنا و اسقنا و تخلصنا، فيقال لهمم: فلما راوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا،
وقيل: هذا الذى كنتم به تدعون بامرة المؤمنين، ارجعوا ظمأ مظمئين الى النار فما
شرا بكم الا الحميم و الغسلين و ما تنفعكم شفاعة الشافعين.

ترجمه:

(دنباله حديث يازدهم)

و اما دخترت:

او را نزد عرش نگه داشته، پس به او گفته مى شود: خداوند تو را درميان
خلقش حاکم قرار داد، پس کسی که به تو به فرزندان ظلم نموده در او حکم

نما به آنچه خواهی و من حکم تو را بر ایشان اجرا خواهم نمود، آن حضرت در عرصه قیامت حاضر شده و وقتی اشخاصی که به او ظلم و ستم کرده اند. در آن جا ایستادند امر می کنم که ایشان را در آتش بیاندازند. پس ظالم می گوید: و احسرتا علی ما فرطت فی جنب الله (فریاد و احسرتا بر آورد و گوید:

ای وای بر من که جانب خدا را فرو گذارده و در حق خود ظلم و تفریط کردم) و به دنبال آن آرزوی بازگشت به دنیا را می کند و دو دست خود را از ناراحتی و شدت عذاب می گزد و می گوید: یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا (ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می گرفتم). یا ویلتنا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا (وای بر من کاش فلان کافر و فلان فاسق را دوست خود قرار نمی دادم) نیز می گوید:

حتی اذا جأنا قال یا لیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین (تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت می گوید: ای کاش میان من و آن شیطان فاصله ای به دوری مشرق و مغرب بود که او همنشین بسیار بدی برای من بود).

و نیز می گوید:

ولی ینفعکم الیوم اذ ظلمتم انکم فی العذاب مشترکون (وای ستم کاران هرگز در آن روز پشیمانی به حال شما سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید)

و نیز می گوید:

انت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون (تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع می کنند حکم فرما)

پس به ایشان گفته می شود:

آگاه باشید: لعنت خدا بر ستمکاران باد آنانکه بندگان خدا را از راه خدا باز می دارند و راه کج را می طلبند و به عالم آخرت اعتقاد ندارند.

و اولین نفری که در ظالمین حکم نموده و ایشان را محاکمه می فرماید حضرت حسن بن علی علیه السلام است که در قاتل خویش به حکومت می پردازد و سپس قنفذ (قاتل حضرت سلام الله علیهما) را مورد محاکمه قرار می دهد پس قاتل آن حضرت و قنفذ و صاحب قنفذ را آورده سپس با تازیانه ای از آتش ایشان را می زند، اگر یکی از این تازیانه در دریا بیفتد از شرق و غرب دریا به غلیان و جوش آمده چنانچه اگر آن را روی کوه های دنیا بیاندازند آنها را ذوب کرده تا خاکستر شوند با این تازیانه ایشان را می زنند.

سپس امیرالمومنین علیه السلام روی انگشت پاها در مقابل حق تعالی برای خصومت و دادخواهی با فلانی که در چاه عذاب است می ایستد، پس چاه را بر ایشان می بندد به طوری که کسی ایشان را ندیده و آنان نیز کسی را نبینند، پس آنانکه در ولایت و دوستی این ظالمین بودند می گویند:

پروردگارا به ما نشان بده جن و انسی که ما را گمراه کردند، تا ایشان را زیر قدم های خود گذاشته تا از اسفلین باشند.

خداوند عزوجل می فرماید:

(ولن ینفعکم الیوم اذ ظلمتم انکم فی العذاب مشترکون).

در این وقت ایشان با صدای بلند می گویند: وای بر ما هلاک شدیم.

آن دو نفر بر سر حوض کوثر حاضر شده و از امیرالمومنین علیه السلام درخواست آب می کنند درحالی که با ایشان نگهبانانی همراه هستند، پس آن دو نفر می گویند: ما را عفو کنید و سیرابمان نموده و رهایمان بنمائید.

به ایشان گفته می شود:

چون کافران آن عذاب سخت را به چشم خود نزدیک دیدند رخسارشان سیاه و زشت شود و به آنها گویند این همان عذابی است که بواسطه ظلمی که به امیرمومنان نمودید مستحقش می باشید، با حالت تشنگی به جهنم برگردید آب شما تنها حمیم (آب سوزان و گرم جهنم که از عرق دوزخیان جاری است) و غسلین (آبی متعفن که از پوست و گوشت اهل دوزخ جریان دارد) می باشد و امروز شفاعت شافعین نفی برای شما ندارد.

متن:

12- و حدثنی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، عن جده، قال: قلت لابی عبد الله عليه السلام: جعلت فداک ایما افضل: الحج اول الصدقة؟ قال: هذه مسألة فیها مسالتان، قال: کم المال؟ یكون ما یحمل صاحبه الی الحج؟ قال: قلت: لا، قال: اذا کان ما لا یحمل الی الحج فالصدقة لا تعدل الحج، الحج افضل، و ان کانت لا یكون الا القلیل فالصدقة، قلت: فالجهاد؟ قال: الجهاد افضل الاشیاء بعد الفرائض فی وقت الجهاد، و قال: و لا جهاد الا مع الامام، قلت فالزيارة؟ قال زیارة النبی صلى الله عليه وآله و زیارة الاوصیاء و زیارة حمزة، و بالعراق زیارة الحسین عليه السلام، قلت: فما لمن زار الحسین عليه السلام؟ قال: یخوض فی الرحمة، و یتوجب الرضا، و یرف عنه السوء و یدر علیه الرزق، تشیعه الملائكة، و یربس نورا تعرفه به الحفظة، فلا یمر باحد من الحفظة الا دعاه.

ترجمه:

(حدیث دوازدهم)

محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف،
از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از جدش، وی گفت: محضر حضرت ابی عبد الله

علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم حج افضل است یا دادن صدقه؟

حضرت در جواب فرمودند:

این سوال مشتمل بر دو سوال است:

الف: مالی که آن را صدقه می دهند چقدر است؟

ب: آیا به مقداری که صاحبش را حج برساند می باشد یا نه؟

راوی می گوید: عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

اگر مال صاحبش را به حج برساند، صدقه معادل حج نیست یعنی این ما را
اگر صرف حج کند افضل است و اگر به این مقدار نباشد، پس صدقه دادن افضل
می باشد.

عرض کردم: جهاد چه طور است؟

حضرت فرمودند:

پس از فرائض جهاد در وقتش افضل اشیا است و باید توجه داشت که جهاد
مشروع نیست مگر با دستور امام علیه السلام.

عرض کردم: زیارت چه طور است؟

حضرت فرمودند:

زیارات عبارتند از زیارت نبی اکرم ﷺ و زیارت اوصیاء و زیارت حمزه و

زیارت حسین علیه السلام در عراق، کدام منظور تو است؟

عرضه داشتم: چه ثوابی برای زیارت حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند:

زائر حسین علیه السلام در رحمت الهی فرو می رود و زیارتش سبب خشنودی و رضایت حق می باشد، بدی ها از او دفع گشته، روزی به دنبالش بوده، فرشتگان مشایعتش نموده، نوری او را پوشانده که فرشتگان حافظ و نگهبان بدین وسیله او را می شناسد از اینرو به هیچیک فرشته نگهبان و حافظی عبور نمی کند مگر آنکه او برایش دعاً می نماید.

متن:

13- و روی احمد بن جعفر البلدی، عن محمد بن یزید البکری، عن منصور بن نصر المدائنی، عن عبد الرحمن بن مسلم قال: دخلت علی کاظم علیه السلام فقلت له: ایما افضل: زیارة الحسین بن علی او امیرالمومنین علیه السلام? او الفلان و فلان، و سمیت الائمة واحدا واحدا؟، فقال لی: یا عبد الرحمن من زار اولنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد زار اولنا، و من تولى اولنا فقد تولى آخرنا، و من تولى آخرنا فقد تولنا اولنا، و من قضی حاجة لاحد من اولیائنا فکانما قضاها لاجمعنا، یا عبد الرحمن احبنا و حب من یحبنا و احب فینا، و احب لنا و تولنا و تول من یتولانا، و ابغض من یبغضنا، الا و ان الراد علینا کالراد علی رسول الله جدنا، و من رد علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقد رد علی الله، الا یا عبد الرحمن و من ابغضنا فقد ابغض محمدا و من ابغض محمدا فقد ابغض الله، و من ابغض الله عزوجل کان حقا علی الله ان یصلیه النار و ماله من نصیر.

ترجمه:

(حدیث سیزدهم)

احمد بن جعفر بلدی روایت کرد از محمد بن یزید بکری، از منصور بن مدائنی، از عبد الرحمن بن مسلم وی گفت: بر حضرت کاظم علیه السلام داخل شده و محضرش عرض کردم:

زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام افضل است یا زیارت امیرالمومنین علیه السلام
یا فلان و فلان و یک یک اسامی ائمه علیهم السلام را بردم؟
حضرت به من فرمودند:

ای عبد الرحمن، کسی که اول نفر ما را زیارت کند پس محققا آخرین ما را
نیز زیارت کرده و بالعکس اگر آخرین نفر ما را زیارت کند اولین نفر از ما را نیز
زیارت کرده، و کسی که اولین نفر ما را دوست بدارد قطعا آخرین نفر ما را نیز
دوست دارد و کسی که حاجتی از دوستان ما را روا کند گویا برای جمیع ما
حاجتی را بر آورده است، ای عبد الرحمن ما را دوست بدار و کسی که محب ما
هست را نیز دوست بدار و دوستیت در راه ما باشد، دوست بدار برای ما بخواه
ما را و بخواه کسی را که ما را بخواهد و دشمن بدار کسی که دشمن ما هست،
آگاه باش کسی که ما را رد و انکار کند گویا رسول خدا که جد ما است را انکار
کرده و کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار کند خدا را انکار کرده، آگاه باش ای
عبد الرحمن کسی که نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد پس نسبت به حضرت
محمد بغض دارد و کسی که نسبت به حضرت محمد بغض داشت نسبت به خدا
بغض دارد و کسی که خدا را مبعوض داشت بر خدا است که او را به جهنم
داخل کرده و برایش یاوری نمی باشد.

14 - حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن محمد، بن الحسن
الصفار، عن العباس بن معروف، عن عبد الله بن عبد الرحمن الاصبم، عن الحسين،
عن الحلبي (قال: قال لي ابو عبد الله عليه السلام: لما قتل الحسين عليه السلام سمع اهلنا قائلا
بالمدينة يقول: اليوم نزل البلاء على هذه الامة فال ترون فرحا حتى يقوم قائمكم
فیشفی صدورکم و یقتل عدوکم، و ینال بالوتر اوتارا، ففرعوا منه و قالوا: ان لهذا
القول لحادثا قد حدث ملا نعرفه، فاتاهم خبر قتل الحسين عليه السلام بعد ذلك فحسبوا

ذلك، فاذا هي تلك الليلة التي تكلم فيها المتكلم، فقلت له: جعلت فداك الى متى انتم ونحن في هذا القتل والخوف والشدة؟ فقال: حتى ياتي سبعون فرحا اجواب و يدخل وقت السبعين، فاذا دخل وقت السبعين اقبلت الرايات تترى كأنها نظام، فمن ادرك ذلك الوقت قرت عينه.

ان الحسين عليه السلام لما قتل اتاهم آت و هم في المعسكر فصرخ فزير، فقال لهم: وكيف لا اصرخ و رسول الله صلى الله عليه وآله قائم ينظر الى الارض مرة، و الى حزبكم مرة، و انا اخاف ان يدعوا على اهل الارض فاهلك فيهم، فقال بعضهم لبعض: هذا انسان مجنون.

فقال التوابون: تالله ما صنعا لانفسنا، قتلنا، لا بن سمية سيد شباب اهل الجنة، فخرجوا على عبيد الله بن زياد، فكان من امرهم ما كان.

قال: فقلت له: جعل فداك من هذا الصارخ؟ قال: ما نراه الا جبرئيل. اما انه لو اذن له فيهم لصاح بهم صيحة يخطف به ارواحهم من ابدانهم الى النار، ولكن امهل ليزدادوا اثما و لهم عذاب اليم، قال: انه قدعق رسول الله صلى الله عليه وآله و عقنا و استخف بامر هوله، و من زاره كان الله له من ورأ حوائجه، و كفاه ما اهمه من امر دنياه، و انه ليجلب الرزق على العبد و يخلف عليه ما انفق و يغفر له ذنوب خمسين سنة، و يرجع الى اهله و ما عليه ذنب و لا خطيئة الا وقد محيت من صحيفته، فان هلك في سفره نزلت الملائكة فعسلنه، و فتح له باب الجنة حتى يدخل عليه روحها حتى ينشر، ان سلم فتح الباب الذي ينزل منه رزقه فيجعل له بكل درهم عشرة آلاف درهم، و ان الله تبارك و تعالى قد ذخرها لك عنده).

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على

اعدائهم اجمعين.

ترجمه:

(حديث چهاردهم)

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از حسین، از حلبی، وی گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام به من فرمودند:

هنگامی که حسین علیه السلام کشته شد اهل ما شنیدند قائلی در مدینه می گفت: امروز بلا بر این امت نازل شد دیگر سرور و شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه ها را با قیامش شفا داده و دشمنان را بکشد، و در مقابل آن تنها مانده ای که خونس قصاص نشد و به انتقام آن تنها مانده هایی را بکشد.

اهل ما از شنیدن این صدا به فرج آمده و گفتند:

گوینده این صدا را می شناسیم کیست، پس بعدا که خبر شهادت حسین علیه السلام به ایشان رسید حساب کردند دقیقا سخن و تکلم آن متکلم همان شبی بود که روزش حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند.

عرض کردم: فدایت شوم: تا کی شما و ما در سوز این کشتار و وقوع آن سوخته و در خوف و سختی بسر بریم؟

حضرت فرمودند: تا زمانی که هفتاد مرتبه رخنه و شکاف و فرجه پیدا شده بطوریکه بین هر فرجه و فرجه دیگر فاصله بوده و بهم متصل نباشند و وقت فرجه هفتادمین که رسید پرچم ها پیدا شده که بترتیب می آیند و سپس ایستاده و درنگ می کنند گویا مرواریدهایی بوده که برشته کشیده شده اند پس کسی که آن وقت را درک کند چشمش روشن باد.

زمانی که حسین علیه السلام کشته شد شخصی در میدان حاضر شد در حالی که لشگریان اهل کفر در جایگاهشان بودند، پس آن شخص فریادی بر آورد به طوری که تمام را از هر گونه حرکتی باز داشت، پس به آنها گفت:

چگونه فریاد نکنم و حال آنکه رسول خدا ﷺ ایستاده گاهی به زمین و گاهی به حرب و جنگ شما نظر می کنند و من خوف دارم که خدا را خوانده و اهل زمین را نفرین کرده پس حق تعالی ایشان را هلاک کند.

بعضی از لشکریان به برخی دیگر گفتند: این انسانی دیوانه است.

توبه کنندگان در بین لشکر گفتند: به خدا سوگند ما برای خود این کار را نکرده بلکه بخاطر رضایت و خشنودی پسر سمیه سرور جوانان اهل بهشت را کشتیم.

پس بر عبید الله بن زیاد خروج کرده و کارشان به آنجائی رسید که رسید.

عرض کردم: فدایت شوم: این فریاد کننده چه کسی بود؟

حضرت فرمودند:

ما نمی بینیم او را مگر جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام و همین قدر بدان اگر از خداوند اذن می داشت چنان صیحه می زد که جملگی قالب تهی کرده و روحشان به جهنم روانه می شد ولی مهلتشان داد تا به گناهان خویش افزوده و عذاب الیم و دردناک را بر ای خود فراهم کنند.

عرض کردم: فدایت شوم، چه می فرمائید راجع به کسی که بر زیارت آن حضرت قدرت دارد ولی معذک آن را ترک می کند؟

حضرت فرمودند:

وی عاق رسول خدا ﷺ و عاق ما بوده و به امری که باید به آن توجه می کرد استخفاف نموده و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال ماوراً حوائجش می باشد یعنی نیازمندی هایش را بر آورده می کند و آنچه خواسته اش می باشد را کفایت می کند و و نیز زیارت آن حضرت رزق را به بنده جلب کرده و آنچه را که باید وی خرج کند برایش باقی می گذارد و گناهان پنجاه

سال او را خدا می‌آمرزد و پس از زیارت شخص به اهل خودش باز می‌گردد در حالی که هیچ گناه و لغزشی بر او نیست مگر آنکه تمام از نامه عملش محو می‌شود و اگر در راه فوت کند فرشتگان بر او نازل شده و غسلش می‌دهند و دربی برایش به طرف بهشت گشوده می‌شود و روحش از آن داخل بهشت می‌گردد و اگر سالم ماند دربی که از آن روزی وی فرود می‌آید باز می‌شود و به هر یک درهمی که در این سفر و زیارت صرف کرده ده هزار درهم برایش منظور شده و آنها را بر او ذخیره می‌کنند و وقتی پس از مرگ محشور شد به او گفته می‌شود:

در مقابل هر یک درهم، ده هزار درهم داری که حق تعالی برای تو آنها را ذخیره کرده است.

پایان کتاب ترجمه کامل الزیارات تصنیف ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی رحمة الله علیه بدست ناتوان سید محمد جواد ذهنی تهرانی در روز یکشنبه هفتم ماه ذیحجة الحرام سنه یکهزار و چهارصد و هیجده هجری قمری نزیل قم المشرفه و از خداوند متعال تقاضا دارم که آن را خالصا لوجه قبول فرماید بحق محمد و آله الطاهرین آمین یا رب العالمین.